حمزه بزرگ

جلد

زنجبیل اکیر بازیانه
اوجاغری بال
١٥

٨

تحفة الحرمین مجذوب کلمتی فیروزنامه

نمنجه فتحی خیراباد

خبرتیه

ط

و

بسم الله

یا قریب یا مجیب یا سمیع الدعاء یا لطیف لمن یشاء
رد علی نصری اللهم صل وسلم علی سیدنا محمد وعلی آل محمد
عدد داء ودواء

بهر نماز فرض عقبنده اوچ کره اوجنه نفخ ایده ایدوب گونده سوره

8

3

بسم الله الرحمن الرحیم

ای بیت حرام صحن عفو انام مقام — وی باب سلامی مدخل دار سلام
ای حلقهٔ نام شریفی مستلزم عفو — وی زمزمی صفوی شوی عصیان انام

شکر منت حضرت منعم بی علته که ماصدق کریمهٔ ان اول بیت
وضع للناس للذی ببکة مبارکا وهدی للعالمین • اوزره
سرای جهان آرای کعبهٔ معظمه یی زمین دلنشین بکهٔ مبارکه ده
خواستکاران استحکام ارکان ایمان ایچون تمهید ایدوب گم شده
گان بیابان عصیانه وسیلهٔ هدایت ایلدی مثنوی کعبه
نا گشت که روی نیاز • سوی وی آرند بوقت نماز • سجده که
آن باشد مسجود حق • معبده آن باشد و معبود حق • گشته مکان
حرم کبریا • کرده خدایش لقب ام القری نثر وقطار قطرات
سرشک اشتیاق افزون حمد وثنا جناب وهاب خفی الحکمة که
بر فحوای نظم کریم ولله علی الناس حج البیت من استطاع الیه سبیلا
خوش نشینان ممالک اسلامی ضیافتخانهٔ عمیم النوال محترمه

دعوت

دعوت • وبر موجب وحی قدیم ومن دخله کان آمنا
مائدهٔ امان وغفرانی نهادهٔ پیشخوان عنایت ایلدی
مثنوی کعبه کر نوکر همه دلها ره است • جزو وی از اجزاء شهر
یمین الله هست • جوهر آیینهٔ دلهای وی است • کوهر کنجینهٔ
دلهای وی است سر دعقد اللال کرانقدر صلوة وتحیات
نثار خاکپاک سلطان سریر لولاک اولسونکه ابر ناطقهٔ کوهر
بارلرندن صدور ایدن بین قبری ومنبری روضة من ریاض الجنة
حدیث شریفی ایله پیراسته اولان کلستان مقدسی رحمت
یافتهٔ کلکشت زیارت اولنلر من زار قبری وجبت له شفاعتی مصداقنجه
کلچین نهال شفاعت • وخارزار کارفرمایان درخت ازاده
استراحت اولورلر قطعه سید اولاد آدم جبرئیلش خوانده
نام • رحمة للعالمینش حق تعالی ساخته • آل واصحابش که باشند
اختران چرخ دین • بهر ایشان لطف از حق مهیا ساخته سر
وتحفهٔ کمیاب دعا اجابت درقفای داور دین • پادشاه
روی زمین • تاجدار عالی کهر • شهریار عالم پرور • خورشید
افق سلطنت • کوهر بازوی معدلت • خسرو کامبخش • صاحب
قران عالمکش • ابو الفتح والمغازی • سلطان محمد خان غازی

ابد الله و ابقاه حضرتلرینک بر داشته پای سریر معدلت
مصیرلری قلنمق سزادر که آثار حمایهٔ علیهٔ ملوکانه لری ایله
راه رحمت پناه حرمین شریفین غائلهٔ بیم رهزناندن
ازاد نظر همت جلیلهٔ خسروانه لریله رهروان بیت خدای
امن و اسایش آماده در قطعه عروس کعبه که ام القرای افاقست
وظیفه خوارئ او و قبیلهٔ اجداد جهانجو صفحهٔ تقدیم برزخانه شد
جنان حمایهٔ او سایهٔ فلکند بلاد مدام گلشن عرش بهار و حرم باد
بروی دولت وبخشش نگاه بدم باد سبب شرشح سحاب قلم
بگشتزار مرام و اغاز سخن در عزیمت راه بیت الحرام
قاعدهٔ کتیبهٔ حبال بوطریق اوزره ترتیب قوافل مقال
ایدرکه زلال صاف سرچشمهٔ رسالت علیه الصلوة والسلام
حضرتلری منبع الحیات مکه دن سیراب تشنه لبان ایمان
اولمغیچون جانب مدینهٔ منوره یه هجرت بیوردقلری تاریخدن
برجو لآب دوازده برسنین مهر و ماه ایله کشتزار روزگار
اوزره بیک سکسان طقوز کره دورایلدوکی سالده برقع
کشای شاهد نوخرام بیان اولان نائی ناتوانک آثار
جاذبهٔ الطاف الهیه ایله روزنهٔ سویدای دل سودازده سی
مهب

مهب هوای حجاز • و بساط صبر دارانی برچیده دست شوق
شوق راحت کدازی اولمغین نظم شوق حرم در دلم
جوش زد • کوکبهٔ عشق ره هوش زد • آبلهٔ پایه ازان چشم سر
کونلکشو دست دران کونظر • مضمونی رخش توسن تند
خیز شوقه تازیانه اقدام اولیجق اولاجناب ولی النعم
دستور هم • پاکیزه نژاد • منیر ضمیر نهاد • دستور والا گهر
فاضل افاضل پرور • داماد شهنشاه عالمکیر • مصاحب
مصطفی پاشا حضرتلرینک اذن عالیلرندن صکره اوصاحب
عروس انصاف حرمین شریفینه سیاقنده مدایح جمیلهٔ
خسروانه حاوی بر قصیدهٔ شوق آمیز ایله استعطاف
مکارم پادشاهی اولمغین مراحم همایون کامبخشلری
جلوه کر موقع ظهور اولوب مهام طریق مرام محافظ مصر
وزیر کاردان عبد الرحمن پاشا حضرتلری جانبندن ترتیب
اولنمق بابنده خط همایون سعادتمقرون ضمیمهٔ احسان
ابدان بیورلمغین کنجینهٔ حوار امکان اولدیغی قدر
لوازم طریقه مباشرت اولندیغی حالده زمین دلده بر
تخم آرزو سرزده اولدیکه وقایع احد شدیت الحرام که

منظور نگاه رغبت خاص و عام در بو بنو صورتنمای مرآت
ظهور اولدقجه مشاطهٔ خامهٔ ظرافت نگار زلف خم در خم
سلسلهٔ سطور عنبرین ایله پیرایه بخش رخسارهٔ
لوحهٔ آثار اوله تا که سن مثال کعبه یا نور دیدهٔ عشاق
گوردن جمالکه مشتاق کوردمین مشتاق مصر و فقنجه بو شاهد
نوخرام کوچهٔ ملاحتک کرشمهٔ نهفته ایله دقایق حسن و
اداسیه و شیوهٔ نانموده ایله روش خاطر ربای اولدن
نائل وصال حرمین اولنلره وسیلهٔ شوق جدید و حسرت
کشان عزیمته مایهٔ تأکید اولمغه دریوزه کرد دریچهٔ عرفان
یعنی نابی بیرنان بیانه دخی سقاطهٔ نواله دیدن
فراموش ایلمیه‌لر بنابرین فاتحهٔ عزیمتدن خاتمهٔ عودته
دک چشم گذار اولان اماکن متبرکه‌یی و پیچیدهٔ منوال
ایام و لیال اولان مناهج نوظهور وقایع معتبره‌یی دقه‌جه
خامهٔ عاجزان ایله بافتهٔ کارگاه بیان قلنمغه شروع
اولنمغین تسمیهٔ تحفة الحرمین تمغازهٔ رواجگاه اشتهار
قلندی رجای دائم و امید صادق بودر که حضرت غفور
گنه بخشا بو بهانه ایله مسودهٔ جریدهٔ سیئاتمی قلم عفو و مغفرت

ایله

٧

ایله بیاض ایدوب حدمت اوصاف حرمین شریفین برکاتنده
رهروان جان شرک تخت روان جهار پایهٔ بدن ایلدکده
مرافقت مشعلهٔ ایمان کامل ایله رههیمای درجات باغ نعیم
ایلیه آمین نظم نیست طمع جائزه از کس مراه جائزه ام
عفو همین بس مرا میطلبم جائزهٔ این سخن از کرم و رحمت
ذو المنن کردن از اسکدار رفع خیام بسوی راه حجة
الاسلام برسیده در مکه قافلهٔ شعله بارز کهنه رباط سرای (ختران صح)
بی سقف اسماندن رفع رخت اقامت ایلدکده دهاج
رکاب انتساب مص برقدم کیم اوله جنبان ره بیت خدا
جا به اول بابکه اولورسه خانهٔ جشم سزا سر مائل آویختهٔ
گوش جان اتمکه حیتمنا بذکر الله تعالی فضای زمردسمای
اسکداردن مقیم فرخانهٔ زین اولوب قرتال نام
منزل تحریک بال استعجال اولندی مص همتم بدرقهٔ راه
کس ای طائر قدس ره که دراز است ره مقصد من نوسفرم مص
روز دوم کبیره مر بر مقدار جلسهٔ استراحتدن صکره
خلیج قسطنطنیه دن عبور السنهٔ انامده صعوبت ایله
مذکور اولملغله امواج فلکسای تشویش دریای دلده آمد

شده آگاه اولمغین همان اول کون مساعدهٔ وقتهٔ مشاهدهٔ

هوای مقرردن بوبلوغه کناره عزم ایده لم بویله بر هوا و شهر

زمره سیله ساحل خلیجه شتاب اولنوب سوهان عمر

دهرروان اولان پست وبلند امواجدن خلی آیینهٔ صورتنمای

مرادمشاهده اولنمغین مقداف توفیق ایله ساحل پرسلکه

کذار اولندی غزل مناسب مقام وکه لم بزکوزهر یاشنی

شبنمجه سنه • خنده لر اتسون اول آفت کل غنچه سنه • کیره لم

باغ وصالینه اوسرونازک • صحن فردوس ایده لم سکینی آوجه سنه

زخم هجراینی چوق چکدک اوشوخک یارک • برزمانده صره لم سینه یه

مرهمجه سنه • عمر کعبه یه درولت شاهنشهده • شمدیدن نوش ایده لم

صوای زمزمجه سنه • تابیا حضرت حق بادشه درانک • ایده ع

عمر بیزه فزون عیسی دمر مجه سنه نثر روز چارم بدرقهٔ توفیق

بلدهٔ ازنیقه دلالت اتکیچ سحب کردلرسک اولسون اهمه ده

آزاد • اولسون ارامکهک درکه اشرف زاد سر دست

آویزی ابله خاک آستان اکسیر فالنه تکیه کاه جبین نیاز

قلندی • اسکی شهر نام قصبه بر نمونهٔ اتشک کرم عشاق

اولان کرمابه بی کلخن قدرنده کرد راهدن تطهیر ایدیع

عادت رهروان اولمغلیع یارب اسکلی شهره یکی عادت
اولمسون سیحو ابنای سبیل ایله اول آب سبیل اسا
صورتنمای نیلوفر اولوب فرو اسنده سید غازیه
نهضت اولندی هر کوه سربلند او زره رخام تراشیده
مجلادن مینی وجلای احجار جواری آو بنرکش مراتدن مستغنی
تکیه عالیشانک رسمی مصنوعی وطرح مطبوعی شکست
آور اندازه اسمان بیجای افکار رهر زبین مهندسان
اورنکار دره خصوصا میان قباب حباب تمام مدفن
سید غازی اولان قبه فلک موازی که طایر نکاه رفعت
کنکره سنه پرواز محالدر پیموده انداز نکاه حیرت قلنوب
مزار فیض بارلی زیارتی ایله دیده دل تنویر اولندی
آوج شهر قصبه سنده قطب دایره شیخ محمود حیران حضرتلرینک
سب باقیا خانقه عالم حیرتده همان هر کلی نکه بواسراره
حیران الجوع سر مضمون نقش کتابه سی اولان آستانه عالیسی
وسید نعمة الله نجو انی حضرتلرینک زیارتی اولنوب
بتخصیص لطایف مشهوره محتمل الصدقی هو ائر افاقی
نمودار قلعه قهقهه ایلیی خواجه نصر الدین علیه الرحمه

زیارت خاک زعفران خاصیت خنده فرماسی ایله اکتساب انشراح
درون اولندقدن صکره میان کوه بهشت شکوهده واقع وادی
خاطرربا اولان قصر ارم نمون که سلطان بهشت مکان
مرادخان غازی طاب ثراه حضرتلرینک عزیمت فتح بغداد
اثناسنده شیخ الاسلام عالیمقام یحیی افندی ایله سایه
انداز تشریف اولدقلرنده هوای خاطرزداسی کاخ روب
ضمیر شهریاری اولمغین نزهت نشیمن گستر طراوت و
حوالی روح پروری متضمن نونهال روضهٔ سلطنت
ایله صفحهٔ جدارین تزیین بیورمشلر بیت سلطان مراد
بهشتدن قطعه در حقا که بو عشرتفزا مأوی • بوکا داخل
اولان مرده اولور ذوقی ایله احیا • مرادی فتح ایرانه قچلک بکم
کندی بغدادم • تنعم ایلیوب ایچدک بو کوثردن شراب آسا
غزل یحیی افندی زهی جای فرحبخش صفاگستر حیات افزا
بناسندن بیه بر مرغ اوله بو چرخ طوطی کبی گویا • بهشتک
قطعه سیدر دیدم ولی رشک بهشت اولمش • قدوم پادشاه
ایله بو نزهتگاه بیهمتا • صوین کوثر چو نظمنده گهر اولمش
عادل • خوش پاکیزه نظم و جانبخش و حیات افزا • الهی حضرت

سلطان مراده عمر سرمد ویره • مسیح اداله آنی دائما دنیاده حافظها
دیه اخلاصله یره بشر کوکده ملک آمین • دعا ایدیجی اول شاه
جهان صدقله یحیی سز یحیی افندی مرحوم بطریق النظیره بو
بیج بیتی جاننده دست انصاف نهاده سینهٔ تحسین ایتمشدر
اول کوشهٔ دلارا تماشاسی ضمننده روح شریفلرینه تحفهٔ
کمیاب دعا اهدا اولندی • التعیین ولایتنک منزللری دخی
ضمیمهٔ منازل مطویه اولندقدن صکره دار الملک یونانی
زمین • ومسقط رأس افلاطون خم نشین اولان شهر
قونیه که ذره ذره خاک عطرناکی اجزای ابدان اولیا
وقطره قطره آب فیضناکی سرشک خونین اصفیادر خصوصا
مستغرق دریای عرفان • بالانشین انجمن عاشقان • بلبل
رنکین نوای کلستان حقیقت • وطوطی دستان سرای
شکرستان طریقت • نخلبند کلشن هواشکن مثنوی •
پرده شکاف دقایق صوری ومعنوی • شهریار ممالک ارشاد
تاجدار سریر رشد وسداد • مرهم سینهٔ دلسوختکان • آرام
خاطر سوداز دکان • پیشوای اصفیا • مخدوم اولیا
حضرت مولانا جلال الدین رومی قدس سره العزیز.

حضرتلرینک شوق ناصیه سایی آستان بهشت نشانلری

ایله بو سبزهٔ نوخیز مزرعهٔ دل وسیلهٔ اذن دخول

قلندری نظم دیرزنت طومؤبد مکلل مولانا ایدر جبینه

منیر استان مولانا لباس خطوط کرا بروانی شوقندن اوسجده

ناصیه سا عاشقان مولانا رواج تحلی جواهر میدر نظرلری

صفای خاک جواهر فشان مولانا بو اوراق بلبل بیکانه رخصت

فریاد نعیم قربده در کلستان مولانا هزار مرتبه در بار

کاه عزتده بزم قصور بیردن نشان مولانا انک مقامنه

اولماز رسا طیور خرد کنار عرشده در اشیان مولانا دکل

بو عزت وشان شیخ جهانه شبیه حضور حقده اولان عزوشان مولانا

بوده ره بکز مز آیین ور دیکر در سماع وحدته در زمان مولانا

سلالهٔ شرف خاندان صدیق وجود با که کرامت نشان مولانا

خلیفه زاده دو شهزاده دینه زاده رتبه در شرف در دهان مولانا

تولد جواهر ایله اولمشنوی مملو کلید کنج حکم در زبان مولانا

نه مثنوی در شاهوار بحر فیض نه مثنوی جمن بیخزان مولانا

نه مثنوی که شفاخانهٔ هدایتدر کشیده نعمت بی امتنان مولانا

نه مثنوی که اولور مصرعی سنابلسن کنج هر باب معانی نشان مولانا

سطور اسطر صف اسنان قلم تحقیق
نه فیض موج مروجیم بیلدراندیو مولانا

کورن

کورن کتاب حکمت سنج فیه ما فیهی • بلور که حق بیاندر بیان مولانا
عروج سبع طباق سپهر معنایه • سطور صفحهٔ سیدر نردبان مولانا
مکر خلیفه و اقطاب فهم ایدر انجم • زبان تازهٔ جاندر لسان
مولانا • ویررسه جلوهٔ معنایه اشهب تحقیق • خدا بلورکیم اولور
همعنان مولانا • ره حقیقته بصلدی قدم بوایدی امید • کادولم
جبین زهر آستان مولانا • خدایه شکر نصیب اولدی کم ببل
نکهه کل مشاهدهٔ بوستان مولانا • خوش استشعر ره آورد
رهبر تحقیق • زیارت حرم عرش سان مولانا • امیدی شمدی
بودر نابیٔ سیه کارک • کانجون ایلیه لر دوستان مولانا
کنار دفتر دلده بوکونه نامه قید • کمینه خاک در خاندان مولانا
مقالیع وسیلهٔ اذن دخول ایلدکده استقبال امواج
روحانیدن دیده و دل آشنا وردریای دهشت و حیرت
اولوب تاب شوق ایلمیجه دل سنکیننکی موم • نجه مملکی
کادولسن نائل بزم شه روم خطابی زبان قندیل مه
سیماسندن خانقه درونه آتش صالمغین برحدث داور
حیرت مملکت دلده حکومت ایلدکدن صکره ینه اعانت فیض
خوش بختی ایله سرمایهٔ اندک شعوره دسترس میسر اولیجق

بیکسجانیله خریدار طوق مرقد نور آمیزلری پروانهٔ نوره ::
نکاه بالای سر شمع مزارلرنده وقف کردش فلکدی حقا
بر قبهٔ رفیعهٔ کردون نمون که عقدهٔ ثریا آویزهٔ کردن
کنکرهٔ برآج دنوک کنکری بر میل سرمهٔ دیدهٔ سکان سبع
طباق در زیر قبهٔ جلالت دستکاهدن مجد کنبد و ارکی • و
بدر عالی کهرلری حضرت سلطان العلما بهاء الدین
حضرتلرینک آسایشکاه خاصه لری اولوب طاق قبه ایله
بازو بباز و اتصال اولان طاقلر سایه سنده فرزند ادیب
والانژادلری سلطان ولد • وبینه کناره نشین خوان
نعمت ولایت اولانلردن سکه دار خالص العیار ضربکاه
معنی ومذهب سر صفحهٔ نسخهٔ هدی صلاح الدین
زرکوب قونوی • وشمشیر بر تیز بازوی توفیق سر فرو
برده نیام تحقیق حضرت چلبی حسام الدین • وسائر
اولاد واحفادلری آسودهٔ خوابکاه رحمت پناه مزارلری
اولوب کندی زبان کوهر فشانلریندن زیور آغوش
ظهور اولان کلام حکمت نظام اوزره پهلو زن بستر ::
راحت کستر خاک اولمه لری پادشاهانه واقع اولمغله سائر

مراقد اولیای کرام قدس الله اسرارهم گویا زیر قبه ده
ترتیب جیوان ثریا نظام اتمشلردر. بعده صدر الصدور
انجمن حقیقت مرکز دوائر برکار طریقت داور قلمرو معنا
دست برده سرمایهٔ هدی رهنمون کاروان عالم
علیینی گنجور خزانهٔ دار الملک یقینی جناب شیخ صدر الدین
قونوی قدس سره حضرتلرینک دخی لسان بدیع البیانلرندن
مترنم نشیده چار بالش حیوة اولمز امیرانه. و غنودهٔ خوابگاه
ممات اولمز فقیرانه اولسون دیو صدور ایدن مقال حکمت
اشتمال و فقنجه بالای مزار عطر آمیزلرنده مانند مجمر مشبک
چوب تراشیده دن ساحته بر قبهٔ قفس سیما واقع اولمشدر که
طائر گلشن افلاک اولان روح لامکان پروازلرینک
کالبدی آرامگری کنج قفس اولمشدر. مصنور صدر نشین
مدرسهٔ شهود ایکن ناطقهٔ سامعه پیرالری مفتاح الغیب
گنجینهٔ حکم اولدیغی دار الافادهلری خزائنی بر زر و سیم
کبارلکا نسبت گلخن بر خاکستر بیته. و معادن جواهر
آبدارلکا نظر او رام صدورن بدتردر. و آنک طبقهٔ
فوقانیسنده واقع کتبخانهٔ رحمتنشانلری که

حفظ ایچون نسخهٔ مجتبکی • ایلدم چاک سینه می ولابسر نحو اسنجه
حاوی بر نخهٔ ولاب مخصوص جناب کرام لرینک میزاب ماء
الحیوة چشمه سار دل الهام آثارلری اولان خامهٔ عنبر افشانلرندن
چکیدهٔ صحیفهٔ تألیف اولمش اسرار قدسیهٔ الهیه دن
مملو نسخ معتبر ایله مالامال اولدیغندن غیری • قطب ربانی
فاضل صمدانی • شناور بحر اسرار • غواص لآلی افکار
پیشوای واصلین • رهنمای محققین • شیخ محی الدین عربی
قدس الله سره العزیز حضرتلرینک کالای کارگاه اتقان
و محصول مزرعهٔ عرفانلری اولان کتاب سعادت نصابلری
فتوحات مکیه که بالجمله جناب ولایت پناهلرینک قلم
فیض بارلرندن او توز درت مجلد اوزره کشیده صحیفهٔ
بیاض اولوب وهر جلدینک خاتمهٔ شریفه سی کندو اسم
سامیلری ایله اسفار شویدن اوراق تبییضه نقل
بیورد قلرینده نائل دولت مشارکت مقابله اولان عزیزک
نام نامیلریله ختم و تذییل بیورب مجموع مجلداتی آرزوی
دولت حفظیله آغوش خزائن جنت حمیازه کش حسرت
اولان برصندوقده جایگیر • و آول کتابخانهٔ علیه نک

بر دولابنه

برحولا بنده تقریر اولنمشدر که حتی سلطان الاولیا و
برهان الاصفیا آفتاب فلک ولایت نشانگاه
سلسلهٔ سبحهٔ سیادت قاید الجیش روحانی عبد
القادر گیلانی قدس سره حضرتلرینک شمعهٔ ضیا
بخش انفاسلرندن بو مقداری بلدکدن صکره بر دفعه
دخی بر توجه اسرار رمز الجمع افروز حقهٔ اندلس اولمغ
مرسوم بروازجوانخانه انلردن صدور ایدن کلام
کرامت نظام و فقیر خرقهٔ لطیفه لری علی طریق التوصیه
هر ابدان خلفاء قادریه ایدرک سن اوکه باقیسر و
کوهکلندن واصل گلدستهٔ سرخشوع اولوب دست بدست
و فقیر شیخ محیی الدین عربی حضرتلرینه واصل اولوب
جناب شیخ محیی الدین دخی پوشش حیاتدن تجرد بیور
بیوردقلرندن صکره جوانخانهٔ معنا شیخ صدر
الدین جنابنه البسه اولنمغیه حالا صندوقیله
مضبوط کنج کتابخانه لریدر رحمه الله تعالی اول
نسخهٔ شریفه و اول خرقهٔ لطیفه نک عبیر گیسوی
حوران بهشته راجح اولان غبارلری توتیای چشم افتخار

کلام بیوز

قلندی • ارکلی قصبه سنده یتشر واصحاب قبول الشیخ شهاب
الدین مقتولک خاک خون آمیزی مرهم سینهٔ اعتبار
قلندی • نمونهٔ اشک کلکون حسرتیان قزل ارماق
کنارنده واقع شهر ادنه یه بر کون تخلیهٔ خانهٔ زین
اولنوب دل سنکین خوبان جور آیینیدن نمونه رخام
جلا داده آیینه سیما ایله بنا اولنمش جامع مشهور بی
نظیرینک ثنا سنده صورت انشراح مشاهده اولندی
السنهٔ نقلهٔ اخبار ازمنهٔ سابقه ده جاری اولدیغی
اوزره حضرت دانیال علیه السلام چاره جوی موش
بی درمان آرزو وسیله اجزای نسخهٔ حکمیه استقصا ایله
صحرایه شتاب اثناسنده روح الامین کوشهٔ جناحیله
نسخهٔ حکمیه انداخته ٔ آب ایتدوکی محل اولموع اوزره
شهر شیاب اولان جسر مسیس کذر اولندی • هواکی تب
فرماسنه نسبت آه کرم عاشقان نفس زمهریر اولان
بیاس قصبه سنده بر کون کرمی هوادن لب دریا صفت
کف زنان • ومبتلای مرض صولوغان اولوب سنبل
صفت نفس سوخته ودود کبود ایله بقراضه عزیمت • اندن

انظار قبه

١٠ انطاقیه یه نهضت اولندی • روس جبارت شاهقه یه آغوش
استحکام صالمش حصار وسیع الارجاسی که بیک جزؤ
برکونده حوالیسی دوره عدیم الاقتداردر • ربع ربعی
مقداری الجوع مسکون • وبقیه سی بازیچهٔ نوع انسانه
اولموش غائله سندن مصون بر شهر اعجوبه در • میانهٔ شهر
واقع معمورهٔ رهبانلی اثاره • جناب حبیب نجار حضرتلرینک
مشهد رحمت امیزلری زیارت تشنه دلان • مانند اب عاصی
جریان ایلدکدن صکره اوچنجی کونده شهر حلب الشهبا
منظور چشم شوق بیما اولموش میسر اولدی ذکر رسیدن
بدیار حلب واقعا بلدهٔ غریبهٔ حلب • بر معمورهٔ بو
العجبدرکه رواق بنیانی کلاه افکن نظاره کنان
وطباق قصوری محیر فرجای باصرهٔ تماشا بیاندر • طاق
ابادینه قوس فلکدن فراخ ودلنکین • طرح قواعدیه
کاخ بهشت قدر دلنشین • نقش رخامی حیرت بخش
صورتکران دیر اوهام • وفرش رخامنه پابرهنه
خرام • لطافت حیاضی جیع رسائل نواصح رحیق و
تسنیم • ونزاهت ریاض مستغنی که آمدشد کاروان نسیم

جوامع ومساجدی چهار دیوار نوع وزوایاسی بیگانهٔ حد وشمار

خصوصا جامع کبیر بنک جوار قبلیسنده مشهد رائسر مبارک حضرت

زکریا صلوات الله علی نبینا وعلیه که هنگام زیارتنده مشتار

حیرت دل زوواری ماه کبی دو نیم ومشام اشتیاقی نائل بوی گلزار

نعیم ایدر میان شهرده واقع خندق بعید الغور پراب احاطه سنده

بر توده مصنوعه ده مستحکم بر قلعهٔ سربکردون که غایت ارتفاعندن

ناشی افواه اهل بلاددن رسیدهٔ گوش هلال اولان قلعه نک صیت

وصداسی سماکه نه نارسا وبالای برجنده اتیلان طوب

رعد آشوبک صداسی گوش سماکه شهره وبتشمک خیلی معنادر حصوصا

اسنه دانا مده نظیری مستور بر ده ابهام اولان خانقاه نزهت

بناه شیخ ابو بکره میاقباب بیجا ابنده سرکشیده اولان

سرو ارباب امتناع مثالنده اولان حال دساحه راحت

بخش سنده اولان حیاض مالامال ادعای رجحان آب حیوان

ایچون بط زلال مقال ایمده در گاه شهردلاصاح دکاه

مائر دوح بخش ده ایام عشرهٔ کامله تکیه زن اولوب وساره ده

استراحت اولدقدن صکره ذکر عزم فقیر بسوی وطن

نظم سینه بی محزن شوق ایکد سودای وطن چشمی بیگانهٔ

درمدح خانقاه

خواب

خواب ایتدی تماشای وطن • قالدی کارکه دلده متاع آرام
اولدی غارتزدهٔ پنجهٔ یغمای وطن • دار غربتده غریب اکدوکی
دمده وطنی • دل کبی جانان جانلی تنه تن پیرهنیدر مضمونی
ناصیهٔ حالده پدیدار اولمغله عنان اختیار ربودهٔ دست شوق
ونالهٔ اشتیاق صدای جرس ایله هم آغوش قلوب پرورشگاه
جسم عجز پناه اولان رها جانبنه سوق مطیهٔ شوق اولندی
بیت چنان بشوق خرامان شدم دران کشور • که سوی حجله
شتابان عروس بود آدم • میانهٔ طرشیده واقع قلعهٔ بیرهٔ
الفرات داماننده نمونهٔ کاهکشان اولان نهر فراتدن
سفاین هلال سیما ایله کذر • وایکنجی کونده سدهٔ دروازهٔ
معمورهٔ وطن غربت شکن بوسه کاه پیشانی انکسار اولمغ
میسر اولدی • آرامگاه وطنده ایشان دولت جانبنه کم
بند عزیمت اولانده بر نسخهٔ خوش رنک قرطاس سفینده
اون اوج ورقه کردان اولقده بحمد الله تعالی حصول
اسباب کامرانی • ووصول درجهٔ امال وامانی ایله هر صفحهٔ
صحیفهٔ سال صحیفهٔ ماضیه دن خوشتر • وعطاخانهٔ ایزدی‌یه
توجه ایدن هر بر نعمت مقدمهٔ نعمت دیکر اولمشیکن بینه

مص یوسف که بمصر پادشاهی میکرد • میگفت گدا بودن کنعان
خوشتر مه مصداقی اوزره هر بار یاد وطن حوالیٔ کربتنهای خاطر
اولدقجه تسلسل قطرات اشک لاله‌گون دل حیرانه یه حب الوطن من الایمان
ناله سنج اشعار ایدر زنجیر جنون اولوردی بو قدر سوزش حسرتله
اول شهر دلاویزک دریچه سنه قدم زن دخول اولمق میسر
اولدقده نگار سرور معقود داخه صعود • مص و کسب رطوبتله
راه چشمدن ورود ایدوب • اگر دیدهٔ آرزو یه اکسیر اعظمدن
معتبر کورینن غبار دروازه توتیا قلنمه خروش سیلاب سرشک
قصهٔ طوفان نوحی صحایف ایامدن نشسته ایده جک مرتبه‌ده
نمایان ایدی بو حالت گریه خیز سرور انگیز ایله صحرای عدمدن
دار ابتریهٔ امکانه قدم نهاده اولدم خانه‌نک چشم دریچه سنه
غبار راه ایله دخول میسر اولدقده نسیم شوقله دریچه‌ان
سینه چاک و روزنلری شوقناک • روافلری بال گشای
پرواز صفا • طاقلری اغوش افراز مرحبا • اوراق اشجاری
سبز زبان خوش آمدگویان • سبزه ساحه سی طوطی شکرخای
تنگ بیزدن اولوب • مص رواق منظر چشم من آشیانهٔ تست
کرم نما و فرود آکه خانه خانهٔ تست • مص زمزمه سی جابجا ارسرت

اندوداندن

اندوه دیده‌نک استماعی اولنوردی خصوصا ثمرهٔ ازدواج ابدیه • یعنی اختیه
واخوریه که بیت مرا امید وصال تو زنده میدارد • وگرنه صد دم
از هجر تست بیم هلاک سر تمثیله بو قدر مدتدن بری دیدهٔ گریه روزنهٔ
راه حسرت • وتماشای موقف پیام بشارت اولوب بیت عجب کور رمیوز دوار
رو به بر دوخته بو جهه • قالورکیدرا وغریب الدیار کلمی سر نالهٔ شکن دمساز
اه وانین دل حزین اتمکله بیغولهٔ تشنه اولدقلری حالده بو سوزشر
آزمای آتش فراق دوز دریچهٔ چمدن صورت تمنای وصول اولدقده
هر مدت نه بر هجوم حیرت ایله نمونهٔ صورت جدار اولوب ع اینکه می
بینم به بیداریست یارب یا بخواب • مضمون منظوم لسان حال ایدرک
بمیح دشمالکده اغوش حسرت برین حمایل کردن جسم نزار ایده‌کلرنده شمهٔ
معجون مفرح وصال روحی جمله‌یه دنک ولال ایدوب قافلهٔ شعور دشمانهٔ
حیرتله برنجه دفعه آمد شددن صکره احراز استشمام رایحهٔ انس قدیم ایلیه
رباط پنج کوشهٔ حواسده استقرار بولیجق حرفیندن کالای دراز ماجرا
استماعیه پیشکش بای تلاقی قلنمغه آغاز اولندی فحمداً ثم حمداً ثم حمداً
حضرت قادر علام جملهٔ اقدام کاه بیغولهٔ حسرت مشاهدهٔ صورت
مطلوبیله فائز المرام • وحقه زهرا به کش نکربت دغدغهٔ کردش کاسهٔ
مراجعت اوطان ایله شیر سنکام البیه کوییا اول حیوم مشرت آمیز
مرقع ایام حیاتده بر مجلس مصوره یا نسخهٔ تمکیلی زندکانیده بر مجلس
معتبر اولدیکه اول هنکام دل اراقده پیمانهٔ خاطری لبریز ایدن
نشاطک تحریر کیفیتی خامهٔ مستانه خرامه حرام • واول روزکدر
سوزه تلاطم ایدن امواج انبساطک تقریر کیفیتی تصویر سلام اوهام در

مواصلت جسمانیه‌دن نشئت ایدن ذوق روحانی ایله کاه مکالمهٔ
سرگذشت ایام فراق • وگاه مذاکرهٔ مشکلات نسخهٔ اشتیاق ایده‌رک
گنجینهٔ عمردن برگون دزدیده قلندی • هنگام طفولیتده که نوآمدهٔ
شهرستان غیب اولمغله هنوز گیسوی حواسده دستمایهٔ انس روحانیتدن
بقیه بولنمغین بهرسو صرف نقدینهٔ نگاه اولندقجه چاشنئ ریاض
جهان احساس اولنان گلستانلر • خصوصا حلقه‌بند کنج دبستان
اولدیغمز زمانلرده کاه سبقداش نسخهٔ الفت • وگاه مشق نویس
عشق ومحبت اولدیغمز اطفال دامنالکه هب خاطر ضبط ایلمز بخشینه
سلطان کلک • زاغ خطوطمز دریغا جایجا هکب بلبلک بر رسمی
اوزره هر بری خط آورده گنار گلستان عذار بلکه اکثری ده شکوفهٔ
چمن رحمتت موی سفید سر دنقنجه یاسمن نمای میانهٔ سنبل زار
اولوب هپ شذ ارفنار گردان موی سفید و سبز زدی • شیری که
خورده بودیم در روکار طفلی سرنقال شرحهٔ بیان حال اتمشلر ذکر
حالات گذشته ایله اکتساب نشاط ایام شبابه بیدوک تخصیص طلسم
صائل‌کردن فقیر تعویذ مسافر منتقش اولدیغی ایامدن بری نیجه
نور رفتار سیارهٔ کوچهٔ ملاحت • ونیجه زیور روشن دایه اولان متاع
حسن وبهجت • ونیجه جنبش گهوارهٔ تعلم طرز خرام ایدن نازنین • ونیجه
افق مشیمهٔ ارحامدن طلوعه آماده مه جبینلر که هر بری بر سرو
سرافراختهٔ بوستان افتخار • وهر بری بر ماه‌پارهٔ آهو نگاه عاشق
نگار اولمشلر هپ بابسه یکوجه نام داری • واندرجه فلک مقام دار
دیه‌رک کاهی اصطلاح اسامی واجراء الریله مخصل الامان • وگاه مطالعهٔ

صحایف

صحایف جمال دلکشالری منشرح البال اوله رق کشت و کلزار • و سیر
چمن کلزار اولندی • المنة لله مقدم حقیرانه‌مزه اهالی دیار بزرک
دخی مهمانسرای قلوبده منزلگاه قدر انشراح اولوب اجرای لوازم
الفت و صحبت • و اداء مراسم اکرام و رعایت • و کشت اماکن و
سیر مساکن ده • دیار مواطن متبرکه ده هر دقیقه مستور بره رهنما
قلندی • خصوصا مایه الافتخار دیار بزم اولان رسول یزدان
خلیل رحمان • برگزیده رب رحیم • جناب خلقت پناه ابراهیم صلوات
الله علی نبینا و علیه حضرتلرینک بهترین متاع کارخانه آفرینش
اولان وجود • پرجود نمودلری زینت افزای رواجگاه امکان اولدقلری
غار که گنجینه انوار در • و شهر مزبورده مولد خلیل نامیله رسیده
حد اشتهاردر • فرش و سقف و چار دیوارلری یکپاره رخام ایله ساعد
تراشیده اولمغله طرق احتمال ترشح مسدود ایکن بر آب زلال
مثال ایله مالامال اولدیغی معجزه ابراهیمیه یه دالدر • اول غارک
جانب غربیسنده واقع مسقط رأس مبارکه‌لری مخصوص بر صندوقه
سز ایله متعیندر • اول غارک طرف شرقیسنده هم پهلو بر غار دیگر
والده مکرمه‌لری اولان نازنین مهد خلقتی واهمه تجسسات
خدمه ظلمه نمرود بدبوددن محافظه ایچون ودیعه آغوش غار
ایلدکنده فرمان قادر ستار ایله دفع مظنه اشرار • و کتمان جواهر
اسرار ایچون پیرامن دهانینه تار عنکبوت ایله ممهور قلنمشدر • و اول
طفل نودرس ~~دبس~~ دبستان کتابخانه تحقیق مقتضای استعداد ازلیه
ایله نسخه نه ورق پیروزه گون گردنده مرتسم اولان جز و بزرک

لفظا

والحمد که استکشاف مطلوب حقیقی ایچون قرعه انداز تفحص
اولدقلری حالده مرسوم لوح جبین ستارکان اولان داغ اقوار
مانع قبوللری اولمیوب فاطر السموات والارض جنابنه توجیه وجهه
عبودیت بیوردقلری اماکن هدایت انگیزک غبار رهنک عیار ربد
تنویر ابصار اولندی • و بینه اول شهباز بازوی عنایت آشیانه
کف منجنیقدن میان آتش نمرود پرواز ایلدکلرنده فیض نما نخلی
باغبان قدرت قامت زبانه‌ها لاکشن نائره الباس جامه گلزار ایدوب
چکیده زبان پیرایه روات اولدیغی المزره اول مکرم مهمان شهر
ابتداعی زنه • آغوش آتشده جای ساز اولدقلرنده چشمه زانوی
مبارکلری تقبیلی ایکه نازنک بهشت برین اولان قطعه زمیندن
فوران ایدن آب حیات بخش که برودت سلامتی ثبوت یافته
بوستان نظم کلمیدر • حالا حوالی منبعده ساخته معمار رحمت
اولمش بر حوض عظیم طولانی که احد طرفیندن اولان کمرنک
تشخص ذاتندن پر چراغ اشتباه مرتفع دکلدر • اول آب زلال
مثالک تحقیقی اوچ نیزه دن متجاوز ایکن هنه کمال صفوتندن تا نشی
ریه آب چه اولان رمال اناملی انظار رایه شمار اولنمق مرتبه ایلمانندر
اول حوض موزون درونده آب سیمگون اوزره سواد منزلرنده
اولان خوش‌نمون ماهیلر که بر چراب نمایش اندامل بینه حجاب
اولمیوب کنار حوضدن گذر ایدن زوارک قدومنه صد هزار ایکی
بردن شتاب ایدوب خواهش نابنا نه ایچون صورت سؤال حالده
مصـ بوس لب مهوشان اکلمز هرکز • بوس لب نانده در سپهر یله

شراع مضمونتی اجرا ایدرلر اول حوض خاطرکشانک جانب غربینده
سایهٔ حصارده برتکیهٔ فردوس نمون که نشینلری مجلس مصورکبی
صحیفهٔ پیروزه گون اب اوزره کشیده وکنکرهٔ زراندودهٔ قبابی
معقر فلک اثیره رسیده در بیرآمن حوض صفا آیینده هنوز آثار
گلشن صحن شکن ابراهیمیه دن باقی اشجار ملتفهٔ سایه فکن ایله
مرتبع والی الان زمینه کننده تینه باغبان اولدیغی نیجه نیزه مقداری
مقداری خاکستر ظهوریدر اول محلده صحت وقوعی مبرهندر واول سر
چشمهٔ عهدانک حصار شهردن بیرون اولدیغی مجرا سنده واقع
ریاض وجوامع ومساجد وحوانیت بیوت وطواحین ومغاسل
وقهوه خانه لره ایصال فیض ایدیکندن ماعدا بیرون شهرده نیجه
حدایق بیحسابه افاضه سیله نخیلمدر واول جوی کدرشونک
جانب جنوبیسنده واقع ذروهٔ کوه کردون شکوه اوزره سر
افراخته اولان قلعهٔ فلک رشک فرازنده مهندس بنیان کفر
وضلال معلم دبستان مکر واختیال ابلیس علیه اللعنه نک ریختهٔ
قالب ابداع ایلدوکی ایکی قطعه احجار تراشیده دن برداخته منجنیق
منارهٔ سماکه کویا نمرود بدبودک نفی ادعای باطلی ایچون صورت
لاح نموداردر ویا خود دوش ضحاکده ایکی جم مار مغزخوار درکاه اول
مصانع بوالعجب مطالعه سیله صحیفهٔ دلی تختهٔ تعلیم وقایع روزکار
قدیم وکاه اول نزهتکاهه کدر فرسامش عهده سیله استیفای
نشئهٔ ذوق تعلیم ایده رک شمار ایام استراحت درجهٔ تخمینی
تجاوزدن صکره قامت کوتاه وصال تندبیر لیلی فراق اتمکه

قریب اولوب آرزوی صدای درای راه حجاز انجمن دلده نغمه آغاز
اتمکین ذکر نهضت ز وطن بسوی حلب للمؤلف کلک کوکل عزم در
بیت خدا ایلیه‌لم • سعی ایدوب مروه یه تحصیل صفا ایلیه‌لم • ایشمز
ایلیوب الشوق جهانده مولا • تا ودان ذرک اکتنده دعا ایلیه‌لم
عرفاتک سوره‌لم خاکنه یوز ارکوزلر • سرخ روی اولمغه اکسیر رجا
ایلیه‌لم لب لبنک زن و چشم سرشک افشانی کوچهٔ خواهشه رحمتده
کدا ایلیه‌لم • کاسه کاسه جه زمزمدن ایچوب آب حیات • جان بر
علتی بر بر شفا ایلیه‌لم • الا لم کوهر رحمت ویره‌لم نقد کناه • دلی
سود اکر بازار منا ایلیه‌لم • باب سلطان سرا بر هر کر لولاکه وارب
قدیمز بار تصرع علاجرتا ایلیه‌لم • ویره‌لم روضهٔ پاکینه صلوتیله سلام
علتیه جومه شفاعتیله شفا ایلیه‌لم • اوله‌لم خاک در روضه سنده
ناصیه سا • جبهه مز مشرق خورشید هدا ایلیه‌لم • کجوب بنده لری
دفتر بینه نامزی • سرلمیز حشره زیر لوا ایلیه‌لم • دفتر جرم یاقوب
ایلیه‌لم خاکستر • نا بیا آینهٔ قلبیه جلا ایلیه‌لم • مقالیه زاد راه
شوق ایده رک بر صبحدم رها یافتهٔ آرامگاه رها اولوب
طراز دامن سواد بیرهٔ منزله سنده اولان نهر سرخ فام فرات
پیچیدهٔ اقدام سفیه بی ثبات قلندقدن صکره بیم رهزنان عرب
راه راستدن انحراف سبب دلمنیع حسن سیما ولطف آب
وهوا ایله عروس عربستان اولمغه اوزره شهر شباب اولان
شهر عینتابه شتاب • واوچ کون مشاهدهٔ صفای جمالیله شوق
مسرت اکتسابدن صکره دیه جانب الشهباء اون کوندن متجاوز
انلمار

اتكاى وسامره اشراحت اولنديكى مص چين زلفی قدر اوطز بلا جای آرام
بعد زين اى صرآواره عليكم بشام نثر ترانه سيل حدی جمازهٔ عزم
جمازهٔ عزم اولمغين جانب شامك تشريفه توجيها مطيهٔ اقدام اولنديكى
مص يا بريد الحما حماك الله مرحبا مرحبا تعال تعال نظم ترانه سنه نمونهٔ
قوس فلك اولان دولاب محمديدن استقبال اتمكين نطاق سمينز
ميان سواد حما اولان نهر عاصی مجاربنده كردن كردونه اغوش
حمايل اتمش دولابلركه مص قنده برصاحب درونكه كوره ابكيه دل
سركشته دونر اوستنه دولابكبى نظم فقالن اداره ايله رياض چشم و
دكوشن تماشاى سيرابنشاط اتمشدر بعضی مص بربرينه كرد ير
دولابلرله آبلر غاب اولجق دونديكه دولابلر نظم مطلعنه نظيره پرداز لوح
واديسنده مص كورحما شهرين دولابلرن كوشه كوشه اكثر نهر عاصيه
مطيع اولمش دونر دولابلر نظم نظمه مقام اوجده اصول دورا اوزره
ترنم ريز اولدقجه سمكن دوران واژكون كردونه نشست
وشوقلكدر دوران ايدر مص ماحصل شهر حما بر مايه سودا ايمش
آب عاصی بيرشراب عافيت بخش ايمش نظم اول شهره خاطرك ايله جوی
عاصيدن دولاب وش روكردان وجانب حمصه عنان جنبان اولوب
نيم راهده واقع جسر راستاندن كذرا ولمغين قدوه خورشيد
فلك حقيقت مركز دائرهٔ شريعت سلطان باركاه عرفان شهد
يار قلم والقان نور چشم اوليا مشعل ضيا باش قافلهٔ اصفيا
مسندنشين صدر صفهٔ عارفين رهنماى كاروان واصلين كالا
هيمای كاركاه ابرار تنها سوار ممالك انوار جناب بايزيد بسطامی

قدس سره اول حضرتلرینک خاک عطرناک مزار فیض نثارلری بوسه‌گاه
جبین نیاز قلنوب لله الحمد جواهر سرور مخزون قلب محزونه قلمی
میسر اولوب اندن صکره سواد ویرانه نمای حمص منظور نظر اشتیاق
اولندی • حقا بر ویرانه اصورکه هر کوشه‌سنده بر کنج معنوی دفین
وهر جانبنده بر شیر عرین بیشه‌زار ولایت مکین اولمشدر • از جمله
سلطان عالمگیر سریر سیادت صلی الله تعالی علیه وسلم حضرتلرینک
جیران بهشت عنوان حلقه اصحاب کرامیلری جمنده بالانشین کرسی
اعتبار • و دار الضرب میدان غزاده سکه یافته اشتهار اولنلردن
خالد بن ولید • و سعد بن ابی وقاص • و کله ربای کنکره فلک اعظم
بیلک تیرنک رکاب سید عالم صلی الله علیه وسلم عمرو بن امیه
و بیام رنج جهان لغریب الکبز سیمای پسندیده لرین استعاره خورشید کلری
وصحبة الکلبی رضوان الله تعالی علیهم اجمعین • و رواة حدیث
نبویدن حضرت عکاشه • و عبد الله بن مسعود • و عبد الله بن عمر • و
عبد الرحمن بن عوف • و ابو موسی الاشعری • و کعب الاحبار رضی
الله تعالی عنهم بونلردن غیری عبد الرحمن بن خالد بن ولید
و عبد الرحمن بن جعفر طیار • و سید الشهدا حمزه بن عبد
المطلب خلعت بونس سرخ فام شهادتی اولان اولمشلر ایکن بیده
تلاطم جوی بار مغفرت ایزدی قامت ندامتنه لباس جامه رحمت
ایدن وحشی علیه الرحمه • و مشاهیر اصحاب کمالدن جمال الدین قطب
رحمة الله علیه مراقدنده دست دعا صحیفه سبع المثانی قلنده قدن
غیری قلعه فلک رس صعب الصعودنده واقع جامع شریفک

جانب

جانب یمینده محرابنده صحایف پوستین غزال اوزره نکاشتهٔ قلم مشکین
رقم حضرت عثماننک اولان کلام یزدانی که مع ازچشم عزار خون بر
آوریزد دانست • هر کلمه حرف مصحف عثمانست سرمایهٔ کنار اوراق
خون آلوده سنده یولیدادر • او کل حرف روی کلستان حیا رضی
الله تعالی عنه حضرتلرینک چشم درپاش تکرشناور امواج سطور بحر
قدیم یزدانی اولدیغی حالده دندان نهنک دریای قضا • یعنی دشمنهٔ
سر تیز جفای اعدا ایله بدن بهشت آرالرندن فوران ایدن جویبار
خون کریمهٔ اذا جاء اجلهم لا یستأخرون ساعة ولا یستقدمون
مسطور اولدوغی صحیفه یه الباس جامهٔ کلکون ایتدیکی دخی باشقه بر
حکمت غامضهٔ قادر بیچون ایدوکی اصحاب اعتباره نمایاندر • اول
حالت رقت خیز مشاهده سی چاک افکن کریبان جکر اولمغین بی اختیار
مطر جبین سیاه کناه اکین اول صحیفهٔ خونینه سایید قلنمغه اجترا
قلندی • امید وار الطاف کردکار که اول نثار یافتهٔ مغفرت ایزدی
اولان حضرت ذی النورینک کیند و رقمزدهٔ قلم مشکبار لری اولان وحی
منزل ربانیه رشحات نافهٔ خون ریزکر دخی کلکونهٔ عذار صحایف اوراقی
اولمغله زیارتکاه خزینهٔ فردوس ایدوکی محسوم ایکن اکه مالیده
قلنان جبین الجمهٔ رسنا خیزم مانند خورشید قیامت فروغ مغفرت
ایله نورانی اولمشدر وهم ولعلیه در وصف بیت قصیده بوغازی اندن بعضکر منشی لهور
السنهٔ عوام اولان کار بتکسرای قطیفه ساحه سنده ضرب خیام آرام اولنوب
سپیده دم قطیفه بوغازی نام ممرّ کذار اولنقده دیدهٔ اشتیاق
بروره بر بحر اخضر پدیدار اولدیکه تحریک نسیم اوج ... صفوف امواجی

سواحل آفاقه پیوسته اولمغله احاطهٔ پرگار مد نظردن بیرون • و اندازهٔ
باصرهٔ مساحهٔ ساحه سنده کوتاه اولمغله مرتبه سندن افزون ایدی • واقف
کثرت اشجاری بر مرتبه بهای کستر دامن وسعتدر که هر نه قدر اطارهٔ شهباز
تیز پرواز انظار اولنه اقاصیسنده اشیا نکیر اولمق محال • و هر نه دکلو
ادارهٔ بفترهٔ افکار اولنه بینه نهایتندن شکار طائر اخبار
اولنمق عدیم الاحتمالدر نهالستانی رطوبت پیرا ابر درجه نمایافتهٔ
ساحهٔ ظهور اولمشدر که اشهر بلدان عالم اولان شام کبی بر سواد
اعظم سایهٔ جنج کیسوی خیابانده نهان اولوب درجهٔ محلاتنه
وضع قدم اولنمدقجه آثار رهبانی شهر ورای پردهٔ خفادن
صورت‌نمای ظهور اولماز • اولباغ غزار بهشت کردارک اقرب اطرافی
قطعه جانبنه اکمک بینه بشر الیسی عقدن مقدم پیمودهٔ اندازهٔ
اقدام حصول قلنمق خارج حیز امکاندر • باغ باغچه‌لر مداخل محلاتی
اولنجه یه‌دک سرتاسر عکس مظلهٔ اشجارک نقش پذیر اولمش قالیچهٔ
اب کون چمنی طراز اوزره رفتار اولنور قطعه بیدا به دیمشکه
لطفکدن • دم بدم رشحهٔ زلال الجرنا • اب بیده دیمش که برزه سنک
سایهٔ دولتکده خوش کچر زمان • مائی نغمهٔ تسلسل امواجدن نمایاندر
معمورهٔ دلنشین شامده وطنی زاولان دوستان مهمان نوازدن
بری کندو مسکن کلشن شکننده کوشه کیر آسایش چند روز اولمغچون
مقناطیس پنجهٔ ابرامی حلقهٔ لجام امکیج حل عقدهٔ احمال اولوکنت
وکذار نسیم آسا تحریک اقدام اهتمام اولندی • در توصیف شام شریف
خوش سواد دلارام که کوچه‌لری مذاهب رندان کبی وسیع • و

جوار

چوار چرخی همت مردان کبی رفیع. روزنهٔ شهنشینکی همای دیدهٔ
عشاقدر. ورواقلری دست بدست اتفاقدر. بیرون بیوتی خشت کل
اندرونی بر داخته ومعلاری کرچه نوعا صورتنمای ممدوشان فنا
اولمشدر. اما درون بهشت نمونی مانند قلوب صافیه مطهر ومجلادر
نقوش زرجوش لاجوردفامیلی یاد آتابنده جا جا رنک رنک سقف
آسماندر. وصنع تیشه کار هفت رنک هزار پاره ایله فرش رخامکی
حیرت بخش مجامع اخضراندر. اول معمورهٔ دل اویه یه کاشی قدیم
نظم کرمیده بالاختصاص ذکری چکیلادی اولان ربوع ذات قرار درج
هفت جوی کوثر سرشت توار داید تو بالجمله اما کننده جاری
وقانندهٔ روح حیوانی مجموع موضوعه سارکی اولمغین بالجمله خانه تنک
وفراخ وصغار وکبارینک مواضع عدیده سنده کیاه سیحین خوبان
صفت آب صافی متسلسل اولور. وصورتنمای شرابی جام
اولدغندن غیری البته رخام آیینه فام بر حوض متناسب الاندام
ساختهٔ دست التزام اولنمشدر. ورباض نزهت آیینی آبی خورده کی
احواض حیاضدر اولمغین. نهالستان ریاض دلکش حیاضده اوراق
ازهاری نوبنو الباس خلعت رنکین ایله اداي شکر نعمت ایتمده در
کرچه افتاب رهیاب دخول اولمامغله اجون شدنطاق اتفاق
ایتمشلردر بر طاق. روشن وبراق جارسو لرکه سوداکر نظر هر نه قدر
اضاعهٔ بضاعهٔ نکاه ایدیه یینه بایانده تحصیل راس المال استغنا ایتمک
بعیدر. ودکان افلحار هر نه دکلو خطوط فروش شتاب اولیه مشعوذه
صورتنمای عمل من مزید در. ونظافت صحن دکاکینه غبطه کیده اصحاب قبا

وزینت طاق ایادینی حمیازه نخضر قبهٔ سما در بیت بود بمرتبهٔ دلپذیر

زینت او • که کرد جو در رود سایه نیاید از دنبال مهای چارسوی کدر شوینده

جابجا خاطر زدودلکت کرمابه لر که مجرد شهده طرح نظام جامه کیلانی

لباس کدر دعارت • و درون خلوت نشاط منوار ایدرلر • جلای فرش

خورم کاری • اعتبار آیینه صدفکاریه واسطهٔ انکی روفولادن

ش درداتی خاطرات حیوانه وسیلهٔ غبار در هر خلوتنده نیجه خلوت

نهانی • وصفه سنده مرغ عیان اولوب نه بر صفه سی شادروان تهی • و

نه بر خلوتی بر حوضهٔ غیر منتهای در • حمام نشاط و عبرتنما بر کوشه سنده

کمنده راه اولموح مبالغات در دکلدر بیت همین که دیده بنظاره اش

مقید شده • از وسعی بدر دن دلت محال در وصف قهوه خانه

خصوصا وطن تلخ آبه کیم غربت وآرام جانا سوداز هکان کربت

قهوه خانه لر که بینه فرش نقش منقش دایله منتاسی مصیفدن زنکینج

ومصیفی مشتاسندن دلنشین صحن مشتاسی خاطر شکن سرمایهٔ وحشت

ساحهٔ مصیفی تعدیل کشتر مزاج الفت • فوارهٔ مشتاسی بیام آدر

کرمابهٔ حمام • شادروان مصیفی غبار شوی دشت و دامن آرام • سقف

جوار مشتاسی نقوش مانی پسند آیله جلوه کر • فرش مصیفنده هر

نهال شکوفه دار سایه کستر دوساقی زیبنده رفتار قهوه فروش

پیمانه بکف هر مجالس ایندکجه طرف طرف خوش نشینان نسیم نشاط

بیت قهوه سوداسیله سکر کنیده ز رمش دیر اوساقیا لعلک اولمه قهوه یی

زمزمهٔ صوت مراد اسیله حرف انداز معامله ناز و نیاز اولدقجه

خوبان قهوه فروش دخی بیت صونلمادیکجا قهوه دیمه سن • زهی بکا

داریه کلوریمندن شعر مقابله سیله شکرریز تبسم اولورلرکه رامشگران
مطربخانهٔ ذوق طراز شعر کنج فراغ اهل قهوه‌خانه‌دن حیله
قهوه مرغ دل دام و دانه درمه تقسیمی ایله نغمه پرداز اولدقچه گوشه
گیران زیر طاق صفهٔ انبساط شعر برم مهلقالرکه اولدی خالی زمانه
اکسک دکل چراغی عجب آستانه‌دره منطوقی ایله هم آواز اولورلر ابیات
صبای نای راست نوا رباعی بشنو تو زنه جهاجها میگوید اسرار
نهفت کبریا میگوید رخ زرد و شکم تهی و سر داده بباد به نطق و
زبان خدا خدا میگوید شعر صدا سیله اوج نظرگاه بنجلی و حوالی
عشقی تحریر ایتدکجه بزرک و کوچک عریان آهنک مخالف حجاز اوزره
طرف طرف اهالی عراق و عجم نوروزه رسیده کبی فریاد ایلرلر حسینیه
چقروب حصار دایرهٔ مجلسی ماننده زمین نشت بوز زلزله ناک
ایده‌رلر شعر غالبا نایک ایچی بریکه سوز دلدن انک ایچون تیغ
بر موی بجمه بلمز نیزن سه ادا سیله تحقیق مقام ایدرلرکه دف صد نکار
دست خونابکران ماه سیمای زمزمه ساز دن فریاد کلوب رباعی
چون دایره ان ماه خوشم می دارد کاهی بطپنچه دل خویشم می آرد
کر ناله کنم بر ویم افشاند آب خاموش شوم بر آتشم می دارد
ولوله سیله لشکر آلام متعینه دایره کش حصار ممانعت اولدقچه تفنک
انداز ناله خان آه رباعی تا دایره زیب کف یار اولدی بنه خورشید
سحاب بر بر دار اولدی بنه تا برخی چقدی طنبره یه دایره‌لکده مه
هاله ایچنده آشکار اولدی بنه شعر غلغله سیله طوب انداز کلبانک
درویشانه هو هوا اولورلر ابیات چرپانده کاسه تهی لک بلای جان

ایدوکی خروشی سینهٔ طنبوردن نمایاندر * مالکی بر زمان مضراب جگرکش
واعلام ایدر * دل دائره وکش سلته خورده دست غملدر • فریاد سنگ
ای شهید اولدیغن * مضمونیچه زبان جلاجل افهام ایتدکجه افیونی
زن کان و قهوه هر سنگ * تریاکی اگر سینه شود صد چاک • از دل
نرود خیالات امساکش * مانندهٔ ختنی سر آورده پیش سر بر نکند
تا نرسد تریاکش * مدعاسی مبین اولان قامت خمگشته لری مار پیچیده
کبی هم صورت چنبر دف ایکن * افیون مفرحیست که در کائنات نیست
انرا که نشئهٔ افیون حیف حیات نیست * دیه رگ حقه پیوسته لری
مضراب سینه خراش شوق اولمش ایکن • زمزمهٔ کمانچهٔ ناوک انداز صف
وحشت و نغمهٔ قانون شفابخش خسته دلان محبت اولنور * عربیه اهوا
رث اسمع القانونا • فی حاجب الازج القانونا • اقسمت بمن فی الیم
قانونا • اعیی مرضی بقراط والقانونا * آوازه سی الحمد بالاخانهٔ افلاکه
پیوسته اولوردی • هر طرفده ایسه کرمسازان هنگامهٔ جنگ جویان دیرین
و قصه پردازان معرکهٔ پهلوانان پیشین * ادای شوخلرله عینی
قبالی شیشه دمی تحلجه بوکون کم حکایه باشلمشدی * و فقنچه بهم زن
و نیزه خیزان ایله قلب شکاف صف سخن اولدقجه پرخش خواران سر بزانو
گرزگران حقهٔ پرشکلان خنده اولدقچه معرکهٔ هزار رنج ایله بالا ایدوب
و بدیع وقت اسم نامنده ایکی شخص مجهول الاصل عدیم الوقوع علی عوغار
ترجیحی شیخ عجمی الجون نعره هاره هوی منکیان ایله صحن قهوه خانه یی
میدان وغا ایه دوندررلردی • نجه بابسته کان هیغولهٔ افلاکت خامهٔ
مبلونی زبان دهان حقهٔ پرخش ایدوب لعابستان پرخش آلود ایله

مجمعه

صحیفهٔ کریبان چرک اکنلرینه غرا جایه‌کاهیدهٔ جاندر بیرشی مرهم قلب
برلشاندر بیرشی خاک رخ رصفادر افیون طرهٔ عارض عرفاندر بیرکشی
ویرانهٔ حیاتدر ابدالی جان بهاوراه زاندر بیرشی رتبهٔ نشهٔ کس ادراک
ایده نه اب حیوانله یکساندر بیرشی رنج اندوهی قوجه دللرده باد رحم
غم جوراندر بیرشی حقاینی تسطیر ایدرلرایدی بر گوشه‌ده ایسه ابدالان
بنک خوار چ ناهشیارلر و ادی قلندرانه ایله بالهنک سنکینی زیب میان
وفنای نیم شکینی زیور سر بیسامانی سفرهٔ چوبینی بار حیرت کبی بر دوش و
منکوشی ریشی بحق کران کبی در کوش و سر دستهٔ ابنوسی پیرایهٔ زانو و اکثری
کوچک نامنده بر مهره ویی هم هلوا ایدینوب اطوار جانه بر جوشان ایله ربانی
مستانه بر کشت ایده‌لم جوسوقی برصیت وصدا ایلیلم عیوقی ای همدم
جان بلوری اشعه‌ی دغم میدانه کتورز مرد سجوقی سزاد اسیله جرعه‌دان اسرار
حیات بخش ای صفی نظر بخش قلندرانه ایدوب اصطلاحات مخصوصه‌لری
اولان ترهات بیمعنا و حلطیات بی‌نظام ایله کوشهٔ قهوه‌خانه‌یی
حجره تنگ بیمارخانهٔ مجانین ایدوب بقیهٔ عالم ایدرلردی حاصل منع فنم
ملک بقا ابدالی عدم راهعنده اوغرادم شهر وجوده اوپالندم قالدم
مصداقجه اوزره اقصای مقاصدا وصاف علیه مساجد ومراقد اکمره اه
اهکذا رخامه جورزه کردا وصاف قهوه‌خانه‌دن سه وشمله سرکرم نشئهٔ
معجون صحبتی وفریفتهٔ ابی ناب جمعیتی اولمغله سمعدل طفلی که اوراره الحکم
لذتی الدی خبراتمز او بردلخ دلستان امیده سر وقفنجه جیب داربوده
دست هوا اولمغین بنجهٔ کریبان کیرشخنه‌ی نداحت ایله راه جامع اموریه
امارهٔ قبارهٔ عزیمت اولکنه در توصیف جامع اموی در بیرید بیت. البرید جامع

شامخ که بی بریدنیارم بر بریدراه مرام درالحق بنای کارخانه معقد قباب سبع
طباقه اساس افکن استحکام اولامغ بروبه اول جامع شریفک ذاتوی ارتفاعنه
سر سوده اولمجه بر بنا سرافراخته عرصهٔ ظهور اولمشدر و نه گنبد
لاجوردگون کردونه قندیل زرین ماه و خورشید آویخته اولمه لی اول
عبادتگاه رحمت پناهک آرایش صف جوارینی برافریده نک صحیفهٔ
متخیله سنه مرتسم اولمش نجوم تابناکنک فرش رخامنده عکس نواصع
کروبیع نمایاندر و جوار رفیعی تاکنک سینهٔ بی کینه سنده رسوم
اصحیه وجانبا جلوه کنا ندر بیک نگاه سرمنزل طولنه وصولدن
عرض اعتذار و کمندآه سقفنه ارتقاع بسط مقدمه انکیز ایدر
قبله گاه صف مقصود اوله مرکز ای دل سینه چاک اولمیجق
صورت محراب کجی مروقفیجه سایهٔ رحمت مایهٔ خوابگاه حضرات انبیا
صلوات الله علی نبینا وعلیهم اولمغله وزره نبوت بافته تواتر اولان
جوار قبلسنک دیدهٔ بیناسی منزله سنده اولان محراب اعظمک جانب
یمیننده واقع محراب مخصوص ابو العباس حضرت خضر علیه السلام که بالاسنده
لوحهٔ مرصع کرسینه جوار مثابه سنده اکیروزن قوزینک آرایش کتابه
جام ملونی اولان اکیلفظهٔ جلال تعیین حدود مقام حضر و دال
والکبر ازمان اول محراب سعادت نصابده مشهود آشنایان عالم حال
اولدیغی بربن بزبر اشتکال دکلدر علی الخصوص شمع سرانداز انجمن
نبوت شاهباز سرباز میدان رسالت یحیی پیغمبر صلوات الله علی
نبینا وعلیه حضرتلرینک روضهٔ شریفهٔ نوربیمارلری که ماه منیر
آسا هاله آغوش جامع شریفده منزل و بدن جامعده جانشین

سویداکی اولدر • بحمد الله والمنه جوهر خاکیکی ودیعهٔ گنجینهٔ چشم عالم بین
ده عکس نقش حصیر فرش آستانه شفاعت عنوانی پیرایهٔ جبین قلندری
رب روضهٔ حضرت یحیایه جبین سای اولدی • مظهر مرحمت حضرت مولا اولدی
بنه بحرات اعظمک جانب یمیننده جلیدهٔ قلم سوز حضرت ذی النورین ولای
مصحف شریفلک سبزهٔ مزرعهٔ رحمت اولان مصفوف سطورنده دست نگاه
شکوفه چین انتباه ایلکندنبه جوف دیوار قبلیده نهفته دعا دتخانهٔ خاصهٔ
حضرت معاویه زیارتنه بسط سجادهٔ همت اولدکی • بنه جامع جنابک
رکن شرقیسنده [illegible] واقع منارهٔ بیضاکه مهبط نیر اعظم مهام
ضیا فتحی نه وطارم چارم • یعنی عیسی بن مریم صلوات الله علی نبینا
وعلیه حضرتلرک ساحهٔ سرادقات ملکوتدن اهراجی صفوف روحانیلر
بال جنبانی خطوه نا سوت اولدقجه صنکامده رب انتظار ره
وصلنده غبار اولدیتم • باشم اوشنده نیر تیوم اولدوزم نوری بنم
اداسیله صورتنمای لع حال او طغه منزل اولمیق قدم والا ترجیح
عیسوی اولور • نیل دولت بابوسلرنده اجزای ارضیهٔ دنجو کان گوی
ربای مسابقت اولمغین منارهٔ عیسی نامله سرفراز اوجی
رشتها دیولند ر بحمد الله تعالی درجات مرقاتی هم اغوش خطوط
جبههٔ تعظیم • وطریقهٔ نیازمندان شفاعت اوزره صحیفهٔ شریفهٔ
عنبر بینه مراکسوه سر دم دیده ایله رب حیوان شفاعتده
ایا حضرت عیسی • قلن نایب قوتلک بر دم جانبخشلهٔ احیای ما لیلهٔ ضجار
واسرکشته شرقیم اولنوب بینا ولا جامع فردوس سیمانک نظرگاه
دریچهٔ شرقیسنده بر حوض صفت خانهٔ رخامیه بیانده قاریو

قالدرمغه نامیله بر فوارهٔ طوفان خیز آوازه انداز شهرت اولمشدر که
سرین سیمین خوباندن افزون بر آب صافی لطیفنک قوت صعودیله
چرخ ناصافه اطالهٔ لسان ایدوب کردشی هندوانه دکل
بلکه بر قبهٔ سنکین دستخوش بازیچهٔ اشتغالی ایتمک مقولهٔ غلو
اغراق اولمدوغی مشهود چشم نظاره در • اول فوارهٔ سود آمیز
و صفوت سازه دیده کشای تماشای اولانلر نشیمنت طاکتره
ترتیب فراغ استقراردن صکره جوهرنمای کونیه بهای معدن
نبوت جسد ملکوت آرای سلطان رسالت صلی الله تعالی علیه وسلم کنجینهٔ
روضهٔ مطهره‌ده دست زهرآلود دزدان نقب زن • و موش فرج کفرهٔ افرنج
اولمغه قیرالی بدقده سحرهٔ عالم مثالده زیباکوهر فشانلرندن ادرکینه یا
نورالدین خطابی کوشوار سامعهٔ استعدادی اولمغله صبحدم خاک پاکی
مدینهٔ منوره‌یه عنان انکیز مسارعت • و اول قطاع طریق مارکرداری
زیر خاکده محفور تیشهٔ خدعه‌لری اولان راه پنهانده کزنده‌لری افعی شمشیر
همت ایدکدن صکره طائر عرش آشیانی جسد مطهرهٔ محمدی صلی الله تعالی علیه
وسلم قفس بند شباک اولان سلطان عظیم الشانک حضورنده نوراحیزلری
زیارتیله تنویر نظر اولنمق میسر اولدقده • اندن غیری جانب جنوبیسنده
آسوده نشینان محلهٔ خاموشان ندای بلبل محفل طراز مسجد نبوی یعنی حضرت
بلال حبشی رضی الله تعالی عنه حضرتلرینک • و آب عم حضرت حبیب مختار
و برادر زینبنده کهر حیدر کرار جعفر طیار حضرتلرینک و ازواج طاهرات اندن
ماعدا ایکی یوزه متقارب حلقه بنیاد دائرهٔ مجلس نبوی اولان اصحاب کرام
مراقدی زیارتیله اکتساب انشراح درون اولندیغی ذکر اوقات صالحیهٔ شام

معموره

معموره شام زمینده قیامتک غربی جانب شمالی جانبنده ذروهٔ قلعه‌سی بلهنگ
نطاق ابداع چرخ نمدپوش اولان کوه بلندشکوه دامننده قصبهٔ صالحیه
واقع اولمشدر که سواد شامله میاننده اولان لطافتشدن جوی البیان اشجار
انهار وسیله فیصل • وصحیفهٔ رنگین صالحیه وشام اطرافنده اولان
وصال سبزه‌لرن ادرنه خطوط انهار سیمگون مکرر جدول اولمشدر • گویا صفحه
دشام جوکفهٔ ترازوی لطافت سنجیدر • کوه صالحیه خفت بنیان اولمغه
سواد شام مه‌نشینه نوعا صورت ارتفاع نمایان اولوب هر بری بر بدن احسندر
هری بر بدن اعلا درس مصراعنه مصداق اولمشلردر • قصبهٔ صالحیه‌نک
طرف شرقیسنده و غربنده ارزه واقع و برزه نام ایکی قریه‌جک قریب الاعتبار
بیننده بیتمش نفر جواهر گنجینهٔ نبوت دفینهٔ مطمورهٔ خاک اولدیغی حدیث
معجز بیان سلطان تخت لولاک ایله رسیدهٔ درجهٔ صحت اولدوکی حائز جهت
تواتر اولدیغندن غیری کوه جنت شکوهک صدر والاسنده جلهٔ مردان خدا اولکا
قرقلر مقامی • ومنار ربعو سیاره السایدیلر مقامی مسافهٔ بعیده‌دن
نمایان انوار ایله دائرهٔ شام درخشان اولمشدر • علی الخصوص
مقبره وفنهٔ نعیم سلطان سلیم علیه الرحمه‌نک آنا رحمت عالمکن آثار اولان
جامع شریفنده تنها سوار مضمار ولایت • یکه تاز فضای حقیقت سالک
راه وحدت • وجود کاشف رموز بود ونبود • باغبان خیابان طراز فتوحات
مکیه • طوطی پاک لهجه شکرستان سنوحات غیبیه اشهر الواصلین •
اکبر المحققین • شیخ محیی الدین عربی حضرتلرینک وجناب ولایت
بناهلریله هم‌پهلوی نشیمن خاک اولان شیخ فخر الدین ابراهیم عراقی
قدس سرهما حضرتلرینک خاک آستان فیض رسانلرکه خلعت دوش

اجفان قلندرك محصل بيت زلف خم در خمكوه بولدى قرار رهنماينك
چقمق اسيتمز دل زار بر سمنده سواد دل آرام شعشعك اشجار ملتفه
سر بسر آسمانيده قفس طائر ضمير وامواج مسلسل انهارك پاى دل ديوانه يه
زنجير اولدوغى حالده ذكر دونماى عظيم حكم اولسنه عميه الميمنه نك
هنگام جنبش سپاه فصل بهار ايله آصف اكرم دستور اعظم صدر
الوزرا حضرت مصطفى پاشا قلعه منيعه جهرينك تخريبنه علم انگيز
عزم عدو شكن اولدقلرينه بناء دستيارى الطاف كردگار ايله
قلعه مزبوره يه نمودار قلوب ويرانه كفار بيوردقلرى نويد يد طرف
طرف اقطار ممالك اسلاميه يه خوان يغماى فتوحدن توزيع حصه
مسرت اولنمغله ع هر طرف نامه رسان بيك مرصع كمرست بر و قنچه سر
شاطر آسا ركاب جهى يون نسيم مژده رسان بهار كبى تزيين شهر و بازار
ايچون ابلاغ فرمان شهريارى اتمكله بيت كلك تشريفنه بلبل ندا ايلر
دونمايه بينه كل چارسوى باغده سير ايله تماشاى بر قوللكچه زينت عارضنه يه
كالا فروش استغنا اولان مفرح چارسوى البسر اخوله دخى جلوه كر
اولوب اولان امتعه سى چشم تماشا بينانك كفه ترازوى حيرت
ايدركن بوزينت تازه دخى علاوه لطافت اصليه سى اولمغله نقد
نگاه نظارى اندازه پيماى دبيا دهشت ايلدى هر كوشه بر مفرح كاشانه
وهر دكان بر مزين خانه يه دونوب مصرع رفع ايدوب شبهه يى اوستنده
عيان دركه ديدكلرى جنت التنده يا اوستنده دينلرسا هك بر شعشعه
امتعه زرتار ايله هر بازار بر مشرق انوار و آويزش اقمشه
بر نقش نگار ايله هر دكان بر گلزار اشكلنه كردى مصرع خيال حسن پيام

كه بر

که بر پرواز شوق • کوکرده اندازایش زلفلتن پر و بال سر روس قلل دیر و جدن
انداخته اولان طوب و تفنک مجالس جلاء اعلایه خبر یافته نشاط
دکلانک ادواتنی نثاری ایرات ایلدوکی زلزله قرار فرسا آشوب کاه
محفلی خاکی نشئه مند انبساط ایلدی • طاق فاقه پرده سیه فام اویزان
اولدقجه غلغلهٔ چراغان ایله جهر دکانده نجه ماه تابان • وقنادیل ::
فراهم شده دن هر طاقده بر پروین فروزان اولدی شبش چنان
بلطافت که دیدهٔ اعمی • زجیب شام ببیند جمال صبح وصال خصوصا
بو مقبول لیالی شاد مانیده اسواق شاهه مختص اولان الای رباب
صنایع که بهار شب اول ایکی صنف اصحاب حرف که هر صنفک دست
اختیارنده عصای آتش فشان موسی آسا بر شمع کافوری • وسائر
نورسیده کان بازار علاجنک دخی نجه سیمینلرینه بر شمع سوزان
ودوآتش میانلرنده ساعد عشاق کیبی تیغ خونفشان • وتفنک زرنشانله
کشت بازار وحکام شهر بیشکاهندن کذار ایدرلر • فوج
فوج ظریفان دلبون لون لون لباس • جهان بجلوه در آمد با حسن الانکالیر مواسم
اسفار رهمایون شهر یار یده دار السلطنه علیه جاری اولان اردو
الایلرینه شکلنده هر فرقه نک مطلع جمعیتلرنده نمونهٔ کارکزار اعناق ::
انشی صدده مرور ایدن تخت روانلر پسر رویان خورشید جمال
پذیرندن اشعار • ومقطع نظام جرفتلرنده شاه بیت قصیده تکلنده
بر رستها سوار میدان حسن ولطافتی لباچه دفاخره ایله باشنا
نامنه بر رخش نازنده خرامه سوار ایدوب بیشکاهنده بر کس
استوان جهان بها ایله بر نجه جنیب پر زینت • وسائر لوازم ایله

باشا ایدینلر سطران زرین طاس . وسیمین تبر . ومطر جبات زرا سکوف
یکتا شی پیکر تیر تیب اولنوب . ونیجه شهسوار خورشید منظر . تیر تیز
وتیغ وخنجر ایله سلحدار وچوقه دار طورنده بیت اوکیم بر
سپاهی دلدار . بنا ایتدی صوقه سجدار . امر مالش اظهار
ایده رك قفادار اولور . طرفیندن صف زده اولان تماشا بیانه
بیت هرکز نکاه کرم بمن رو نمیکنند . تا منشورت بکوشهء ابرو نمیکنند
مضمونجه اوزره جنبش ابرو ایله نکین صورت سلامده نکاه التفاتیله
افاضهء نشئهء حیات ایده رك . وبعضی لاابالی یارانه بی مهر واستغنا مشرب
رجای وصله عرضحاللر ایتدکده . نه بر محللی دیدر رد که نه
درکنار ایده بیلدیر . ونیجه بنیاز وصالی متضمن دفع ورقباره
عرضحال ایتدکجه کوز اوجیله عاشقه که لطف ایدر
کاهی عتاب . بر سؤاله بیر قومزاو غمزهء حاضر جواب . حقهء لعلین
لب شکرفشان مشرق تبسم پنهانی . وبعض سینه بختان بیر نیازی
روزکار جنبش چین جبین ایله عتاب وازاره ارزانی
ونیجه نامرادی عرضحاللری کریبان صبر واراحی کبی چاك . ونیجه ناشاد دل
جلاد بی امان شمشیر مژکانیله هلاك . ونیجه ازاده دللری
محبوس زندان زنخدان اتمکه فرمان . ونیجه دلبسته لری بیردار
زلف پریشانه اتمکه شایان . ونیجه بیکسری حیران زیر طاق ابروسنه
احضار ایچون استعجال . ونیجه بو الهوسلری قاضی محکمهء
هجرانده مرافعه یه ارسال ایدوب لوازم دادوستد . ومراسم
دارو کیری بر دقیقه کمتر نامرعی قومیوب کذر ایتدکده فضلهء

خورشید صح

بر

بر فرقه دخی طوراخله و باشای دکرلمرده بشلدی اوقلاطا تقهٔ
برزکران بيت دانهٔ خالنه بو جنت رخا رنده • بچه صبر ایلیوب
انتهی سوزسک آدم مص ترانه سیله زمین دل نظاره تخم محبت
اکه دک و فرقهٔ آسیای بيت کریبان چاکیٔ عشق ازذوق فنا
باشده • الف در حینهٔ کندم زشوق آسیا باشر مص تقالیله کلوکی
عشقده سرکشته حاله دانه ریز حیرت اولدیلر • دکرم بازان چتاری
بيت ای در اغذای روح ازین خاکدان مخواه • طوفانه در پی تنور
مهیاست نان مخواه مص ماکیله تنور در روان عشاقی فروزندن فروزان
کرم ایلدیلر و آتش دشان کبابیان بيت کباب است بلا بزمنده کوردم
قلب عشاقی • مخالف چوزالندن برتردم اغلر بریان اکلر مص ناله سیله
کوشت پارهٔ قلب عشاقی کوفته صفت نرم ایلدیلر • جرب دستان
خوبان الشباذی بيت خوان احسنه اعیاری طوبورمش دلبر • کوکل
ای خستهٔ هجران نه نک آتشی استر مص مضمونیله پیرسا زمعده اشتها
پرواز انتظار اولدیلر • و شربتیان بنفشه چال وکل رخسار بيت
شربت لعل روان بخشنده عالم تشنه • اوجفا پیشه لطافتده بر انجم
صودر مص زمزمه سیله حرارت کداز جکر سوخته کان انکسار اولدیلر
کرشمه سنج نقالان بيت برافت نقار ستم سنجک التنده • طاشلریله دکر
سینه سنی کفهٔ میزان مص وزنی اوزره بادام چشم و پسته دهان و لب
انکبین و روغن شیر بیله جهرهٔ سرکه فروشان بازار انتظاری طبلهٔ
خندهٔ نمکین ایلدیلر و ابریشم تنان عطاری بيت صید اتمکه
مرغ دلی اول دلبر عطار • درهمله نیر ازکس ابدر دامله دانه مص دقنجه

خارقه نقل فام و عنبرین بو و طرۀ عبیر آلوده و مشکین گیسو
ایله تعظیم مشام استشمام عاشق فنا رهنشین ایلدیلر و شیرین
شکر فروشان مصر قند با شلو باشنه کله جگر برابر ایدی
چاشنی لب جانانه کورنجه اریدی سر تر ایسیله تلخکامان زهرابه
نوشان هجرانه لب قند ریزلرندن خطاب مکرر ایله شیرین مذاق
ایلدیلر و حلوائیان شیرین حرکات مصر بلینه قوجه ده [illegible] اور
همنک درد و بلا بوحیسه شیرین لب عاشقلره حاضر حلوا [illegible] ایله
دماغ حنظل آشامان حرمانه چاشنی لبان التفاتیله فراموش
کرده مرارت اشتیاق ایلدیلر و نسیم ساعدان سرتراشان مصر
اول سرتراشنده اولور سینه سن کوران قور نقره جابک اوشنه
آیینه سن کورنجه سر تنمه سیله زیر تیغ جای اسایش عد ایدر سر بره بنه
کان منصه تسلیم سر بی سامانندن اثار سودایه تراش ایدوب
و خون ریزان قصابان بیرحم دل مصر قصاب دیده جگر خلقی
پاره لر قانلر یودر خم مژه سیله قناره لر سر قصاب جنک انمده اخبار ره
دل عشق و سینه صد فنچ کورنجه پاره لر سر منطوقنجه اوزره ساطور نکاه پوستین
شکافیله پاره جگر قربانیان بسمل کرده محبته زیور قناره عزلکان خونبار
ایلدیلر زیبنده قدان حیاطین مصر اجدم متاع [illegible] ازمی بر درزی دوخته
چوق ادلیدی لچدی کوردیکه حقیر تکلدی سر تخواهیه اوزره مقراض نگاه
سوزن مژکان وابریشم تار کیسوی و تباشیر غره دمی بچولری ایله
قامت انتظار نظاره خامه دوز اضطراب اولدیلر و طنازان قزازان
مصر ایدردم تکه سینه رشته مجانم ایلک دکیدی بمجه اولمه قزار اکر بازاره

الویرسه سر رشته‌سنی تار شعشوع جمالریله گریبان صبر عشاقه تکمه باف
انقلاب اولور ایکن جوانان کفشگران مص پا برهنه کوچه گرد
آزادهٔ بی‌قید ایکن اول شوخ کفشگرلر پای‌بند ایتدی بیت سر قویسه آوارگان
کوچه راه هوا ایاق حفافیه ایلدیلر و سیم‌تنان زرگران مص تن زر سیم
سرشک اوکوزلری آهم ایله مسکن جای سوزی زرگره دونلدی جانانه مقالید
بوته محنتده قال اولان دل سوخته‌لکان سکه دار خالص العیار دلبر
صرافی ایلدیلر و سلسله مویان آهنگران مص دوشدی دامان دله بر
شرر سوز افکن عشق آهنگری زنجیر جنون اشکرکن سر ناله سی اهل سرد
دکن مجانینی بی‌قیدی در زنجیر ایلدیلر و نعلبندان ابرو یان نعلبندان
مص حت دایما یاری بیری بیرینه چقارلر بو خلوع کمهای نعلکه میخنه قفارلر
اوازه سیله نعل در آتش بی‌قرار با در هوای تسخیر ایلدیلر و سرخ روبان
سراجان مص عنان ادی بر سراج زرهو ملک بیکر ادیمی عکس رخسارلری
کل دشفتا لو رنک ایلرس و قنجه عنان اختیار نظاره‌گر ایدر نازایلدیلر
و نازک تنان دلاکان برهنه جسمان کوی ملامتی گرمابه نشین برتف
وتاب نیاز ایلدیلر مص سیه فوطه‌لیله طرحامده اول ماه تا بانی
اکرکورملر دلرلک ظلمت ایچره آب حیوانی سر باصد قحبه سه شبانروز
علی التوالی اهالی اث ملک قعود کرقیامه و ارامدرخ امه مبتدل اولدی
جنبش مقراض اشعه ایله مجموعه ایام ده اوراق لیالی منقطع و توسط
مسرت و انبساطله اجفان انا مده صیات اتصال هندفع اولدی
جام ابر محل شبانه‌ده بر چیده حار شبلر ابدان تعطیله بچیده اولوب
طرف طرف حلقه انجمن بازان صید طائر عشرته حلقه دام مشاعره

انجمن هلالی بیری بیرینه چقارر
بوخلوی بکم نعله کر میخنه قفزر

جمال خوبان دیده لره جایگیر منام اولدی مص نه عجب تیز کچر خواب در
سرور ایامی ایرمدین نصف نهاری ایر ثور اخت مص مضمونی خاتمهٔ
صحیفهٔ عیش دمانیده نمونه دامضای انجام اولمشدر بیت لباس عاریه در
هب بجز کوکل اولمه فریب خوردهٔ تزیین چارسوی جهان سرمایهٔ صورت
آرایش ایامدن هر بر کشی ایهام دوام اولمغین ع کل کوکل مقصد
اقصایه شتاب ایلیه لم ردیه رک چشم شامدن دست شوی آرام و مصر
قاهره یه امالهٔ لجام اولندی ذکر عزم کردن بمصر قاهره اوججی
منزلده مسند آرای کلبهٔ احزان پیر پاکیزه ضمیر خانقاه کنعان خفید
جد الانبیاء والاسحاق اسفاه یعنی جناب یعقوب صلوات الله علی نبینا وعلیه
حضرتلرینک مص سرشک دیده سی اوستنده بر کیجه خیم ایدی فراق یوسف
قدی پیر کنعانک سر مضمونی مبین ساختهٔ معمار حکمت نبوی لری اولوب
بینه اضافهٔ اسم سامیلری ایله نائل رتبهٔ افاضه اولان جسر یعقوب علیه السلام
مانندهٔ سیل اشک گذر اولنوب نظم دیجهٔ غبار تواتر اولان حبوب .بیجنهٔ
اخبار و ففقجه مردم چشم عالم بینک پیر و یوسف علیه السلام اولبجه دک
پیکان خار اکذار سرشک اشینلریله اول حوالینک سوراخ سوراخ
اولدغی مم نظر حیرت قلنه رق مص یوسف از بی مهری اخوان بچاه
افتاده است بیجه نبود برادر که پیمبر بوده است مر مصداقی اوزره اول
محراب ابروانی سجده گاه کواکب اولان ماه منیر اوج رسالت آفتاب جای
رصد حقد اخوان اولوب هاله داغوش غیابه سنده جلوه گر اولدغی چاه
صفوت پناهه القای کمند نور نگاه و آب دل زدای زیارتگاه افواه
اجفان قلندقدن صکره هفت روزه طی منازل ایله قصبهٔ رملهٔ بازه

جبور

حصول وصول اولدقده احمال واثقالدن تجرد طریقیله زیارت بیت المقدسه
تحریک قادمهٔ شتاب اولندی **ذکر عزم کردن بزیارت بیت المقدس
شرفها الله تعالی** رهنمونی فیض خدا ایله روزن گشای حرم اقصی اولان
مهمان سرای چرخ اشیان سلطانیه که ملوک ممدوح السلوک مصریه‌دن
سلطان قیتبای علیه الرحمه نک ارتفاع درجات دارینه دال ونقوش
خرده کاریهای فرش وجدارانی وسقف شعشعه بار صور شمای
امتناع قبول ایتمالدره اول منزل والاده حط رحله چند روزه قلنوب
روی حال خاک عطر ناک حرم اقصایه مسارعت اولندی حقا حرم نور
پیمای مسجد اقصی بر ساحهٔ روح بخشدر که سکز یوز قرق ذراع طولی
وبش یوز یکرمی التی ذراع عرضی فرمان بنای کارخانهٔ قدرتیله
رسم کشیدهٔ پرکار کوشهٔ بال روح الامیندر دائرهٔ سور معمورهٔ
قدس مبارکک مقدار ثلثی مساحهٔ بخشای حرم اقصی اولوب ثلثان صح
اخری مساجد ومواضع بیوت ابد وکیه قرار دادهٔ مهندسان دیار در
اولا حرم مکرم اقصی حصار جنوبی وشرقینک رکننده غایت ارتفاعده اوزره
واقع اولوب طولی جنوبندن شماله وعرضی شرقدن غربه جوشمشدر
وبو حرم شریفک طرف غربی وشمالیسی معمورهٔ شهره متصل اولوب بالجمله
مدارس طرف شرقی وجنوبیسی وادی دکهسر[?]ه واقع اولوب حتی اوده
زیاده روزنه‌سنه خاطر کت سی بالالی حصار جانب جنوبی صحرایه گشاده واقع
اولمشدر وحرم شریف اقصانک شمار طبقات افلاک اوزره نه دریچهٔ
ملائک نشینی اولوب اشرف اشهرلری ادشمالینک رکن شرقیسنه قریب جلده
واقع اولان باب الحطدر که معمورهٔ نظم کریم الهیده کریمهٔ وادخلوا الباب.

سجداً و قولوا حطة نغفر لكم خطايا كم و سنزيد المحسنين ایله اعتلای شانی
متبین اولدیغندن غیری بالجمله انبیای کرام صلوات الله و سلامه علی نبینا
و علیهم اجمعین حضراتی قادمه جنبان زیارت اولدقلرنده اول باب سعادت
انتسابدن داخل اولور علی الخصوص تنها سوار میدان اسرا صلی الله
علیه و سلم حضرتلری دخی شب معراجده رهنمونی روح الامین اول باب ایمان
جنابدن کسب مغبوط قباب نه رواق بیورب عنان براق باصره رفتار
مربوط ارتقهٔ حیول انبیا اولان حلقهٔ سعادتمداره بسته بیورمشلر
و باب الاسباط باب الحطه ایله علاقهٔ کبر تقارب اولمشدر • اگرچه مرسوم
گوشهٔ بال روح الامین اولان دائرهٔ مومکرم بالجمله مسجد اقصی
ایدوکی متحیر درجهٔ تحقیق در لکن حالا احاطهٔ دائرهٔ مومدهٔ مسجد
اقصی نامیله سرافراز اوج اهتزاز اولان جامع شریف جوار جنوبیده جانب
بیت الحرامه توجه اوزره زانوزن قعدهٔ استحکام اولور • جانب غربیده
مسجد مغاربه نام بر مسجد طولانی • و جانب شرقیسنده حضرت عمر الفاروق
رضی الله تعالی عنه سواد مرقعهٔ معمورهٔ قدس مبارکی دست عالم کشالریله
صور وجود بد بود کفاردن تخلیه و تطهیر بیوردقلرنده تعمیر کرده معمار
همت بی همتالری اولان مسجد همزانوی صف اتصال واقع اولور
جامع اقصی یه بابر جای قیام اولان ستون رخام ابری فام خارج مراتب
شمارده وزحم رسان سبابهٔ تعجب نظاره در • جانب یمین منبره قامت
افراز ساحهٔ اعزاز بر ستون که حالا آویزش کوشوارهٔ مینا فام
قنادیل ایله اجرای مراسم تعظیم اولنمشدر • اول سرو ریاض قدسک
سایه دولت مایه سنده کلچین کلشنسرای افلاک بالانشین سریر لولاک

صلى الله عليه وسلم حضرتلری اکثریا دست خواهش کشای شفاعتلرینی قفل
گنجینهٔ صلوات بیوردقلری مشهودکتب ثقات صورت معنا اولمغله
اول مسند والا مرتحتهٔ دریوزه‌گی دست دعا و ثنا و نیاز نقد اجابتدن
تهی اولمدیغی اشتبا هدن خالیدر ٭ مسجد عمریده رکن شرقی یه وارنجه رتبهٔ
عشریه قریب طاقچه‌لر ایله بر صفهٔ طولانیه سی وار که استقرار اولنوب تحیهٔ
مجلس عفاریت جناب سلیمان نبی صلوات الله وسلامه علی نبینا وعلیه درکه
هوار عبادتی شکل ایله مغاک هولناک زیر زمینده میانهٔ تقویم قشاه
مانندهٔ شب یلدا تاریک وطولانی ٭ و قلوب شیاطین کبی ظلمانیدر ٭ و جادوداتی
واقع اولدقده هدم وتخریبنه بیرون یارای قوت انسیه اولمغله بنای سلیمانیدن
باقی قالمشدر ٭ اول زندان واهمه رسانه متصل رکن حقیقی شرقیده حضرت
مریم رضی الله تعالی عنهانک ایام حیاتلرنده اقامتگاه استراحتلری
اولان بر حجرهٔ روشن که نردبان چند پایه ایله زیر زمینده گوشه نشین خفا
اولوب جوار قبله‌ده سینه‌کشای هدا اولان محراب مریم پیشگاهنده رخام
مجلادن بر تکنهٔ روحانی که خمیر مایهٔ انفاس حیات بخشا یعنی ذات آسمان مسند
مسیحا هنوز پیچیدهٔ قماط شیرخواره‌گی اولدقلری حالده مهد وجود نما زینلکر
اولمغله جانب چارم چارهٔ خمیازه کش حسرت اولمشدر ٭ و بینه اول حجرهٔ دلپذیر
جوار شرقیسنده واقع صفه‌ده محراب حوائج قندیل فروزان تعیین اولنمشدر
رکن شرقیدن رکن شمالیه وارنجه تا سیس کرده اندازهٔ معمار حکمت
اولان حصار مغفرت مدار شرقیه وسطنده باب الرحمه و باب التوبه نام

نام ایکی باب دوت جابی سینه کشای مطلع افتاب اولمشدر اول ایکی درحکمت
اثر پیشگاهنده اعادتنا الله وادیء هولناک بعید الغور مغاک جهنمدرکه
بر مقتضای تعیین ازلی حال مقبره عذاب نمود کفره بهود اول وادی کافر
سوز درونندە صورتنمای جدری روی زمینچ اولوب روز جکر سوز رستاخیزده
کذرکاه رهروان نعیم وجحیم اولان جسر صراط وضع اولنه جوق محلی تعیینده
واشارت ایچون باب الرحمه ایله مهد عیسی بیننده بالای حصار شرقیده
اوج ذراع مقداری بر ستون رخام ؛ وینه اول وادیء دهشت انداز اوزره
خارج حصاره اطاله اولنمشدر ؛ جناب سلیمان صلوات الله علی نبینا
وعلیه حضرتلری فرمان مبدع کارخانهء ایجاد ایله اتمام بنای بیت المقدس
بیوردقلری شام مسرت انجامده نیت زیارت ایله باب الحطه دن دروب
حرم محترمه کامزن دخول دائرهء حرم مقدسی لبریز نور الهی مشاهده اتدکلرنده
تاب اور تاب تجلی اولمغله قلدقلری پای عزیمتلرینی کره بند زمین حیرت
ایدوب آیینهء زانولرینی نهادهء روی زمین ایدەرک اول نشئه منه صحباء
بی خمار تجلی روشن مستانه ایله بر بچه قدم طی ایتدکلرنده فرمان حضرت
کریم چاره ساز بنده نواز ایله صخرهء مبارکه نک بر قطعه سی استقبال
ایچون سنک فلاخن سرعت اولدقده اشارت سلیمان نبی ایله اول
منزلده کوشه کیر آرام بر قوام اولمغین بالای سر سعادت اثرینه بر قبهء
بنیاد بیوردی ؛ وینه فرمان ربانیء انس وجن وحوش وطیوری ایچون ترتیب
جوان بیوردقلرنده کرسیء حکمت نبوت تواملری اول جایکاهه قریب

محلده

محلده موضوع اولدغنک اشارتی حالا هویدادر • اما زمین حرم
محترم توام اقصایه دست فراش صنع ازل الهی قالیچهٔ ابریشم تار
سبزهٔ همواره گسترانیده قلنوب جابجا آشیان طائر قدس اولان
اشجار سایه دار ریشه انداز زمین استقرار اولمشدر • میانه عرصهٔ
حرم مخصوص صخرهٔ مبارکه یه بر التی ذراع مقداری ارتفاع اوزره
تخمینا اوچیوز ذراع طول و عرض ایله مرآت صورت نما کبی
رخام مجلادن بنا اولنمش پیرامن • بینه رخامدن بر ذراع
مقداری دیوارچه ایله احاطه اولنمشدر • رکن غربیسنده روز
بازار قیامتده میزان عمل سنج انام موضوع اوله جق محلده بر نچه
ستون موزون رخام اوزره بر منبر مطبوع السیما • و بر محراب
سینه گشا بنا اولنمشدر • و بو ساحه ده تا بنانک جوانب اربعه سنده
سکزر درده یکرمیشر پایه دن افزون سلم سلامت فرما ایله ارتقا
اولنوب پایه مابینی مسافهٔ بعیده دن تأسیس اولنمغله غایت
بهان و فراخ واقع اولوب هر پایه سنده پهلو بپهلو یکرمیشر آدم
بانهایت صعود اولمق جایز امکانده در • بو ساحه دلانک آغوشی
میانه سنده قبهٔ صخرهٔ مبارکه بیضهٔ طائر سعادت شکلنده جلوه
نما اولمشدر • و قبهٔ نور پیمانک نصفنه بالغ اولنجه یه دک اطرافنی
لباس رخامیه ایله بر جرم هشتی نه هاله وار احاطه ایدوب اندن
یوقارو تا کنگرهٔ زرین قبه یه دک خلعت کاشی نادیده نقوش ایله
جلوه نمای طرازنده اولمشدر • اول قبهٔ عالیشاننک بنای اصلیسی
ملوک امویه دن سلیمان بن عبدالملک بیضهٔ طائر همتی ایکن

بعده لباس كاشى در خام بهشت آشیان مرحوم سلطان سلیمان خانك

وجه دكاركاه همت بیهمتالری ایدی زیر قبه سپهر مماسده تخمیناً

طولا ایكرمی وعرضا اون سكز ذراع مقداری قفس احاطه سنده

طائر زیبنده پرواز اوج سعادت یعنی صخره مباركه كه جانب

قبلیه توجه اوزره آسوده بال آشیان استقرار اولوب شش

جهتدن قطع روابط واتصال ایله علاقه پذیر وقفه امتثال

امر ذی الجلال ایدوكی پیوندكسل حبال قیل وقال در وسطح یمیننده

نقش تمغای اثر پای محمدی كه تشریف سرابرده سرادقات ملكوت

بیوردقلری شام طرب فرجاده یادگار قالوب مانند دهان

كوهرفشان چون غلامیست كمكرده خط آزادی هر كه بی

داغ نود رعرصه محشر كردد شهنشیله بیزمباهات اولمده در بهشت

لحد مرحوم سلطان احمد اول صورت تمنای فاخته شاخسار هدایت

تعظیما كمكین قفس سیمین ایدوب نونهال هیله تر اولمغین اول

فیضله وجوه نواصی زوار مشارق انوار اولمده در مهمان گرامی

تشریف ایزدی صلی الله تعالی علیه وسلم حضرتلرینك رخش روان آسمان

اولدقده صخره مباركه كنشر جذبه محبت ایله بیقرار اولوب آهنگ

پرواز مرافقت اولدغی حالده فرمان یزدانی ایله حضرت روح

الامین نسیم راهده تمكین بیورهلری ایله اثار رخامه انامل روح

القدس صحیفه بدن صخره مباركه مرتسم اولمشدر وبر جانبنده دخی

رخصت یافته كلكشت جمن ارادیش جناب ادریس صلوات الله

وسلامه علی نبینا وعلیه حضرتلرینك اوندن متجاوز نقش قدم

مكرمدر

حکم جاری دیده کن لی جانب آسمان اولمشدر . زیر سایهٔ دولت حمایهٔ صخرهٔ
مبارکه بر غار شکلنده نمودار اولوب جانب قبله‌سیدن نردبان هفت
پایه ایله اول مخزن اکسیر سعادته وضع قدم زیارت اولنمده در
لیلهٔ معراجده امیدگاه کافهٔ مجرمهٔ عصاة صلی الله تعالی علیه
وسلم جبا بندن ناطقه سنج رجای شفاعت اولان تلک بلیغ البیان
جسم مبارک صخره‌دن متمیز اولوب جالنگاه افواه واجبا اولمشدر
طرف نردباننده محراب داود وسلیمان صلوات علی نبینا وعلیه
صورت تماشای دو چشم جهان بینندر که اکثر اوقات حیاتلرنده اول درگاهده
سجده بر درگاه قاضی الحاجات اولمشلردر . قافله سالار نبوت صلی
الله تعالی علیه وسلم حضرتلری لیلهٔ معراجده عمامهٔ سجهٔ اصفیا یعنی
امام صف انبیا صلوات الله وسلامه علی نبینا وعلیهم اجمعین اولمقجون
مردمک دیدهٔ محراب اولمقلرنده اثر عمامهٔ مبارکه لری سینهٔ صخره‌ده
بر هیبت موقر جلوه‌گر اولوب شام وسحر بر قندیل ضیا پاش
فروزان اولمده در . بر گوشه‌سنده دخی بر صفهٔ مختصره که ینه شب
پر طرب معراجده تنها نشین منصهٔ رسالت صلی الله تعالی علیه
وسلم حضرتلرینک گوشهٔ دامن دولت پیرامن لرینه بر کربه بستر
خواب اتمکی اشارهٔ خواب راحت کربه مسکین تجویز کرده
شفقت دلنوازهٔ نبویلری اولمغله گوشهٔ دامن داملرین بریده
مقراض مرحمت بیوردقلرنده کربه تا حشر رفرحان مغیر الصور
ایله صورت حجره جلوه‌گر اولوب تا بقیامت خواب سنگین‌ده
مشاهدهٔ صورت بیداریده وایه کیر خوجان اولمشدر . حالا

علامتی هویدادر و محل اجابت دعادر که بر کوشه‌سنده جناب جد الانبیا
خلیل خدا صلوات الله وسلامه علی نبینا وعلیه حضرتلری بجه دفعه
اصحابه بشائر هویدا اولمغله محراب ابراهیم نامیله مرسوم صحیفهٔ دیوار راستنده
اولمشدر بالای صخرهٔ مبارکه‌ده داود علیه السلام حضرتلرینک ساحهٔ
دست اعجازه آهن کدازلری اولان درخت پرشاخ وبرک آهنینی ایله
سپر سید الشهدا حمزهٔ باصفا سایه‌انداز شهرت اولمشدر و بینه درون
قبهٔ صخرة اللهده امیدگاه اهالی ایمان روضهٔ جنان اولدیغی محلده
یسر نا الله تعالی وایاکم باب الجنه تسمیه سیله بر رخام سبزگون وضعی
ایله اشارت اولنوب مائدهٔ آسمانی دخی بهشت نهادم مهمانان یزدانی اولان
محل بر رخام سفره سیما ایله تعیین اولنمشدر و آستانهٔ نزول کریمهٔ هل
اتی ماصدوق وصف لافتی باب مدینهٔ علم احمدی و شاکرد درس خانهٔ
محمدی علی بن ابی طالب کرم الله تعالی وجهه منظور اصحاب صدور
اولدیغی محل مقام علی تعبیه سیله زیارتگاه اصحاب انتباهدر و آقادرون
قبهٔ رفیعهٔ صخرهٔ مبارکه‌ده نکاشتهٔ قلم استاد اولان نقوش حیرت‌فزا
نور نکاه مخروطی الشکل همرنک دم طاوس و عکس جام روزن‌لر
نظاره‌کی‌هیچ بوس ایدوب خصوصا صحایف جدرانده نکارخانهٔ
آرا حکمت و نکاشتهٔ قلم قدرت اولمش رخام آیینه اندامکه چهار
قطعه سنده بر رکتابهٔ موزون یاخود بر رشمهٔ خوشنمون پدیدار اولوب
کویا معمار ازل عز وجل نکارخانهٔ صنع ازلیده مطلوب آرایش جدار
صخره ایچون رسم وایجاد ایلمشدر بتخصیص ایکی طاوس تمام الاعضا بر
کاسه‌یه سرانداز اولمش صورتی هویدا اولدیغی اصحاب بصیرتی سرافکندهٔ

زانوی

زانوی استغراب اتمده در خوش صخرهٔ مبارکه که میانهٔ اجزای ارضیه
ذات مقدس الهیه یه اختصاص ایله همسنک ترازوی قدر عرش اعظم
اولوب فرقهٔ انبیای کرامه زیارتگاه واقدام فیضیکاملرینه بوسه
گاه اولدقدن غیری سلطان عرش مسند صلی الله تعالی علیه وسلم
حضرتلرینک خلوتخانهٔ خاص الخاص قرب عروجلری هنگامنده بام
آسمانه آویزان سلم نورانینک متکای دریچهٔ بابینی اولمغله حر
اثر قدم شفاعت توأملرینه حلقه گوش افتخار اتمک مرتبه سندن
فضله روز جگرسوز رستاخیزده دخی تفریح اهالی بهشت ودوزخ
ایچون منصهٔ محکمهٔ قاضی الحاجات اولوب زمرهٔ عصاة زوارینه
لب جنبان شفاعت اوله. هزار شکر خالق بیچونه که مهمان رباط
چارصفهٔ بدن یعنی روح برمجروح راحله بند بند رفتار اولدیز
ناصیهٔ سیاه گناه آلودمزی سنگ مبارکه مالیده قلنمغله داخل شمار
زوار اولمق میسر اولدی. المنة لله تعالی وتقدس کنار صخرهٔ مبارکه
رخام مجلادن بر قبهٔ خوشنما بنا اولنوب قبة المعراج اسمیله طوافگاه
انس وملک اولمشدر. سوداگر بازار ملکوت علیه الصلوة والسلام
حضرتلری راه آورد صلوة خمس ایله نازل مطمورهٔ خاک اولدقلرنده
ابتدای تحریمه بند تکبیر افتتاح صلوة اولدقلری محلده دخی بر محراب
سعادت نصاب پابرجای قیام اولوب شاهد بالاکرام دعا
اول محراب شریفده اثر گلگونهٔ تأثیر دعا ایله سرخ روی اوله
گلمکله قزل محراب نامیله شهرتیاب اولمشدر. وینه خارج قبهٔ
صخرهٔ مبارکه نک جانب شرقیسنده محکمهٔ داود صلوات الله علی

نبینا و علیه اولان موضع اوزره قبة السلسله نامنده هشت طاق رخام
اوزره برقبه زیبنده سیما جلوه نما اولوب بهشت مکان سلطان سلیمان
زیوربند کاشی خوشنقش اولمغین یاداور وانا جعلناک خلیفة فی الارض
نظم کریمین ای اخرما ار ایشرکن به بالای طاق ایمشدر ویته اول
محل معتبره قریب مقام خضر علیه السلام بر رخام ابری ایله تعیین واشارت
اولنمشدر خارج حصار قدس مبارکده بینکاه باب الحطه مزار
عصمت مدار مریم دفلیم آغوش زمین اولمشدر ینه خارج حصاری
جانب غربیده مرقد نور آلود حضرت داود علیه السلام بر مسجد قباب
داخلنده حجرهٔ بهشت اثرده روننده متواری لحاف خاک اولوب استار
زرین تار صندوقهٔ مشکبار رکنو زنکی افواه زوار اولمشدر
ویته معمورهٔ بیت المقدسک جانب شرقیسنده سریر اوزره مقعر کرده
ذلان کوه بهشت شکوه طور سیناده مضاجع انبیا و شهدا مانندهٔ
انجم جابجا ضیا بخش اولوب امکنهٔ منیعه مزار لامع الانوار
حضرت عزیر و اثر قدم روح الله و حالت رجعی اغنا مده ناکلمه
کلیم الله صلوات الله علی نبینا و علیهم غربی مزار رابعهٔ عدویه رضی
الله تعالی عنها زیارتگاه قدسیاندر قریه ذکریه خیرها حضرت
ذلیلزلرانکهی اساس کردن و شعلهٔ آه عالمسوز ندامت داغ زان
درون چرخ نیلکون اولموسزادرکه بیم نیزهٔ سر تیز رهزن تاراماله
بدان عربان جناب خلیل خدا حضرت ابراهیم و حضرت موسی الکلیم
صلوات الله و سلامه علی نبینا و علیهما خطر تلرینک و کنجینه
مدفن ابراهیم مدفون اولان جواهر فروزنده درج نبوت یعنی

اسحاق

اسحق ویعقوب ویوسف حضراتنک زیارت ریاض مقدسه‌لرینه
خارجوار مبادرت اولوب شوق خاک آستانلریله آغوش ناصیهٔ
امید خمیازه‌کش نخجیر قالمشدر • قدس مبارکدن سه روزه ارادهٔ عسکره
بینه رمله وغزه جانبنه عنان کردان اولوب غزه‌یه قریب محلده قبور
شهداء عقلانه آمدشد سفیر دعا در کار قلندی ذکر وصول غزه در بیان
غزه‌دن بشنجی منزلده واقع قلعهٔ عریش ایله صالحیهٔ مصر بیننده
بلشکر مرحله در اب ودوانه‌دن تهی ریکستان اولمغین نظم چون کذشتی
از رباطتن دکر معموره نیست • زاد راهی بر نمیداری ازین منزل چرا
آوازهٔ صیت اقلام السنهٔ اصحاب وقوفدن مرسوم صحیفهٔ سامعه اولمغین
ماکولات ومشروبات بیش روزه تحمیل دوش حمال قلنمغله دریای رمال دشتایه
عزم اولندی • واقعا عرضاً بش التی منزل وطولا یکرمی منزل مقداری
محل البحر سپیددن کنار بحر سویه وارنجه بیجنده دغ بال اتنک چشم
اولمش ریکستان مثابه‌سنده ریک سفید کسترده دست فراش قدرت
اولوب میان ره طاق کردون پیوسته کوهلر که تازیانهٔ تحریک بادیله
موجه‌زن دریاکبی بیقرار • ودستخوش بازیچهٔ روزکار اولور • نظم
روزکاریست که با ریک روان هم سفرم • میروم راه بمنزل خبرم نیست
سراسر دقیقه دست استاد صنع ایله مانندهٔ آلات شطرنج بر ساعت
برخانه‌ده آرامی محال • و جنبش چوکان روزکارله کوی صفت بر جاده
استقراری معدوم الاحتمالدر • نظم • باد در دشت طاقت و بیطاقت
یکیست • تمکین کوه وکاه درین جا برابرست • مراحل اولی بحر مواج
ریک ایچره غوطه خواری اضطرابیله عزیمت اولندقده قوایم خیول

قاروته قریب و خیمهٔ خسروانه کبی شکلری زیب زمین اولوب صفحهٔ
ریگ اوزره آثار اقدام یربیهٔ نقش تختهٔ رکاب هویدا و رسم
قوایم جماله بدل عکس داغ سینه لری پیدا ایدی سوارلر پیاده شکلنده
نمودار پیاده لر ایسه انجق عقدهٔ زانولری آشکار ایدوکی مبالغه
داغ دکلدر و اوتاد خیامه استقرار حیز امکانده دور اولمغین دشت
پرتاب آفتابدن سایهٔ شب چشم اعتباره سرمهٔ اصفهانیدن برتر
و پای دواب قراردادی اولدجه مرتبهٔ زمین سخت تخت سلیمانیدن
نازکتر کورینوردی نه حال ایله بوکونه رنج راحت فرسا ایله پنج شبانه
روز افتان و خیزان ٤ ایده لم طی بیابان بر الجمهود یه اک سر منزل شان
قصبهٔ صالحیه آشیانهٔ طائر نگاه اولدقده حکایات فرج بعد الشده
صحیفهٔ دلده مرقوم اولوب سایهٔ نهال بالاکش خرماده رفع خیام
آرام اولندی ذکر وصف زمین قوم مصر اواخر فصل مهرجانیله
اوایل فروردین مصر اولمغین تمام هنگام اعتدال هواسنه مصادفه
اولمغین فضلهٔ آب نیل تمام اراضی ساهرهٔ غبرالی قاهره یی مستور
دامن رحمت ایتدیکی موسم اولمغله کریبان صالحیه دن دامن مصره
وارنجه یه دک درت بش منزل مقداری فضا لبالب آب کون آیینه
سیماده نماپیدا اولوب انجق کذرکاه رهروان تخمینا درت بش
ذراع ارضنده بر راه منفرج و مرتفع قالوب میانهٔ آب کوثر سیمای
بر منزل جدنک مقداری محلده بر قریه قصبه نمون جابجا
اولوب بر راه باریک ایله یکدیکره اتصالی اولمغین هر جا قریه نک
ما بیننه بر جوهر لیزبر شکلنه اشعار ایدوب ساحهٔ قرار اولان بر

نخل سرفراز حب میان نیلده هر نخل خرما بکزدی کویا شناور لکه
ایدن بر دلبر کاکل پریشانه مضمونینه افاده بیان حال اولمقده در
اقا خیاط صنع الهی زمین دلنشین مصری کاه لباس الکون وکاه
برد سبز رنک ایله جلوه کر اتمکله شاهد مستانه خرام نیل تیزرو جله
دامنکش اولدقچه محلده آثار قدم خضر کبی سبزه ابریشیم تار فرش
زمرد کون سرزده اولمغه یوز طوتوب میانه نیلده طیور متنوعه طیرانه
دوچار اتیدکلری نکارش هوا نکاه ایده رک هر صنفی بر فوج
مسرت استقبالندن ۰ وکهی کاه ده بر کره دل الکلالیله طفل سروه هوای دل
آغوش ام الدنیاده غنوده استراحت قلقدیلر **ذکر دخول مصر قاهره**
خوش بلده معظمه قاهره که قسمت دائره سواد پرکار قیاسی
فرسوده قدم ۰ وکبوتر تیزکام تخمینی کسسته دم ایدر ساحه ارتفاع
طبقات بنجکانه بنیانی بیرون یارای مدبصره کنکره سطوح سرادقات
ایوانی شکست آور اندازه نظردر ۰ نه نقه عماد اشطاق بر طاق
ابر نمایی سده جلیر فلک مزاحم منارات ر واق بر رواق انکشت
نمایی مانع جنبش بال ملکدر رشک کثرت قباب انجم جنبی خواب ز
خاندان حباب ۰ وماهیچه زراندود منارات رفیعه سی طبنجه زن صورت
افتابدر ۰ دروب نزاهت مصحوبی جداول صحایف درایج کبی بهاس
وراست ۰ ونسوج آرایش دکاکین واسواقی نظام بردیج کبی باتم
دکاست سایه مظله بنیانده مجموع طرق واسواقی دست برد پنجه
افتابدن آسوده ۰ وسر جمله عیون ایوانی آغوش دایه صفا پرورطاقه
سایه کستر غنوده هر خانه صد بیننی سرو لتساء عالی ۰ وهر دریچه سی

منقش ملكیر ایله بر عروس لاله‌بالی هر خانه‌نك صحیفهٔ جداری بر نقش
نگار اولمغله باجمله طرفینی طرف حرم بهار اولمشدر كویا هر قصری
لطافتله بر قصر یوسف. ونقش نگار ایله خلوتخانهٔ زلیخادر. غلبهٔ
رخام سنكاشی بر رتبه‌ده‌در كه اقاصی حوالی شهرده غایت نهالی ایله
متصف اولان كوشه‌لرنده بیله قطرات باران رخام اجسام مدرج
روی زمینه جستن كشیده در كثرت جوامع ومساجد بر رتبه‌ده‌در كه
هر جانبك قاصد حیز ایام حیاتنی بكلسن وقف دور جامع و
مساجد ایلسه بینه طی طوامیر حسابه مرهون درجهٔ استحاله در
حتی قلملر صحیفهٔ تحریر بالای قلعه‌ده سواد مصرك اكثر حوالیسی
طی سلسلهٔ انظار اولنجه جمع محلده استكشاف كمیت اعداد
مناره ایچون تحریك سر انكشت نگاه ایدلكده غایت ارتفاعیله
نمودار اولان منارلك شماری درجهٔ هزاره كذار ایدوكدن ماعدا
قصور قامت. وتعدد عده ایله متواری پردهٔ خفا اولنلرك
حسنی مستور پردهٔ ابهام اولمشدر. سواد شهردن خارج اراضی
عالیه‌ده اولان جوامع بی‌جماعتك حسبی محاط علم الهیدر. سواد
خوش نقش قاهره فكر وچراكسه واكراده اولدقی ایامده بر بری
بهشتم رشكی حد اولوب كندو اتباعیله ایكی جامعده هم ایكی
صف صلوة اولمیه منافی قاعدهٔ جمعت اولمق اعتقادیله همه
جدار بدیوار تكلنده جوامع بنا ایدوب یكدیكره ثبت بهمدن
تماشی وجهی اوزره لباس احمره جلوه كر اولمشدر. حتی بعضی
مواضعنده بر مرد جانبك مناره‌دن مناره‌یه بر تاب ایده‌جك

وانبره

اقاصی جمع اقصی در

طوامیر جمع طومار در

مرتبه یه تقریب ایتمشلردر • مداخل ومخارج صحن ساحه لرنده وحیطان
وجدارلرنده اولان نقوش رخامیه خوجه کاری بابی انتظاره
زنجیر حیرت اولمشلردر • جمله نک اشهری جامع ازهردرکه وسط
جگر ام الدنیاده منزله کبیر قلب وسیع اولوب شام وسحر نیجه
بیک بالانشینان سرخوان تحقیق وتقریر • وحلقه گزینان استفاده
حدیث وتفسیره مقردن اولمدقلری خالی دکلدر • بری دخی جامع سلطان
غوریدرکه شمسه زراندوده نما وایوان واسطه‌ی کدر ضمیر مهر انور
واسطوانه‌ء سربکردوی قندیل نجوم مستقردر • بری دخی جامع
طولوندرکه طولاً وعرضاً ساحه‌ء ساحه‌ء حرم بیت الحرام اوزره
بنا اولنوب • باشندن آتشی اکسکمی اولور اولوریا جاره • مناره
یکیسی اولان کج درون راست نما مرقوبنجه درون مناره‌ده اولان
اعوجاجدن روگردان اولوب • اگرچه نخل خرما وش دکلکه
ظاهرده هموار • عصای موسوی وش باطنده استقامت وار
مضمون صحیفه‌ء متخیله‌ر بانیسندن نمایاندر • ولمغی خلاف
رسم معهود درجات مرقات مناره‌سی منتهای شرفاته وارنجه
قامت نهالی دراغوش ابدن تال صفت ظاهرندن پیچیده اولمشلر
بوگونه احدوثه‌ء انگشت نمانک منشائی بودرکه گذشته‌ء جریده
ذکر اولان طولون اول جامع بالانک بناسنه اعمار معمار همت
ایتدکده ایا آمده بر کون بر شخصک مرفوع پایه‌ء سریر ایتدیکه عجز صحیفه‌لینی
بازیچه‌ء دست اندیشه‌ء طفلانه ایده‌رک سر انگشتنه پیچیده ایدوب
اول قیرده بحسب العاده بر هیئت مخروطی نمایان اولدی

البرقده امر عظیم

حالده رقدهٔ افکاردن بیدار اولمغین اول مقوله مشغلهٔ عبث
عارضهٔ وقار سلطنت اولمغین ملاحظه سی مشهود ستایهٔ نبض
آشنای ادراکی اولمغله دامن تمکینی ملوکانه سنده ازالهٔ غبار
خفت فکرینه دوشوب نسیم صبا تکبیر خرد ایله خلوتخانه سنده عقد
انجمن مشورت ایتمکین اول محلده معمار جامعی احضار ایدوب
حالا سر افراختهٔ مساحهٔ ظهور اوله جق جامعک منارسنک
بو رسم اوزره متاع درجاتی یافتهٔ منوال تصور اولمغین بو کار
نامهٔ مصنوعه اوزره ریختهٔ قالب استحکام اولمق مقصود صدر نجو
دست معماره تسلیم ایتمکله دیدهٔ نظاره حلقهٔ دریچهٔ اغفال ایتمک
تحکمی تنه دوشدوکی زمانکه از تواریخ شناسان وقایع مصریه در
برنیجه دخی روم ایلی میدانده جامع سلطان حسندرکه زیر گنبد
فیروزه فامنده نظیری جلوه گر ساحهٔ انعدام ایدوکی قرارداده خاطر
و عامه در زیرا اساس افکن عمارت اولان سلطان بلند همت علی وجه
الالتزام اندازهٔ طاق کسری احضار ندن صکره ایتی ذراع دخی شرقی
ایله برابرینه مقابل چار طاق اوزره بازوزدهٔ استحکام ایتمشدر
بانی مبانی امان اولان نابی ناتوان صفوف احجار جواریح شماره
اقامت سلم انظار ایدکده مرتبهٔ منتصفنه ارتقا ایدنجیه دک
هشتاد صفت گذر ایدوب نصف اعلاسنک تشخیص فواصلندن
سابهٔ باصره اظهار عجز ایتمکین نصف اسفلنه مقایسه وجهی
اوزره اکتفا اولندی. و دست ارتقاعی کلاه افکن تماشا بیاندر
جوز بان زهرهٔ انام اولان تعبیر مشهور بو جامع والانک نصفی

مرتبه سنده جلوه گر ظهوردر. بری دخی فاتح برقیع ام الدنیا
عمرو بن العاص رضی الله تعالی عنه حضرتلرینک مصر عتیقده آثار
همت علیالری اولان جامع رفیع الاعتباردر که هزار رنک ستون
رخام اوزره پابرجای ساحهٔ استحکام اولوب یمین و یسار محرابنده
ایکی مصحف شریف نهادهٔ رحلهٔ تعظیم قلنمشدر که بری چکیدهٔ خامهٔ
عنبر فشان عثمان. بری نمیقهٔ قلم گوهربار حیدر کراردر رضی
الله تعالی عنهمادر. و سواد بدن ام الدنیاده ایکی دیدهٔ بینا
منزله سنده ایکی برکهٔ لطیفه بری برکهٔ فیل. و بری برکهٔ اوزبکیه
ایله نام یافتهٔ السنهٔ انام اولمشدر. هر بری تقریباً طولاً و
عرضاً ایکی میل مقداری شکل مستدیر ایله جایگیر اولوب دوری
طبقه طبقه قصور بی قصور احاطه ایدوب روزنلری ورای چین
گیسوی اشجاردر. و کنگرهٔ زلف پیچ در پیچ سرو هواداردن آیینهٔ آبه
چشم گشای تماشا اولمشلردر. مربع نشینان سواحل آب دائرهٔ
زورقه یه هوای صباحظر انامل مجداف ایدرک اصول
دوریله سیر مقامات اتملری محیر ساز جنبر اوج گردوندر اما بو
ایکی برکهٔ مطبوعه جوشش احسان نیلدن حصه یاب اولملریله
شش ماه مقداری گنجینه لری بردر. و شش ماه مقداری بی زمرد
اولمغین حواله نشین اولنلر گاه سیر ایله شفایاب علت سودا
دلکاهش هدهٔ سبزهٔ زمردفام ایله کورساز افعی الام دنیا
اولمده درلر. جویبار نیل مبارک جداول نیلگون گیبی سواد مجموعهٔ
مصر غریبه سنه کشیده اولوب ساحل شرقیده قدم نهادهٔ عرش

بریی جناب سلطان المرسلین علیه الصلوة والسلام حضرتلرینک
ایکی نقش پای ملکوت پیمالری که بر سنک مبارک صحیفه‌سی اوزره
ایکی دیدهٔ بینا کبی جلوه‌کر اولوب اطرافنه نجه کاغذلارا • وبر
جامع بی‌همتا بنا اولنوب قدم بنه نا میل شهر ثیاب عرصهٔ روزکارا در
اولا لب نیل اول مقام مبارکک دامنی بوس ایدوب بعده
معمورهٔ مصر عتیقه بینکا هنده اجرای مراسم زوی مال ایده‌رک
مروردن صکره نسخهٔ جنت باشدن بک ورق شکلنده
پیرایه بخش محافل حور عین اولان قصر عینی نام مسیرهٔ دلکشا
ساحه‌سنه کف زن التجا • وبعده بولاق قصبه‌سنه سبقیه نام
مسیرهٔ جنت فریب تماشاسندن اکتساب صفا ایده‌رک سواد
اسکندریه ورشیده وارنجه ایکی یه منقسم اولمغین سیر شدید
بحر سفیده حواله رسم خزالفق رابلمشدر • مصر عتیقه مقابلنده
جزیره واسع پایان نام ایکی قصبهٔ عتیقه کناره کیر جوی نیل
اولمغین شام و سحر هزار سفاین صرصر شتاب بادبان کشای
ایاب و ذهاب اولمده در • میانه‌ده بر جزیرهٔ نازنده قسماسی
آب نیلک سیمین کبی احاطه اتملکین بس آینده پشت ماهی یه زخم
رسان اوله‌جق اساس مستحیل الاندراس اوزره سنکین
طاقلر بنا اولنوب بالاسنده بش طبقه اوزره معلا کاخلر
واسطهٔ طلق عارض مه اولمشدر • اول بنانک طبقهٔ اسفلنده
مرآینه بر کنج پنهان کبی بر حوض رخامیهٔ مربع الاضلاع احتراع
اولنوب وسطنده بر رخامدن چارکوشه بر ستون موزون حانده

نقطه‌یه نون مستقر اولوب ارتفاع نیله درجات سلم ارتقا

اولمق اوزره اشارت اولنان خطوط حساب اصابع کریبان

لباجه‌ء استسقا متنده جیب دراست شکلنی کوسترب مصر منتظر کرم

مزرعه‌ء انعامنه سرجمله ناس بنجه بر بار مق حساب کوستر ام

القیاس مشهر نیله مشار بالبنان اولمشدر کلمه‌ء ام القیاس

غلط مشهور السنه‌ء عوام اولمغله مصر دمبدم غرقه‌ء سیلاب

سرشک اولدی تنم ده بندی نیل اکچره که مقیاس خلقدن بدنم

قالن بیاغی حال اولمشدر ودرآن نیلده ایکی ساعت مقداری:.

مسافه‌ده کال ارتفاع اشکالی مبله سرافراخته اوج اشتهار اولان جبال

اهرام تجاوز کرده‌ء عد ثلثین وارعبیندر اما ایکیسی بربرینه قریب و

دبستان ام الدنیا منزله‌سنده جار رکن مخروطی الشکل ایله بدیدار

اولوب هر جانبی صد ذراع وارتفاعی دخی جار صد ذراع اولمق اوزره

هیئت غریبه ایله مربع الشکل اساس تمکینی ایدوکی تورده راه نکاه

حیرتدر دمصرک جانب شرقیسنده اولان قصبات وعمارانک

شماری خارج حوصله‌ء ارقام زنگی احسن واشهری واسطة العقد

سلسله‌ء سلاطین جراکسه‌دن اولان سلطان قیطبای نک عمارت جوالی

مزار فیض بارالیدر که بینه بر سنک مبارکده ورده ایکی نقش قدم سید عالم

صلی الله تعالی علیه وسلم کوهر تاج افتخار زوارلر بیدر بادشاه سالف

الذکر حرم بهشت توام نبوی ودروضه‌ء مطهره‌ء مصطفوی صلی

الله تعالی علیه وسلم بناسنه صرف کنجینه‌ء همت ایتدکدن صکره بر

شب اثر محبت فخر کائنات ایله دیک بر خون درون غلیان وصعود

کار حسرتله سربوشی بیرحم زجاجی دیده سندن قطرات اشک لاله گون
میل آغوشش دامان ایده رک رفدهٔ خفیفهٔ مهمان رباط اجفانی اولیجق
دار العطای عالم مثالده رسم قدم شریف نبوی نقرهٔ اشک خلوص امیزینه
بدل العطا نقود دیده صندوقهٔ امانت اولان محلی تعیین دایمی
بیوردقلرنده اول پادشاه کامیاب کند و حیاتنده توطین جسم فنا پذیرکا
ایچون محفور تیشهٔ انتباه ایتدکی مدفنه لوح سینه ایدوب لذتبخش
خوان عمیم النوال ممات اولدقدن صکره شمع مزار ایلمشلر ایدی
فردوس مسند مرحوم سلطان احمد زیب بخش سریر سلطنت اولدقلرنده
انلر دخی هوادار پابوس سلطان رسالت علیه افضل التحیه اولدقلری
ایله اول قدم شریفی استحضاره اقدام ایتملکی با مر خالق بیچون
مزاج روزگاره سکون طاری اولوب اول گوهر عالمتاب گرانبهایه
گنجینه اولان سفینه زورق ماه منیر صفت پاره تهی ویرادیجه دک
ساحل قسطنطنیه یه بادبان چلیپ وصول اولدقده امیر مغفور
کمال شوقه بناءً مصرع بلبلره ویردی مژده مقدم گل خوش گلدی
قدم گتوردی گلزاره صبا مصرع ترانه سیله اول شاک مبارکی بغرینه تاصوب
مداد اشک و خامهٔ مژگانیله قطعه بوله تاج کبی باشمده گتوررسم دائم
قدمی رسمیدر اول حضرت شاه رسلک گل گلزار نبوت او قدم
هم حبیبدر احمدا طورمه یوزگ قدمینه او گلک مصرع منظومه سن عقد
مروارید کبی نثار شکرانهٔ قدوم ایتدکدن صکره اول رسم همای سعادت
ایچون آشیانه اولان قفس سیمین ایچره یکلشوب و بازوی طاق خانه
خاصه سی اول گوهر یوز نخت ایله تزیین ایتمکیچون شانگه روزنه

چشم

جشنی عالمبینلری مستور رغبت وقت خواب اولدقده کار فرمایان
عالم معناده یا احمد چو انگا نه قسمت ازلیه تعیینی اولنان
حصهٔ آخره رطالهٔ دست منافی قاعدهٔ توکلدر کلمیدر بیت شنو ایز
نکته که دل را زغم آزاد کند • خون خوری طلب روزی تنها مکنید
مضمونیله مظهر سرزنش اولمغله صبحدم بینه بر سفینه یه جمایل کردن
قلنوب جانب مصره اعانه اولندقده بوکز لوحهٔ مهر منیر یری دفعه
کردان عروس نیلی بر قمع کبر دوه نه او بزان اولدیغی مدتده ساحل
مصره پنکر انداز استقرار اوبینه سر مزار قیشبانه شعشعه بار اولیجی
سلوک قدم قلمم اصحابا ثاردر • اگرچه مدینهٔ قاهره ده مشاهد
مشاهیر کبار بیکانهٔ حد شماردر • اما آنشهرک زانو زنهرکان حلقهٔ
انجمنی اصحاب رضی الله عنهمدن حضرت عقبه درکه قبهٔ مزار لامع الانواری
دیباجهٔ صحیفهٔ قرافهٔ کبرادر • انکا متقارب رکن واحد ارکانٔ
اربعهٔ مذاهب امام شافعی علیه الرحمه حضرتلرینک جواهر گرانقدر
جسد لطیفلری صندوقهٔ سبزپوشیله برقبهٔ آسمان سای سایه سنده
مقیم اولوب جناب سید الثقلین علیه الصلوة والسلام حضرتلری
اول قبهٔ معلا تشریف بخش اولدقده آسمان سیر اولدقلری مشهود
اصحاب بصایر اولمغله چهار عزبیده مورد سعادت اثرلری بر بر چمه
زرتار دله اشعار اولنمشدر • دخی فارس میدان ولایت عمر بن فارض
قدس سره حضرتلرینک دخی خوابگاه فیض پناهلری سر سطر جریدهٔ
خاموشان قرافهٔ کبرادر • وگل گلشن طراز ولایت شیخ ابراهیم
گلشنی حضرتلرینک دخی قطعهٔ چمنزار بهشت اولان مرقد مؤیدلری

جلوه ساز سینهٔ سواد قاهره اولمشدر • ماحصل تحریر اوصاف
مواضع غریبه • و اماکن عجیبهٔ قاهره بیرون اولان حوصلهٔ قلم اولمغین
جانب صحرای مرام تحریکله جام اولندی • کلالی سیه فام ظلام
کسوهٔ قیامت شام اولمغین دامن بدر شوال شب بشب بریدهٔ
مقراض نقص اولمغه شروع ایلدکده بالای شاهد بیت الهی
بافتهٔ کارگاه تک اله اولان کسوهٔ شریفهٔ عنبرین تار غلغلهٔ
اذکار مشایخ بی شمار ایله والی مصر بنکهٔ همتندن کذار • و مدفن
رأس پر نور حضرت امام حسین بن علی المرتضی رضی الله تعالی عنهما اده
چند روزه ودیعهٔ وقفهٔ استقرار ایلدیلر بعد از رفتن محفل
مصریان علم عالمتاب قمر منور شقهٔ سیمگون مرصع طراز عشرینه
کت دوبیر دکده دار الحکم ملکت قاهره ده خارج باب النصردن
قصبهٔ عادلیه یه وارنجه اوچ ساعت مسافه نک طرفین رهگذارنده
واقع دروب و ابواب و دکاکین و میادین و طبقات بیوت
و قصور بالجمله سکان مصر ایله نمونهٔ صحیفهٔ حیران اشعار اولنوب
غلبهٔ مزاحمهٔ نفوس انسان جمعیت معشر محشره بر بالکشر نسیان اولمغه
صورتلرین نمایان ایلدی • اجسام انام غرقهٔ امواج تلاطم زخام
اولوب بر بیرینی فوقنده انجم هوا ایر وجوه اغنام بدیدار اولمشدی
هر طرفه اصرار نظر اولنه یکسره لب رو چشم و ابرودن عبارت
اولنوب گویا نساج کارگاه صنع ظرف زحمتکذارنده نقش
بشرهٔ انسانیه ایله جز تیحی بر بیرینه مصور اوکلخته ایدوب
اول مرتبه جلوه گر عالم صورت منظور دیدهٔ عبرت بین اولمشدی

ندوه

زروقه روکش سوابق ستون رنج لواحق وصدور بالش الکتاف
سوابق اولوب خطوط نواصی اسافل جیب دراست سینه اعالی
دارقام زیر لب اغا سینه اعالی خط پیشانی اسافل اولمشدی
بو حالتله هر کس دیده کشای راه تماشا ایکن بالجمله مواجب حوران
جوان • وقت نجی جلیل العنوان غلغله اذکار ایله ماهی ناسی
دریچه خانقاه حقیقت ایده رک محفل شریفی زیور ورودش تعظیم
ایدوب مختتم حجی جه ایصال ایلدیلر دفتر حاجیان بیرکنجه اول
کوندن صکره جرس مهر منیر بشر دفعه آویخته گردن حمازه ایام
اولدقده بالجمله امارکاران راه بیت خدا دوش جماله تحمیل اثقال
ایدوب حایه داران قوت حالیه اولنلر مسند نشلی حضور اولمغون
وقف نزلزله بی انفصال • وتشروطه رشته بی اتصال تفقر
طائر حجی زخلوتخانه سالک راه دراز بیت جار فقره بحر رحل
سریر جار بابه دوش حمل جناب عمان بیابان یعنی خانه بادر
هواکت روانه کوشه نشین استراحت اولوب بچه لرچی
دصفه متقابله محفه باد ام دمغز حضوریله کوسترب برکنه
الحاج تعبیر اولنان غدیر پاکیزه ضمیر کنارنده ارامکیر سایه خیام
اولدیلر ایکی کون اول فضاده اتمام قصور مهام ایچون ارام اولنمق
مرسوم جریده اعتیاد اولنمغله بناء گنبد فیروزه فام کردونه
غش وغم عنبرین تعلیق اولندیغی دم اعیان حجاجک پیشگاه
خیامنده اشاره تعبیر اولنور بر ستون اوزره قنادیل بیشمار
ایله صورت عقد ثریا فروزان اولوب رهروان بیت الله هک مراسم

رکوب و نزولی مغائر اسفار سائره اولمغین اکثریا گیجه‌لری
طبل زرین آفتاب زیور زیر بغل فیء زوال اولدیغی دقیقه‌ده
تصادف ایتمکله هنگام نزوللری دخی قافلهٔ صبح‌دم مقدم
واقع اولمغین شبگردان گم‌کرده راه دلالت نجوم ایله بهرهٔ منزل
مقصود اولدیغی که هر کس سموت خیامی استعلام ایچون العارف
یکفیه الاشارة دیه رنک هر اشاره‌نک نقشی نقوش سائره‌دن ممتاز
اولمق اوزره ترتیب اولنوب گویا شب دیجورده بر معمورهٔ عظیم
السواده رؤس شرفات مناره‌لری قنادیل ایله تزیین اولنمش ایدی ابتداء
نوبت حاج نفر صبح اخیر اطفاء قنادیل نجوم ابتدا کرده طرفهٔ
کوس رحلت مدققهٔ منبه ساعت حرکت اولمغین گوکلرچی
ایت با طاعیشی هنگام عزیمتدر یوری بر کسفر آماده ایتکم وقت رحیلدر
مالی جرس حدید الالسن هنگوش سامعه انتباه ایتمکله بینه دو مصرع
محققهٔ بیت قصیدهٔ مشهورهٔ شتر حجره به نظیره قلنوب قبلا
قالبا جانب قبلهٔ آمال توجیه قبالهٔ اقبال اولندی ما رهروا
حرم قبلهٔ جانیم با قافلهٔ اشک روان همره ازانیم اثنای طریقده
صحرای تیه و طور سینا گذار اولندقدن صکره طقوزنجی گونده عقبهٔ
مصر نامیله مشهور السنهٔ انام اولان راه عسر تعبانه که طرفینده
اولان قلل جبالی اشیاء شرط کرده‌لر بر ترو میانه‌ده اولان
ممر باریک عمیق پشت گاو و ماهیه برابردر ماننده مار پیچیده
پای مطایا اولارق لب بحر محیطه بوسه داد دامن خیام اولندی
لب دریاست چون لب دلبر ازبرون سبزه در درون گوهر

ترتیب بند قافلهٔ حجاج تحریر اولنمه

مانند

مانندهٔ دریا صفای خاطر له بر نجه منزل دخی کنار ورق پیروزه
فام دریادن بریده مقراض قوایم مطایا قلنه قدوح حکره زیر
زمین گردان الهی ایله گوی چوگان قضا اولان ارض مدین
قربنده عبادتخانهٔ خطیب الانبیا حضرت شعیب صلوات الله
علی نبینا وعلیه زیارتیله قطع مدارج منبر مرام اولدی
مشعل قمر ذی الحجه زیور روشن سپهر اولدقده عرصهٔ بدر وحنین
جلوه گاه خیام اولوب روز نصرت اندوز غزای کبرا بدرده صحابه
کشان پیمانهٔ شهادتک خاک خون آمیزلری زیارتیله سر
گرمی نشئهٔ روحانی اکتساب بندن غیری سلطان منصور اللوای
نبوت علیه افضل التحیه حضرتلری اول معرکهٔ خود فرسا
هنگامنده امید خرام شاهد نصرت ایلدکده کف استدعا ایله
مرات روی رجا قلمغه تواری بیوردقلری سایهٔ نخل ناکده
بنیاد اولنان مسجد عریش زیارتیله دست امید نائل خوشهٔ
مرام قلندی رسیده بمیقات احرام گاه اندن ایلکنجی گونده
میقات قافلهٔ مصریه اولان رابغ نام صحرای سینه کشا بیرده‌ج
جنگار گون خیام ایله پیرایه گیر اولدقده بالجمله سالکان راه
بیت خدا البسهٔ عادیه دن تعری ایدوب [illegible] جبهٔ داغ جنون
ابلجره بر زبان دربدرن دری اولدیجه لباسم بودر اولسم کفنم سرنوشتی ایله
نشست وشوی ایدوب اندک صکره لباچهٔ جوان مقدس الهی اولان
ایکی قطعه احرام سپید فامی زیور دوش ومیان ایلیوب سر وپا برهنه
اواز غلغلهٔ فلک رسای لبیکلره امیختهٔ اذکار مسبحان ملاء اعلا

ایلدیلر بیت کعبه را مستانه لبیک رم از میقات عشق • کز الستم
هم با بین لبیک کوی آکرده اندم مص تسلسل زمزمهٔ لبیک پنج شبانه روز
انقطاع بولمیوب • بر صبحدم حاجئ برهنه سر خورشید دور مطاف
کردن ایچون صبح اول واخیردن ایکی قطعه احرام کافوریامی
آرایش اندام ایلدکده ناکاه تیغ جبال زمین بطحادن لمعان
ایتمکین قافلهٔ آرزو بار جاجک عنان آرامی کسسته اولوب
هرکسک صحایف پیشانیی حالنده داعیهٔ شتاب فتر سم اولقین
بیت برضای صور وصورت کعبه بیلوبور آدم • همان بوله خواشم
کوی دمه بادیه رک مص حرم شریف صوبنه مسارعت اولندی بیت
دلم بباره دراید که هان صبوری راه • زحد مبر که درین راه کر مباد صبور
و آقوا شاهین ملکوت الشان جان هنوز آزاد پرواز هوای
عالم اطلاق ایکن کردش نفتهٔ دعوت خلیلیه یه بال کشای
اجابت اولمده اضطرارندن غیری شهربند مشیمهٔ عدمدن نائل
دستمایهٔ وجود اولمه قدن صکره حضرت قادر استطاعت بخش
جلت شانه نک آراستهٔ نوال مغفرت اولان ضیافتخانه کبریاسنه
تکلیف دخی زنجیر کردن اختیار اولوب خصوصا سوداکر جابر سوی
حیات اولالدن برو دکانچهٔ سامعهٔ کالای کفتکوی حرمیج
ایله بر اولدقجه صندوقچهٔ متخیله نقد اشتیاقیله مالامال
اولمغله مص کی بود یا رب که رو در یثرب و بطحی کنم • که بمکه
منزل وکه در مدینه جا کنم مص ترانه سبله نو بنو دریای اشک شوق
موجه دار رقت نقش بنفس سینه و دل بادبان کشتی راه حسرت

اولوب

اولمق معتاد ایدی اولدیغندن فضلهٔ آثار حکم تقدیر ازل ظهوره
قریب اولمغین اول گلستان مغفرت الهی زیارتنه عزم اولندیغی
گوندن بری شبنم صبری بوده ریخته مهر اشتیاق اولمغله طی
منازل بعیده دامن آرزویه غبار اولوب هر گون مقدمجه منزل
مقصوده وصول و تسلیم نقد اشک نیاز امیدیله عوارض
خانهٔ جریدهٔ عمردن بر مقدار خانهٔ ایام فرو نهاده قلنمق چاره جنبش
بلنمورکن نه حال ایله اول مرتبه طی ایدیجک بدن صکره رسیدهٔ
قرب بیت الحرام اولندقده کاربان عقل و شعور و ملکت صبر
و قرار محملنده پایدار اولمق نجه متصور در حتی چون اثر قرب
مصور شده جاذبهٔ شوق فزون تر شده حرم ملهٔ مکرمه یه
ایکی ساعت مقداری محروسه نام محله که ابتدای حرم ایزدی اولدیغی
اشعاره طرف طریقده میل سر بلندلر ایله حالا اولمشدر چشم گذار
ره نوردان سوادی حسرت اولندقده بکباره قافلهٔ حجاج جنبش
هر صنف شوق قیدیله اوراق خزان زده کبی افتادهٔ زمین اولوب بیابانده
بازیچهٔ شوق و محبت اولدیلر نظم جمله خلایق چه عرب چه عجم بادیه پیما
بهوای حرم زآتش شعله بنمود آمدند جمله در آن عرصه فرود آمدند
حوت اول هنگام دلارا که مقراض شوق غرام صحیفهٔ قلوبدن
حواشی تعلقات سوایی قطع ایدوب ریسمان بازان روشن منزل
امارهٔ خطوط جنبان شتاب اوله و حبذا اول موحد پاکیزه سرشت که

جذبهٔ محبت الهیه ایله پیراهن علایق اموال و عیالدن آستین فشان
تجرد اولوب خوان بی امتنان مغفرت الهیه دن لقمه چین نعمت دارین
اوله بیت نعمت او هست بردن از خیال • کیف یؤدّیه لسان
المقال بیت هزار شکر قادر بیچونه که شمع سینه فروز خیال کشتهٔ تقصیر
دایمی اولدیغی کرم نظر قندیل طاق مطاف اولمغله دیده روشن
اولوب سعادتندن بی نصیب اولمدی • و نیجه کی بیحد حضرت وهاب
عمیم الرحمه که کالای یکمایهٔ زندکانیمی تاراج خوردهٔ رهزن مرک ناکهانی
اولمازدن مقدم بو نیاز پیشه نی پای انداز خاک حرم یزدانی
قلمغله لذتدن محروم قومدی بیت منت خدا که هرچه طلب کردم از
خدا • بر منتهای همت خود کامران شدم بیت ما حصل حوالی مکهٔ
معظمه ده ناکاه قباب مزارستان معلاة یه که مزارات هویدا
اولمغله حدقهٔ عیون پیمانهٔ پر نشاط اولوب مستی ذوق سر
جوش اولمغه باشلادی مثنوی خاک معلاست که تاج سرست • نورهٔ
دیدهٔ ما و حورست • هر طرفش مغرب صد افتاب مهرهٔ گل کشته
پیرایش نقاب بیت هزاران نجوم زاهرهٔ سپهر کرامت اول خاک
پاکده متواری لکوشهٔ خفا اولمغین قدری آسماندن معلا
اولمغه موقع چون و چرا دکلدر • خصوصا شمع شبستان عصمت
پروانهٔ چراغ نبوت خدیجة الکبری رضی الله تعالی عنها حضرتلری
دخی اول ساحهٔ آرایش زینتسرای جاودانی اولمغله قبهٔ

حدقه کوزفزاسر

حرمدارئ اعظم قباب معلادر • آندن صکره ناکاه آثار عمارات
بلدهٔ مکهٔ معظمه ورای نقاب خفادن نمایان اولمغله یکباره
هجوم سیلاب حیرت بنیان خواسے نمونه دل مشتاقانه ایدوب
صولجان مهابت قدسیه ایله کوی صفت باز سر کرم عشق
کوبک کبی اهل دله باغ ارم اولمازه • باغ ارم اول جنت فیضه حرم
اولماز سر زمزمه سیلهٔ میانهٔ کوچهٔ مکهٔ محترمه حرم ره ایده رک عشق
مدعا عاجز بر نکاه مرحمت ربا ردن • ایکی عالمده دخی بر مدعا عاجز دار
بزم عشق و فقنجه صحن مدعا ادامکاه پای نکاه قلندری • مدعا
نامیدیهٔ شهر شتاب اولان میانهٔ کوچهٔ ام القری حرم بر نشته
درکه صحیفهٔ جوار حرم ربانی ابتدا اول محلده ممر طفل
نوآموز نظر اولمغله اول محلده چکیدهٔ یراعهٔ زبان اولان
منظومهٔ دعا مرسوم لوحهٔ اجابت اولمغه موقع اشتباهده
مشتبه اولدیغی سلطان کونین صلی الله تعالی علیه وسلم
دفترلرینک موقف مزبوره بهر بار روست کشای بارکاه احدیت
اولدقلری ثبوت یافته در عشق روی طلبه بسوی مدعا
بی شک و شبهه است قبول دی ویدن رخش رده بیت الله
یا لاخره مدعادن دخی کذرا اولنوب تار انظار شرفات
منارات حرم مکرم سر بکریوه نه پیچیده قلنه روح سدهٔ سدره
فرسای باب السلام سجده کاه پیشانئ جان اولوب صحن ساحهٔ
حرم الله اطارهٔ حمامهٔ نکاه اولندقده نسخهٔ متخیله دن شیرازهٔ
شعور بالکلیه کسسته اولوب اجزای پریشان حواس بازیچهٔ باداه

اولمغله آغاز ایلدی مثنوی گشت دلم غرقهٔ بحر وصال گم شدم از
خود بفروغ جمال سیل سرشک از مژهٔ مشکبار سر زد و جیحون
شد از آن کنار غلبهٔ دهشت وصالدن از قالدیکه اکسیر عالمبهای
جان خاک زیر مسامات بدندن ریزان اوله واستیلای مهابت
حسن ذی الجلالدن قریب اولدیکه شیر روح زنجیر انفاسی قطع ایدوب
گریوهٔ تنگ تندن گریزان اوله بیت دیدیم اینچنین دم وصل
نمرده ایم مادر بسخت جانی خود این گمان نبود بو کیفیتله
شحنهٔ مهابت جلال بر زمان قلمرو خودده تصرفدن صکره دقت
لمعهٔ تبسم جمال بنوعا اثارهٔ چراغ شعور ایتمکین کمال اشرمیله ورای
چارچوبهٔ روزگاندن قامت هوش ربای شاهد بیت الحرام
روزنهٔ چشم حسرت کشه قلندی ذکر اوصاف کعبهٔ علیا نه گوردم
بر نازنین انجمن ملاحتدرکه قامت سدره خرامینه پیرایهٔ قیام
ویرمکله تماشاییان ملک و ملکوتی افتادهٔ نقطهٔ حیرت
ایلمش و بر ماه افتاب سوزدرکه آغوش هالهٔ مطافده جلوه گر
اولمغله گتان صبر نظاره گیان زمین و اسمانی گریبان چاک شاقه
چوندرمش بیت ز فرق تا بقدم هر کجا که می نگرم کرشمه دامن
دل میکشد که جا اینجاست بر سر و دامن چیدهٔ ساحهٔ رحمتدرکه
مرقعی بالان اشیان قدس گرد سرنده فاخته مطوقه کبی
دوره گیرمش بیت بر شمع انجمن تاب هدایتدرکه سبعهٔ سیاره پیرامن
شعلهٔ جمال عالم سوزینه پروانه اولمق آرزوسیله سوزان
اولمش مثنوی گشته همه فاخته او سرو ناز جمله چو پروانه و

او

و شمع رازه شمع اکرهت دریچ بزمکاه • روشنی اوست ز نور
اله نور رای سیه پیرچینی مده برچشمه حیات ابدیدرکه دلالت
حضر توفیقله لب تشنکان بادیه ارزو ریز میزاب رحمتدن
استفاضه ماء الحیوة مراد اتمده درلر • برکاسه سرپوشیده نوال
هدایتدرکه دائره خوان مطفنده اولان نیم صحن خطیمده
کرسنه چشمان تنکنای معصیت تحصیل نواله مغفرت اتمده درلر
بیت از کل و آب شر کرم میبار داین ان خانه است • حفر راسقا
و ابراهیم بنیا دکرده اند وصف خود • صندوقه جواهر اسرار
کعبه در • کنجینه دفینه اثار کعبه در • پروانه سی ملکدر او
شمع حقیقتک • ادوار چرخه نقطه پرکار کعبه در • پروانه
طواف کمی چشمه زشوق • مرات جمع ثابت و سیار کعبه در • رمز
ناودان جامه اسیمین نطاقله • کهنه پلاس جرمه خریدار کعبه در
افتاده کانی غرقه عفو اتمک ایچون • بحر محیط رحمت غفار کعبه در
ارض حرم چو ونکه بحر فیضدر • کرداب جذب کرم انهار
کعبه در • تحصیلکاه مسئله فتح رازدر • مجموعه مناسک
اذکار کعبه در • اهل نظر علامت اجر طوافدر • کوهر کش برشیم
انظار کعبه در • فهم بلند صاحبی ادراک ایدرینه • بیت بلند
معنی اسرار کعبه در • قالمدی محال اکمه تلی کیسه نا بیانه بخشنکه
نخلی کرمهار کعبه در • رمز کعبه ناف تشکیل عالم اب و خاک
مرکز عنبری دوائر افلاک • کرسی مملکت الهی • قفس
طائر فیض نامتناهی • صندوقه کنجینه ملکوت • درج مظروف

جوهر چارسوی جبروت پیرامن مشک فامی تحریک نسیم ایله جنبش
پذیر اولدقجه تموج قلزم انوار نمایان • و قلوب دلبستگان
نقاب حیرت عیان • و ذوق و استغراقده غوطه زنان اولمشلر در
بیت شب که لباس مشکین چو بجلوه اندر آید • پیر دهزار دلرا بکرشمهٔ نهانی
و زیر نقاب عنبر آگیندن کوشهٔ عذاری لمعان ایتدکجه مهر سپهر
افروز خورشید ضیاسی نهان اولمده در مثنوی شد متحرک ز نسیمش
نقاب • گشته منور ز رخش آفتاب • برقع مشکین ز رخش بر شکست
نرخ گل و قیمت عنبر شکست نثر آمیدگاه کافهٔ کائنات اولان باب معرفت
مآبی جانب مشرقه توجیه چشم التفات ایلمکله هر صبح داور خاور
اورنگ پیروزه قامه صعود ایتدکجه عتبهٔ سعادت پناهنه
ناصیه سای اولمغله قلمرو آفاقی زیر نگین ایلمشدر مثنوی مهر
سلیمان که جهان بر گرفت • سکه اش از حلقهٔ این در گرفت
گر بشرف مهر و مه افسانه اند • حلقه بگوش در این خانه اند • دست
درین حلقه زند جبرئیل • تا شنود بانگ ز رب جلیل نثر جامهٔ عنبرین
زر نطاق لیله جلوهٔ محجوبانه سیله مایهٔ سودای انس و ملک وارکان
مطبوعه اوزره قاعدهٔ تمکین مخزنانه سیله واسطهٔ سرگردانی کاخ
فلکدر مثنوی آمده با خلعت عنبر سرشت • سنبل مشکین ریاض
بهشت • برره نظر کرده عرش راه • مشعله دار حرمش مهر و ماه •
عتبهٔ باب عالی جنابی محاذی سطوح نواحی اولمغین افواه و
پیشانی زوار شرف مالش ایله مشرف انوار اولمده در قطعه تن
ملک راست چون دل دل خاک را سویدا بچهار حد کشاده در فیض

جاودان

جاودانیش • چو وزد نسیم کویش که رود پی مسیحا • چو رسد ضمیر پاکش
که زند دم از اغانی • نفحات اسمانیست زحریم او مترجم • زخطاب
استانش شده عرش ترجمانش • در باب رحمت تقابلنده رکن شرقی
بیننده اوچ ذراع مقداری ملتزم شریف نامیله متعین اولان
موقف جرم افکنندر که اول صفحه یه سایپده اولان جباه و صدوره
دست زده دوزخ اولمغه غائله سندن جودر • صفت حجر الاسود
والای مکرم رکن شرقیده تخمیناً زمیندن ایکی ذراع مقداری
رفعت ایله حجر الاسود اسعد مبارک بر دائرهٔ سیمینه احاطه سندر
نوربخش لی الجمع حرم اولمشدر • بیت • نور سیاهش لمعان ازخد
است • خال سیاهش حجر الاسودات • سرنامه حجر الاسود بر شبچراغ
افسر افرینش مردمک دیدهٔ بینش • سویدای دل کائنات • خال
جمال ممکنات • گوشوارهٔ عرش ربانی • بازوبند خانهٔ یزدانی
گوی گریبان انوار • نقطهٔ دائرهٔ اسرار • نگین خاتم همنوا ازل
یمین خداوند جهان عز وجل • بوسه گاه انبیای کرام • محک شفاه
اولیای عظام • لوحهٔ سینهٔ اخبایت • گوهر کمر هدایت • مثنوی
نقطه نه دائرهٔ آسمان • نقطه صفت هست از ان درمیان • سرو
کشت چشم غزالان حبش • دانهٔ سیاهش کوا هیر بیش • ذکر مقام ابراهیم
در ملائک مقربه مقابل بر قفس روییج زرین سقف درونندده
مقام ابراهیم ایله مسمی حجر مبارک که اثنای بنای بیت المعهد
زیر پای ابراهیم صلوات الله علی نبینا وعلیه مرغ اسا محل
اقتضاسیه بروارا تمکله اثر قدم مکرمی حاک سینه سنده داغ

محبت اولوب کندوسی ساحهٔ حرم سبحانیده کوشه نشین نعتیج اولدی
کبی ذکری درج کریمهٔ فیه آیات بینات مقام ابراهیم شرحی ایله
منجز میانهٔ خیابان سطور کلشن کلام قدیم اولمشدر شو
انک درج هیئات پاکیزه سنه مناسب برکسوهٔ زرتاریه
نکار اللباس اولنمغله بیت سیه قبا ایله همسنک ترازوی
اعتبار در بیت کویه است اینجا ملک حیران کار افتاده است
آسمان از خروج طوفش بیقرار افتاده است اوصاف چاه روح چاه زمزم
شریف مقابلهٔ حجر الاسودده منبع شیر جان مورد زلال
روان یعنی چاه شفا بناه زمزم مکرمه خاصیت ذاتی سرچشمه
حیاتی خیمه نشین ظلمت ورحیق تسنیم موجه ریز خجالت انک
وصف شایسته دکلدر قطعه بمذاق حق شناس کف آب ار
بنجد نه دهند لای زمزم بزلال زندکانی مه اکر مجال باید که
شود مقیم چاه هش کندشر زجرم دلوی ز شفاع ایسیکاخمر بالای
چاهده برج ابی یه مماسر اولان قبهٔ عالیشانک طبقهٔ
علویسی موذنان شافعیه یه مقام اولمشدر شبانه روز
صد هزاردن افزون تشنه لبان حجاج شرب وغسل ووضو
بر وجه استشفا استعمال ایدرکن کنجینهٔ غیبیهٔ الهیه دن
فوران ایدوب مرکز اصلیسندن تفاوت جزئیه سی کورنمکدار
دکلدر خارج دائرهٔ مطافده اولان چهل ستون رو بیرون
اوزره آویخته اولان قنادیل خاطر شکن اختر فلک وساحهٔ
حرمده پرواز ایدن کروه کروه حمامهٔ تیز پرواز واسطهٔ

انکسار

انکسار بال ملکدر نظم وضع قنادیل دی اندهر طرف • اختر جابنزا
شده بیت الشرف • خیل کبوتر بهوا بر به بر • در طیران چون ملکش
کرد سر سر اون جمنستان قدسک حوالئ حرم محترمنده شعشعت
منار سرو کبی سر برآورده اوج اعتبار • و قمریان پروازگاه
قدسه جای قرار در نظم در صفت طول قد هر منار • بکمنه زحل
بر فلک زرنگار مایه زاو ججی فلکش مرتفعی • با نجه سدره شده مجتمع
هوا آب اربعه اطراف جماعت مذاهب اربعه یه جای اولوب هر
بر رنک مجمعنده بر محراب سینه کشای اصحاب اولمشدر مث
چتر مقامات رباعی دران • بر سر هر قوم شده سایبان الحاصل
بو کونه ترتیب نظام خانهٔ خدا تماشاسی علاوهٔ حیرت اهلی
اولمغین بر زمان پای زمین پیما درون باب السلامده پیرایهٔ :.
رفتاردن عاطل اولوب نظرهٔ موشمانه شاهین چشم دوخته کبی
بالای نکه ربای بیت الحرام تعلق بیهوشانه یه یاپشدی مث
بس که مهابت بدلم رو نمود • چشم نیاز رستم ازان در کشود مر اکر جذبهٔ
مقناطیس حجر اسود پنجه زن کریبان شعور اولمسه انجمده دهشتله سندانه
صفت اول محلدن تحریك خطوه یه حصول قدرت ناممکن ایدی
مث چنان از پا فکند امروز آن رخسار و قامت هم • که فردا بر نخیزم
بلکه فردای قیامت هم مر هله سیلاب سرشک ساحهٔ دلده رفع خیمهٔ
حیرته بر مقدار همت ایدنکده ذکر توجه بطواف قدوم مث اخ

ای کعبه و لیلی که نجاتیه بر سم • در دمندم جددی تا بدوایی بر سم شعر بیتی ایله
ایله مصافحهٔ حجر اسوده مبادرت • و طریقهٔ سنت اوزره دوره
طوف قدومه مسارعت اولنوب اول شمع شبستان حقیقتک پیرامننده
تماثیل اجسام طائفینی ایله صورت فانوس خیال هویدا قلندی مثنوی
ز آتش شمع رخ جان پرورش • سوخته پروانه صفت بر سرش • نیست
در پی انجمن شمع نور • یک نفر از گردش پروانه دور • بر طواف کامل
یدی دوره عبارتدر که هر بر دوری طبقات قباب چرخ دوارک بر
طبقه سنه تبعیت وجهی اوزره تعیین کردهٔ صانع ازلدر • بیت
هر یک ازین دوره ز روی نظر • تابع دوریست ز هفت چرخ دگر • چار رکن
رکینی که رکن حجر اسود • و رکن عراقی • و رکن شامی • و رکن یمانی
نامیله ثبوت یافتهٔ عرصهٔ اشتهار در • آنلره وصولده • و باب
رحمت مآب • و حجر اسود • و ملتزم شریف • و مقام ابراهیم • و
میزاب رحمت مقابله لرینه وصولده اولان ادعیهٔ مخصوصهٔ مسنونه
اداسی ایله اتمام طواف قدومه اقدام اولندی • بیت طائف این
خانه نباشد بشر • بل چو ملک طوف کند حول عرش • طواف قدومک
اشواط ثلثه اولی سنده رمل و اضطباع مراسمک مراعاتیچون هر
کس طرف احرامی دوشندن سیندن اسقاط ایمکله کالای تجردی زیور
دوش رضا ایدوب شتاب بهادرانه ایله سر دوش جلوه کاه جنبش شجیعانه
ایدوب • بیت جرأت اظهار تجرد نکوست • خاصه شغلی که بود بهر دوست

اشواط

اشواط اربعه‌یی باقیسنده بیه حالت مسکنت و افتقاری شعار ایدیلر

مت این سه بود چو آه فرخنده گی • جار دگر راحت افکنده گی • مبدای

دائرهٔ طوف که نقطهٔ سیاه حجر اسوددر • هر شوط مقطعنده بیه

رخساره جویانتابندن لب ادب بوسه چین اولورق صفت در

طواف ختام عنبرین حجر اسود ایله مختوم اولدیغی محلده عرض حال

درگاه قاضی الحاجات ایچون ملتزم شریف درکنارده • وجوی دیدهٔ ضمیر

مرتسم اولان مطالب نکفته بر داشته بارگاه ستار قلندی نظم

ملتزم از شوق در آغوش گیر • زنده بجانان شو و از جان بمیر • عاشق

پروانه نداینه ملک • چو چرخ زنده اول و سوزدکر بر بعده ورای مقام

ابراهیمده دو رکعت نماز طواف عقیبنده دست ساقیان

زمزمدن بر قدح شیر شکوار ایله تسکین نائرهٔ ارزو قلندقدن

صکره قادمهٔ عزم جهانگیر ارامگیر دقیقهٔ تاخیر اولمقسزین اولمغه

باب صفادن ساحهٔ سعیه تحریک خطوات اهتمام اولندی نظم

یا فتیح از مرتبهٔ طوف کام • زود پی سعی بمسعی خرام • طاق صفا

رشک رواق فلک • سبز سرا و صف زه خیل ملک سعی کردن بصفا

و مروه صفا ایله مروه سرای الهینک جانب شرقیسنده بر بریله

زانوزن تقابل اکی طاق بلند رواق درکه طاق صفا جانب

جنوبده • وطاق مروه جانب شمالده مقدم کرمردان آمد شد

سعیه آغوش گشای مرحبا اولمشلردر مت یک طرفش مروه و

یک سو صفا • ساعیان نیست جز اهل وفا • میانه‌ده اولان •

ساحهٔ سعیه بر میله قریب بر مسافهٔ هدایت پیرا درکه اصحابه

سعی اولن شکرستان مغفرت اوزره قافلهٔ مور کبی جوش ایتمشلر
نظم وادی مسعاست که ریگ از شرف • سرمهٔ چشم عظمای
سلف • نقش کف پای تو بران زمین • روز نه فردوس شود روز
دین مرمر دفعه سر منزل صفا و مروه یه قدم نه وصول اولندقده
زیر طاقده صورتنمای جداول تقویم اولان درجات اوزره
ارتقا و طریقهٔ سنت سنیه اوزره جانب حرم مکهٔ مکرمه
توجه قبله خشوع ایله آیهٔ کریمهٔ ان الصفا والمروة من شعائر
الله • سرنامهٔ دیباجهٔ دعا قلندی مع سعی کرخ از مروه ده
دل را صفا • لیس للانسان الا ما سعی مرجوار حرم محترم ایله خانهٔ
عباس رضی الله تعالی عنه جدارنده بر بر ینه مقابل چار ستون احمر
میاننده اولان مسافهٔ دوش خطوه یه الباس خلعت سرعت
اولنوب خصوصا حرم محترم الهینک باب الصفا و باب القبله
و باب باران • و باب علی • و باب عباس • و باب جنائز • و باب
السلام نام یدی دریچهٔ مطهره سر راه مسعایه دیده کش اولمغله
اثنای سعیده هر باب معلا جنابه مقابلنه کلدکده شاهد
تنهانشین بیت اللهینک جلوهٔ احتزازی مشهود اولمغین
دست نگاه گلزار جمالنده شکوفه چین تماشا اوله رق مطلع
صفادن مقطع مروه یه دک تمکا پوی هفت باره تکلیفی ایله هفت
دلس مرام اتمامنه اقدام اولندی نظم هیچ ولی و نبی نبود
کو قدم سعی درین ره نه سود • بر اثر پای کسی پا ننهی • گر قدمش
عرش گرفته مهی • سر آخر طومار هفت دوره سعی طی اولندقده چکرد

رحم

ساحهٔ حرم محترمه روزن کشای نظارت اولان بر منزلده بسط
بساط آرام وقیوم وقفه یه انتظار ایله چند روزه اداره اوراق
لیالی وایام قلندی نظم چونکه منم محرم دیدار ادن نکرم بیر در
جوار او خانهٔ او خانهٔ چشم منست زانکه جهان برمن از و روشنست
ذکر وصف عزیمت عرفات اخر جرس بیحین هلال ذی الحجه
دفوهٔ هشتمینه نخجیر کردن کش کردنه آویزان اولدقده زمان
عزیمت عرفات قریب اولمغله بای صبره عقدهٔ احرام حرام
اولمغین آماج نشیناه کریوه حسرت مصرع مزرع شهیدان عشق
روز قیامت رسید هر مایلیه بر برینه ابلاغ پیام بشارت اتمکه
باشلدیلر شش جهت عالمدن غزل پیشانی شوقلک قدم راه
نجات ایت مزلقانلی جاروب غبار عرفات ایت طی ایله چینکلر
ره کوهی خدایی ابرو کر آماج قبض خطوات ایت جوان الهیده
ده کوب نقد سرشکک معمورهٔ اسلامکه تجدید برات ایت ویرسه ز
سکا عمر ابدی کریهٔ حسرت خون دلی حمی صبت آب حیات ایت
نابی نیه کلدک نه طورر سون بو مقامه دار بارکه خالقه کیت در حاجت
ایت نثر اوازه پیسه سامعهٔ جانی کنجینهٔ کوهر ایدوب طرف
طرف اوازهٔ نفیر امرای حاج اموات برهنه خیز انتظاره
صور صفت افاضهٔ حیات اتمکین کمی ناقهٔ آهو هودج شعله پیچ
زیور کمی حجازهٔ سرشک عماری حباب سر ایدوب عزیو نعره کشان
دمساز شهیل فرس وآوازه جرسلر درد ناک عشق قافلهٔ همنفس
اولوب بر حالت ارام ربا هویدا اولدیکه قریب اولدیکه اب

زمزم سرجوش شوق اولوب سیلاب اشک حجاج ایله کف
زنان وادی منی یه جریان ایلیه • و آز قلدیکه شاهباز
آشیانهٔ عنایت • یعنی بیت مکرم احرام سیه فام بال
مشکینی کبی آماده پرواز اید وب همراهی سحاب آه عشاقله
فضای عرفاته طیران ایلیه • بیت • ناقه سراسیمه شدی شوقناک
مرده برآورده سر از جیب خاک • سر سینهٔ ام القری شرحه شرحه
دروب لخت لخت جگر سوخته دللردن تنور کبابیان کبی آتشینی
ودامن بطحا ایله کریبان معلا اولان جانفیق تخروش طوفان
اشک خونین ایله ممر سیلاب بهاردن برشرین اولوب
دل خاکدن برخاسته اولان غبار برج رخ زهرهٔ مهر
منیر • و آوازهٔ زوار ایله غلغلهٔ اذکار صمم رسان
سامعهٔ افلاک اثیر اولمشدی • مبالغه تصاعد غبار دن
مشعل عالمتاب آفتاب جوش فلکده ناپیدا • و فراحمه وطیادن
کورهٔ زمین زیر پایده ناصعو پیدا ایدی • بیت • عنان بدست
عنایت سپرده بودارنه صف ملائکه در زیر دست و با میرفت
بو غلغلهٔ طرب خیز ایله وادی منی جانبنه ورود اولنکی ذکر وصف
منی و مسجد خیف • وادی منی بلدهٔ مبارکه نک جانب شرقیسنده
برنجی ساعت مقداری مسافه ده بر وادی جانفزادرکه طرفینی
طاقلقده برنجه یوز خانهٔ معلا بنا شهنشینی برشهنشینی دوام
بر رواق صف کشیدهٔ راه انتظار حجاجی اولوب طبقهٔ سفلیسی
سوداکران ایام تشریق الچون دکاکین نزهت آیین ترتیب

ادلیم

اولنمشدر. اول وادی اوزره سایه‌گستر اولان کوه بهشت شکوه
دامننده مسجد خیف نام معبد مسیح الارجا یافتهٔ قواعد استحکام
اولمشدر نظم قرب دو صد کام ز شوق منا. مسجد خیفست صفا
در صفا. خاک وگل آن همه عنبر سرشت. گوشهٔ او وسعت صحن بهشت
اول مسجد پر فیض دراسنده جلوه‌گستر غار پر انوار که دریتیم صدف
کونین حضرتلری اول غارده واسطة العقد الجمع اصحاب اولدقلری
حالده پیام رسان حرم افریج جبریل امین علیه السلام امواج
بحر قدیمدن سجهٔ سورهٔ والمرسلات دست آویز پیشگاه نبوی
ایتمکله غار والمرسلات نامیله صدف کوهر اشتهار اولمشدر نظم
هست یکی غار درآن کز صفات. آمده مشهور به والمرسلات. ازین
فرآشی آن ابر باد. میرسد از چرخ بهاری بداد. لیلهٔ تاسعهٔ ذی الحجه
وادی منی‌ده آرام شبانه. و مسجد خیفده ادای نماز پنجگانه سنت
قاید راحلهٔ رسالت اولمغین خیمهٔ زرطناب خورشید ساحهٔ
زواله برپا اولمازدن مقدم ستون اوتاد خیامده هیئات
رکوع و قعود و قیام جلوه‌گر اولمغه باشلیوب دیباجهٔ زرفشان
ظهردن خاتمهٔ سفید فام نماز بامداده دک مسجد خیفه ملازمت. و
عکس خطوط جبههٔ سجود مسطر نسخهٔ ضراعت قلندی بیت
خلوه دران عرصه با فغان دراز. جمع بهر گوشه هزاران هزار. قافلهٔ
سپیدپوش صبح خدا آگاه افقدن سرزده اولوب جیش ضیا فضای

پیروزه فام اوزره دروج اغاز ایلدکده بیت عرب قد طلع الصبح
وهب الشمال • اقترب الوقت انیخ الجمال مص فارسی بار ببندید
که فرصت نماند • تیز برآیید که مهلت نماند سر مائلن زبان اقدار
انکلچ کتیبهٔ قلوب نقد ارامدن خالی • وکاخ دماغ هوای شوقدن
مالی اولوب جانب موقف عرفانه شتاب ایچون خطوات شوقچ بیک
نگاهی تقدمه باشلدی مص این عرفانست بودکوی حج • حقست که
او برهمه کس سوی حج سر بعد زین نه دلده مایهٔ صبر ونه الده اختیار
ونه تنده خلعت تاب • ونه جانده نشئهٔ اقتدار قلوب زمام ارادت
سر پنجهٔ حیرته مسلم وروح شعوره مسئلهٔ بیهوشی مرقم اولوب
مهابت جولان جبروت عمال حواسی مناصب شعوردن معزول ایدوب عنادهٔ
تتق ملکوت طرهٔ ادراکی مسدود ایلدی مص پای نه سر تا کنم ای
ره دانا فریب • زهره نه تا بو کنم این می دانش ربا بیت نحوبنو استقبال
امواج روحانیت سفینهٔ وجودی غوطه خوار طوفان انقلاب • وورود
تصادم صرصر مهابت عوالم معالی بادبان نفسی گنجینهٔ خفقان
اضطراب ایده رک هر نه حال ایله افتان وخیزان خاک روانبخش
عرفاته ایصال جان ناتوان اولندی ذکر عرفات دکوی رحمت
فضای رحمت افزای عرفات وادی منیدن اوچ ساعت مقداری جانب
شرقیده بر صحرای انشراح بخش در که ذره ذره خاک مشکسای گیسوی
حوران بهشتدن استینی فرش استغنا • ولمتر گیاه نسیم خشکنک نافهٔ

کن سر سبزهٔ جویبا کوثر نسیم خنده فرما در • هر ریزه سنک
کوهر شکستک رنک قیمتی زر خورشیدی کداخته کوره کسره ابر
و هر قطرهٔ اب کن دشوینک کیفیتی سرچشمهٔ رحیق سلسبیلی
امواج انفعال ایله در زنجیر ایلمشدر • هر نخل بهشت آشوبی اغصانه
طوبایه میوهٔ نخشش پیچ و تاب • و هر خار خنجر دار رنک خمیازه کشر
حسرتی آغوش دیدهٔ افتاب در مص ریک مپندار بظاهر در او
کاب حیاتست جواهر در او • مرحقا بر صحرای وسیع الاطرافدر که
اول فهرست تفاصیل عالم علویه و سفلیه اولان روز رحمت
اندوزلر رباط نه قباب اسمانه صعود ایدن قوافل دعا • و نقای
هفت صفحهٔ زمینه نزول ایدن سرایای ملاء اعلا دخی صورت
مراسم انسانیه لری مد طناب خیام اتارینه اکثر مواضع اول
کوشهٔ جریدهٔ سیئات عصیاندن خالی قالهجق موقف اشتباه
دکلدر • تا وسطنده توجه لر راه مغفرت یعنی جبل رحمت هیئت
مختصره لری بر نافجهٔ مشک درج هدایتدر که بوی دماغ پیرایی
مبداء عطسهٔ صبح • و نفث نزکام شام در • بالای سر رحمت اثرلری
بر قبهٔ دلنشین زانو زدلر تملکی اولوب سرشک دیدهٔ عشاق
کبی دامنندن کذر ایدن اب روان قربندهٔ مطبخ آدم علیه السلام
بوداشکر مجمر آسمان اولمشدر نظم کرچه بصورت جبل اصغرست
لیک بمعنی زهمه اکبرست • بر بود از رحمت خود دامنش • انس
و ملک جمعی به پیرامنش • سایه او در عرصات جنان • میدهد
از ظل الهی نشان سراد جبل والا محل حوالیسی کرد اکرد طناب

در طناب خیام زنگارزنگ ایله تزیین اولنوب اول گنجینهٔ رحمت
گویا احاطهٔ دیوار میناکار دیده بر نگین • وآن اول مرکز
دائرهٔ عنایت مه جارچ صفت آغوشش ملکی اولور نظم
از جبل و دشت وی آثار بینی • هیچ بحر خلقی نمودار بینی
دامنش از خیل نثر فوج فوج • گشته چو دریا که در آمد بموج
جمعیت حجاج در مسجد ابراهیم وقت که عارض خورشیده
رنگ زوال نمایان اولمغه قریب اولدی • یکسره حجاج قریح
الابتهاج مسجد ابراهیم علیه السلامده گذشتهٔ سلک صفوف
نماز اولمغه عزیمت ایلدیلر تعیین روح الامینی اوزره
حدود بیت الحرام ایله حدود عرصهٔ عرفات امتیازن ایچون
ایکی محلده وضع اولنان علملر بیننده عرض خالیده مسجد
ابراهیم علیه السلام بر عبادتگاه فراخ و منوردر که نماز
بلشیر و لبیسی صحرا ایوی صحبت مواخات اولمغه اول جامع
شریفه مخصوصدر • بنابرین اول مسجد شریف احرام کشان
سپید فام ایله شکوفهٔ بادام ریخته اولمش گلزاره نمونه
اولوب صحیفهٔ ساحهٔ دلارایی علمنامهٔ رحمتیان کبی
سطور سپیداج گون ایله جلوه گر اولدی • آخر عقرب زر
اندود خورشید ساعت مینا ظرف گردون مدارنده کی درجهٔ
ظهره سر نهاده اولدقده مؤذنان پاکیزه نفس منبه وقت
صلوة اولمغین خطیب بدیع البیان منبر فصاحت مقتضای
حاله مطابق بر خطبهٔ بلیغه اداسندن صکره قیاس ناسه

مخالف

مخالف رفع تنافر بين الصلوتين ايله جمع وقصر ظهر وعصر
ايلديلر. توجهات انديشه فرسا سبوحه جريدهٔ اعمال اولمغه
مبتديان حجه وسيلهٔ ثوابت وضميمهٔ حيرت اولمغين عقيب
صلاتده يكباره كلبانك نعرهٔ لبيك ايله چاك افلكى كريبان
افلاك اولديلر. بر مدت اول محلده دست دعا كاسهٔ دريوزهٔ
دركاه كبريا قلديلر. حتى وقت شد الكنوكه بموقف روى. واقف
اسرار معارف شوى رهاى كريبان جان دست آورد. هنكام نشيب
دامن عرفاته حلول ايتمكلرينه بنا اول محلده نقد هوش وديدهٔ
صندوقهٔ حيرت قلوب جاذبهٔ مهر عنايت ايله شبنم آساى اختيار
عزم دامن عرفات اولديلر. حتى كمال جذبهٔ لطف اشتياقلرندن نم
بر رو. بذر روح كه يكى بودر رنك سايه دلنورد. وصف هنكام وقفه
در عرفات. بينه قافلهٔ معدود شمار حجاج بيرامن حرمين جبل رحمتده
حلقه بند جمعيت اولنجه يه دك فراشان چابكدست صبا سيما
احجار. وانتقالى برجبيدهٔ مفروشهٔ دوش حمال اندوب طرف
طرف حيران مقدس الهيده هر كس وقفه كير كوشهٔ مسكنت
وافتقار اولمغين ثراكت اشتغال ايلديلر. حتى ايچ عرفات
فراغتكى است. هركسى امروز بجو مبتلاست سر ماهيچهٔ محفل مصرا
وشاهى روز فلك عنايت دامننده صور ثنمالى فرقدان اولوب
توغلرك برجمى برحجم. وعلملرك شقه‌لرى درهم قلنديلر. قاضى
محكمهٔ مكرمه بحسب العاده درجات منبره صعود ايدوب
رفع دست مناجات ايله فتح ابواب حاجات مقدماتنه شروع

شروعه باشلدی • فواصل فقرات مناجاتدن عامهٔ حجاجده
تحریک سلسلهٔ لبیکه اشارت ایچون بازوی موذنان بال مرغان
کبی وقف جنبش اولدی • هنگام زینت روز بازار مغفرت اولمغله
سوسبو جان فروشانده سودای محبت لفافهٔ متاع نیازه کتانلر
دیروب معاملهٔ کرماکرم سوزکداز شوق نیازه دورکار اولدیلر
نظم زین همه یکبار برامد نفور خواست قیامت مکر این نفخ
صور • شیوع شیون بیدل راه یافت • بیکدی دستکاه یافت
کاه بیم عصیانله بید تک سیماب صفت لرزان • وکاه نشئهٔ رجوع امید
غفرانله دیده لر کریان اولوب جهان ازدم سردی آه ندامت ایله
خزانی • ودست شکار آرزوی نوبهار رحمت ایله ارغوانی اولمغله یوز
طوتدی بیت مژها بر عذار دجله فشان • استینها دجلهٔ جیحون
شد سر بجبه جبهه لر سجادهٔ خاک اوزره نقشبند • وآتجه بید تک اتش
اضطرابه مجمرهٔ سپند اولوب شرارهٔ آه ثنا نمکاه اولوب سبحهٔ
ثریا • وقطرات سرشک کلکونهٔ رخ ثریا اولمغله باشلدی
نظم دل به روان کرم چو خورشید شد • رعشهٔ تن بر نمط بید شد
نعرهٔ یارب زفلک بر گذشت • اشک روان آمد وازسر گذشت
کریبان کفن اجرامدن سرزده اولان سرهمه تنلر ایله صحرای
عرفات نمونهٔ صحرای نگاه عرصات اولوب بلکه غوغای شورانگیز
محشر اکا نظر انجمن سوردن نازکتر ایدی کا بیت هر یکی او با نفس
پاره به • عاجز وافتاده وبیچاره به • بر جوشش سیلاب اشک ندامت
آسیابهٔ چرخ گردان • وهبوب عواصف آه حسرت کشتی دهٔ بادبان

افلاککه ویران اتمکه قریب اولدی ٭ لنکر لطف نوای کشتیء توفیق
نجات ٭ دریای بحر کنه غرق کناه آمده ایم ٭ اشارهٔ موذنان ایله صد
هزاران افواهدن دفعه ظهور ایدن کلماتنک ملک شکاف لبیک
نشیبان حلک ملکوت بر هم زن زلزلهٔ اضطراب بلکه لب سکان ناسوت
ولاهوتی تبجاله زار تب وتاب ایدردی ساحهٔ خاک اوزره
مزاحمهٔ روی نیاز دلهای کلکونه اشک عرصهٔ جولان کوره مزدی و
روی هوا هم کثرت دست دعادن طائر نکاه فرصت طیران بولمزدی
نظم دست دعا ایست که بر آسمان ٭ داشته بر سوی زمین وزفان
الحاصل هر کس اندازهٔ قامت استعدادی اوزره کنجینهٔ عطای
ربانیدن خواهشکر متاع مغفرت اولوب سودا سیله نقد شمار اشک
انتقار اولدقلری وقتده دردن کنبد اخضر سینه دن جاجدن
سامع ثر ایکن آثار رحمت الهی ظهوره کلوب ٭ فوج در فوج
کنند حسن قبول استجابت ٭ خلوتکاه اجابتدن دعادر سفرت ٭ ودفیجه
ناکاه تجمین داشرهٔ غمات مقدار بجه بر قطعه سحاب عنبرین افشان
سایبان سر برهنهٔ حاجیان اولمغه آغاز ایلدی ٭ کویا تصاعد ابخره
لبلبرا بر رجوع کراولوب ٭ ابر و میر ودای ابر خط پوش
بیارده بدیوان عمل نامه سیاه آمده ایم ٭ ترنمینک تاثیری نمایان
اولوب کلاب افشان مهمان نوازان اوزره تدریج ایله صحابت
وجود عصاتده ژاله بار اولمغه باشلدی نظم کشته فلک زحمکه
تیر آه ٭ رحمت حق ریخته در آن جایکاه ٭ از پی دریای کرم کوه کوه
فیض خدا ریخته بر این کوه ٭ کویا حکیم خسته نواز شفاخانهٔ ازل

عارض بیهوشان تشنه‌ء صحنه‌ء مشاهده‌ء شاهد لطفه چشم‌گشا اولمغیچون
رشحات آب عنایت پاشیده اولدیغی نه بارانه هر قطره‌سی مرسله
ربابه الحان الطاف یزدانیه بر در شهوار درج شرح الصدر
عرایس قبول ربانیه بر گوهر ابدار ایدی حسب بر فلک برا
دعای بر و بال سوز تاب صبر زمینه آورده لحظت راد عای
مستجاب نه بو گونه هنگام هجر و نیازه آبیاری ابر عنایتک
سرسبزی کشت زار آماله دلالتی واضح اولوب بو قاعده جمله
مقدمات جوششی مغفرت اولدیغی استشعار اولنمغله ع
کرم گوردکجه ایا باقی گدالردن رجا آرتر نثر فقنجه فریاد گریه
خیزی بچه بیره دخی تیز ایلدیلر • هر ساعت مقداری تقاطر
رشحات غمام دخی اول موقف معلاده وقفه گیر آرام اولدقلرندن
صکره خرمن برگ شرح کبی تفرقه‌ء تاراج باد صبا ایله بنه
نابیدا اولدی • الحق نه هنگام در اول هنگام سکان قلمرو
اسلام حیران مغفرت اللهیده بر ساعت وقفه‌ء مفروضه
آرزوسی ایله هفت ساله و هشت ساله • و اقرینی جهل مرحله‌ء
ارتکاب فنون بحر بر ایله طی منازل اشتیاق ایده رک اول زمان
و مکانه رسان اولوب حسب پای تهی دست تهی سر تهی • قلب تهی
روح تهی بر تهی سر گدای فضل کوچه ارحم حضرت غنی چاره ساز
و نائل دستمایه‌ء عرض نیاز اوله‌لر • نه خوش در اول فصل بهار
چمنستان قدسیه بلبل لانه بیزار هوای اطاعت شاخسار عفو
اللهیده گلچین اولمق امیدی ایله مسافه‌ء دور و درازدن اول

گلشن

کلشن مغفرته پرواز ودست دعا ودامن نیازن دراز ایلیه‌لر
نه اقدر اول دم که خرمن ذنوب هوز فراشوب صدمهٔ صرصر
عنایت بی غایت ایله برگ کاهدن سبک سیر دنوب خوشا
غبار معصیت خروش سیلاب مغفرت ایله اکسیردن نایابتر
اوله • نه محلدر اول محلکه سودهٔ جریدهٔ سیئات قلم عفوا
ایله بیاضه چقوب بیشانی شب فام عصات طلوع افتاب
رحمتله مانندهٔ دیباجهٔ صبح منوّر اوله قده ابلیس نا قبول
رنج اضلال هدر ساعی هبا اوله وغنه سینه کوب اه واویلا
اوله نظم بار گناه از همه کس لخت لخت • ریخته چون برگ زشاخ
درخت • هر که درین وقت باینجا رسید • بار دگر امده از نو
بدید مرنه نعمتدر بو نعمت که کرسنه طبعان روزهٔ عجز ونیاز
بو ضیافتگاه عمیم النوال عنواندن کندولری سیر معده اوله عندن
فضله اقربا واحبابنه دخی افرازخصته‌ر قابب ایجون
دست افراز نیاز اوله‌لر • نه سعادتدر بو سعادتکه حلقه کیرا
باب عطای غفاری پنجهٔ زبانهٔ اتشدن کندولری تخلیص کریبان
جان ایتدکیندن ماعدا امانت سپارلک دخی صحیفهٔ رقبه
رقم داشت اعتاق اولمغه وسیله اوله‌لر • نه کوندر اول کونکه
ابواب رحمت دست دعا کبی کشاده • وکالای عنایت روی
نیاز کبی آماده اولوب سر ویا برهنه درگاه کرم پناهه مجتمع
اولان بندهٔ لبرامرجرکس کناهدن عاری اولوب تشریف
خلعت مغفرت ایله عودت ایلیه‌لر نظم بر در ارباب کرم منع

نیست • خواه درای از دخواهی بابیت • بردر درکاه کریمان
چه باک • کرهمه افاق دراینده باک برنه کر قدر بوکرم که حجاب
جرم وتقصیر ایله نقاب عذار اولان ایادی دعا نقد اجابت
ایله کنجینهٔ اعزاز • وبار کران شرم وعصیانله خم اولان
قامتلر بابیردی دنشئهٔ الطافله سرو آسا سرافراز اولور
بوجمله مواهب بیکراندن غیری • نه دولتدر بودولتکه حضرت کریم
ذوالجلال عز شانه اول روز مغفرت فیروزده ملائکهٔ مقربینه
نائل لطف خطاب بیوروب ای معتبر سرادقات ملکوت دیده
کشای تماشا اولک امید عفو ومرحمتله راه رضا خواه
غمده پویان اولان بنده لرکه شوق اطاعتمله ملک
ومال واولاد وعیالی ایله موادعت • وموقف مقدسمه
افتان وخیزان مسارعت ایدوب حالا دیده لری چشمه سار
نم وسینه لری چاک زار الم چهره لری غمنکاه غبار مذلت
ودهنلری ناله ریز فریاد ملامت • دستلری کزیدهٔ دندان
انفعال • وسرلری کوفتهٔ سنک ملال دریوزه کرد رعفرانم
دحلقهٔ کرداب باب احسانم اولمشلردر • سرجمله نکاشتهٔ کر
صحیفهٔ شهادتم اولک بونلرک سرجمله سیئاتی لباس
حسنات ده جلوه کر • ورحمت ومغفرتمه مظهر ایلدم چونکه رخ سوده
خاک عرفات اولان لمعینه لری انجمن قدس سمانده عظمت
وکبریاسیله وسیلهٔ مباهات ایلیه حمد زهی مراتب
علیا سعادت عظما • ملکلر بینه مباهات ایده سنکله خدا

الحمد لله ثم الحمد لله بو هرزه کردکوی معصیتده آواره وادی
یأس و حرمان ایکن محبوب قوت رفتار پای اقتداردن دامنکیر
اولمش ایکن اول خاکپایه وضع قدم ایله فائز درجهٔ اغتنام
ایلدی قطعه ایردم اول جایه که مقصود دل و جانم ایدی
کوردم اول وقتی که آرایش ایمانم ایدی • بولدم اول
مطلبی کیم کوکلم ایدردی خواهش • باصدم اول خاکه که کحل
بصر جانم ایدی نه حضرت قادر مجیب جمله آرزومندان بیغولهٔ
حسرته تحصیل ایلیه امین ذکر عودت نبود مزدلفه ما حصل
تکمیل مرتبهٔ وجوبه دک موقف کنه کذار عرفاتده اقامت پای
ثبات اولنوب مجمر زرین خورشید زیر دامن افقده ناپدید
اولنوب انصراف مهمانان مغفرته اشارت اولنمغین العظمة
لله یکباره اموات عرفات نائل رتبهٔ حیات اولوب بر غلغلهٔ
آسمانکیر ظهور ایلدیکه ازقالدیکه اطفای نائرهٔ فلک اثیر
آثار رحمت غفاری باجمله وجوه ساری اولمغین سینه‌لر
کنجینهٔ سرور • و خاطرلر انجمن حضور اولدقجه حیث الم هزیمت
خوردهٔ سپاه انبساط • و غبار غم خوابیدهٔ رشحات نشاط اولوب
مدة العمر دامن وصلته دست رس میسر اولمیان شاهدلر
صفای درون جلوهٔ نامعهود انه ایله عرض جماله باشلدی
بو دستمایهٔ صفا تحصیلی ایله بر بر بر یا جار ایده رک جانب
مزدلفه‌یه اماله عنان مراجعت قلندی مثنوی خلق همه بار
کنه ریخته • راحله ازجای برانکیخته کشته سبک زبار کناه

روز سر شوق نهاده بیراه حجاز اولمغله بر بریله مسابقت منشأ نزاع
وجدال اولمق احتمالینی دفع ایچون بحسب العاده محفل مصریان دشت
شامیانه و محفل شامیان دست مصریانه ایداع اولنوب
کمال انشراح و ابتهاج ایله روی مال دامن مشعر الحرامه
تحریک کام اهتمام اولندی نظم راهروان ره بزجان
چنین • پای ننهاید ز فرح بر زمین • از عرصات انکه بباغ
جنان • روی نهند چون نبود شادمان ذکر اوصاف
مغفرت رشح مشعر الحرام مزدلفه نامیله مرسوم جریدهٔ شهرت
اولان مقام فیض ارتسام عرفات ایله وادی منی بیننده
بر صحرای جانفزادر که مشعر الحرام اول صحرای معصیت پا
سینه سنده اولان بر صفهٔ وسیعه وسطنده اولان قبهٔ
رفیعه دن عبارتدر • موقف عرفاتده جریدهٔ عصیاندن
شرح کنز ایلک عفو اولنمیان سواد حقوق عباد اول
مقام مبارکه رشحهٔ صابون عنایت اولمغله نهانشستهٔ
صفحات اولمق متواتردر • بنا برین بیرامده مشعر الحرام مقام
خیام قلوب وقت عشا و مغرب بر بریله جمع اولنوب
دخی اول مقام مغفرت نظامه مخصوص اولمغله بر کوشه سنده
بر جماعت شیرازه بند اجزای نسخهٔ عبادت اولمغه شروع
ایلدیلر بیت پروانهٔ رحمت بده ای شمع که امشب • از آتش
دل پیش تو چون شمع گذاریم سر • اول لیلهٔ مبارکه حقوق عباد
متعلق بر بار ربلادن آزاد اولمق شوقیله ذیل معافات

رب

رب العباده نشئت طریقیله سینه قافلهٔ آه و فریاد ز جرخ بربنه
پیوسته اولدی بیت الغنیکه یا رب بسر لطف و عنایت
ای نام کرم باش که وقت سرایت مراد اولیله خوف و رجاده
تا سحرهٔ قلوبدن زبانه کش اولان نار دبیم و شمع امید بر باد شفقه
شب هر اختر دهی بدید ایدوب دستکرم ال دعا کبی سوی آسمانه
کشوده وجهه لر اشک نیاز کبی زمینه سوده اولدی بیت
جندان سود نداردی حسرته برزمیده • کاین توده خاک را بته
تنک آورند سر دریچهٔ اجزای ابصاره کلید امید ایله مفتوح
و کالای خواب کران سرپنجهٔ دزد بیم ایله مرفوع اولدی بیت
رفت ز دل محنت غربت بدر • شام غریبان دکرست این دکر
اول مراحمت فیهٔ صفاده حال ماضی و مستقبل لرینه کریه
ایله معتل العین اولنلر فائز عین مقصود • و آو املتقای
بحر اوج صدا ایتدن درر خزانهٔ مغفرت ایجون نسخهٔ اشتباه
آهله تنویر ابصار ایدنلر واصل مسئلهٔ شهود اولدیلر ؛
نظم ظلمت زنک از رخ آیینه رفت • از ته دل محنت
دیرینه رفت • کوکب امید از و شد بدید • شام جنین به بود
از روز عید مصرا اولساحهٔ راحت بخشای عجمیت المغفرتده بازوی
مژکان در اغوش عروس خواب اتمک دخی وسیلهٔ منجرهٔ
صورت مرام اولمغیجون نجره دخی کریبان اجفانه کلر سر جوان
استراحت اولدیلر نظم دیدهٔ آن بخت که نقنوده بود • کرد
مدد طالع و انجا غنود • جونکه شدی باک ز الوده کی • از پی باکی

بو آسوده کبی مر شکست درون ابالسه ایچون انداخته اولنه جوق
ریزهٔ سنک جمرات اول ساحهٔ مبارکه دن برجیدهٔ کوشهٔ
دامن همت اولموق سنت سنیه اولدوغنه بناءً اول جواهر
کان سعادت بر بر برزر بور انکشت جمعیت قلنیدی نظم
ریزه سنک اشر همه تسبیح کوش • نیست تهی یکنفس از ذکر
دست • در تو قصوریست که ان کوش نیست • ورنه وی از زمزمه
خاموش نیست مر روی عنبرین فام شام عمل نامهٔ سیهکاران
کبی ریزش قطرات نجوم ایله شسته روی اولدقده خروش ملمع ال
صبح نظم صبحک الله صباح السعیده بر تو مبارک شود این
روز عید • این چه صباحست که شش صد هزار • بنده شد آزاد
کن رو صفا ریز زمزمه سیله لبریز بانک بشارت اولنمغین افتاب
سجده کذار اشعه ایله جویبار شفقدن وضو ساز اولمزدن
مقدم مث دلا برخیز و طاعت کن که طاعت به ز هر کار است
سعادت آن کسی دارد که وقت صبح بیدار است مآلین دلیل
صبا مسامعی تجامع حجاجه القا اتمکین احمال و اثقال تحمیل
ظهر جمال قلنوب ادای فریضهٔ صبحدن صکره مشعر الحرامه توجیه
قبالهٔ خشوع اوزره وقفهٔ مزدلفه یه قیام • و آسا سر دست
دی احکام قلندی رفتن از مزدلفه بسوی منی بنجهٔ
مصباح افتاب اظهار مفتاح فروغ اتدکی ساعت بابی قپادوه
دفعهٔ عقال آرام کشته اولمغین قندسن قربانکاه منی
جوجان انداز اولدیلر مث کس نکشد بهر کسی انتظار • شوق

منیٰ کرهٔ زولهٔ قرار ربنه وادئ منیٰ کثرت خیامیله نمونهٔ بحر
پر حباب قلندغی ساعت فوج فوج دامن جمرهٔ عقبه‌یه شتاب
ایلدیلر ذکر اوصاف جمرهٔ اولی جمرهٔ اولی جمرهٔ عقبه وادئ
منیٰ نک مکهٔ مکرمه جانبندن اولان مدخلنک طرف شمالنده
بر موضعدرکه دامن کوهده طولاً وعرضاً بش ذراع مقداری
بر جدار بنا اولنمشدر جناب ابراهیم نبی علیه السلام حضرتلری
بر وفق فرمان یزدانی جل شانه کردن جکرکوشهٔ کرامیلرینی
بوسه‌گاه دهن تیغ اتمکه دامن برزنه عزیمت اولدقلری
حالده ابلیس علیه اللعنه اول جان سپارانی راه وفاده کم‌شدهٔ
بیابان نافرمانی اتمک سوداسیله ابتدا اول موضعده مهر
تحریک محبت پدرانه ایدیجک کلمهٔ شفقت انکیز مقدماتیله
ترتیب دام فریب اتمکلیه مانند سک هرزه فریاد دست
ابراهیم علیه السلامدن سنک خورده رجم دانعاد اولمشدر
جمرهٔ ثانیه وثالثه دخی تخمینا بربرندن صدکام مقداری
بعد ایله وسط بازار منیده واقعدرکه اول شاخ زقوم
ضلال یعنی ابلیس شقاوت مآل اول موضعلرده دخی اطالهٔ
ریشهٔ تدویر ایتدکی اجلدن سنک ژاله برک ریزحرمان
اولمغین بناکرده علیه اول موضعلرده دخی بر میل بناسیله
تعیین واشارت اولنمشدر روز نخستینده فقط موضع
عقبه‌یه رمی جمرات اولنغله هم اندام با دام هفت سنک
الماس رنک فلاخن ناخنده پای عقبه‌یه پرتاب اولندی

نظم هفت کرت سنک بدان میل زن. میل چو بر روی عزازیل
زن. قوم که شمشیر غزا میزند. نعرهٔ تکبیر فنا میزند ذکر قربان و سر
تراشیدن اول روز جگرسوز بذل نقد بینهٔ حیات سوداسیله
تسلیم کردن رضا اتمکه آماج دلان رمهٔ گوسفندان ریک
بیابانلری افزون اولمغین هر کس کاسهٔ اقتدارنجه اراقهٔ
دم اتمکله گلگونهٔ سای عارض اجان وسرخ نویس فصول
ابواب ونسخهٔ اعمال اولمغه شیرساعد اهتمام ایلدیلر نظم
کشته دران بادیه قربان بسی. تشنه بخون تیغ بکف هر کسی.
هر که شد کشتهٔ شمشیر دوست. لاشهٔ مردار به از جان اوست مراد
بسملگاه رحمت بناهده خلعت خونین ایله کردن فراز اولان
قربانلر سر بازقدوم شاهد قبول اطلاس سرخ بسط باید
انداز و پای عروس عنایته نثار گلبرک اعزاز ایلدیلر بیت
بسمل قربانکه اوکر بود صید حرم سبز علیه خونش حلا و بر بدن
جانش حرام مناسکده جویبار رخونه متعاقب توجه سر سودا
زده زدن ازالهٔ گیاه خودروی مویه سرعت اولنوب اول
قربانگاه وفاده تیغ فرمان ربانیه سر نهاده تسلیم ورضا
اولمشر آفریده قالمدی نظم کر سر مویست علایق ترا
نیست یکی طاعت لایق ترا. از سر تسلیم رضا پیشکیر. در ره او
ترک سر خویش گیر. سر بتراش از چه که مواند نیست. اندکی
بسیار درین کوی کیست ذکر اوصاف آمدن از احرام اخر
نسخهٔ افعال ایام احرام تراشهٔ موی عنبرفام ایله مسکی الختام

اولیه

اویله‌جه مرده‌گان کفن در کردن احرام دست برده‌ٔ برات
حیات اولمغین بعد از ین پیراهن احرام ودیعهٔ لفافه و
تفصیل قلنوب هر کس صندوقهٔ استطاعتنده اما اولکه
البسهٔ عیدیه عادیه ایله آرایش بدن عریانه شتاب ایلدیلر
بیت ویردی جان عید بهارا ایتدی ینه تازه قبا ● کفنی
نرگس بیماره بله چاک ایتدیلر ینه شانه‌لر دست کش دامن
محاسن ایلکین ینه بر بر ایله هم آغوش مصافحهٔ تهنیت ویردیلر
گلاب وعود روایحی مثیله آب وآتش ایلکن خاک وباد کینه
رفع غبار وحشت ایلدیلر ● البسه ایله احرام بیننده وساطت
احرام ایله حاصل اولان برودت ینه لباس گرمینده جلوه‌گر
اولوب وسر ایله دستار میانه‌سنده مفارقت دور ودراز
قت قت الفت ایله تازه‌لندی ● انداختهٔ بام نسیان اولان
نعلینلر طلب مصالحه ایله پایلره افتاده اولمغین بعد از ین
روح مجسم قدر التجاده ثابت قدم اولوب شرایطی قالب استحکامه
افراغ اولندی ● اول روز مسرت افروزده بازار رنجه گشایش
بولان تنگ کالای سرور حار رنجگار روان سرای تصور ایدکه
بیت نه سوقدر بوکه سوداگران زوار رنج ● فروختهٔ جرم اوله
خریدی اولدی ثواب مصراع اکسنیان روزمشاهدهٔ رخسار دلارا
بیت خدادن جدا دوشمکله نفس بنفس بیک خیال جانب حرم
مکهٔ مکرمه آمدشدن خالی دگل ایکن لوازم رمی وذبح و
تراشدن آزاد اولدقدن صکره ادای فریضهٔ طواف

طواف و زیارت جریدهٔ ذمتده باقی قالمغله کمند جاذبهٔ محبت
گردن دله منعقد اولوب مانندهٔ جویبار موج موج اول لجهٔ
مغفرت جانبنه جریان اولندی . اول کونده ینه صحن حرم
ربانیده ساحهٔ بهشت کبی شورش جمعیت نشاط آمیز هویدا
اولوب . کوردیلر که اول شاهد مربع نشین سریر عز و تمکین
ینه خلعت عباسیه ایله جلوهٔ اهتزازه آغاز ایلمش کمر زرتار کوهر
نگاری دیدهٔ ملائک ایله ترصیع اولنمش . مصراع بهر محمیی بسته کمر
تا ذکر جان کند و بیزهٔ بند کمر . زلف سیاه خم بخم عنبرسای هر
ویزان دست نسیم اولدقچه ارواح مقدسه پنجهٔ اکسیر
عنایت کبی خاکپاینه ریزان اولمده . مصراع پیش ابرو باستاره
چار ارکان وجود . کمر از جان ملتزم و شر خدمتش را التزام
اول نهال سرافراختهٔ بوستان عنایت معانقهٔ نسیم عنبر
آمیز ایله خرامه کلدکجه بال کشایان هوای قدسیه قمری وار
بالای سرنده حلقه نمای کردش نیاز اولمشلر . اول هنگام
فیض عام اولان روز عیدده بونجه ناکاملر . مصراع حلقهٔ دامن
نازاید و با افتتاح زدن رحم قیل . کورکلده اچلمشدر الالرکه
دامانندن درره ناکه سیله عرض حال ایچون دامن استار فیض
بارینه توسل ایتمشلر . مصراع دامن او در کف مردم بی . اونکند
دامن نازار کیسه پنجه‌لر زحام انام سبیله دست امیدی کوتهده
دامن جامهٔ هنک قامتدن کوتاه اولمغین . بیت بوز سور ملک
اوحار بابینه افتتاح ایراتما . نوبتی دکلمه یه دامانک اوجندن

حالی

نائل دست مایهٔ تثلیث ایلمشلر نیجه لری ایسه کردن کرد بیابان
و دشت و کوشش حاجیان در طوفش بی شبر گشته ز فرط ازدحام
زمزمه سیل کباب سوزش شوق طواف اولمش نیجه لری ایسه بر
بیت بانک هر ایده یم مهر جهانتاب گبی • یا یکه یوز سوره یم
مشعل مهتاب گبی • نیجه لر ملتزم شریفه بیت من کر از آتش تو
بهانه بیرم سود کنم • گر تو بخشی گنههم راچه ضرر بردار • نیجه لر مالیله
سینه سای نیاز اولمشلر • نیجه لر سودای تمنای حجر اسود
ایله متاع جانی کارگاه رخنامده تنکه چکمش نظم گشته
رخانش هر جهان مشکبو • بحکم شده چرخ شکل موی او • بوسه
زنند این همه بر خال او • هیچ ذکر کون نشود حال او • نیجه لر
زیر میزاب رحمتده مردمک دیدهٔ حطیم اولان حجر
اسمعیل علیه السلام اوزره ناودان هر دیده سنندن
سرشار خونابهٔ نیاز ایتمش بیت عزه بینش ناودانش
بجرعٔ جنان بکر ید • که ز صحن حرم ارد بدرش ز سیل باران
و نیجه لر مقام ابراهیم علیه السلامده ناصیهٔ خضوعی فرش
سجده گاه نیاز ایدوب • نیجه لر پیراهن جان زمزمده شکیج
نائرهٔ سوزکدازلر ایچون فتح کردان امید اولمشلر بیت
عافیتلر اوله اول تشنه لطوف حرمه • که سری جاهده بیمانه
کش زمزم اوله دخول حاجیان در بیت مولی خصوصا
اول پیرایهٔ جمال موجوداته اول کون الباس حاجه لر مردمک
لکون ایتمک ایچون دیدهٔ باب عالمتاب طاق عرش برین

کیبی کشته اولمغیله اولجه دلّ انوارک اشتیاق استغراق
ایله هیچکاه سدهٔ رحمتده زحام اجسام انام دریای
حرص دیده کیبی موج خیز خروش اولوب . نیجه‌لرک معصرهٔ
تنکنای زحامده شیشهٔ شعوردن جدا . و نیجه‌لرک زیر
اقدام ازدحامده عقد کوهر انفاسی ناپیدا اولدی
نیجه جابجا کلم بستهٔ دام اعتیاق اوزره رفتار . و نیجه سبکبالر
تودهٔ روس اوزره کذار ایلدی مص عجز بدرکاه تو ناصیه
سای غرور . فقر باقبال تو حوصله سعد غنا مص و فقیر نیجه بار رسول
قبول کبریایه کالای عجز و افتقار قدر جنس رایج اولمغه
تمنا یافتهٔ ثبوت اولمغیله قادمه جنبان دریچهٔ بیان
اولدیغی تابی ناتوان سمن بدن . و ضعف نحیف کستر
ناشی سیلاب خروش زحامدن کذاره فرصت یاب
اولمه میسر حیرت ایله ناامیدانه دورندن نکران ایکن
مص بدرش چنان بنالم که ز غایت ترحم . ز درون ندا
برآمد که در آ ز در افلاکی سر و فقیر دستکاری جاذبهٔ
عنایت ایله اول عتبهٔ فلک فرسایه استهلال و جاه اوزره
جبهه سای وصول اولمق دولتنه موفق اولدی
الحمد لله تعالی و تقدس مص فیض ازل بزور و بزر
آمدی بدست . آب خضر نصیب سکندر آمدی بدست مص رواق
اکر آفتاب عنایت ازلی کلمند انداز قبول اولمسه با
بستهٔ جرم و تقصیر اولان بو عبد فقیر اول محروم انوار

با

بازنهان اولمغه نجه متصور ایدی نظم این بود از فرط
عطای کرم • که چو منی بار دهد در حرم • داد مرا در حرم
خود مقام • کرد مرا طائف بیت حرام • این حرم محترم
کبریایست • مخزن آن خلوت خاص خداست سرای اول سرای
جهان آرای دار الملک حقیقت که غبار رهگذری توتیای
چشم خزنهٔ فرادیس جنان • و آن اول نهانخانهٔ راز نشر
اسرار وحدت که فرش عرش غباری جاروب زرهٔ بغرلان
قدسیه اوله • اکا بازنهان اولنلرک ستون شعوری
بربا و ارکان ادراکی برجا قالمامغ متواریلکی برهٔ
خفا دکلدر بیت مارا چه اعتبار اثر با وجود دوست
جایی که جلوه کرد حقیقت مجاز نیست سر اول آیینهٔ
خانهٔ صاف الطاف حقیقتده طوطی شکرخای
خامهٔ سرخ منقاره مساغ مدنقر اولمامغیله بیت
من بر اجمی میردم کانجا قدم نامحرمست • در مقامی
حرف میکویم که دم نامحرمست سر مقاله سرنوشت صحیفهٔ
اعتذار قلنمش بیت تبارک الله ازان صبح بی
زوال که بود • ز نور حسن لباب زجوستی معمور سر اول قبلهٔ
ملک و ملکوت درونده کمی رو برو کمی قفا بر قفا
کمی دوش بدوش نمازکذار تحیت صبح چوارهٔ رخسوح فدلت
اولوب • اول سر قلزم اسرار عرب وار بر بربندن
بی خبر حرکات بی اختیار ایدرلر ایدی بیت صاریسه

حسن تنیلہ تولہ زیفنہ بارک • نگاهی غرقهٔ حسن اولکر عاشق
زارک عزیمت در بار نبوی مینه ما حصل اولکون غوآصک
بحر حرم یزدانی دامن دامن خرمن خرمن گوهر بهجت افروز
مراد تحصیلندن صکره بینه مینه اعاظم اولان خیامه توجیه
مطایای عزیمت • و لیالی ایام تشریفیده انجمن کبیر
فضای مینه اولموسیننه تبعیت ایلدیلر حب سوی
مینه ران کرامت بیین • کرمی بازار قیامت بیین سر شبانه
روز سوق مینه نشان واهدی بازار رستاخیز اولمغین
کالای نشاط • هر دریچه یه فرش بساط ایدوب بار متاع گونا
گون فلک کیسه تنگ بر تنگ • و خرمن خرمن سیم و زر
قوم راهله همسنک اولشیدی نظم روی و هند یکدیگر
که با یکدگر کرده هواسات چو شیر و شکر • بس که بهم ریخته
همیان زر • گشته دکانهای مینه کان زر بهجه جابجا بکدستان
شعبده کار دخی سام لوحانه تماشا پیانک ننگنای
جیب و بغلنده کیسه نهفته لرین دست زن از نیرنگ
دزدانه ایمکله عمرشته لرین نقد ایدرلر ایدی حب کیسه
برانند دربین رهگذر یا هرکه تهی کیسه تراسوه شر ذکر کرده
شب چراغان مصریان شامیان سوداگر گردون زر خورشید
خرید ایند کهربا در عنبر گون دکان اف قه او بجنه ایدکرد
قافلهٔ مصریان و شامیان هر بر بنیه اظهار حشمت
و اقتدار ایچون مخیم مخصوصه لرنده ترتیب آیین

چراغان ایلدیلر هر بر خیمه پیشگاهنده هزار قنادیل ایله بر پارهٔ
نقش اخگر اوزره اشتعال اولنوب طبل و سورنا عالم بالایه
دلوله • وطوبلر اجزای زمینه زلزله صالوب آتشین چرخلر
کورهٔ ناری کبی دوار • وخروسلر ققنوس صفت آتشین منقار
کبیشلر سمندر مثال آتش نثار فوارهٔ شراره بار • والتیجه فشنکلر
آتش زنان خانمان نیشر دستان اولمشلر ایدی • هوایی فشنکلر یلدزه
کمند اتوب نار شهابله چرخ هوانک عقد رابطهٔ اخوت ایلدیلر کویا
دستبرد دزدان ابلیس علیه اللعنه قافلهٔ حجاج دن ابعاد
ایچون زمین و آسماندن اعمال ادوات رجم وطرد ایلدیلر
غلبهٔ مشاعل و قنادیل زمینی همرنک آسمان آسمانی خاک
یکسان ایدوب جابجا کلزار عقل دخوشهٔ قنادیل و رشتهٔ پرکوهر
فشکلردن جوشن جامه بر جامه زنجیر باف نکاری البسه تملیر
ایدی • طلوع بیر بیضای صبح ابطال جبال آتشلری ایتدکدن
صکره اخر ایام تشریقه دک وادی منیده درنک • ووقت
زوالده دامان امیال جمرات سیر ههفت سنک قلوب
بینه ار زوی بیت ذی الجلال عنان ربای ارام اولمغین
غبار راه حمیله تنویر دیده رکاب اولندی ذکر عودت ز
منی به بیت اشرف منیدن عودتده مدخل مکهٔ مبارکه ده بطحی
نام زمین دلنشینده واقع محصبه ده بر ساعت مقداری
جلسهٔ استراحت سنتی مراعات اولندقدن صکره حوالیٔ
حرم مکهٔ مکرمه ده اولان منازل معینه ده بسط حصیر اقامت

اولنوب اوقات ابرکات لیالی وایام مده عمرکس اندازهٔ شوقی
مرتبه سنجه متاع بهشت بهار مطافی عتبهٔ امید نوبت طویله
تا بجسر اولمازه رباط دیدهٔ کروبیان شمیم خواب سرمصداقی
اوزره چیوره مخطوات طواف ایتدکدن غیری درون
و بیرون ام القری اولان امکنهٔ متمینه زیارتیله
تنویر دیدهٔ جان امیدی برایدر ذکر وصف جبل ابی قبیس
جمله دن بری جبل ابی قبیسدر که بیت محترمک شرقیه
مائل جنوبنده سر برآورده کریبان فلکدر که قله سنه
وارنجه یه دک مبانی عمارات ایله جلوه کر اولوب حتی
خورشید نه فلک نبوت علیه الصلوة والسلام حضرتلرینک
دندانهٔ کلید خزانهٔ اعجاز اولان سرانکشت عالم کشالری
سینهٔ ماهی کریبان چاک ایتدکلری اول کوه
بهشت شکوهک کمر بندهٔ رسیدهٔ ذروهٔ وقوعی اولمشدر
نظم
کان کرامت جبل بو قبیس • سنک محکمی بر دل فرهاد و قیس
در کمرش موضع شق القمر • کشته بخورشید بعالم سمر • کعبه چو کل
سر زده از دامنش • هشت جنت آمده پیرامنش ذکر وصف
مولد نبوی بری دخی اول ما حصل مزرعهٔ کائنات علیه
ازکی الصلوات والتحیات حضرتلرینک نهال وجود عرش
آرالری خرامان ساحهٔ امکان اولدیغی خانهٔ ملائک حجیدر که
سوق اللیل نام بازار عنایت زار کوشه سنده اولان نجمه
جمیر قبنده نور نخلی زمین و زمان اولوب میانهٔ صحن

خانهٔ سرزهٔ جمشیدار شهود اولدقلری مقام برصندوقه
سبزپوشن سروسیما ایله آیا اولنمشدر نظم نکهت جنت
دمد از شوق لین • خاک کش کوچهٔ او کل بدیل • سرزهٔ خور
شید چو باتاب ازو • روضهٔ جنت شده در تاب ازو بیان
وصف سرای خدیجة الکبری و بری سمت دخی دولتسرای
خاص الخاص خدیجهٔ کبری رضی الله تعالی عنها درکه
خواجهٔ بی سرمایهٔ دار الشفاعة علیه افضل التحیة حضرتلرینک
خلوتخانهٔ انس عبادتگاه خاصه لری خانهٔ خزینه تقامنده
روز وشبده گذرا اولنوب بر حجرهٔ مطهرده درکه مورث
حیوارنده اولان دیدهٔ محراب ملکوت آرایی قامت
طوبی شکل محمدی فراقیله حاللاک شهٔ قالمشدر و گوشوارهٔ
بنا گوش بقا یعنی فاطمة الزهری رضی الله تعالی عنها
دخی دست آفروز شهود اولدقلری محل بینه روز دیگرده
گذرا اولنوب بر حجرهٔ پاکیزه درون صحننده بر پوشیده
سبز ایله حبوح کرا اولنوب دست اسباب سنگینه لری خالا
فراوغ دست محارم بیوسنده ایله سرگردان دقیقهٔ هجران
اولمشدر نظم بام درش یک بیک از هم جدا • بار داز و
رحمت خاص خدا • مشتری و زهره و شمس و قمر • بوده قران شان
همه با یکدیگر • مطلع نیر ذات صدیق اکبر • و غایهٔ شیر خدا
یعنی ولا دتگاه علی مرتضی دخی اول کوچهٔ کیمیا عیارده مقابلدر
بیت جای علی بست دران شعب هم • خانهٔ صدیق بیکدو قدم

اول مرآت جلاء احمدی قدیم علیه ازکی التحیة والتسلیم
جنابنه آشنای کذرم مانندهٔ طوطئ شکر پاش ثنا اولان
سنک مبارکه دخی اول کوچه جوارینه کوکبهٔ بخش انوار
دبوسه کاه افواه زوار در نظم سر بسران کوی نشیب
و فرازه بوچه خرامشگه آن سرو نازه هر سر آن کوی چه سانانهم
بی ادبست آنکه نهد دیده سم و هر بیسی دخی طاق صفایه عمایه
داره خیزرانه در جناب سید الوری علیه صلوات العلی
اول خانه ده اوتوز طقوز نفر اصحاب ایله وارانشیخ پیرمرد
خفا اولدقلری حالده جناب عمر بن الخطاب رضی الله
تعالی عنه اول خانه ده رشحات سحاب عنایت ایله جرک
شرکدن تطهیر ایدوب جان اتمکله تکمیل رتبهٔ اربعین
ایتمشلر بیت خاک درش سرمهٔ اهل نظر • کشته دران
خانه مسلمان عمر • مولد حضرت عمر رضی الله تعالی عنه دخی
برکهٔ یمینی جانبنده بر تودهٔ رفیعه اوزره مرجع اعتبار
دوار در ذکر وصف کوه نور سربلند بر بیسی دخی مکهٔ
مکرمه یه بر فرسخدن اقل جبل نوردر که کل کلشن طراز رسالت
علیه افضل الصلوة حضرتلری هنوز غنچهٔ نوشکفته ایکن
نسیم دست روح الامینه اول مقامده منشرح اولدیغی
غیری ذکر دهسنده واقع غار حراه مظهر تشریف رسالت
اولمغله قبهٔ فلک نماسنده بر قبهٔ بیضاء دیدهٔ نظاره
روح بخش در نظم زاویهٔ حضرت مولاست این • مهبط

انوار

انوار تجلاست این • طلعت جبریل که دیده رسول کریم
دران غاره بایت نزولدر در وصف کوه ثور بر بیوک داغ
دیر بر فرسخ مقداری محلده جبل ثور درکه ذروه سنده
قریب بر غار تنک زیبنده کوهر نه درج کائنات علیه
افضل التحیات حضرتلری یار غار صدیق ایله هجرتده
نهفته اولدقلری بنده با فرمان صانع حکمت نما عنکبوت
رشته باف بر پرده کش اشتباه اولوب بر جفت کبوتر
زیبنده بر مهرهٔ بازیچه شعبدانه رسمنده بر بچه بیضه
نظاره فریب وضعیله چشم بند متجسسان قریش اولمشلردر
نظم لعل اگر شد ببدخشان مقیم • معتکف اولشده در یتیم
از صدف شرف بجهت درج چراغ • داد جهانرا نه از کواکب فراغ و آنجاده حکر
سر بسر تجلی زار انوار خدا امر و جلوه گاه انبیا و اولیا اولان
خاک پاک مکهٔ معظمه نک بیان اوصاف شایگانی بیردن
قدرت قلم فرسوده قدم اولدیغی وسیلهٔ اعتذار اختصار
در ذکر حج طواف وداع اخر نسخهٔ ایام اقامت رسیده
حد نهایت اولدوغنه خاتم سیمین غرهٔ محرم محرم
ختم زن امضا اولمغله اثار مقدمات فراق سینه لری
مطاف • و دیده لری چشمهٔ زمزم اتمکه باشلدی نظم
دلبا زچو بیدار متاع دیگریست • رنجیده سر از دست صداع
دیگریست • این طرفه نگر که جبر در خانهٔ خویش • ننشسته و
هنوز در وداع دیگریست مرادر با طمطراق فریب عالمده

دست ساز میزبان ایام اولان قنغی مائدهٔ سرور درکه
عاقبت دست اشتها شکسته دلان چشم فرقت اولیه و
دیو صحبا کدهٔ مست انداز جهانده بخشیدهٔ ساقی روزکار اولان
نه کونه جام لبریز صفادرکه اخر لب آرزو سنه پیمانهٔ حمیازهٔ
خمار اتمیه بیت دم وصله هجوم جیش هجراندن امان اولماز فنا
کلزاره بیدر بوندن بهار بیخزان اولماز کعبهٔ مکرمه یه روز نخستین
وصوله جریان ایدن کریهٔ سرور بود فعه لباس خونابهٔ
حزن فراقدن فوران ایدوب مقدمات تازیانهٔ شروع
طواف قدومیله برقه مسابقت ایدن کام آرزو طواف
وداعه کلدکده ستون مطافدن جایکیر شراب اولوب
غلبهٔ جنبش خطوهٔ عزیمتدن دامنکیر اولوب اما نه چاره
بو حالت جانکداز ایله عاقبت کام و ناکام دائرهٔ مطافده
وضع قدم اولندی نظم باخفقان دل رنج صداع • میروم
اکنون بطواف وداع • خون کرای دیده بصد هایهای
وقت جدائیست ازان خاک کوی مرا دل روز هلوسوز
دیباجهٔ زرنکار صبحدن خامهٔ مسکین شامه دک نالهٔ دلریشان
هجران ایله حرم کعبه سیاه لباس ماتمکده برشور غلغل نشان
ویردی قطعه فراق کعبه دن سز صنمه چشم خونفشان اغلر
سر کوی حقیقتدر بو تنلر الحج جان اغلر • دکلکر یالان اولان
الحج بیخ ادم وداعندن • فلکلر ملک اکلر زمین و اسمان
اغلر سر هر بر جور طواف طائر شکسته بال دله بر حلقهٔ

دام اولوب دانهٔ خاطر ربای حجر اسوددن علاقهٔ وارقار
قابل انفصال اوله مدی • اما نه چاره مراعات آداب مجاورت
خارج عهدهٔ قدرت اولمغله صوری ضروری لزومنه
بناءً ملتزم شریف ایله معانقهٔ موادعهٔ افتراق اولندی
صکره رسم مسنون اوزره سدّهٔ سنیهٔ عرش اعتبار رخسارند
دخی لب ادب ایله بوسه چین حسرت اولدقده مداد انشک خامهٔ
صحیفهٔ سدّهٔ سعادته بو منظومهٔ رقّت آمیز تسریقیم اولندی
غزل الوداع ای مردم چشم بصیرت الوداع • الوداع ای سنبل
باغ حقیقت الوداع • الوداع ای خاک مشکین جهانتاب سنگ
مایهٔ داغ دل حوران جنّت الوداع • الوداع ای قطرهٔ آب
زلال زمزمک • سلسبیله موج تخت ای خجالت الوداع
الوداع ای چرک شوی جامهٔ جرم عصات • گوشهٔ بامکده کی
میزاب رحمت الوداع • ایله تا بینک ادای حجنه روز جزا
جبینگاه حضرت حقده شهادت الوداع • آه دامن دامن
خونابهٔ سنگ گداز هجران دوکرک • جهان جهان آه گردون سوز
حسرت چکرک قدم قدم رجعت قهقری ایله باب وداعه
عزم اولندی • بیت • از سر کوی تو هیچ با چشم گریان میروم • با گریبانی
پر از گل از گلستان میروم • بیرون عتبهٔ باب وداعده جمال
جهان آرای بیت خدا دیدهٔ نگراندن نهان اولدغی ساحت خانهٔ
درونه نزول ایدن کاروان حسرت • و ممالک تحریر کیفیتی
گنجیدهٔ ثنا نگارنهٔ تعبیر اولمدوغی انجق بار رشک هجرانه

نمایاندر سب خروش اشکی نه بلسون کناره کیر وصال . دلشن
بم غمط قتکذار هجرانه سر غلبهٔ حسرت وفراقیله پارهٔ جگر
حیرت کوز دیده دن جریان ایدن لجام سرخ فام سرشکی
سرپنجهٔ تصوردن چیقاروب توسن زورمند جانی
نه جانبه جولان ایدوکنی استفسار ایده مدی سب
عنان چشم گریان الدی دست اختیاردن . صاولسون
باکه سنک راه اولنلر رهکذاردن سر فراق لیلی کسیه
خانه ایله مجنون ملازم وار دامن صحرایه طوتوب
میانهٔ امواج حیرتده غرقهٔ فنا اولمغه پر ایکن نقش
البحر قاملشیدی ناکاه سب مشرملول که فتاح باب مشکلها
اکر دری که بیند دهر ازیکت بدسر زمزمه سیله برطرفدن
فریاد رس حضرت خضر عنایت . کمند انداز تعبیر استمالت
اولوب ای فتح گرداب اضطراب هیچ تخته پارهٔ جسم
نزارک بو مرتبه طوفان زده انقلاب اتمه که اکر بحر رحمت
خیر جرم محترمدن ساحل هجرانه دوشدک ایسه عن قریب
واسطة العقد نظام موجودات اولان بر درکرانبهایی
صدف کونینک رویان خاکدرکاهنه فائز اولورسک
که هنوز هفت حقهٔ مرصع افلاک محیط جواهر آب وخاک
اولمدن انک که هر ذاتی نثر خفاء منظور قادر پروردکار
ایدی سب کوهر تحقیق بعالم نبوده . کو درکنجینهٔ معنی
کشوده ور اکر کلستان استان الهی کلشنندن جدا

ادکر

اولدوغی ایسه بروردهٔ عطر آلی چمنزار قدسک روضهٔ بهشت ::
آراسته‌ده بلبل گبی نالان اوله جقیز که هنوز خیابان سنبله
دار چرخ مبرمج کشیدهٔ داشرهٔ باغچهٔ زمین اولمدین انک
وجود عالم آرایسی زیور سرشتهٔ خلوتخانهٔ انوار ایدی
آب در جوانشت آن فصلی که عالم بود آب دست در
گل دانشت آن روزی که عالم بود طین پس بو نوید مسرت رجای
جانه گلاب باشر تسلیت اولمغله مجمرهٔ دلده‌ها بر مقدار عنبر
شعور غلیانه باشلدی الحاصل هوای شوق مدینهٔ منوره
اول ساعتده گنج بک جاروب عنایت اثمیدی جوهر نمایا.
روح زیور نوبهار غبار غمده گیم اولوب مقرر ایدی و اول نور
بالهای لشکری جانسوز هجر جیش جانبخش نوید وصل امداد ایلمشه
و اگر رشحات سحاب آرزوی روضهٔ مطهره اول مجلده
افاضهٔ قطرات عنایت اثمیدی خرمن هجران زهر رهیشی ::
طعمهٔ برق فنا اولمیوب تا منصور ایدی اگر صوب بیمیه
دمیدم اندیشهٔ وصلت نه جان قوردی نه تن باینده مذوق
سوز غم فرقت حمد فرمانروای قلم وهدایت شمع نسیم حرم ::
بو وجهله پروانه بخش تسلیتا اولمغله بعد زین گلستهٔ دلده
ریخته اولان خونابهٔ اندوهه بدل باخیز نشته زای شوق
جدید اولدوب وادئ یثرب گجابت آه زخرمان او
دامن دل میلکنده خار مغیلان ادوب مرحله سیله جذبهٔ کمند
محبته تسلیم کردن ارادت اولنوب خاک روانبخش طیبه‌یه

مبارکه‌یه تحریك بادهٔ اشتیاق قلندی مثنوی هموار
عشقه اولوب کوی یاره دك کیده رز . نسیم صبحه رفیق
بهاره دك کیده رز . نثر متاع کرانقدر منازل بیع الطریق
ده باره تموز زحمهٔ مهر منیر اولمقده بر صبحدم نظم باد
صبا دامن گل برفت نده . نکهت یثرب بمشامم رساند
نکهت گل سرم از باد ریخت . خانهٔ عشقم ز بنیاد ریخت
نمایان گشتن شهر مدینه مدینهٔ منوره‌یه نصف ساعت
مقداری محلده جبل مفرح نام بر پشتهٔ آسمان قدره اوزره ارتقا
اولنمقده مرآت عالمتاب حصار مدینه دفعة صورتنمای
جلوهٔ ظهور اولوب بونوگل رعنا حدیقهٔ طبعده گشاچ اولندی
غزل مقصورهٔ بهشت حقیقت مدینه‌در . مجموعهٔ سواد نبوت
مدینه‌در خواهشگر مطالب علیای قیضدر . بارشگه سحاب
رحمت مدینه‌در . اول مقلهٔ صبح حق اکه خاتم الرسل . قصر
نگین روضهٔ جنت مدینه‌در . انس و ملك اقرنه بوله رویمالنه
دولت سرای شاه رسالت مدینه‌در . انده تلاطم ایلدی بحر
محیط شرع . جای خروش موجهٔ نصرت مدینه‌در . خاکنده
ایتدی کسب طراوت نهال دین . جای نمای نخل هدایت مدینه‌در
جند قیامه انده ایرشدی لوای حق . رفعتکه اذان واقامت
مدینه‌در . دلبستهٔ مجاورته صد هزار رشك . محبوب حقه
خانهٔ هجرت مدینه‌در . سکان هفت کشور اسلامه تا ابیا
امیدگاه نخش شفاعت مدینه‌در نثر اول گلشن مقدس

معاینه سنده گنبد خضرای نبوی احاطه‌ده آغوشی چار مناره چه نور
بخشی چشم اشتیاق اولدقده الوطن‌لقه لله یکباره قافله‌ده و
فریاد مهمانسرای سرحد فی بر شاخ اشک لاله گون ایلدی رنگ دلیر
طائر باصفه‌ان اول پروازه وروح روانلر پیک خیالدن مقدم
شتابه آغاز ایدوب قفس بیجان ابدان لطمه‌ء تشکیله روان اولمغه
باشلدی نظم کز خاطر خویشتن فراموش شدیم تا با غم عشق تو هم
آغوش شدیم در وادی عشق الجنان گم گشتیم بیگانه ز عقل و وجود
و هوش شدیم بر گنبد خضرا چتر ز فلک پیروزه فام عرش بنا جعله
سایه سعادت مایه‌سی آسایشگاه سلطان سرابرده زمین و زمان
و پیرامن کنگره لامکان گذارلری پروازگاه قدسیان هفت آسمانند
حوالی قبه‌ء فلک فرسنده تلالادا امواج انوار شوکت شکل آفتاب
و تلون اجنحه‌ء ملائکه قرار تفرقه تخیر سی به ایدوکی بی ارتیاب در
نظم گنبد خضراست چه می پرسیش عرش بدان پایه شده کرسیش نور
تجلیست کزو تا بسماست نور کجا آتش موسی کجاست بر سر کنگره
اش تا فلک جای کبوتر فلک ملک بر ملک بر او چشمه انوار جهان
معاینه سیله یکبار قافله‌ء مشتاقان خفاش آفتاب دیده کبی
زمینه دکلوب اول بهارستانه و صباله ده غبار سیلاب زح وار
کف زنان نعره کشانه شهر دریچه‌ء مدینه‌یه ورود ایلدیلر نظم
بمژگان رفتیم خاک درش را با پشیمانم مبادا در رهش افتاده باشد
خار مژگانم بر کمی زبانی ماهیء جویبار صلوة و دمی طوطیء
ناطقه‌سی غرقه‌ء شکرستان تحیات اتمکین گلبنه حدیقه‌ء اشرعین

نامی محمد دخی بو سنبل نودمیده زمین اخلاصی دست آویز
سر کوی خیر البشر اتمشدر نظم ایا حبیب خدا یا محمد عرب • شفیع
روز جزا یا محمد عرب • هوای گرد نشین مبارکله گزشتدر • سراقات سما
یا محمد عرب • او شهسوار هنرسن که جلوه گاهکدر • فضای نور ضیا
یا محمد عرب • سن اول طبیب شفابخش سنکه هر نفسک • دیر رعشه تب
شفا یا محمد عرب • حکیم صنع قومش حقه دهانکده • مریض جرم و جفا
یا محمد عرب • شفاعتکله اولور زیب قامت رحمت • بلاسی جرم خطا
یا محمد عرب • اسیر لعل شفاعتشعارک اولمشدر • کمال حسن ادا یا محمد عرب
تفاخر اتمده در خدمت رکابنکله • امین وحی خدا یا محمد عرب • کلید
قفل گشای خزاین رحمت • الکده جلوه نما یا محمد عرب • قلندک روز ازل
جلوه جمالکه خاص • قلمرو دو سرا یا محمد عرب • کشاده یافته تیغی
برق حسنکدر • درسرای هوجا یا محمد عرب • لباس سایه ذاوکله بر جسد
جسم اینکدک • او دکلو شرک سوا یا محمد عرب • نگینه موجه بحر محیط ::
فضلکدر • نقطه علما یا محمد عرب • جمعستان بهشت سیح فیضکدر
مدار نشو نما یا محمد عرب • نیاز رخصتی باب سیادتکدن ایدر • شفاعت
شفعا یا محمد عرب • نفوذی اولماز اوامرک که اولمیه سندن • رقم
پذیر رضا یا محمد عرب • اولور او تیر که چقمز کمان رکابکدن • نشانگیر
هبا یا محمد عرب • بو کارکه هدر دکل سندن اوزکه یه مخصوص • ثناوری
ثنا یا محمد عرب • نگاه لطفکه موقوفدر قیامتده • تراضی حصی یا
محمد عرب • حمایتکله حقیر روز حشرده غالب • سپاه خوف و رجا
یا محمد عرب • اشارت نظر مرحمت نثارکدر • دواعی عقلا یا محمد

عرب

عربی • حب بکاه قیامتده التفات ایدر • تمسک امنا یا محمد عربی • فراز
منبر عزتده ذکر نامکدر • وظیفهٔ خطبا یا محمد عربی • تموج یم لطف
کناهکارانه • مضامع عقلا یا محمد عربی • ظهور عفو و عطا بخش
جرم پوشکدر • مطالب فقرا یا محمد عربی • کتاب جبینی درکاه فیض
پاشکدر • امانی ادبا یا محمد عربی • درخت شرعنک اثار بیشرفته سیدر
شرایع قدما یا محمد عربی • اسقاط شقفرهٔ علومکدر • مراقی حکما
یا محمد عربی • دکلر رسیدهٔ پیشیچ پایهٔ عبارتکه • مدارج فصحا محمد
عربی • کنار دامنیدر جامهٔ بلاغتنک • مراتب بلغا یا محمد عربی
نهفته کوکبیدر طارم ملاحتنک • عزیز مصر بها یا محمد عربی • زکات
چشم خدا بیننک ترانه سیدر • شاهد عرفا یا محمد عربی • تفوق
ایلیه مز انتساب با بکله • صفات فقره غنا یا محمد عربی • سیاه
روی وکنهکار نابسی بدکار • ایدر امید عطا یا محمد عربی • محصل
ماندهٔ سایهٔ بیجان رویال جاه امال ایدرک غبار راهله
دیدهٔ باب معدنیهٔ منوره درکذر اولندقده — که بود
سدهٔ ان روضه بتنوبیم بابشک • اوخلوها شنویم از حرم والا اثر
زمزمه سیله بر قدمده صفوف روحانیان استقبالیله الکتب
صفای درون ایده رک عتبهٔ شریفه پای باب السلام جان ::
اشتیاق زهریه جای ارام اولدقده نکهبان مواقف ملکوت
و پرده داران سرادقات جبروت بو زمزمه ایله قرع سامعهٔ انتباه
ایلدیلر غزل صقین ترک ادبدن کوی محبوب خدادر بو نظرکاه الهیدر
مقام مصطفادر بو حبیب کبریا نک خوابکاهیدر فضیلتده ::

نفوذ کرده عرشی جناب کبریاده ربو بو خاکی هر توندی اوکه دیجور عدم
زائل وعادم اجدی موجودات چشمی شو تیاده ربو • فلکده ماه بو
باب السلامک سینه چاکیدر • بونک قندیلیده رجوه مطلع نور ضیادر
مراعات ادب شرطیله کیرنابی بودرکاهه • مطاف قدسیاندر بو درکاه
انبیادر بو شرای بادیه پیمایان مشتاقه بو اولدر التسرای جهان ارالی
حقیقتدر که فرشی براق عنایت اندوزی سربسر دیده حیران کروبیان
وقندیل طاق اسمانی افروزی سینه پرنور قدسیاندر بیت بر سبیل طوف
می کردند گرد مرقدش بیشتر جبریل وملائک در قفاء جبرئیل ای بو بنده
کان راه مرام بو اول حرم کعبه توامدر که ساحه سعادت نجات سنده
کمی اولان سلطان المرسلین علیه الصلوة والسلام حضرتلرینک
اثر قدم لامکان سیرلری وسیله مباهات جبین عرش برین در
ای آرزومندان بیغوله هجران بو اول استانه شفاعت
عنواندر که رفت روب غبار صحن بهشت اشوب مایه افتخار
بال روح الامیندر نظم طعنه بر اکسیر زند خاک او • در رجلست از
خس وخاشاک او • ریگ زمینش چو نجوم سما • گشته بسی گمشده
را رهنما ای بیماران بستر حسرت بو اول دار الشفای علة
معصیتدر که غبار صحن معلاسنده ترکیب اولان معجون مفرح جواهر
تقویت بخش دلخستگان عصیان اولمغله تب تاب حمای حمیدن
افاقت ناپذیر ایدلر بیت انکه دامان شفاعت بمیان کر نزند
کرد اندوه نشیند بکجا کو بشر ای آبله پایان خارستان فراق
بو اول روضه مطهره درکه زمین دلنشین ده نشانه اولان

نهال بالاکش رسالت صلی الله علیه و سلم حضرتلری بهار وجودیله
خزان عدمده کی مزرعهٔ آفرینشده سرزده اولان عصاة امم اوزره
چمنگاه رستاخیزده آثار شفاعت ایله مغیلان باغبان ازل
خاصهٔ تربیت ایلمشدر بیت گلبنی را ز جلوه اش فرش روح خلد
برین • عطر بیزان روضه اش جاروب زلف عنبرین ابیاتی چشمک
صحیفهٔ مرام بو اول حجرهٔ محترمدرکه صدر والای شرعی متحلی ایدن خواجهٔ
کائنات علیه افضل الصلوة نام نامیلری دیباجه طراز جریدهٔ آفرینش
اولمسه اجزای اجرام علویه و سفلیه شیرازه پذیر انتظام اولمازایدی
بیت طور صد موسی بر انگیزد ز خاک آستان • شمع صد عیسی
بر افروزد بباد آستین • مرآتی خریداران بازار امید بو اودر
مضجع مقدس عرش زیبدرکه آغوشی صندوقهٔ مشک ساسنده
دفین اولان جوهر یکتای کونین بهادرج خفادن درخشان
اولمسه گنجینهٔ ملک و ملکوت زیر قفل عدمده جلوهٔ وجوددن محروم
قالوردی بیت ز آستینش نرسیدی بدست جیب وجود • اگر نه گوهر
او داشتی هوای ظهور • آئی چاک زده کان گریبان حسرت بو اودر
مرقد منوردرکه شفیع و حفیظ بنده اسوه اولان متاع کارگاه لولاک
زینت چارسوی امکانه اولمه بازار کون مکان آیینی بند آرایش
ظهور اولمزدی بیت آنکه حبل المتین مهر ذات پاک او • خلعت
خلقت بندیدی تا قیامت تنگ او • مرآتی امیدواران شفاعت بو اودر
سلطان سراپردهٔ رسالتدرکه داخل شمار جریدهٔ امتی اولمق
الحوله مرسوم صحایف آمال انبیادر بیت شان دینش همه باز اد

ملك كرديك در • انبيا جان بكف ايدر هوس سوداسنده اى دانه نثار
اشك فراق بو قفس ارائى وراى شباك اولان طوطئ شيرين
اداى وما ينطق عن الهوى در كه هنوز زبان امكان دهان
عدمدن نمايان اولمدين ناطقهٔ روان بخشاى انا افصح ايله جهر
خلوتسراى خاص الخاطر لى مع الله عهده شكر باشر زمزمهٔ كفتكو
ايدى • آى دلبر يكتاى مشاهدهٔ مراد بو اول تابنده جمال پيرايهٔ
انا املح دركه حسن ملكوت ارايى ازل پسندى جلوه كاه قرب
القرب وحدتده منظور كردكار ايكن هنوز ماه مصر اشوب كنعان
نهفتهٔ بن جاه عما ايدى • آى باديه پيمايان ارزو بو اول شهسوار
سوار فضاى علا اعلا دركه ارزوى قدم جهان كشت سيلهٔ نه رخش
مرصع پوش افلاك مربوط طويلهٔ انتظار اولمشلر در • آى سينه
ريشان محنت بو اول شاهباز بازوى عنايتدر كه آشيان قدسدن
نشكارگاه امكانه نزوللرى ايچون صياد قدر نجه مدت ادارهٔ
بكفترهٔ مهر وماه ايلمشدر مرب ديده سدرة المنتهاى معرفت را
ببرك وبار وادى تحقيق مراطن تا باقصى ساخته • اى سينه
صافان بزمگاه خلوص بو اول سرو فتر انبيا دركه ارزوى اسم
مكرملريله صحايف جو رنك ايام ولياله نجه مدت جلا داده مهرهٔ
مهر وماه اولمشلر ايدى • آى جان سپاران راه وفا بو اول حبيب
نازنده خالق يكتا دركه ضيا فتخانهٔ نعمت جنت سالكان چاره
مواقفى ايچون مزين • وعذابكاه نقمت دركه جحيم سركشان
بيابان محالفتى ايچون معين اولمشدر نظم جاى سرمست
انك

انکه تو پای جا ننهی • پای ندانی که کجا می نهی • هر که درین کوی نه
ز سر پا کند • بی خرد از بفلک جا کند • لیک درینجا ادب آمد بکار
بی ادبانرا نبود اعتبار • رهرو سروشان عالم غیب توصیهٔ طریقهٔ
آدابه تاکیده استیعاب شوکت آستانه ترکیب جسم ناچیزدن ازالهٔ
نشئهٔ حیات ایده جک مرتبه لره قریب اولمغین • نظم • پنجهٔ حیرت
زگریبان گرفت • عقل سراسیمه اثر اندر رفت • گشتم ازان واله
وحیران و مست • صبر برفت از دل ودل شد زدست • مرتبهٔ حالت شعور
که ازیلم مرحلهٔ صدساله سیماسنده روضهٔ مطهره یه وضع قدم
ضراعت و محراب مغفرت مآب نبویده ناصیه سای سجدهٔ تحیت
قلنموق میسر اولندی • نظم • روضه که آمد ز ریاض بهشت • خشت
بخشتش همه عنبر سرشت • هر که درین روضه زمانی نشست • تا به
الدهر ز اندوه برست • بعده ادای تحیت المسجد وعقیبنده رهنمونی دلیل
عنایت ایله مواجههٔ شریفهٔ سید الانام مده ادای لازمهٔ صلوة
وسلامه قیام اولندی • بیت • تاب لقا ندارد بیمار غم کشیده
در آفتاب افتد چون شمع کشته • دقفنجهٔ رشتهٔ انفاس رهین
عقدهٔ اضطراب • ولب ثنا زمعدن رغبت سرمی خطاب دن
الکوح بینا ادب قفل صمت ودر سینه • وتار انتظام مربوط
بشت وپای سکینه قلنوب زبان اشتیاق رخصت یافته جنبش
سلام قلندی • نظم • السلام ای داور اولاد آدم السلام • السلام
ای بادی ایجاد عالم السلام • السلام ای گوهر یکتای ذات
اقدسک • زیور بالای طاق عرش اعظم السلام • السلام ای

شکفت

قفل گنج رحمت حق تا ازل • دست استعداد کره اولمش مسلم السلام
السلام ای انتساب ذات پاکله بشکان • اولدی بو بلیه توح ان نجی
مکرم السلام • السلام ای جدک ایله لقب خلیل الله اشدی حق • آتش
نمرودی بر گلزار ایتدم السلام • السلام ای قرب عهدک فیضنک
تاثیر بیدر • ایلدی احیای اموات ابن مریم السلام • ~~السلام~~
آتش کلزی تابع دخشنه خاک پاکیه • ایده رحم جرمکه لطفکله مرهم
السلام قطعه عربیه یا خیر من دفنت بالقاع اعظمه • وطاب
من طیبهن القاع والاکم • روحی فداک انت ساکنه فیه
العفاف • وفیه الجود والکرم • سرخوش اول هنگام حیات
بخت که سیاح علیین نور • وروح راکب جنازهٔ بدن اوللدن جنازه / با بعض نکره ها
بروا اولی ایشان شفاعته روحا ارز وسیله مانندهٔ جرس
لبریز فریاد ایکن اعانت قائد عنایت ایله واصل سرمنزل مرام قائد / بیدیجی
اوله • حبذا اول وقت دل زداکه فانوس سنک شکست ازمالی
بدن شیمهٔ چراغ حیات اولالدن بروا اول انجمن مقدسه شوقیله
گنجینه سوز کدازایکن اول شعلهٔ جمال موجوداته بی پرواکه
اطارهٔ پروانه نگاه ایله یادبان اول بهار وصال که غنچهٔ لب اطاره / روحبدر
خونین شرانه دل اشیا نکیزت خیمهٔ جسم نزار اولالدن بره
هوای روضهٔ مقدسه ایله زمستان هجر اندن نالان ایکن
امداد نسیم هدایت ایله اول گل گلشن افروز نبوتک بیشگاه
غنچه بی واسطه گره گشای ناله وفریاد اوله • بیت چه خوشست
پیش محبوب لب راز باز کردن • کله های هجر قربان بسر نیاز کردن

فراوان

فراموش مبادا اول دم حکم مسکیه بال حمامهٔ اه ایله ارسال
معتاد اولان نامهٔ صلوة و سلام بابلت فهه رسانیدهٔ
موضع معلا قلنوب • رجای گوهر فردوس بهای شفاعت ایله بسط
دامن نیاز اولنه المنة لله تعالی و تقدس • بعده همنشین انجمع
زندگانی بهجت پراسایشگاه جاودانیلری یعنی جناب صدیق و
فاروق رضی الله تعالی عنهما مقابله لرنده وحی ابلاغ
لوازم تحیت و تسلیم اولندقدن صکره ورای حجرهٔ مقدسه
درهٔ صدف هدا ام سیدالشهدا • حضرت فاطمة الزهرا رضی الله
تعالی عنها پیشگاهنده جواهر تحیات ثنا نثار اولندی نظم
میوهٔ دل قرهٔ عین رسول • زهرهٔ گردون نبوت بتول • سیدهٔ جمله
زنان بهشت • مانده در پای نبی سر گشت • عزم کردن زیارت بقیع
شریف • هر بلبل خوشخوان وحی تنزیل • حضرت جبریل امین علیه السلام
راه آمدشدلری اولان روزنهٔ میمنه‌ده دست دعا بال طائر
رجا قلندی • بعده آنکا قریب باب جبریل علیه السلامدن گذر اولنوب
خاک مغفرت ناکه بقیع الشریفده آسوده اولان همسایگان
نبوی زیارتنه شتاب اولندی نظم شو متوجه بزمین بقیع
عرش بریع بین در مقام رفیع • هر طرف فرش نور و هزاران زمین
همچو نجوم فلک همنشین • زنده دلان بین که بخود مرده اند • سر بگریبان
عدم برده اند • واقع مزارستان جنت نشان بقیع بر صحن رحمت
نما درکه هر تودهٔ سی بر طور نور • و هر نخلی بر درخت ایمن گبی لمعان
اتمده در هر ذرهٔ غبار مغفرت آثاری مایهٔ اکسیر جوهرلقدن مختصر مدا

گشا فهه
یوزه یوز اولمق

منبع ... نفحات ... منقطع اولوب ... تعالی منبعه ...

و هر ریزه سنک تا بدار نکین سلیمان نیجه دن فلک پدر. اوکه
خاکپاک زوارندن هیچ برتبع بو قدر که چار دریج عناصر جبیننده
نهان اولان کوهر نایاب روحی اول خاکدن نثار اتمک استدیکیله
دستکش اولمیه. هیچ برجان بو قدر که خلقت چار قطعه
جسمی اول زمینه افکنده اتمک ایچون بر بیز تمنا اولمیه. بوندن
اعلا جای استر اولورمیکه زمین بقیعدن بر خاسته
اولنلر دست برد عمله درکاتدن خدن امین اولوب بلکه
وردن بله اطاله سلسله نکاه اتمکه فرصت بولمیه‌رق بوندن
افضل دولت اولورمیکه روز بازار باز خواسته شهریار
شفاعت علیه افضل التحیه ایله بالیجه خاکدن بله سر بر آورده
اولوب سایه لوای اطهر نبویده عزیمت کلکشت باغ نعیم ایلیه

نظم
روز قیامت که برد نفخ صور * این همه خیزند در استار
نور سر چو بر آرند ز جیب غبار * دیده کشاینده بدیدار یار

حضرت رب غفور تاب معصیت مآبی دخی آسوده نشینان
بقیع موافقتی ایله سایه لوای محمدیدن مهجور اتمیه امین بحرمته
محمد الامین دیباچه بقیع شریفده ابتدا عم سید المرسلین
بر قبه علیه درونده مکین اولوب انکا قریب بر قبه ده دخی
محرمان سرا پرده سعادت یعنی زوجات طاهرات خواجه کائنات
علیه افضل التحیات بر ده نشین شبستان بقا اولمشلردر. نظم

هر سر آن ره که طریق خداست * حجره ازواج رسول خداست
ساحه آن مشهد فردوس بو * حور بکیسو کندش رفت ورو

بر قبهٔ نورانیه دروننده دخی بر درجهٔ ایدوش و کنارده بر عزة
درشاهوار افسر سعادت قرة عین قبول ابراهیم ابن حضرت
رسول صلی الله تعالی علیه وسلم غنوده‌ٔ گهوارهٔ عدم
اولمشلردر نظم نیست مجال قدم اجنبی خفته دران گوهر
صلب نبی گرچه دران مخزن عنبر سرشت جای بهرگوشه طیور
بهشت نثر بر قبهٔ گردون مماس سایه‌سنده دخی عم مکرم سید
الناس حضرت عباس رضی الله عنه ایله چار گوهر معدن
ولایت و چار قندیل امامت یعنی حضرت امام حسن بن علی
المرتضی و امام زین العابدین و امام محمد باقر و امام جعفر
صادق رضی الله عنهم اجمعین کیر خلوتسرای خلد برین اولمشلردر
نظم گنبد عباس که خلد آشیانست قبهٔ نور بعالم عیانست
از فلک جود وسخا و کرم گرچه قران چار ستاره بهم نثر و بر
قبهٔ معلا دروننده دخی حضرت عقیل ابن ابی طالب رضی الله
تعالی عنه و بر قبه‌ده دخی امام مالک رحمة الله علیه گوشه
گزین بستر خواب عدم اولوب بر قبه‌ده دخی امام القراء
حضرت نافع ابن کثیر سر فرو برده‌ٔ رحلهٔ رحلت اولمشلردر
بر قبه‌ده دخی مادر شیر خدا فاطمه بنت اسد رضی الله عنها
بتقولة الشیعه غایهٔ خفا اولمشلردر اما سایبان قبابدن
ساقط اولان مراقد اصحاب کرام خارج حیطهٔ حساب در
مص خیل صحابه چه بزرگ چه خرد بیشتر ازانست که توانی شمرد
خصوصا کبار مجاورینده‌ن ملوک و مشایخ علما و صلحا شمار

بقیعدن افزون تردر بلکه هر قدمده یوزدن متجاوز خاموشان
منزلگاه فنا اسایش گزین خلوت بقا اولمشلردر • بسر حلقهٔ
انجمن خواجگان خواجه محمد پارسا قدس سره حضرتلرینک
مزار فیض اثارلری دخی بر لوح رخام ایله اعلام اولنمشدر
اما غایت حدود بقیعده مرقدهٔ اسمان جناب آغوشنده
جامع ایات قرآنیه کاتب وحی آسمانیه عثمان ابن عفان
رضی الله تعالی عنه حضرتلری متواری حجاب بقا • و خوش
نشینان سرزمین بقیعه نگهبان سرحد انتها اولمشلردر
نظم گنبد عثمان که نماند ز دور • زین همه یک نور ده مدزان
دو نور گشته حیا برده درگاه او • بسته زبس خیل ملک راه او
و هر برینک غبار مزار فیض بارلری ایله دیدهٔ دل تنویر اولندی
و زبان خامهٔ آهنک کتابهٔ بالاخانهٔ اسمانه سورهٔ سبع المثانی
تحریر اولندقدن صکره بینه مقصد اعلای انس و جان
یعنی روضهٔ مطهرهٔ حبیب یزدان زیارتنه اعادهٔ روی ضراعت
اولندی • مدینهٔ منورهده مدت اقامت اون کون اولمغه
عادت اولمغین مطلع نهاردن منقطع لیله • ذکر بیان شامدن
بامداده دک مواجههٔ سلطان الانبیاده غلغلهٔ صلوة و سلام
انفصال بولمیوب گریهٔ های هوی ندامت • و نالهٔ رجای
شفاعت ایله طبقات گروه پریشان و زوار گرو بیان ادرجه
حالتلر ظهور ایلدی • اراقهٔ اشک فراقه هنگام رخصت
داطلهٔ طومار امال فرصت الوریلمکده هر کس اویخته دامن

شفاعت

شفاعت اولنوب صرف مقدور ایلدیلر • حتی رقم طراز لوحهٔ مقال
نای شکسته بال دخی بو عرضحال درد اشتمالی بر لوحه یه تنمیق
و مواجههٔ سرور اقلیم شفاعته کتابه تعلیق ایلدکی شعر
بحمد الله نصیب اولدی سعادت یا رسول الله • که ایتدم خاک درگاهک
زیارت یا رسول الله • زهی حسرتکه هر باشم اولمدی بو خاکه اقدیم
کوزم گنجینهٔ خالی آب فراغت یا رسول الله • گنهکارم سفیهکارم
سیهکارم تبهکارم • یینه رد اتمه فردای قیامت یا رسول الله • خلاصه
دستگیر دکار فرمایان دوزخدن • نگاه لطف ایله کفایت یا رسول الله • غریب
ساقی پیمانه گردان ضلالتدن • دم آخرده ایمانم امانت یا رسول الله
کمینک یوسف نابی احبابه و اقاربله • شفاعت یا رسول الله شفاعت
یا رسول الله • علی الخصوص حسرتگاه اخلاف سلاطین جهان
و حامیهٔ حجاج آل عثمان اولان خدمت فراشت جریده سنده
نام فقیر دخی نگاشتهٔ خامهٔ توفیق اولمغله هنگام شامده
نطاق عبودیت • آرایش میان مفاخرت قلوب درون شبانه
پیرامن حجرهٔ مقدسه‌ده خدمت اشعال قنادیله اشتغالده
جهان فروز آمال اولمق میسر اولدی بحمد الله تعالی و تبارک
کیسهٔ عمر سوده جود نقد حیاتدن تهی اولمدین • اول خاک
شرفناکده صرف نقدینهٔ اوقات اولمغله نه حدده صورت
آمال اولنک شعر هزار شکر که از روضهٔ مقدس چیدم •
باستان شفاعت بدین گیاه رسیدم ذکر وصف شهدای
احد شت نگاهسته‌ده ایام اولان روز پنجشنبه سلک

ظهوره نمایان اولدقده زیارت شهدای احد تمنه سینه
رسول الثقلین علیه الصلوة والسلام اقلفین بالجمله
حجاج پیاده وسوار اول سرزمینه کذار ایلدیلر کوه
احد مدینه منوره نک بر ساعت مقداری شمالنده
بر کوه بلند سرخ فاقدر که معرکهٔ مشهورهٔ غزای احد دامن
دلنشیننده رسیدهٔ موقع ظهور اولمشدر مصـ دامن
کردونه که شفق کون بود ¤ از اثر سرخی اوخون بود در سر
اولا سر راهده داور ممالک کشای رسالت علیه السلام
حضرتلری جسم مطهر جهانترینلرینه بیرایه بند اسلحهٔ
دشمن افکن اولدقلری محل زیارتکاه تیرنکاه قلندری
چتر سایه دار عقابیلری مدطناب اقامت ایلدیکلری محلده
ستون دعا خیمهٔ آسمانه رفیع اولندی ¤ دریای کارزار
خروشان اولدیغی زمینده شمشیر آه حواله چرخ ستیزه کار
قلندی ¤ درج لعلین دهان شفاعت فشانلرندن درعالمبهار
دندانلری افشان اولدیغی محلده قطرات سرشک حسرت گلکونه
عارض دامان قلندی مصـ جنان عقده از کار امت کشاد
که دندان درین کار بر باد داد نخل نازبرور جسم نازنینلری
اثنای حربده بر مقدار استراحت ایچون بر سنک خارا تکیه فقنه
نزول بیوردقلری وقتده اثر سرغرش ساری دل سنکده مهر
جایگیر اولدیغی محل مشاهده سی تاج سر نظر قلندی ¤ بعده
مجموع شهدای احد که جمله سی بر زمینده دخمه نشین ملک بقا

اولمشدر

اولمشلر درارواح مطهرلرینه ابلاغ هدیهٔ دعا قلندی نظم
بوی وفا میدمد از خاک شان • غرقه بخون تربت نمناک شان
روز قیامت بر آرند سر • با جگر خسته کفنهای تر • با رخ چون
مهر دمند از زمیج • تخم وفا بار نیارد جز این سر آنگردن ::
عجی مرقدهٔ عالیهٔ بهشت نما صدرنده عم رسول کبریا سید
الشهدا حضرت حمزه بن عبد المطلب رضی الله عنهنک سر
مزار ملوطارلرنده ناوک دعا نعرهٔ آه وفریاد ایله حواله بر
سپهر آسمان قلندی نظم حمزه که قربان شده در راه دوست
سید هر جا که شهید نیست اوست • لاله ز خونش شده خونین
کفنج • داغ نهاده بدل خویشتج • سرخی که کوه الکا جدا از خون
او در نگ بر یکشن حمه تسبیح او • بینه اول حوالیده مسجد فتح ::
نامیله مسمی عبادتخانهٔ دلکش • و بر مخصوص سلطان الانبیا
دخی مایهٔ فتوح درون و بیرون قلندی نظم مسجد فتح از
شده بهر رسول • جای دعا یست محل قبول • بهر رسول لیست
که اب حیات • موج زن افتاده چو نهر فرات ذکر وصف مسجد
ذو القبلتین بینه اول طرفلرده مسجد ذو القبلتین بر معبد
منور غیر مکدر در که جدار جنوبی وشمالیسی بر بر ینه ابرو
نمای محراب اولوب بری مسجد الحرام و بری مسجد الاقصا
استظهار ینجه قاعدهٔ عز و تمکنی اولمشدر دکریمه لرمتلو
لینک قبلة شرطکه ها جالندن رفع بر قع ایهام ایدن
بیرایهٔ مندان عارض تحقیقی تعیینی اوزره او ایلرجه ینده

جمعهٔ عشر باب محمدی علیه السلام اون یدی ای جانب
بیت المقدسه سجده بر اطاعت اولمقله بر کون مسجد
معهودده شعلهٔ بشرهٔ لامکانی افروزلری قندیل محراب قبلهٔ
قدیمه اولدیغی حالده حضرت ناموس اکبر فرمان جهانبانی
کردانی فول وجهک شطر المسجد الحرام ابلاغیله اول
آفتاب فلک نبوتی جانب بیت الحرامه تحویل ایتمکله
محراب قدیم قفای سید الانبیایه دیده کشای حسرت
اولوب قالمشدر ذکر مقام پر شرف مسجد قبا ظهور
طلیعهٔ صباح شنبه‌ده زیارت مسجد قبا سنت سلطان
رسالت • و عدا زای ثواب عمره ایدوکی مثبت اولمغله
کروه کروه اول جانبه شتاب ایلدیلر بر ساعت مقداری
محله میانهٔ نخلستانده بر مسجد بکر مدرکه لمعان انوار
وآثار اسرار درجوارنده هویدادر قافله سالار انبیا
علیه الصلاة والسلام حضرتلری هنگام هجرتده حوالهٔ مدینهٔ
منورهٔ مبارکه‌یه تشریفلری قادمه‌ده وصول اولدقلرنده
ثعیبی قائد تقدیر ایله ناقهٔ فیض بارلری اول محله بسط
ناقهٔ استقرار ایتمکله فرمان معمار کارخانهٔ آفرینش ایله
ایله مسجد قبا بناسنه مباشرت بیوروب نص کریم
لمسجد اسس علی التقوی ایله اساس نعوت مناسبی تمهید
اولنمشدر • هنگام بناده بالجمله اصحاب کرام رضی الله
تعالی عنهم ادای خدمت مزدوری ایتدکلرندن ماعدا

بندرینه
امابشریت مهمه

سلطان ممالک ما اوطی علیه السلام حضرتلری دخی مالک
مفاتیح مخازن رحمت اولان دست کرم پیوستلریله احضار
لوازم کل وسنکه بیوریلار در نظم کعبه بعد حجازیشوق قبابه حسنه
پیراهن عفت قبا محراب سعادت نصابلری و زنه قصر
اجابت اوله عنذره غیری محراب رکنی شرقیسنده باصره
عرش پیمای نبویه بیت سیه قبای خدا برهم براندازخفا
اولمغله جلوه‌گاه قبول دعا درنافه رفرف وقارلرن
زانوی پاکیزه تکیه‌کاه بوسنه عقده استقرار ویردکی زمیج
مبارکدن وسط مسجده برمحراب ایله سجده گاه
شیخ وشاب در نظم هست دران صحن مقام دکر خواب
ناقه خیر البشر مسایه چهار قباده مسجد علی المرتضی
ومسجد فاطمة الزهری حمد اجه قامت تحیت اولندقدن صکره
بئر قبا نامنده چاه زمزم سیما ابینه صورت استدعای شفا
قلندی • برکون سرور کائنات علیه افضل التحیات خطر بند
طلبکر جسم نازنینلری که تاثیر کرمای هوادن ازرده اولمغله
چار یار گزین ایله ساده عرش سا قلدین اول چاه عالیجاه
دلوینه القا بیوردقلرنده انکشت مه شکافلرندن انکشتری
یوسف جبینلری بن چاهه افتاده اولمغین اول آبدن تجرع
ایدنلرک پیرامن قلمرو طبیعتندن لشکر امراض وعلل کذر
اتمکله ایچون دار الشفای الهیه اعطای برات ممهور اولنمشدر
بینه اول باغبان ریاض شفاعت علیه الصلوة والسلام حضرتلری

نخلستان قبادن کذرانشاسنده بر نخل سعادت ثمر رهکذار
نبوی یه اطاله کردن ضراعت ایدوب یا رسول الله بو زحم
خوردن تیشهٔ انکسارک بر نخیه خرماسن رسیدهٔ لب شفاعتک
نثار اتمکله تن بیجانم بلوغ الامثالن سرفراز بیورک چو بسط کلمات
شکر سماط اتمکله الی هذا الان روی ضراعت بر زمین نخل
متکلم نامیله رهکذار قباده مکلیم اولشدر انک دخی زبان تیکر
ذایقهٔ کرام شیرین کام قلنوب بیتهٔ مدینهٔ منوره یه عودت
اولندی اما دوزن و بیرون مدینهٔ منوره ده بر کوشه
بوقدر که انوار آیات بینات لمعان اتمیه و بر نخل بولنمیه که
آثار معجزات فائزة البرکات الی الان محسوس اولمیه
قنده یوز سورسم اوبعاهک جلوه طاهی باییدر قنده بقسم بر نور جمال
جدنی بیدر در هر کجا که مینکرم جلوه کاه اوست در
هر کجا که روی نهم خاک راه اوست مابر بن بلکه بلکه تفاصیل
کیفیت احوالی کنجیدهٔ معمورهٔ بیانه اولمق محاحوزهٔ امتناع
ایدوکی حصلی حصلی اعتذار در اوجانه محبت دهر
خامه یه صغر تعبیر فرمای نهان نامه صغر. وصف وداع
عالمسوز عاقبت سر انکشت صبح وداع روز نامهٔ اقامتدن
دروغ کرداں اولمغین شمشیر سرتیز فراق دلاری ابواب حرم
کبی چاک چاک و ناوک دلدوز هجران سینه لری شباک اتمکه
اغاز ایلدی آه وانین نیش خورده هجران اول کواره انکبیلی
تنغا بیرانده ناله زنبوردن افزونتر اولدی نظم روز جدایی
که

که بلبینده تیره ترست از شب هجران بی روز وداعست
و اجل درکمینه خاصه وداع کبهء اینچنین مراکه نه کار دشوار
درکه امیدگاه کافهء موجودات اولان در دوران سر وجانک
مواجههء علیه سنده نائل فرصت نیاز اولمش ایکن کند د
اختیار کلک لب ناطقه یه مورد کلمهء الوداع ایلیه سن
و نه امر مشکلدر که دستگیر عامهء موجودات اولان محبوب
خدانک بارگاه سعادتنده کره بند ساعد ادب اولمش
ایکن بابن ارادتمکله صحرای هجرانه روان اوله سن نظم
آغله ای دیده که گریان اوله حقک آخر ۰ اکله ای دل که
بریان اوله حقک آخر ۰ دستکه کیز ایکن گوشهء داماننی
قرار الدیروب واله و حیران اوله حقک آخر ۰ مراکه ای سر
بی سامان بعد زین کوفتهء سنگ ندامت اول که عتبهء
علیهء آستانه حرم کبه بالش استراحتدن بر خاسته اولورسک
و ای جبهه جلوه گاه داغ غم اول که مالشگاه رخسارهء
قدسیان اولان روضهء مطهره یه سجده گذار اولمق
دولتندن جدا اولورسن ۰ ای دیدهء غمدیده فوارهء خون
درون اول که نظرگاه خالق ذوالجلال اولان مرقد
مقدس منور هده سندن سد دریچهء انکشاه ایدرسن ۰ ای
مشام بدکام منبع زکام الام اول که نکهت گل ریاض قربت
بنه تخلیهء داماغ ایدرسن ۰ ای دهن بر محن کاسهء
انگشت حیرت کبه بر بز فریاد اول که مواجههء پادشاه

دو سرا اه سرشار زمزمهٔ صلوة و سلام اولمق دولتندن مهجور

اولورسن. ای آسینهٔ بی سکینه موجهٔ زار شرحهٔ اندوه

اولکه بیله قامت موزون ستون محرم در آغوشندن بی

نصیب قالورسن. ای دست افسرده سرمایهٔ ندامتکزیده

دندان حیرت اولکه بیله دامان شباک شریفهیه توسلدن تهی

قالورسن. ای پای هرزه گرای بیکار صفحهٔ ندامت اولکه

نایل گلگشت چمنزار نعیم اولمیوب بیله اوارهٔ بیابان فراق

اولورسن. ای دل شمع انجمن درد اولکه پیشگاه

محبوب الهیده پابوس یا قلورکن بیله بازیچهٔ تند

باد هجران اولورسن. ای طائر روح بی جمعیت اشیانه

شاخسار علیینندن خاکدان اسفل السافلینه گرفتار

اولالدن بیرو پروازگاه اصلی هواسیله بال زن

اضطراب اولورکن حالا دار الامان حرم رسالتده

فرصت یاب فرجه بر رها اولهسکده افسوسکه بیله

شکست قفس چارچوبهٔ جسم قادر اولهمیسن. خاکبادا

بسر غیرت اشغتکیم. که ترا دیدم و جان بردم قربان

نشدیم. ای عقل بیهوده کرد علت غائیهٔ مقدمات

ایجاد اولان وجودی بولمش ایکن افسوسکه وارو ب

تنکنای امورت بستهٔ دنیاده بیله سرگردان اولورسن

آفاق بر دریغست و جهان بر ندامت است. این

روز هجر نیست که روز قیامتست. اولگیره روز وصالده

شروع مشاهدهٔ روضهٔ مطهره ایله تیز پرواز اولان
عندلیب جان غمگینم وداعده شکسته بال و ناتوان اولوب
پیشگاه قفس مقدسده ناله سنج الوداع اولمغیچون جنبش
بال مجال بولمدی بیت چنانکه گشته‌ام از رنج انتظار ضعیف
نگاه را بر خش طاقت رسید نیست عاقبت خواه و ناخواه
وخلاف دلخواه اقبال ناخیزان مواجههٔ علیه طاقت
گداز لرندن دست شرم و حجاب نقاب چهرهٔ اعتذار قلنه
آما بر حالیله که سر تا سر سرشر ایتمی بدنمه مجاری سیماب وقوع
ناطقه اسیری تیر زدهٔ حجاب اولوب که نظم ولی روز همه
وصال جان افروزن • امروز همه فراق عالم سوزن
زیاد که در دفتر عمرم ایام • این روز شمار روایم زار زاری
مالی هر بن مو بیدن ترشیح کنان اشک غلطان و دل طناز
ایله مقال درد آمیز وداعه آغاز ایلدی نظم الوداع
ای خاک راهک کحل ایمان الوداع • سنک کوبک کوهر تاج سلیمان
الوداع • پنجهٔ خورشید تابک شانهٔ زلف وجود • صفوت
نور رخک مرآت قرآن الوداع • کوهر بیضای یکتای وجود
نازان • درنو خلوتسرای قرب یزدان الوداع • خدمت
اسقایه مأمور اولدیغندن دوراید • کشتزار شرعکه دولاب
دوران الوداع • کحل کرد آستانکدن اولور کحل دایه کبیر
قنده صرف اتسون نگاه چشم حیران الوداع • قامت
نخل حریم آستانکدن جدا • نیجه قلسون بر بره آغوش

مژکان الوداع • هیچ کاهکده اولورکن نغمه سنج السلام
قنده اولسون بلبل دل زار و نالان الوداع • حسرت روضه‌کده
ای مورد بهشت ادای قرب • اتمسونمی دیده دامان گلشن
الوداع • سرمسارم یا رسول الله وداع ایلدن سنک • بویله
الطاف شیلیم تقدیر رحمان الوداع • کشتی جسم نزارم موج
طوفان قدر • اتمک استر ساحل هجرانده ویران الوداع • هر
دو شدم استانه دولتکدن صورتا • لیک معنیده مجاور در دل
و جان الوداع • یا رسول الله نگاه شفقتکر هر حالده
ایله تابی ضریح اوزره نگهبان الوداع • سر لحظه لحظه جانب
مضجع مقدسه‌لری حد نظر حیرت ایدرک داغ غم و قامت
خم ایله خارج دریچه حرمه وضع قدم • نظم • فغان که باز
وداع است و گریه‌ها دارم • اگر چه میروم اما سر وفا دارم
چه گونه پای ز سنگ ملامتم باید • که تند میروم و روی در
قفا دارم • سر اول حیچ و درد آگینده خیمه خشک اجزای
اعضایه اصابت ایدن سوزش فراقی بیانی خارج قدرت
قلم تر زبان در • بیت • نکه گلچین حسرت دامنم پر خار محنتدر
گل ای بلبل بنجه ناله ایتسم روز فرقتدر • سر • بو حالت پر ملالت
ایله غبار کوچه مدینه منوره‌یی سیراب سیلاب اشک خونبار
ایدرک دامن صحرا گرفته انجه سودا اقلندی • نظم • میرفتم
و خون دل مرا هم میریخت • خونابه شرار را هم میریخت
میرفتم و از حسرت آن گلشن کوی • صحرا صحرا گل از نگاهم میریخت

گاه

گاه خیام خیال حرمین آرایش صحرای جنان وگاه مذاکرۀ
اوصاف بقاعیء ریاض ملکوت زبانه اوله روح راه
شحه تحریک عنان مراجعت قلندری مست دم وصال حج
نشئۀ شراب کبی قالور کوزلکده آدملر خیال خواب کبی
ادارۀ سبحۀ ایام ولیال ایله بیرکون خطۀ شام منزلگه
مرام اولیجق او محلده رشتۀ نظام حجاج رهین افتراق
اولمق اعتقادینه بناء هرکس دستمایۀ حصول مرام
ایله وطن مألوفنه توجیه روی عزم ایتملکین حضرت سلطان
احدیت جل شانه بو عبد ناتوانی دخی بدرقۀ توفیق
ایدوب قافلۀ امن و آسایش ایله بینه بیرکون آستانۀ
علیه جه البسط و ساحه استراحت میسر ایلیه امین
نظم جناب حقه هزاران هزار حمد وثنا • که ایلدی
لطفله بو عبد کمترین احیا • نه استدم نصیب ایلدی
راه بیتنده نه حاجتم وار ایسه ایلدی کرمله روا • علی الخصوص
که بو شهد نوا مدتنک • بکر حسن لطف و پیر رجا نشئۀ
صهبا • ادای دلکش و تعبیر عشق آمیزی • اولور محرک
طبع اهالی ذات • عجبمی جامۀ قد قبول اولورسه بودر • متاع
تازه ظهور قلم و معنا • بو نیکه خامه زنا بیه راه حقه ندر
که اولدی بو ایله عروس لطیفه چهره گشا • دیدم تمامنه تاریخ
بو نسخه نک تاریخی • بو تحفۀ محترمینم قبول ایده مولی

~~۱۱۶۳~~ ۱۰۸۳ عدد تحریرا ۱۱۶۶

[illegible]

74

حمک

نقل حکایهٔ مجذوب مست کلخنیٔ الجوارد

داوی اسجیده زبان قلم — راه بیله قودی بو یله قدم
ایلدی بر ذات شریف سوخدا — چونکه حلب شهرنه فرمانده دا
ذاتی دلی داته کریم الصفات — مهر نوازش فلک التفات
یعنی وزیر ایله وزیر دلیر — اصف دانا دل روشن ضمیر
ایله سلحدار وزیر کریم — عارف و صاحب دل و طبع سلیم
اولمغیله ابراهیم انکا نام کام
اولدی او شهره برکات دوام
ایتدی او خلق حسن دولتیله — خطهٔ شهبا بیله بهشت بربا
بر کیجه اول آصف و عالی نسب — ایلدی بر انجمن منتجب

سابق و لاحق ایکی منلا ایدی — الکمسیده فاضل و دانا ایدی
بزمی ایدوب ایکسنک ذاتی زنیز — اولمشدی مسجد ذو القبلتین
بری منظوم نویس مقال — ثانی صاحب دل و رنگین خصال
بری دخی نائب شهری نژاد — طبع ایدردی سخنی انتقاد
بیر ایده کاتب بیجان ایدی — عارف ایدی رند سخنده ایدی
فضل معارفده ایدی بحث فنی — جمله ایله اولمشدی انجمن
هر نه که زیب لب تقریر ایدی — در حدیث و در تفسیر ایدی
بر حسب حکم بحر الکلام — موقفه منعطف وکر زمام
عرصه صحبتده بکیت زبان — وادی عرفانه جو دیردی عنان
دور ایده‌رک نسخه رنگین مدار — ایتدی عطایی اثرنده قرار
لذت صحبت بولیجق ابتدا — خمسه سنک لذتی اولدی دوا
کنج کتابی اره سنده مکر — وار ایدی بر نسخه پاکیزه تر
امر ایدوب احضارینه اول همام — کلدی دم احدی تلقا ایکن
صفحه‌ده اولیسنه ایردی دقت — حقدی یهما وقوعه مجذوب
کلمکده اولدی قویه سحر و کار — ناظم تألیف عطایی به راست
ایکسنه بر دم ایدوب اعتقاد — امید بیلر خیر دعا ایله یاد
بنده دخی اولمغله سابقا — بو بلیجه وقوعه عبرت نما
بیر سخن بنده ایدوب دعا — ایلیجک رشته کذار زبان
خوف ایدوب اول اصف عالی مقام — دیدی تو له ایده کز التزام

اڭا بو محبوبهٔ شیرین مآل		جاذبهٔ منظومهٔ غنج و دلال
ایلرایدم اڭا عرض عذار		حاشیهٔ خمسه یه زیب کنار
خمسه یه ویردی بو رنکین کهر		خاتم الماسه قدر زیب و فر
بنده ایدوب دست قبوله بهر		خامهٔ ایشم کوزه دجیله تر

قصه کدا از قلم خوش ادا
ایلدی بو شیوه ایله ابتدا

غزنه ده محمود شه کامکار		اولمش ایکن پادشه نامدار
دار ایدی بر بنده اکه بر ندیم		نامی سنایی و فراغی حکیم
اولمش ایدی جامع فنون الحکم		حکمت طبعنده ارسطو زبون
عمرن ایدوب صرف حصول علوم		اولمش ایدی خواجهٔ علم رسوم
بر نفس اتمزدی ایرشاه کار		اول لیغه کرمسه خواب حضور
صبح نماز نه دکلوب صحبته		نیم شبان وار ایدی راحته
عادتی اولدی بو که وقت سحر		اتمش ایکن داعیهٔ عزم در
اسب بینه شو قلعه اوکوز سوار		شاه سرا بنه ایدر کن گذار
بیند کی اولد ایه راهوار		ایلکو بر گلخنه اوکنده قرار
چون کلشم اسب زخم رکاب		ایلدی هر چند که بر خون ناب
اولمدی مطلوع جنبشه یه بر		اولدی تو تو نلکده اصلمز قدیه
خادمی ایتدیسه نه دکلو عمل		اولدی امکان عبور محل
عاجز اولوب عاقبت اندی سریع		تاکه ندر اصل توقف کوره

گوردیکه

گوردیکه گلخن بر عزا نودیکر — چار ستونی قصرینه اولمش درک

استر ایچون قلبنی دلوکر عجز — کندی دفنی اوکه ایسر زمین

عینی ایله اولکه ذاتی ننده درخت — اولکه حوبای کندران جاکه سخت

دستخوش حیرت ایکن ناگهان — چشمنه اولندی در گلخن عیان

گوردیکه بر گلخن چو دوزخ پر تاب — چرخ اثیر آکه نظر چوی آب

لانه بر تاب سمندر صفات — همسر آتشکده سومنات

بوی به وتو چمسر کیمی دود — ایلمش اطرافی جهنم نمود

لیک بر آتش دم عیسی نظر — گوشه سنک بیرنی اتمش مقر

مست خراباتی نا هوشیار — نامی انک گلخنی لایخوار

دائره عقلدن اولمشدی کم — آکه غدا اولمش ایدی لای خم

خم دینه اینر گلیجک حملات — آکه ویررردی بیرابی زکات

روز وشب اول مست ملامتنگر — اتمش ایدی گلخنی آتشکده

گلخنه قنده یاقنور نقل و جام — کهنه سفال ایله چکردی مدام

اولدی سنا به گوریجک ذکر دلار — کندی یره اتش کبی آشفته حال

گوردی هما اولش عالیجناب — ایلدی گلخنیه بو بیله خطاب

رغمنه محمودنک ای خوش خصال — طولدره نوش ایلیه لم بر سفال

دیدی اکا گلخنی ای نابهوش — خوش قنی گورلا بنی چک اول خموش

عاشق و غازی الهنه بیدار — بو ده بیر کیک نقطه دکلدر محل

خنده ایله دیدی او سرمست نیاز — اکلدیغک کبی دکلدر بو راز

داور اول در کاولدی بغیره زبون / اولدیه آنکوچه دنیای دون

ایمز ایدی عقلی اولیدی اگر / بار چیان دغوغه سعدن گذر

دیدیکی گتور بر دخی اول مردکار / زخمنه بابنه سنایه بنک

دیدی بنه کلخنی اول خوش نهاد / عالم و فاضلدر اول صاحب سداد

آکه نه لایق بو مقوله ادا / ایمه بویله سخنه اجترا

دیدی بنه خنده ایله اول فقیر / عالم و فاضلمیدر اول ناخبیر

کلدیه دنیا ایچون اول بینوا / کندی کیبی بیمده ایشا

اولمیجق اذن خداوندگار / عاجز و مخلوقک الینده نه وار

اتمیجک صاحب سایه مدد / سایه نه قادر که ایده نیک و بد

دیدی یکه وارکنده صبور بیکذاف / فضلنه ایمزمی اوجه اعتراف

دیدی یکه قنده بوله یم سن انی / اولکه کورمز ایسه دامنی

دیدی یکه وار آره دکلدر بعید / کلخنی اوکنده طورر اول نا امید

یاینه واروب چقدغی دم کلخنه / کوردی سنایی فسرده تنه

بر دخی سنایی اولوب چاک چاک / پایه گرفتار و تنی پر زنک

تا که او سلطان رفیع الجناب / کلدی ایچرو دکر حوا ایتدی خطاب

تا که اولوب بسته قید فتوح / کلدی حضوره قودی خاکه جبینی

ایدیسو اول تقی فیض اتفاق / صوندی بهادن دسته جام صفا

الهی سنایی چو که اتدی کر / قطره ایکن بحر اولدی ایندی او

یکسر اولوب خلع لباس صفات / اولدی غریق یم انوار ذات

رسم زمانیه اولوب هب — بولدیلر او بیچاره بقاده فنا

مرد خراباتدن الدی نظر — ایلدیلر نه طاق سپهری گذر

اولکه مناره‌ده شکل نقاب — فرقه‌ء نور کرم آفتاب

اوردی مس نقشنه بر کیمیا — ایتدی زرین سکه‌ء شاهه سزا

اولکه جو جهبودی ایله آشنا — قالمدی مجموعه ضمیرنده جا

کندی اولوب اصل جاه عظیم — ایلدیکی احیا نجه‌سی اول حکیم

چون سخنی ایتدیکی نوگوی — زیور تسبیح در مثنوی

نامی حدیقه اولدی بهار کتاب — نیجه‌لر اندن اولور فتح باب

اولدیغی عزیز اثر پاکیدر — ما حصل فرع ادراکیدر

بویله‌در اشته نظر کاملان — غوره‌یی انکور ایدر در زمان

فیضی ایدر رستانی غنچه بحر — قطره‌ء کمیابه یه در عدن

نقصی ایدر نایل اوج کمال — هر که یه جرعه‌که بر حوض زلال

حق عمل و صورته ایتمز نظر — منظر حق در دل روشنکهر

اکثر اولور رود آتشین کار — اولدیغی خراباتی اشغده حال

ایته نظر ظاهر افعالنه — ایده نکه باطن احوالنه

قشره قویو مغز جوره سرکار — سیرته در صورته یوق اعتبار

ایچه زنهار لب طعن باز — انارکه انکلرده ایت احتراز

آنکه گر گدر دل روشن روان
جبه و دستارله اولمز مهان

بعد وجود حضرت نبینه بیه

مشتعل از ظلمت کنج دهن | نور تجلی جمال سخن ده
ای ار شوریده جهانده نه دار | سوزکبی سندی قلمه جوی یادگار
اولکه سرمایهٔ شکر تلف | سوزله بخشش شعرای سلف
صاحبنه التایدر سوز حق | سویلینه اتمه نظر سوزه لق
اصمه قولوهار سوزه سوزدر که | سوزی ویرندالا اصلوکر
سوزکه دیره تازه‌کداتش طا | بوله سماعیله دوی انبساط
تحفهٔ مضمونی اوله دلفریب | ضرب مثل ایده زبان ادیب
دیر مدی کوش دل وجانه هنوز | نکته بجا سوزکبی بیرد سوز
اولمیه زیب جهان کوش جهان | ایده حکایات غریبه بیان
ایندی اثر بر سوزله بی مرا | مهلکه‌دن جوق کشه بولدی رها
اولکه بو دعوایه بو قصه کواه | زوجه فیروزه سوز اولدی شاه
وار ایدی بر پادشه جم حشم | عدل ایله دلشدی جهانده علم
دائرهٔ دولتی معمور ایدی | عفت وعصمت ایله مشهور ایدی
یبر لو بر بنده ایدی همچو غلام شان | امرنه رام ایدی قمو مهتران
کندی سرابرده‌ده باغ وناز | دولت ایشنده ده کلکار ساز
خلق جهان کنده وبی بلمشدی شاه | درکه دولتنی اعالی کاه
کندی عطا بخش مراد ایدی | خاکدری قبلهٔ حاجات ایدی
بنده‌سی جوق لیک دکل معتبر | حاله ایله ایدی قولده نظر

المنشر

الملتزایدی حاکی ایله بر غلام   حسنله آراسته فیروز نام
کلشن حسننده نظر جلوه کر   عارضی خورشیدنه حیرانبنظر
کوستریجک رویینی اول ماه حقّا   داشه‌دی سمانک دلینه آفتاب
جهقمه بازاره نوله اول پری   الدی آکا شمس و قمر مشتری
روحلی سوز بولمده مثلی عدیم   دیر اشیده‌نی سوزینی هنر ادکم
ذهن وذکاسوبکه اول بینظیر   کوزلهاشی رندزاد لور روی خبیر
شاهه کمهی نازدکمهدیه شایانه   حاصلی مانندهٔ محمود و ایاز
کرکشن اهدشد لبیل دنهار   نجه‌لی بور رسم اوزره ویر تمار
خط آب بروکیدرآ ولدیچه عار   کوزلرمرچشا اوراده شاهکنه ماویدر
بوبله خطا آورکوریجک کیندریا   آه ایده‌رک بولدی ملاحت بوزی
کوزن بکوانثار ملاحت کیدر   حسنی زمیننده جمله بنر
اولوزمیز شوبله که پرواز تیا   شاه حسن کجدکی بیرلر خراب
شاهیحی عارض یاره یقر   باغی بکاحضینه دکنلر نثار
اولکه خطا لبی طبقی رونما   کاسه دورکلنه ایه‌رمی بها
ماه ایکن اول حروکیسوان اولور   کلبی ایکن خار مغیلانی کور
اینده‌ری فلک حسننی بر جمره   نکمیه دهر ایجره فراقی جره
زنبقی بردست خوشه ایکن واله   ادغرمی اولور مردرکلیه
شاهه کلور حاصلی انده فراغ   آکه صیقل صالدی آرایش چراغ
باشنی کوزی خیره نه ازدایدر   باشی وکوزاد کوجو شهادیدر

دوشدی باشنه قیدینه بالاقتضا — یعنی تأهل ایده اول بینوا

دولت شاهیده اولدی خوش صفا — خانه صاتون الدی سرایه قلیچ

چون ارادی گزدی نشیب و فراز — ایلدی بر بکری حباله طراز

باکره اما گل باغ نعیم — زلفنه چوقمدی الا نسیم

شوخ گلندام و صنوبر خرام — گلبن نورسته و گلرخ بنام

گاهی که رفتاره میدان ویرر — سرو صالنمغی اولو گوسترر

ایلسه داماننی تحریک باد — آتش سودایه ایدر ازدیاد

فرط لطافتدن ادیور دری ادم — بر زهره سوزن نور نگاه

صاچنی چوزدکجه دوشر دو غرسی — آهوی چین اوزره کوکب بورسی

صاچنه بر خاره قوسه یا گلاب — سالک تقوایه دوشر پیچ و تاب

هر کورنی ایلدی آشفته حال — قامت بالا ایله اول یال و بال

گرچه که فیروز دوشوب دولتنه — باتدی بو نیچه بکیدن دولتنه

عفت و عصمتله سرافراز ایدی — شوهری فیروز ایله دمساز ایدی

هر بیرینک نطقی بلاغت اساس — بر بیره گلدی ایکی نکته شناس

ایلر ایدی بر بیره بیری خطاب — اول بیری گوزله ویرر آنکه جواب

روز پنجشنبه و شب شنبه — گچدی بو حال اوزره بر ایکی سنه

چرخ جفا پیشهیه گلدی گوربنه — قوری بو عیش و دمی هر بیرینه

دست فلک بوزدی او ذوق و بو ذوق — نته گرک پارسی فکر ایده ذوق

بر سحر اول شاه بنام احتشام — ایلدی بر قصر فیض مقام

فقر

قصر خورنقله ایدر اکثری | کسر مکسر دعوی بالاتری
کسب هوا ایده رک انده او شاه | ایلدی هر جانبه بهره نگاه
انده نمایان ایدی چون هر محل | کلدی خوش اولدی کوزینه کهل
چاره نه در اوله چون اوش کرک | کوستره جک آینه بولدی فلک
کورمه یه چشم فلک آنسه نظر | سیر منازلده بو کونه قمر
کوردوکی دم عاشق اولوب شاه اکا | اولدی چشم دوخته اندن بکا
ایلدی آسوده دماغنده جوش | ذره قدر قالمدی ادراک هوش
کیمه یه کوستره دی اندن نشان | کلدی اولنجه نظرندن نهان
کلدی همه عقلی بر ز باشنه | دیدی نه اکتله قرار اولشنه
شوکوردیکن خانه عجب خوبدر | صاحبی کیمدر کیمه منسوبدر
چاره یه واقف دکل ایدی همان | مالکی فیروز ایدیکی درمیان
الدی خبر اولدی شهه آشکار | قتلنه بر دوجه قصد ایدر اول نکار
اولدی قصد سازه حضور وصل | ایلدی تسخیری الچون چون خیال
ایلدی چون خدمته خاطر بدار | ایتدی بو تدبیری کوکلده قرار
رسم قدیم اوزره اولدی اکا ایدوب | جمله یی جمع ایلدی فرمان ایدوب
کارکذارانه دیدی تک بتک | شمدی فلان خانه مقرر کرک
کوردی مناسب انی هب مهر ایله | حکم ایله منشوری یازلدی عیان
نامه یی بر موجب فرمان شاه | ایلدیلر زیب حریم نکاه
دیدیلر فیروزه بو روزکار | اولدی بو خدمت ایله بهره دار

اکه ویرکل نامه‌یی اولشوردا — تا که خسرو رشته اوله تیز زمام
نامه‌یی فیروز الوب چون تمام — اوچدی اول خاتون جانبنه شادکام
بر ایکی کون بهر تشنیع اکلدی شاه — تا اوله خالی وثاقی شاهراه
بر کون اول لورکشده انتظارده — عالمی خالی بولوب اغیاردن
یوله کیروب ایلدی با پیچ وتاب — خانهٔ فیروزه ایدر دق باب
زوجینه ظن ایلدی اول نیکنام — قاپویی اچدیکه دلدار شوخ کام
کوردی بهانه ایچرو کیردی شاه — دیدی یکه واه عصمتم اولدی تباه
ای شه عالم نه کلشدر بو کلش — شاه جهان اولانه هوشمز بو ایش
هرزه به شایسته شاهه دکل — جاده روای چه کنعان دکل
نقض اوبوب ایله قصد حرام — اولکه جهان خلقنه رسوای عام
شاه دیدکی سوزی چو تشنیع کار — تا بو قدر سرزنش ایتمک نه وار
اوله قضا بیله کوکل مبتلا — همسر اولور خلقه شاه وکدا
دیدی اکا کلرنچه ایاتاج ور — شاه وکدا هیچ نه فیه نظر
شاهلرکه کوکلی همارتجه بلر — نیچه اولور همسر زاغ رذیل
جیفه یمک زاغه اولور عادتی — شاهلر اسیر خلقتیده خلقتی
اوله جه لذتده ممتد حیات — ایتمیه کلب اوتغذا التفات
کوردیکه شاه اوزادی تو بیل قرار — قومنه یوق چاره دکلکه وصال
دیدیکه سن حور جنانده نمسر — بوخجه جریانه ایچره دکوزلرسن سحر
کلرخه بر کونه ستملی ایدر — کرد کرنقا بودن اوچیقوب کیدر

دیت

دست تهی ناله ایله گوز طولی — اوپدی اشیکی ویلادی یولی

نادم اولوب نفسنه لوم ایتدی عجب — صوبه کیندی بکلدی قپوسنده شب

گرچه بو هجتله ده قیصل دیرر — هکنه فلک که زینه اومیدک گوستر

خدمتی فیروزه ایده‌نجه ادا — منزلنه طوغری کلوب از قضا

حسرت کلی فرح ایله طورمز یورر — چقدغنی شاهک اوزاقدن گورر

گوردکی دم عزم بیابان ایدر — شاهدن اول کندوی پنهان ایدر

شاه سرابنده ایده‌نجه قرار — کلدی حرمگاهنه با آه و زار

بوزغون ایدی یاتدی بر زاویه‌ک — واقعه سر بوشنی اچمز قودن

کلدیکی دم یاتدی چو اکلندکا — بوکلنی کلرخه خوش کلمدی

یاپدی قضا بویله بر ایش نیلیون — بو ایشی فیروزه‌نجه سویلیون

آکه نه دعوی ایله کلسون نفیح — کندو گوزیله گوران انی ایلیج

اویانوب اوتورکی اول اشفته حال — ظاهر ایدی ولده کی حزن و ملال

گوردیکه کلرخه ایدر آه و زار — اولمده نرکسلری شبنم نثار

دیدیکه ندر گریه و زاره سبب — بن بو غملرکه نه اولدی عجب

تا که بر پریشان گورینور سنبلک — بو غنچه خزان دیده‌سی اولدی کلک

سن نه قدر سر کبی اتسک نهان — صفحهٔ رویک انی ایدر بیان

ویردی بو سوزلر خه خیلی الم — دیدی کل اولدر بنم اتمه ستم

گورمش ایدی یوزمی مهر و ماه — ساکه کلوب عصمتم اولدی تباه

حسرت ایلمیه نفر و ست نسیم — شاه که انلکش جلوه باتیدی دیم

سن دیمککدن الور رخصه — حسنی وصف ایلدر خنجر مگر

دیبرد اریه واسطه اوکه رضا — دستمه طوقندی وار صورا کا

سوزن انک عصمتی قت قت زیاده — بر سوز ایله ایلدی ترک مراد

دفعه کا پیشر اولور درمیان — عصمتینی ایلدی کلرخ بیان

سوز اوزادی کوردیکه بی اشتباه — ایلدی فیروزه توجه گناه

دیدی ای امثلی بولنماز کوزل — عصمتکی ایلدی عالمده مثل

سویلدکم سوزلره کن نه عار — بن سکا طعن ایتدیکم دخی وار

چونکه تجسس ایله سنی کوردی شاه — سانکه کوکلی ویردی بی اشتباه

بو بیله بر شی نایه فلک بنده یم — دفعنه تدبیره شروع ایدرم

وار بر ایکی کون بدرکده اوتور — بر نیچه کلک ایسک انده کوتور

تا دیه کی شبه بو اهل نفاق — کلرخه فیروزه یه بدر طلاق

شاه اکر اتمزایسه صلح مراد — علیشمز اولکی ایدر اونی زیاد

تا کیده آیینه دلدن شک غبار — بویله بو تدبیره ویردیلر قرار

الدی انیسی واریسه کوه و جاه — ایشیدی بدر ضمیرینی جلوه گاه

ایلدی مصره بیر بزندن فرار — نجده بو حال اوزره بر نیچه روزکار

صوری ده مصرده بولده فیروزه عجب — شاه نجده ایدر ایدی روز و شب

قانی چوق اغزار ایدی خبر و شر — صحیح بر بدنه ایلمدی خبر

گرچه که کلرخ بدر ایتدیر ایدی — حیله امثالی که تدبیر ایدی

یازدی شکایت ایدرک عرضحال — ایلدی فیروزه بر اهل ضلال

خصمی

خصمنی احضار ایدوب اول آن انده   کوردیکه دعواسنه جواب انده

قاضی و سایر علماسنی شاه   حاضر ایدوب کندی دخی درکاه

کلدی اوچ انده صغیر و کبیر   باشلدی دعواسنی تقریر ایده

دیدیکه بر باغچه‌م وار دلکشا   دیکمش ایدم کندی الم‌له تنها

کللری رشک آور باغ نعیم   سنبلی زیور ده دست نسیم

لذت شفتالوسی قند نبات   تحفه شرنجی ایله آب حیات

تازه نهالنده بو غنچه‌لری قصور   حسرت باداملری ایدی چشم حور

میوه‌سنک هر بری تازه تر   بوغ ایدی ایواسنه قوینده اثر

حاصلی بر جنت ایدی نو رسید   ایلدی فیروز آنی بند جدید

بوزدی سنی خراب ایلدی کللر ارنی   یولدی ایدی میوه اشجارنی

ایلکی اول باغچه بو بوزدن زیان   اینه کیتی اثمدی باد خزان

باغ بو منیدر حاکم کتاب مبین   اوستمه زور ایله بر اقدی هیچی

جمله به معلوم اولنجه حال   ایلدی فیروزه توجه سؤال

دیدیکه صادق بونه کم سویلدی   لیک انک عینیه ظهور ایلدی

بر کوزل اکا داراشدم تا که نهان   بر ایسه اندن چقوب ادلدی روان

بیننه کلورکی چوق و ویره احتمال   خوفه دوشوب وار دخی کلدی کلال

شاه بو تقریر ایدی اول قصه‌یی   صورت دعوادن اولوب حصه‌یی

قاضیه دیر سوزکزدله عیان   حکم شریعت نجه در قل بیان

دیدیکه فیروز دستکده بو باغ   دونمکه بر وجهله یوقدر مساغ

معتبر اولمز یوجه بیک عار   موجب رد عیب و کل احتمار
شرعله فیروزه ویرلدی حجة   شاه دخی ایلدی انکا خط
دیدیکه وار باغله حکم الم   باصمز او وادی‌یه اسد بر قدم
ایتدی بو قول اوزره مؤکد عهود   حفظ و حراست ایده‌ز او اینی
حاضر اولان جمله یازلدی گواه   ایلکه فیروزه اوده عزم راه
کلدی خلک اوله‌جغی یر یتدی حاله   منزلنه الدی کتوردی همانه
شوهر و زن نه بر بره مهربان   ذوق و صفا ایلدیلر جاودان

نظم کتوردی بونی نابی هزار
تا که سخندانه قاله یادگار

هر دون ایدر زینت شرک جفا غلط   بدخواهه صدور وفا مطلقا غلط   ٢٤
مقدور ایدوکی جور و جفا ایلمک صحیح   مقدار ذره ایلسه مهر و وفا غلط
اول سکده خاکر احمی اولدر شغیبه پای   بدکاره توقع حسن رضا غلط
مسطور ایکی صحایف افاقه خواجه   دریای جو صده زنشر دست و پا غلط
عشق نسیبه سوخته جه شمع راه سرد   حمام خلوتنده نسیم صبا غلط
اشک نیازه ایلمز اول سرو سر فرو   امید وصل دلبر مشرد رهوا غلط
صهبای رنگ خم ابادوار ایکن   افیون و بنک دغدغه ابتلا
خالسا هد رسب انکا ردا   تأثیر نکاهه درج ایدکه مبا
اهل شکم تلاشخور وقت خوان ایکن   تدبیر دفع عالمه امتلا غلط

ایلر

13

ارخای مراتب محامدهٔ محتلی واصنف مدارج حمد وثنای محتوی حمد
وجامع محیط حضرت مؤلف نسخهٔ تکوین ومبدع اجزای ترکیب مادهٔ طینی
جلّت قدرته جانبنه که نور جبین دین وباعث آفرینش آسمان وزمین
اکمل انبیا واشرف مرسلین علیه الصلوة والسلام حضرتلرینی
بر مقتضای نظرهٔ جبین وما ارسلناک الا رحمة للعالمین کمشدگان
بیابان جاهلیتی وسعده سرای رحمت آباد ایمان واسلامه رهنمای
هدایت ومقالات معجز طراز ضمیرلری فحوای کریمهٔ وما ینطق عن
الهوی اسیران عزائم علت ضلاله ترکیب برء الساعهٔ مداوای نفث
اف فته ایلدی ودائم صلوات زاکیات برطبق حدیث بعثت لاتمم
مکارم الاخلاق اول خواجهٔ درسخانهٔ ارشاد واشرف تسلیمات
طیبات بر مواد سکنهٔ فرمانروای حدیث اوتیت جوامع الکلم
اول شهریار سریر انفراد اولاق ثم مالک صدق بسداد جنابنه که
فیضهٔ ناطقه اعجازلرندن تقطر ایدن رشحات عیم الحیات احادیث
شریفه برطبق ما آن خیر الکلام ما قل ودل مسبوک قوالبهٔ ایجاز
واختصار ایکن بینه مانند گوهر آفتاب عوالم معانیء بیمانی زرنگینه
اتمک خواص رتبه جامعه ها شمیلرندندر وسامعه پیرای
اولی الالباب اولان معتبرات قدسیه وکلمات نبویه لرینک
هر حرفی مانند لبوب متشابه الاسلوب جبر صور شده جلوه ریز
ظهور

ظهور ایلمیه هر بری هزاران اولیا و اخصاء مقاصد مهمهٔ شرعیه یه
واز هار و اثمار مطالب دینیه یه منتهی بر شجرهٔ کبرای حکمت حاصل اولمغه
خصیصهٔ نبوت ملکیهٔ مطلقه لری و حاشیهٔ رسالت عامهٔ احاطیه لری در
صلی الله علی ذاته الامین و علی سائر الانبیاء و المرسلین و علی آله و اصحابه
و ورثته الطیبین و الطاهرین وبعد اهالی فطنت مستقیمه و اصحاب
سلیمه نک شمول ذائقهٔ اطلاعلری در که مشرق ستارهٔ فیروز لمعان
نبویه ده ساطع اولان کوکب حدیث شریف من حفظ علی امتی اربعین
علی امتی اربعین
علی اربعین ج
ار
حدیثا بعثه الله یوم القیمة فقیها عالما مؤدا سنجه اول عطیهٔ عظمی و موهبهٔ
کبرادن نائل حصهٔ مرام اولمق امیدیله اکابر ائمهٔ حدیثدن رحمهم الله
نجه لری جواهر لامعهٔ احادیثدن چهل عدد کهربا بیتا خورشید عیاری نهاده
صندوقهٔ حافظه ایتدیلر جمله دن بیناء جناب جامی کرام مولانا عبد الرحمن جامی
قدس سره حضرتلری دخی اول طریقهٔ صائبه سند اقتدا و خلوص عقیدهٔ ارواح
روحانیدن استفاضهٔ انوار اهتدا ایدوب تسهیلا للحفظ چهل عدد انوار
دلائل موصهنی کنزشتهٔ سلک نعمه و تشویقا للطالبین فزایای گزیده بهار
مانند طوطیان شاخسار قدس قفس جار جوهرهٔ عجمانه ظرف ایلیوب تمکین [illegible]
حیاة بخش لریه بر ر رباعی ایله فارسی لساننه ترجمه [illegible] سور
ادبا ایلا بسر فارسیدن دست ادراکی کوتاه اولنلرک لب امانی بوسه جایه
خرمانه اولمایله بو ریزه خوار سفرهٔ عارف یعنی ناری ناتوان دخی
اول موهبهٔ کبرا و عطیهٔ عظمادن بهره مند حصه سی دست اوله نحتند غیری
سائر حسرت کش نه دخی وسیلهٔ حصول بضاعهٔ رحمت اولمق نیتیله ایله
دستمایهٔ عجز و قصور اقتفای حضرات اول قافلهٔ سعیدهٔ سابقه اثرینه

افتقاره

افتقاره بیقرار اولدی لکن تعمیم فواید و توسیع دائره عوائد قصدیله تبات عجمانه چارخانه رباعیاتی السنۀ حسابه دسیع المفاد ترکیه ایله تبدیل و شوارد معانیسی مطالع لغات شرفیه دن تعبیرات وسطیۀ ترکیه یه نقل و تحویل داعیه سی خاطر کسیر بنده یه سرزده اولمغله عنوان کلمۀ رباعیات خیام صدارت پناهی بلسانه عجمیه بر بنیاد اولنوب ...

گرچه خدمتده کل بیزمانی / شرح آثار سید عالم
لیک بنده مقدم اولمش / نجه اراده حق جهته سازی قلم

لا یؤمن احدکم حتی یحب لاخیه ما یحب لنفسه

دیدی فخر رسل دکل مؤمن / ادنیا تکلم ز زکر صدق وصف
کندی نفسیه کوردکیی لایق / کورمیه تا برادر دینه روا

من اعطی لله ومنع لله واحب لله وابغض لله فقد استکمل ایمانه

اولور او لکسه کامل الایمان / بل امید خوف ورجا
اوله لله جمله حالنده / ایتدیکی حب و بغض منع و عطا

المسلم من سلم المسلمون من لسانه و یده

لکم

85

مسلم اولدر کمسه در حقیقتده　　اتمیوب کسب جرم بیهوده
فعل و قول ویدوب لساندن　　مسلم اوله جمله آسوده

خصلتان لا تجتمعان فی مؤمن البخل وسوء الخلق

طبع مؤمنده اجتماع اتمز　　ایکی خصلت که بت خصلتدر
طبع ایمانه نا موافقدر　　خوی بد بری بخل بیری حسددر

یشیب ابن آدم ویشب فیه خصلتان الحرص وطول الامل

طرفه در طبیعت بنی آدم　　بولد غنچه بنای عمری خلل
کرده حصیله انده تازه لنور　　رشتهٔ عنکبوت طول امل

من لم یشکر الناس لم یشکر الله

جمله نعمت جناب حقدندر　　کرچه کیمک دستی ایله بوله حصول
ایلیه شکر ناسدن اعراض　　شکر حقی ایتمز اداء عدول

من لا یرحم الناس لا یرحمه الله

حکم میزان عدل ربانی　　نه روا ظالمه ایده حرمت
ناسه رحم اتمیه بد آیین　　ایلمز حضرت خدا رحمت

الدنیا ملعون ملعون ما فیها الا ذکر الله تعالی

سر بسر اولدیله یوخ لعنت　　جمله اجزای عالم فانی
یری بر ویرانه ایچره مستثنا　　ذکر الله که ذکر یزدانی

الغنی الیأس عما فی ایدی الناس

بوله من سن غنای طبعه ظفر　　کنج یأس ایلدیکیه ساکه مقر

اوله مرسلک نخل حقیقتده — غیر بویدن اتمز نخبه قطعی نظر

من حسن اسلام المرء ترکه ما لا یعنیه

قوله و فعلده ترکی بیمعنی — حسن اسلامدن اولدی شمار
الکا سعی ایت که قوله فعلک — دینکه اوله زینت رخسار

لیس الشدید بالصرعة انما الشدید الذی یملک نفسه عند الغضب

پهلوان اولدکلو کشتیده — خصمنه غالب و بهادر اوله
پهلوانلغی اودر که وقت غضب — ضبط نفس شدیده قادر اوله

لیس الغنی عن کثرة العرض انما الغنی النفس

مال قلیل ایله مایه دولت — مال بسیار اولاد صنمه غنی
غنی اولمز در حقیقتده — دل و نفسدن که اوله مستغنی

الحزم سوء الظن

معنی حزم احتیاط و حذر — وقت اولنه بدکمانلقدر
اشتباه و تحیرت اوزره — سلک حزمده مهابتقدر

العلم لا یحل منعه

بر نور روی آفتاب کبی — علمک اولماز دریغ و منع جواز
اولکلر تشنکانه سی ای تفکر — اتمه فیض اقامه احتکار

الکلمة صدقة الطیبة

سائلک سرمه ای قصد قائلی — جبهه امیدیکی ایلدکه حصیر
باری ویرانه زار خاطرینی — ایله طیب کلام ایله تعمیر

کثرة الضحک یمیت القلب

کرچه

سرچه امواج جویبار اولور   باعث ارتشاح سبزه و برگ
لیک موج مسلسل چشمه   قلب اولادی غریق لجه مرگ

الجنة تحت اقدام الامهات

نیل گلگشت گلستان بهشت   اب شیاب رضای مادردر
گردن جانده حق تربیه   نعمت جنته برابردر

البلاء موکل بالمنطق

صورت و معنیک نه نغزه   لفظ معنایه بالمجاز قدر
روی آن نه در بلاکش ام   معنیده اکثر تکلید ناطقدر

النظرة سهم مسموم من سهام ابلیس

روی خوبانه نظره ناگاه   ناوک زهرناک شیطاندر
رخ نامحرمه نگاه اتمک   اتش خانمان ایماندر

لا تشبع المؤمن دون جاره

هر کیمک کاوله خوان قلبنده   نان اسلام و نعمت ایمان
نجه لایق که کندی سیر یاتوب   جار همسایه سی کوره شبعان

لعن عبد الدینار لعن عبد الدرهم

خالق دارازی زمینه و سما   رزقک اجک ایدرکن ای مغبون
زر و سیمه پرستش ایلینه   نه روادر که دیمیه ملعون

دم علی الطهارة یوسع علیک الرزق

مؤمنینه دوام طهر ایله در   وسع ارزاقه کسب استحقاق

هر کدر طهر اولدی وابنه   فتح باب خزائن ارزاق

لا يلدغ المؤمن من جحر واحد مرتين

دام مکر بینه دشمه ایله جه   خصم دیرینه تملقات اظهار
کهنه سوراخدن اوماربنه   مؤمن اولماز گزیده دیکربار

العدة دين

ایتدکک وعده‌یه وفا ایله   که وفا احسن خصائلدر
ذمت صدقه دین دروعده   خلف وعد اقبح رذائلدر

المجالس بالامانة

ای اولان محرم مجالس انس   ایتمه نقل سخن که افتدر
حقه در خلقه مجالس پاک   اندکی در راز امانتدر

المستشار مؤتمن

مستشار ایتدکک کمسه اگر   سندن ایارسه راه خیر نهان
سکا نسبت خیانت ایتمش اولور   اولسه خلقتنده اهل امان

السماح رباح

حق بودر کیم صفات علمادر   جود وعفو وسماح ولطف وکرم
نه قدر ادب بوکون محمدی   اولمس روز حشرده خرم

الدين شين الدين

ایتمه اراینی مجازده چون   گردنی همچوک اسیر دیون
روی دینی اولور خراشیده   نجه دینه کم اولوراسه زبون

القناعة

87

القناعة مال لا ينفد

دائمی خوف ایده اولان خرسند | داور فلک اسیر احتیدر
بر قوی کنمز خزینه استرسک | بلکه کنجینهٔ قنا عتدر

الصبحة تمنع الرزق

کسب ارزاق ایچون سحر خیزی | باشقه بر نعمت الصیدر
مانع کسب ده نعمت داریغ | لذت خواب صبحکا عیدر

آفة السماح المن

مرهم اندوه اسما حتکی | زخم منتیله ایتمه آزرده
بار بر خیره امتنانده اولور | بر کلکزار لطف پژمرده

السعید من وعظ بغیره

اودر اهل جهانده سعدا | که اولور کبند و حالنه خرسند
دل آگاه چشم عبرتنه | غیرینک حالی اوله نسخهٔ پند

کفی بالمرء اثماان یحدث بکل ما سمع

آدمه اول کناه کافیدر | که ایده هر نه کوشی ایدرسه بیان
ایده مهمانخانه‌ی کوشی | اشیده نقد خیر و زیان

کفی بالموت واعظا

موت یاد ایده واعظ اسر ایلر | انده کوش فناسز استشمار
هر بری بر لسان موعظه در | حالکوی بیانه سنک مزار

خیر الناس انفعهم للناس

خیر ناسه مراد ایسه چو وقوف / خیر ناسک حدیثن ایت اذعان
خیر اولدر که جمله دن افزون / اوله خلقه جهانه نفعی رسان

ان الله یحب السهل الطلق

خوش ثنالی سورا و بنده کرم / سهل طبع و گشاده خاطر اوله
اولمیه بنده خوی چین بجبین / خنده رو لطف ایله خلقه ناظر اوله

تهادوا تحابوا

ایلک اهداء شدهء اباب / مزرع حبه دانه تخم نی
من درختان که صورد کچه / اوده نوباوه لر ایدر اعطا

اطلبوا الخیر عند حسان الوجوه

خوب رویلردن ایت توقع خیر / نکه دن اشه حاجتک مطلوب
مصدر اولور خیره شاهد در / صورت حسن دار و منظر خوب

زر غبا تزدد حبا

دوستانک میانه سنده اولور / صحبت متصل ملال انگیز
فاصله تازه شوق ایدر ایراث / صحبت غب اولور محبت خیز

طوبی لمن شغله عیبه عن عیوب الناس

دولت انکدر که بزم عالمده / ایلیه کنده و حالت دقت
کنده عیبنه تجسس ایلمه دن / بولمیه غیره بقمغه فرصت

تاریخ اتمام

سال تاریخنه تا عینک / بر سنن ایچون حرکت دایر تخته لیی
هر کاشر طه لکه تله تاب / دیر نکم چهل شرح حدیث نبی

شرح چهل حدیث نبی

بنام خدا بخشنده نا نیر اولمز   بی رهبر حمد سوز جهانگیر اولمز
تسخیر ایده مز قلمرو نحیفی   دستنده انک که بو یله شمشیر اولمز
هر لشکر زیبنده سواد نظم و نثر که دار الملک متخیله دن یه
علم قلمده صحن این پهنای ادراکه اوزره ترتیب صف سطور ایلیه
تسخیر کشور نحیفه فائز اولمز • تا که سرپناه حمد خداوند جهان
آفرین پیرایه سز • و ستایش جناب ناظم مجموعهٔ تکوینه و تشریعت
سپر ایلمیه بیت ای پاک اختر مبرا ز مکان • خالی ز تو نه درون و
بیرون ز جهان • از کنه تو کسی نه نام داند نه نشان • در روی عمامه
دیدهٔ عقل و گمان نثر و هر موکب الفاظ تنگنای منشای قوتدن
فضای فعله نقل رخت ظهور ایلمیه کشایش ملکت پسند و افرینده هو
حائز اولمز • تا که شمشیر جهانگیر نعت سید الکونینی زیب کمر •
دمدحت آل و اصحاب حضرت رسول الثقلینی منزل و مقصود رهبر
ایلمیه قطعه بلبلانه گل ملائکه بلبل محمد عربی • که بر دو شبنم مهر گزیر طبع
مهر قرار • ز بلبلانه زمین و سما بر و حشر باد • نثار بر که صلوة و سلام
لیل و نهار نثر و هر شمشیر سخنی که حلقهٔ جوهرسا سواد مدح پادشاهی
و نقش ثنای شهنشاهی اولمیه نه آویخته همیان اعتبار • و نه صیقل

بذیر روشنکر نظر اولی الابصار اولور. صب خانهٔ دین معین شرع
مبین. حضرت پادشاه روی زمین. وارث مملکت سلیمانی
آب روی کردهٔ عثمانی. نثر دیباجهٔ دیوان سلطنت. روکار رفتاع
شوکت. آفتاب جهان آرای اوج حشمت. ماه منیر هالهٔ عظمت
سطر اول رسالهٔ مکرمت. شاه بیت قصیدهٔ مروت. مفهوم
عبارت جلالت. معنی رنکین منظومهٔ شجاعت. عقده کشای
رشتهٔ مملکت. حاشیه پرواز نسخهٔ معدلت. دریای موجه
دار مرحمت. تهمتن خصم افکن. قهرمان دشمن شکن. پادشاه
عالم آرا. صاحبقران کشورکشا. خاطرنواز علما. ورع آموز صلحا
لذت شناس چاشنی حلم و وقار. دامن چین الاثم عجب و استکبار
زیور تخت و افسر. ناسخ منقبت اسکندر. غیرت شکن دین مبین
اتباع آئین مسلمین. کوهر درج جهانبانی. علم افراز عرصهٔ صاحبقرانی
باعث التیام ثغور اسلام. واسطهٔ انتظام امور انام. آتش
انداز خانمان اهالی بغی و عصیان. سیلاب کذار دودمان شرک و طغیان
سلطان ابن السلطان ابن السلطان ابو الفتح و المغازی حضرت سلطان
محمد خان غازی. پادشاه زمانه ظل خدا. خلد الله ملکه ابدا
آستانه پناه مظلومان. درکهی بوسه کاه امن جهان. اولمش دولتی خدای
شکور. خدمتی آستانه مأمور تیغی بر جویبار خوندیدر. کم عمری
عدو در دنیدر. انمش اول جویبار حضرت باری باغ عمر عدوسنه

جاری

جانی ایلمش خصمهٔ خدای جلیل • تیغ قهرینی وکیل عزرائیل
کردن خصمه ایمده تحریر • خامهٔ قهر صورت زنجیر • نه زمان اتسه
آرزوی غزا • ایده مز فرق دیدهٔ بینا • کوکده اختر مینا بار همیدر
سر اعدا سنک ره همیدر • هر اشنده خدا ظهیر اوله • هر امورنده
دستکیری اوله • اوله دائم عدوی قبالی • پایمال همتنده اجلالی
نثر مدحت صدر اعظم احمد پاشا بتخصیص حالیا پیرایهٔ
صحیفهٔ ظهور اوله جق وقایع فتحیه حسن تدبیری واسطهٔ
نسخ اولان اصف عالمگیر لوای ثنای ذات عالم آراسی
فریضهٔ السنهٔ انام و دعای بقای وجود جهان پیراسی لازمهٔ
گردن اهل اسلامدر بیت تمام جوهر دانش تمام تیغ عقل
تمام برق فضائل تمام نور کمال نثر نسق گستر کارگاه دولت
نظام آور مجموعهٔ مملکت • معمار بلند عیار ارکان اجلالت
هیکل بازوی تخت و سعادت • بالانشین حلقهٔ وزارت • کوهر
گرانمایهٔ بازوی صدارت • مؤسس مبانی نصفت و معدلت
مشید ارکان رأفت و مرحمت • نگهبان لازمهٔ ناموس سلطنت
نگهدار امانت عرض خلافت • جامع قوای دولت غیرت • و سخاوت
و شجاعت • مالک گنجینهٔ جواهر علم و فضیلت • نیر اعظم
آسمان دانش و اهلیت • مشعل منیر طریق مکرمت • رائض
عرصهٔ فصاحت • حائز قصب السبق میدان بلاغت

معین دولت علیا • امین تمکین وکالت کبری • وزیر جهانگیر آرا
آصف ممالک‌گشا • استاد صاحب فنون جنگ و وغا • و قاید
شمع منیر محفل تدبیر • موشکاف دقایق فتح و تسخیر قطعه غایة فضلا
معمور وزیر منصور • که او را که مشهور شیر یکتا • صاحب تیغ
و قلم مخیر فن کرم • واقف نص حکم اعلم جمع وزرا نثر صدر
عالی آصف صاحب مکارم و معالی وزیر اعظم بن وزیر
اعظم حضرت احمد پاشا معروف گوهر زاده که توصیف ضمیر
روشن • و تعریف خلق حسنش اگر چون صحیفهٔ بیان او ذره
تحریک خامهٔ گوهرفشان ایدن ارباب طبع و عرفانک اناملی
مانندهٔ هلال منور • و خامه‌سی ویرانه مسک و عنبرا ولوب
نثر خدا اصد ساده ده وجودن برقرار ایتسون • بهی آسا
بنای عز و جاهن استوار ایتسون مدحت مصاحب صفا
پاشا هذا ابو اول صاحب کرم وزیر مکرم محترم
غنچهٔ نوگشور باغ ارشرم و حیا • اختر ضیادار فلک جود و سخا
نسخهٔ جامع مکارم • و منبع زلال خوشگوار مراحم تیغ سر
تیز سخاوت • گوهر گرانقدر بازوی مروت • صراف دقیقه‌شناس
چارسوی معرفت • فارس جابکسوار عرصهٔ دانش و اهلیت
پیرایهٔ رخسارهٔ زمان شمع بزم فروز بزم جهان • راست
گوی راست مقال • زیور کارگاه اقبال • نعمت طبع و صفا دل

وزیر

وزیر آیینه ضمیر بی معادل **قطعه** ندیم پاک نهاد دولت و بخت
شهنشه عالم چراغ خاص فروزان سایهٔ مولی • کلک گنج
جبین نهاد دولت و بخت • مه تمام صبای سپهر جود و عطا
نثر پرورده سلطانی • محرم مجلس جهانبانی • وزیر ثانی مصاحب
شهریاری **مصطفی** پاشا حضرتلری پوست نشین مجلس اصحاب
صحبت • و دودمان کاربانان منبع معرفت • بزم آرای خاطر • دبیر
ماثر **بیت** اهل طبعک ضعیف و بیناسی • بندهٔ کمینه یوسف نابی
نثر شرف یافتهٔ خدمت کتابتلری اولمغله حضرت شهریار غزا
گذار مملکت نگار • بدرقهٔ توفیق ایله آستانهٔ سلطنتدن
دفع اله داره توجه و عزیمت بیورب سر شمشیر جهانگیرلری ایله
صحیفهٔ ایامه ثبت ایتدکلری آثار جلیله • و فتوحات جمیلهلری
گوشوارهٔ سامعهٔ روزگار • و بر آیندگان بزمگاه امکانه
یادگار اولمغیچون • جلوه گر لوحهٔ بیان اتمک بابنده وزیر
مشارالیه حضرتلرندن مشاهدهٔ جنبش ابروی فرمان اتمکله
بحسب المقدور بضاعهٔ فقیرانه • و همت عاجزانه ایله نگاشتهٔ
جریدهٔ اعتذار اتمکه جسارت ایدوب حوالهٔ نگاه التفات ایدن
افاضل مکارم سماتدن واقع اولان سهو و خطاسنه شداید
سفریهدن محصول تفرقهٔ خاطره محمول • و درجهٔ العذر مقبوله
موصول بیورلری رجامولدر **مصراع** میانه حمقده رسم عیب پوشی حیث

درین زمانه علاجی به از خموشی نیست • ز خاکپای سگان کمترم خدا
داناست • که در جبلت ما رسم خودفروشی نیست آغاز وقایع
فتحیه مشاطهٔ تردست خامهٔ گوهرافشان بو وجهله تزیین
بیان ایلر که بازوی دهر شاهباز بلند پروازی یعنی حضرت
محمد غازی بیک سلطانک ایکی سنه سنده آشیانهٔ تختگاه ادرنه ده
عکس اوج طوب پرواز نگاه معدلتنه بال جنبان مخاصمت اولمق
داعیه سنده اولان اعادی زاغ سرشته حوالهٔ چنگال
جگرشکاف قهر انتقام ایتمکیچون بهر سو دیده گشای تجسس ایکن مقدما
نه قرالنه اتباعی اوزره اولان طائفهٔ کفرهٔ قزاق بد
نهاددن صارقمش دیمکله معروف قزاق فرقه سی خطه‌لی اولان
دوره شنقو نام خطمانی قرال بر حالک لکدخوردهٔ پای نازکاری و المغله
گوشهٔ دامن دولت علیه یه تعلیق ایتمکدن غیری چاره وجودنه چیز
وسیلهٔ نجات بولمیوب دادخواهانه سایهٔ رواق آستانه قوللغه
جان انداخته اولدوغنده رباعی بازآ هر آنچه هستی بازآ
گر کافر و گبر و بت پرستی بازآ • این درگه ما درگه نومیدی
نیست • صد بار اگر توبه شکستی بازآ نثر مقالی اوزره
غلبهٔ مروت شهریاری اول سرگشتهٔ بادیهٔ ضلالتک
صورت التجاسنه پرورش آویز ردوخمانه اولمغین شایان
دولت • و سزاوار ناموس سلطنت گورمیوب قاعدهٔ اجداد مکارم

معتاد ال

معتادلری اوزره مظهر احسان ثوپ وعلم آنمکله بر امن کلشن
شادآباد مملکت اسلامیه یه خارجی ار ایمشلر ایدی بنابرین
اولکونلرده عسکر خطا نام الذکر دخی ع اگرچه نیک نیم خاکپای
بیگانم نثر چون قزلباش بدمآل ایله زانوزده مقابله مخاصمت و
مطارحه قرعه مخالفت ایدوب بیت شکرکم بر درکه والایه هو
قلدم انتساب کم اولور خاک درندن بخت ودولتله بهره یاب نثر
چو پی در پی ایدن تکلیف کدازنه بیت سرفرو ایلمم جهان ایتسون
دار بر کینه سنده هرنه که وار نثر چون بالهم تیغ وسنانله رد جواب ایلدکلری
کبی قزلباش کریه الخصالک حدقه سر آسالرینی ادلمغین غیرت
جاهلانه سی مقتضاسی اوزره خطا مرقومک خرمن حضورنه
سابقدن افزون شراره ریز ستم اولمغی التزام ایلدوکی آوازه سی
رسیده سامعه همایون اولدقده بیت کورهمت والاسنی سلطان کلک
بر خاره بله طوقنسه بر درهم اولور نثر مصداقی اوزره غیرت جهان
گیرانه لری بناء قزلباش بدفعاله اذاقه چاشنی شمشیر آتشبار
انتقام اتمکی تصمیم بیوروب مجلس همایونده خصه مقال اولان اعیان
دولته کنارهٔ نشیمن استشاریه یه دعوت ایدوب سواد صحیفهٔ ضمیر
همایونلرین پیش نهاد بیوردقلرنده بالاتفاق امضا نویس
تصویب وتحسین و پای شاهد فکر رزین شهریاری یه کوهر
پاش پسند وآفرین اولوب هنگام حرکت همایون قدوم لشکر بهاره

تعلیق ایلدیلر نظم همه گوش ازان گوهر آراستند • زمین چو گوش دادند و
بر خاستند نثر همای اول کونده اطراف قلمرو معدلت مدارلرنده
اولان وزرا و امرایه مدت صباحیه تشکیل تذکرلر اولن • جمع سیاهه
خبر دکل نامه گوندررلر نثر منطوقی او ذروه نشر فرمان قدر توان اولنوب
طرف طرف مهمه لازمه سفریه ایله اشتغال ایلدیلر مثنوی چو فرمان
بفرمان پذیران رسید • خروشی ز دار و بکیوان رسید • ز هر سو یکی دجله
موج خیز • روان شد سوی آن محیط ستیز نثر فیض مقدم نوروز
سلطانی ایله آسوده کان شتای زیر خاک سرافراخته صحرای ظهور
اولدقلری هنگام شروع انجام گلشن طبع همایونده مضمر اولان
غنچه مقصود نسیم الطاف ظهوره دسترس اولمغین مراسم کریمانه سلاطین
سالفه عثمانیه او ذروه سلطانی ستوده صفات دریچه کان کی خزینه
التفات اولوب ابتدا مسندنشین صدارت کبری • و وزارت عظمی
احمد پاشا حضرتلرینه بر کورک خوشنما • و امتیازا عن الغیر دستنه بر
خلوت مستثنا • و محرم سلطانی • وزیر ثانی مصاحب مصطفی پاشا
حضرتلرینه بر کورک خوشنما • و ایکی دفعه رکاب همایونده قائممقام
صدارت عظمی اولان وزیر ستوده تدبیر مصطفی پاشا حضرتلرینه و
مقدما دفتردار و بعده محافظ مصر اولوب اول ایامده وزیر
قبه نشین اولان ابراهیم پاشا حضرتلرینه • و وزیر روشن ضمیر
و مدبر اموال میری دفتردار ستوده اطوار احمد پاشا حضرتلرینه

وطغرا

وظفر اکثر ادام خاقانی وزیر عطارد نظیر عبد الرحمن پاشا حضرتلرینه
ورتبهٔ سامیهٔ وزارت ایله بکلیجی ضابطی اولان عبد الرحمن
پاشا حضرتلرینه وبر طرفدن امامهٔ سبحهٔ علی شیخ الاسلام یحیی
افندی حضرتلرینه وبلبل ناتوان نغم گلشن حدیث وتفسیر
واعظ خاصهٔ سلطانی شیخ وانی حضرتلرینه وروم ایلی قاضی عسکری
علی افندی یه وموانا طولی قاضی عسکری داماد افندی یه بالجمله بزرکوارلری
کرانقیمت البسه ایله سرافراز اوج اعزاز بیورلدقدنصکره عموما اصحاب
مناصب قلمیه وعلمیه واشباه فرقهٔ سپاه وسلحدار واعیان زمرهٔ
یکتا نشاندن بر خاشکرلری بر رخلعت ایله اکرام بیوردیلر سنهٔ
مزبوره ذی الحجه سنک گلرنگ لیل ونهارینک یکرمی دورت ذراعی
مقراض خیاط روزکار ایله قامت ماه وهفته‌یه چارجه موافق کلدکی
یوم جمعه ده بالاتفاق وزرای جلیل الاعتبار وعلمای فضیلت
مدار درکاه سپهر اقتدار اشتهار شهریاری رخسوهٔ عزیمت
وحلقه بند جمعیت اولوب حافظان ملیح النواء ومجودان صحیح الادا
مجمرهٔ افواهلرندن مشام حضاره نشر نکهت تلاوت سورهٔ فتح ایدوب
خلال ایام ماهچه دست دعا افراختهٔ بارگاه کبریا قلندقدن
صکره باب خزینهٔ شهریاریده اثر صورت فتح نما اولمغین درون دولت
سرای اجلالدن شاهد ظفر پیکر منکلین کلالهٔ تیغ نصرت فروغ دست
تعظیمله آغوش اقبال صدر اعظم تسلیم اولنوب اننده‌کی پای سلم

جوانخانهٔ اجلال ایدکده شکرانهٔ قدوم ظفرلزوم ایچون صد کوسفند تنکنای
بدندن رهیاب خلاص ایکون ایثار نقدر دان انجمن ایلدیلر ۰ اول
کوندن صکره زر خورشید تحته اصراف کردن نیدی دفعه جلوس کر
اولدقده مقدما قریم خانلری سلاطین سالفهٔ عثمانیه طرفندن
واقع اولان سفرلره مأمور اولدقلرنده خزینهٔ عامره دن سالی
معتاد اولان اون بش بیک عدد زرناب مسترشد نفقات افراز و
انتخاب اولنوب اناطولی بکلربکیلکی رتبه‌سیله کتخدای بو آیین شهریاری
احمد اغا ایله ثمرهٔ شجرهٔ جنکیز خانی سلیم کرای خان خط همایون
نوازش مقرون ایله ارسال بیوردیلر ۰ خسرو خاور دخی اورنک
پیروزه رنکده فروغ دفعه عرض جمال ایدنجه دک بو نوع سپاهی
قدرشناس بر چمن کنار کلشن جوانخانهٔ اجلالده ایستاده پای خدمت
اولمغین ۰ بر سحر درکاه سپهر اشتباهدن اول اختر سیار کیوداری
نهر توبخانه قربنده طعنه انداز سبزه زار بهشت اولان چقور چایر نام
فضای دل آرایه نقل ایدوب بارکاه کردون حماسی پادشاه
جهانپناهی ضمیمهٔ هفت اطاق افلاک ایلدیلر
دکرلی لشکرکه ازهار صنوبر طوغی ۰ خیمه‌لر قوردی بینه صحن چمنده
اشجار نه بر ایکی کوندن صکره ارباب حرف ترتیب صفوف
بوالعجب ایدوب لباس عاریت دنیا ایله هر صنفک کدخداسی
رخصتیاب زینت و احتشام اولمغله جمله پیاده لر پیشگاهنده

صف

صف کشیده و خوبان چارسوی ملاحتدن زره پوش آهنین و ترکش بند سیمین
بچه سواران نورسیده ایله نائل دولت استعار اولدیلر • ابدالکان برهنه
بدن • و حلوا فروشان شیرین کار الوان پیرهن حوران اطفالکان مضحکه
گذاران و تقلید هیئت عسکری انمله بینهنده ارسلان صورتین گوسترن
بازار ضیمه گاهه شتابان اولدیلر • اول گون بالذات داور جمشید
جاه جعفر یدی صدر اعظم سراینده رهگذاره نظر اولان قصر والای
شایستهٔ دولت تشریف بیوروب طارم چارمدن خسرو خورشید گبی اول
فرق ذره شماره دیده کش تماشا اولدیلر • اول روز جمعیت افروزک
فرداسنده اول قصر والا بینه نائل پابوس ظل خدا اولوب بکجری
ضابطی عبدالرحمن پاشا زرسلوک ضربخانهٔ دوغا اولان مردان
یکتاشتیه بی انکشت نظر صیرفی شهریار ایدن بکوربه مانند
سیل خروشان خیابان زاره شتابان اولدیلر • اندن ایکی گون صکره
که رکاب سیمین هلال محرم اویخنه میان توسن گردون اولالی طقوز
گون اولوب • و میان سبحهٔ زمردین ایام بهاره اولان نگاه روز
حضردن گردش سر انگشت روزگار ایله شمردانه مروارید یکی روز شنبه
سحرگاهنده آفتاب اوج سلطنت • و در گرانمایهٔ تاج عظمت تحویل
برج و تبدیل درجه آغاز ایدوب دولت سرای فلک فرسای بارگاه ظفر
پناهه خرام ایچون قدم نصرت توأمری ایله نور بخش دیدهٔ رکاب اولدیلر
کریبان درگاهدن دامن بارگاهه دک منتظر وقفهٔ سلام اولان اغوات

ظفر سمات حضره دارکوشهٔ چشم التفات ایده رک قالب بیجانه
بارکاه افاضهٔ حیات شرف نزول بیوردیلر. بیدکی کونامرد ندانه
هکس. مقدما قرال قرین الضلالک آوازهٔ اوضاع ناهمواری
صرصر طوفان تخییز دریای عجز شهریاری اولدقده تکلیف رجوع
و التجایی متضمن کوشمال آمیز ایله ارسال بیوریلان صحیفهٔ
درکاه معلادن احمد چاوش قرال بدحال طرفندن دخی بر فوج
نفر ایلچی مرافقتیله رخسودهٔ موقف عز و اجلال اولان قرال
بدآمال ارسال ایلدوکی نامه یی رسانیدهٔ پیشکاه شوکت
پناه ایلدکده سواد نامهٔ بدانجامی محمر نظر بیورلدقده بنیان
نور نکاهلرینه چهرهٔ معانیسندن پردهٔ الفاظ بر طرف اولدقده
مضمون کلام بی نظامی سر جمله صورت تمنای استعلام و التجا ایکن بینه
ایهام مخاصمت. و تجنیس محلی الفتدن خالی اولمامغین اول
کستاخ تیره ضمیر حوالهٔ شمشیر ایله قهر و تدمیر قلنمق مقتضای
غرض سلطنت عالمکیر اولدیغی قرار دادهٔ آمیز اولوب لکن اتمام
بقیهٔ مهمات ایچون بر نیجه ایام دخی اول فضای دلارا رام آرام
بیوردیلر. بیک بی آرام ایام ایله کیمهٔ چرخ اطلسی نامه رنگ
صفر الخیر بدبیار اولدیغی کتخدای بوابین شهریاری ایله
احمد اغا قرم طرفندن سدرهٔ سمایه رویمال ایدوب
فرمانروای خطهٔ قریم سلیم کرای خان دلخواه شهریاری اوزره

مملکت اعدایه تیزکتاز الحوی جنبش گوشهٔ ابروی فرمانه نگران ایدوکه
مرفوع سریر پای شوکت مصیر ایلدیلر. ماه مزبورک دوردنجی گونی
میرمیران اناطولی علی پاشا بالجمله سنبلهٔ گلشن ازنصرت اولان اناطولی
ایالتی عسکریله کنارهٔ قصر دفرین النهر پاشاده خیمه کندرایدوب احراز
خلعت ایله جای زیر امن اوردوی ظفر مقرون اولدیلر. آلتنجی گونی
میرمیران لواء کانغری مراد پاشا دخی الای کوستروب سنجاغی عسکریله
خاشیهٔ نسخهٔ خیام اولدیلر. یدنجی گونی وزیر قبه نشین ابراهیم
پاشا خدمت محافظهٔ حرم همایون عصمت قرین وایله مکرم اولوب
رخت اقبال یعنی خدام ساحه ضمیر عنبرین جمال زراندوده کمرخنه
اطرافنده نقش تحریر شانلنده صحیفهٔ صحرایه چکیلوب باخصوص سیم آغوش
عصمت. غنچهٔ نوگشود چمنزار سلطنت شهزادهٔ نیکبخت جهان
آرا حضرت سلطان مصطفی ادام الله دا بقاه پیشرو قافلهٔ
حرم همایون اولوب منزل اولان اوقل قریه جوملکده واقع سراچهٔ
مطبوعهٔ شرف نزول ایله مغبوطهٔ سپهر برین ایلدیلر. همای زرین
آشیانهٔ خاوری یعنی خورشید طلعت کداز ضیا گستر درخت بی شاخ
شهر صفرک سکزنجی گونی نهالندن پرداز آغاز ایلدوکی فردا
ادینه ده عنقای بلند پرواز قبهٔ اجلال یعنی خدیو کشورستان
کریم الخصال ادام جلاده تحریک استعجال ایدوب بالجمله عسکر
نصرت اشتمال ایله مثنوی بدلهای سنگین درآهن همه. خفتا بنده

درخون دشمن حمله بجنبیدان سپاه گران • بجنبید کینه گران

تا کران نثر وظفر ایله متصف عسکر ایله قریهٔ مرقومه قربنده بر

فضای سینه گشایه بانهادهٔ اقبال اولدیلر و دگرمان دره سی

دیلیجه منزللری دخی طی کردهٔ قدم عزیمت اولدقده دوردنجی

گون یانبولی صحراسی خیام اسلام ایله نمونهٔ دریای پرحباب

اولوب برگون دخی اول منزلده بسط وسادهٔ استراحت بیورد قلرندن

صکره سزای قرین آباد منزللری بر برگیجه اجرا ازشرف نعل پابوس

شهریاری ایله حسد کردهٔ سرای رفعت ابا دافلاک اولوب ابدوس

منزلنه نزول بیورلدقده برگون جلسهٔ آرام اولنمشدی • آندن

صکره ایلیجه منزلنه کنکرهٔ سراپردهٔ شهریاری سرسودهٔ

قبهٔ اسمان اولدقده برگون دخی اول منزلده اب ایلر شست

وشوی کرده سفر اولندی • حتی بیت عکس روی تو نجام می ناب

افتاده • گوییا پرتو خورشید بر آب افتاده نثر ماصدقی اوزره اول

گون گریبان پیراهن آب مطلع جمال خدیو عالیجناب اولوب خورشید

جهان افروزک برج آبی به صورت تحویلی نمایان اولدی بیت جام

اولدی پابوس شریفیله منور لب حوض • بولدی رخسار لطیفیله ضیا دیدهٔ جام

نثر بعد زان قوبران نام محله جلوه گاه اوتاد خیام اولوب

اول منزلدن مهر سپهر سلطنت بالجمله سپاه ستاره شمار ایله

اثنای راهده واقع بلقان تعبیر اولنور کوه گردون نمونه

صعود

صعود بیورب فرازنده واقع صوجیلر نام منزلده زیب پیرای فلک
عنوانه باغهادۀ نزول اولدیلر لکن اول آیاغده بامر الله
بندکردون کینۀ سحاب کسسته اولوب پای سمند سلطانی
دریانواله نقرۀ سیم کبی قطرات باران نثار اولنمغله جوشن
خلاف خیول عقال و تحریک قادمۀ عزیمت محال حتی خلاص کرفتاران
بندکران وحل الحوح پنجۀ کرهکات ای افتاب نمونه وابسته
اولمغه مرتبه لری نمایان اولمشیکن الحمد الله بینه دلالت بدرقۀ
توفیق الهی ایله ورای کوهده اولان کوبرکوی نام محله ایصال
رحال اولوب اجزاء براکندۀ باران زهرۀ لشکر رسیدۀ شیرازۀ
اجتماع وانتظام اولمغین بر کون دخی اول منزلده عقده کشای
کمر آرام اولدیلر و اول منزلدن صکره چقور نام بر صحرای خاطر
کشاده جلوه فرمای وصول اولوب ایکی کون بسط فراش اقامت
اقامت ایلدیلر و اول محلده میرلوای بالکری قطرج زاده ابراهیم
بیک سنجاغنه موافق عسکر ایله داخل معسکر نصرت اثر اولدقده
کوکبۀ موکب سلطانی بر کون دخی اوشنلو منزلنی زوش انداز
فرداسنده مرداه دشمن ستان صفرفروش حاجی اوغلی بازارنده
جایکیر اولدیلر و بر کون دخی ماننده زود نیل موسی بیک قریه سنده
ورودندن صکره بر کون دخی قورناله دره سنده وضوساز
قعدۀ استراحت اولدیلر لشکر دریا امواج ایکی کون دخی تکری

کولنده شکیبی امواج ایدوب عقال سمین هلال ربیع الاولی پیرایهٔ
سمند گردونه اولدیغی کون اوزون علی جابرنده مربط زن
تکاور عزم اولوب برکون دخی نقش سم ستور ایله دلی علی
جابرین چپ وراست سلسلهٔ دار ایلدیلر سپیده دم فرزند
مادر صبح اخضر آغوش دایهٔ افقدن سرزده اولدقده پادشاه
سکندر سپاه حضرتلری ترتیب مألوف اوزره تزیین صفوف ایله
باباطاغی نام شهر صفاپرورک وسطنده اولان جاده دن
گذر و بارگاه آشیانهٔ اشتباهی مقر بیوردی نیم راهده معتاد اولان
نواله کاهده درای شهره اولان خیمه کاهلرک طرفیندن صف
بستهٔ انتظار سلام اولان مردان بکتاشیه مشاهدهٔ کوکبهٔ
صاحبقرانیدن نمونهٔ صورتیوار اولمشلر ایدی • آول کونده
پای سمند غزا ایندن برجسته اولان غبار خورشید جهان آرایه نقاب
رخسار اولوب گویا شرم شعشعهٔ جوشن جیوشندن درای استتار اختفاده
ناپیدا اولمش ایدی بیت نشستن ستوران هنگامه سوز ره رفتن به
دهان بست برروی روز نثر اول منزلده دخی برکون کثیر آرام
اولوب آب وهوای عافیت افزاسی دلپسند شهریار کشورکشا
اولمغین بروسه نشیمنی سرای سلطنت هنگام عودتده دک
اول شهره منزلگیر جلسهٔ استراحت اولمق اوزره قرارداده
اولندی • بیت آول منزلده محافظ اولسنه دزیر ابراهیم پاشا

بالجمله

بالجمله خرمن برق حیات اعدا بوسنه غازیلریله و سمند رآتش برخاشر
سمندره شجاعتی عسکری ایله الای کوستریب منزل سازکناره
اوردوی ظفر طراز اولدیلر. لشکر منصور بر کون دخی خاصکی
چفتلکی منزلنه تخم افشان دانهٔ شرارهٔ نعل ستوران اولوب
علی السحر طوب زرین خیمهٔ نیلکون کردونه کنار جویبار افقده
پدیدار اولدقده سراپردهٔ ظفر مدار سلطانی خال لب جوی
طونه اولان سواد ایلفجی قضاسنده خلد اشتباه مرحوم سلطان
عثمان علیه الرحمة والرضوان خیمه کاهی محلنده قوریلوب چنبر دردون
دائرهٔ شهریاری زالیبهک فرمودهٔ همتی اولان نوبهٔ م
رفیعک ذروهٔ سنده پادشاه بلند اقبال الجون دخی برمعلقهٔ فلک
سای لغو ادنوب هنکام نزولده اولنودهٔ سربلنده صعود نمود
معلیه محمود چرخ جارملیح ایلدیلر. اول کونده بغداددان دیوه‌جی
حوقه طرفندن درکاه جلالت دستکاهه بر قج نفر دادخواهلر
کلوب حسب الصوب بیانکه غم ملک دلده صبر و آرام. اوشاه جمه
وارسون هنک آهم برخبر و بیرسون نثر معقالی اوزره داخمیه احتمال
هجوم اعدا غارتکر متاع آسایش بغداد اسباع اولدیغی مرفوع پایه
سریر اعلا ایتمه لریله محافظه کوسنه ابراهیم پاشا. و میرمیران اناطولی
علی پاشا. و میرمیران قانغری مراد پاشا. و میرلوای بیکبکی
وصول موکب همایونه دک حوالهٔ بغداده مقیم نکهبان اولمق

خدمتنه تعیین بیورلمغین همان اول کونده نهر طونه دن عبور
چهارم دو مملکت بود ادست تعرض اعادیدن حفظ ایچون نقش
سد سدستور ایله ممهور ایلدیلر خدیو دشمن شکار دخی اول مقاعده
اوج کون قرار دن صکره دست معمار قدر میانه ءچرخ اکبونه
وضع ایلدوکی جسر که هکتاندن نمونه اولان نهر طونه اوزره میرمیران
نیکبولی عثمان پاشا مباشرتی ایله الله بیدی عدد طونبازن تعبیر
اولنور سفاین عریضه اولان جسر قوی الارکان دن کذار ایدوب
قرنان منزلنده تسکین جناح عزم ایلدیلر اول منزلده ایکی
کون اقامتدن صکره شیر بیشه ءوغا حافظ حلب الشهبا
قیلان مصطفی پاشا و میرمیران لوای حمید کوجک محمد پاشا و میر
میران لوای قرمان علی پاشا و میرمیران لوای قیصریه علی پاشا
و میرمیران لوای قرح شهر مرام بک سنجاقلری عسکر یله پیرامن
کذار سراپرده ء کردون مقدار اولدقده احراز خلعت کرانقدر
ایله حوالی اوردوی همایونده جایکیر اولدیلر منزل مزبورده
بیچ روز اقامتدن صکره مباشر بنای جسر عثمان پاشا نیک
خدمت محافظه ء جسره توقیف و تعیین اولنوب مقدما
استانبولدن شرحه زن سینه ء ابصر صرشتاب خدرعه
ایله استانجه معبر به نقل اولنان قرق التی پاره طوب
ثقیل الوزن وبطئ السیر قرق واللی شر هفت مجففه ء نور
زمین

٩٧

زمین کاو آهنک کردن اهتمامیله الحق جنبش کردانه لر
کردنه تحمیل اولنوب دنبالهٔ قافلهٔ اسلامده معرکه کاه آشوبه
ایصال ایتمک خدمتی میرمیران لوالی کانفره محمد پاشانک کردن
التزامنه حواله اولندقدنصکره جانب مملکت اعدایه متانتهٔ
وجهه عزم ایلدیلر • منزل اولده میرمیران ادنه حسین پاشا
دمیر لوای اوسکب محمد پاشا زاده ابراهیم بک لشکر نمون
پیشکاه همایون • وضمیمهٔ اوردوی ظفر مقرون اولدیلر •
ایکنجی منزلده نام آوران تاتار رکاب یه نشین شهسوار
قرب خاقانیه بهادر افاسدهٔ معالی جربانشانی یه وضع بیتا بهیبی
بندکانه ایدوب مقدما وار داولان فرحان آسمان کردان شهریارکی
اوزره فرمانده خطهٔ قریم سلیم کرای خان یوز بیکدن متجاوز
تاتار جکر دار ایله فاصلهٔ میانهٔ حق و باطل اولان اوزی
صوین حیوان بخیدن عبور ایدوب شوره زمین ظلمت آباد
مملکت اعدایه قطره ریز شرارهٔ نعل سمند جانبخش اولدیلر قدر
اجناس رسایندهٔ موقف حشمت اتمکله دستمایهٔ التفات
خسروانه ایله سینه جانب جلیل رفیع العنوانه توجیه روی
جست وجو ایلدی • شهریار بحر و بر حضرتلری دوغلب جوی
طونه دن سکر بخش بوندن صکره مرکز دائرهٔ مملکت بغدان
اولان یاش نام شهر کهر آباد مقابلنده واقع جو جوره

نام مجلده ضرب مظلهٔ فلکفرسا بیوردقلرینی گنجینهٔ عاطفت
خسروانه لری قرین گشایش اولوب پیاده و سوار باجمله بندکان درکاه
بهوا اشتهار زمرهٔ خدمت ماضیه و آتیه لرینی کورب نهال احسان
شهر یاریدن برک شکوفهٔ باداملکبی هر نفر نائل هزار نقرهٔ
خام اولدقلرندن ذخیرهٔ مملکت اعدایه قریب مجلده التی
بولک سپاهیلره ذخیرهٔ عموم تعبیر کا ایله معلوم الکیل اربه وادی
اعطا اولنمق قانون اولمغین ذخیرهٔ مرقومه یه متضمن
سرخ و زرد رقباره لر اغالری قبو سنده نادهٔ اعمال
کبی هر برینک اللرینه تسلیم اولنوب امین شرایط فندن
نهاده ابنانه تملک ایلدیلر بعده زاجن همه شکر اباد شد
ز بخشش سپاهش همه شاد شد نشرا دامنلرده دورت کون
اقامتدن صکره مقدمات آثار اقبال بدفعا لدن
جان رسان سایهٔ پیرا امن و امان اولان دوره شنقو خطهٔ
محافظه سی ایچون معتمن اولان محافظ سلسترهٔ وزیر خلیل
پاشا و روم ایلی بکلربکیسی محمد پاشا و ساعد مساعد
ایالت روم ایلی اولان صاغ قول وصول قول الای بکیلری
سرجمله رأیت ملمع بروش شیران پلنکینه پوش ایله الای
کوستروب اثنای عقبنده میرلوای کوستندیل علی پاشا
و میرمیران لوای بهرزین عثمان پاشا و میرلوای اسکندریه

ابراهیم

ابراهیم بیك و میرلوای اوسکوب سلیمان بیك و میر
لوای الاجه حصار مالك بیك و میرلوای سیرم ابراهیم
بیك بالجمله سنجاقلری عسکریله حوالهٔ جسر والای شهریاری
کذار ایلدکدن صکره اناطولی طرفندن دخی معسکره شتاب
ایدن میرلوای نیکده فراری مصطفی پاشازاده محمد پاشا
و میرمیران لوای ملاطیه و عربکیر محمد پاشا بالجمله عسکرلریله
منظور داور چاکرپرور اولوب خلع فاخره الباسیله
سنرلکیر پیرامن خیام اولدیلر لکن جمهور عسکر منصور
ایچون نهر طورلی اوزره بناسی تصمیم اولنان جسر جملته
شکار اعدا صف کشیدهٔ ممانعت اولمغین حتی سخراشی خاطر
وکلای عاقبت اندیش کار ازما اولمغین اوراغانکه
احتمالیه نکه داقوبی خدمتنه وزیر خلیل پاشا و میرمیران انا
طولی علی پاشا فرمان جهانکرد ایله کوندرلدن صکره عنان تیزینه
استعجال اولنوب مشعل منیر هلال ربیع الاخرده پیرایه بخش
چرخ بی آرام اولدقده رایت جهان افروز سلطانی اول
مرحله‌دن تحریك اولنوب لب تشنهٔ خون منکیبی اولان غزات جلادت
ایین کنار طورله یه امالهٔ عنان نصرت قرین ایلدیلر بالای
نکاشتهٔ خامهٔ بیان اولدیغی اوزره محافظ سلستره خلیل
پاشا مار الذکر دورق شنقو محافظه سنده اکین فرمان بیدرقان

ایله اوردوی همایونه عنان کردان اولدقلرنده بینه اول حوالیده خدمت حوات ایچون توقیف و ابقا اولنان میرمیران لوای اولونیه یوسف پاشا و رکن ثالث بنای دولت چنگیزیه نورالدین سلطان اون بیک مقدار جمله گزار ایله نکین نکین حفظ و حراست ایکن قریم خانی سلیم گرای خانک دخی کروه انبوه تاتار ایله اول محله سکز ساعت مقداری قریب بر منزله وصوله اوازه مزبورلره مایهٔ تقویت و تازیانهٔ جنبش و حرکت اولوب حصون نحوست مشحون کفاردن اول محله قریب لادزین نام قلعه ضابطی اولان خانتقو نام کافر زشت خو جانبینه تحرک عنان استیصال ایلدکلرنده حکمت خدا ایله بند بر اشتروت نام بر قلعهٔ کفرآباددن بیک نفر قزاق بد اخلاق مرقوم خانتقوا عانتنه مسارعت ایدرکن اثنای راهده عسکر اسلامه ملاقی اولوب بر تنگنایی کوشتن اتمکله اضطرار عجز و اضطرارلری خانتقویه واصل اولمغین اول اختامکان حضرهٔ ضلالته رسن رسان اولمغین داعیه سیله اون بیکه قریب کشتی خاشاک نهاد ایله غزات آتش سمانه مقابل طلوب میانلرنده بر مقدار زد و ستد درکار اولدقده بعون الله ایمان شمشیر غزا ایله شیرازهٔ ثباتلری گسسته و تار زندگی حیاتلری شکسته اولوب اوچ بیکدن

زیاده

زیاده سی سوخته شعلهٔ شمشیر و آلتی بیک مقداری پنجهٔ دشمنگیر
غزاته اسیر اولمغله خان تقویتجوی ایلچی کفار آندک شماریله
تخلیص کرببانه وافتان خیزان مقر سقر سیماسنه ایصال جان دوزخ
آشیان ایتمکله بو صورت فتح و ظفر جلوه کر مرآت ظهور اولدقدن
اکیجه ساعت صکره سلیم کرای خان دخی معرکه کاهه کامزن وصول
اولوب صورت حاله دیده کشای اطلاع اولدقده ادای حمد خالق بیچون
ایدوب اعاظم اسرادن شمشیر صاعقه نظیر صاحبقرانی ایچون
اوچ نفر حصهٔ غائب افزا نام یافته کان خدامندن کوچک
کوچک خزینه دار ایله فرستادهٔ اوردوی نصرت شطر اتمکله
منزل اولدقده چهره فرسای خاک بارکاه والا اولوب واقعهٔ
کذشته یی انهای فرمای رسانیدهٔ پیشگاه اجلال ایلدکده
بو مقدمهٔ فتح و ظفر منتج فتوحات بی غایات اولهجق استدلال اولنمغله
لسان کرامت بیان پادشاهی کلید کنجینهٔ شکر الهی اولدقوه الجار
خلعت زرنار و اعطای سیم و زر بی شمار اولندقدن صکره
پیشگاه بارکاهدن کرفتهٔ چین خند اولان اسیران ناسود
مندک میوهٔ پیشرس بوستان ظفر اولان سربپا جانبازین
حوالهٔ بنان سبکخیز شمشیر ایلدیلر. بعد از آن پنجه زن دامان
خدمت وزرا اولان فرقهٔ تاتار غدار تمدار رخصت
شرکت زده بیلوب طرف کشور کفاره عنان تاز شتاب اولدقده

بروردهٔ سلطانی وزیر ثانی مصاحب مصطفی پاشا تاتارلری
ابتدا پنجه کشای خوان یغما اولوب بر پنجه بیک کوساله و کوسفند
دکادن غیری یوز اللیدن متجاوز اسیری زنور حلقهٔ زنجیر اولوب
اوردوی عالمکیره وصول بولدقلرندن صکره قائممقام عالیمقام وزیر
مشتری تدبیر مصطفی پاشا تاتارلری دخی اولمقدار اسارا
ایله واصل خیام اولدیلر • اول کوندن صکره سرحد کفاره
قریب اولمغله هر منزلده اوچر بشر پراکنده کفار سر پنجهٔ
شکار کیران اسلامه کرفتار اوله‌رق ساغر کردان خورشید
رخشان مجلس ربیع الاولی طقوز طولنده دوغی کونشن خمیازه
کشان شورابهٔ خون اعدا یعنی شیران مست میخانهٔ جنک و وغا
کنار نهر طورلیده منعقد مجلس استقرار ایدوب همان اول
کونده آصف ستوده تدبیر جهان آرا • صدر اعظم وزیر
محترم احمد پاشا • وعدد بر مشیر وزیر روشن ضمیر دفتردار
احمد پاشا ایچون کنارهٔ آبده بر مظلهٔ مختصره وضعی
اولنوب عبور لشکر منصور ایچون بنای جسر حوالهٔ معمار
همت بیهمتا بیوردیلر لکن ملاحظهٔ احتمال و عزیمت
کفار دغدغه فرمای خاطر اصابت شعارلری اولمغله
محافظهٔ ورای آب رأی صواب کورلوب وزیر خلیل
پاشا • و کوچک محمد پاشا عبوره مأمور اولدقلری

اجلدن

اجلدن مصـ جوی دغابه غلغله بر اکنشر کجه بحر فنابه اهل تجرد یوزر
بکجه نظم ما حصل قصه اوزره یعنی صالدایله و بعض آتلر ایله حظ اصحاب
خط بخطوه زن وصول اولوب جسر مقابلنده واقع قریه جارنده
شرانبو تعبیر اولنور بر مقلوع حصار ایله دیران انکشت نما
ستدراه اعدا ایلدیلر نظم شهریار عالیتبار حضرتلرینک دخی
اول منزله نزول للرنده دیده گوه کداز لری بنای ثبات کفار
زلزله انداز اولمغین خوتین قلوسی مقابلنده واقع زمان
سابقده اون بش کون قرم خانی محاصره ایلمشکن کبریان
دریچه آهنکری خاک خورده دست تسخیر اولمیان اثر دانجه
نام قلعه متین سکانینک پیرامن دهاکفر اسکتین سیلری
جلوه گاه تیغ ایله خوف و هراس اولمغین مصـ با انکه ناکشیده
یکی تیغ از نیام ٭ با انکه ناتهاده یکی تیر در کمان نثر همان اول
کنجه بچیده سواد قلعه‌دن خال نقطه قرار ایتدکلری کوش
کذار شهریار قلعه شکار اولدقده بسمله خوان بدایت
فتح و ظفر اولوب ضبطیچون درت اوده یکیچری نفراتی جاشیر
کریخته حشر کمی ایلدیلر اول اثناده بر یکیچری چوربه جینک
ردیس الاصل بر غلامی بر کیجه نیزردبان ایله برج ارتقاد و
قلعه ده تنجه حوالیسنده مجتمع اولان کروه مکروه کفار له
کرم آلتی داولوب کنده و کیمی بر نیجه کشتی بی دینی بر اکنده

اسلامدن ننک ملک سودا سنه تحرمک ایدوب رفقاسن بر
درخت بنده اعتقاد کندوسی عسکر اسلامک هر نحه
علف چینلریه صورت مکر و فریبله رفقاسی جانبنه سوق
والقا اتمکله خیانت ابن الهاى اول مرتد زوسیاهک
دام راهی اولوب اول مردان اکاه دل انلک اطوار تلاش
آمیز و حرکات دشردانکیزندن بوی کفر و نفاق استشعار
اتمکله دست یمان سکستن بسته حلقه فتراک ایدوب
درکاه جلالت دستکاهه احضار ایتدکلرنده کندوسی
دخی ابراز اعتراف واقرار ولمغیح کردن ناباکی
بوسه کاه دهان شمشیر اتشربار ایلدیلر بنه اول
منزلده میرمیران سیواس مرتضی پاشا و میرلوای بوزاوق
دلی یحیی بیک و میرلوای جانیک جان ارسلان
پاشازاده حمید بیک و میرمیران لوای اماسیه
عمر پاشا بالجمله ایالت وسنجاقلری عسکریله الای
کوستردکدن صکره خارو خاشاک چمنزار جمعیت
و نجوم سپهر روضه مملکت اولان افلاق و بغدان
لبوز شقو بغدان دالوبه صلیب نحا و کبود پوش
و سیه دروان ادن بیکدن متجاوز لشکر قضا رایله
ایکی ساعت مقداری مرکشت تا مناک عرصه خیمه کاهی
زنک

زنك كرفته سواد صفوف ايدوب هر كوشه لرى بيشهٔ پرنيان
لشكر اسلام موج خيز دامن خيام اولديلر. اول اثناده وزير
نامىء صاحب مصطفى پاشا اتباعندن دورت يوز قريب دلير
سربازى جانب كفاره تركتاز ايدوب دلالت بدرقهٔ توفيق
ايله سوپيچه نام قلعه اوزرينه استيلا ايله كلرنده وارشنده
جا بكير اولان ختازير بى مقدار اعمال تير وشمشيردن صلحى
بالضروره كريزى پيشه ترجيح ايدوب جانب قلعه يى
ريزه كريزا دلر ايله شهبازان اسلام دست افراز كنجينهٔ
اغتنام اولوب بيوزدن افزون اسير نورسيده والايدن
متجاوز سر بريده يى معرض همايونه رسانيده ايله كلرنده
خدمت پسنديده لرى حضرت اوج كسب ايدكدن نائل احسان
سلطانى اولديلر. اول خلالده طرفيندن ضربت تفنك ريزينه همت اولنمغه
جسر قوى الاساس مستحيل الاندراس دخى اثناى طرفينده بربريله
معانقهٔ تلاقى واتصال ايدوب هر طرفدن واصل ساحل اتمام
دستور اولوب شهريار اسلام ايله ثابت قدم منهج استحكام اولدغى
منظور آصف بلند مقام اولدقده همان اول ساعت عسكر دريا
مثاله رخصت عبور ويرمكله دزبير فيلا پاشا واناطولى وروم
ايلى بكلربكيلرى. ودستور فرصت عبور بولنجه عسكر كذر ايدوب
هنكام فرنكشدن اول وقته كلنجه يه دك بوسه چين اقدام

اهالی اسلام اولملک اراضی شرک اکینه وضع اقدام ایلدیلر
خورشید تنها رو عالمگیر دخی فضای شهر ربیع الاخرده
طی منازل عشرینه ابروب دگاه روی کرم رخسار چهارم
پایهٔ سلیم اغشتوسده جلوه کر اولدیغی روزه بازار گرم ساز
بازار هیجا یعنی خدیو سلیمان گیتی کش حضرتلری بالجمله وزرای
قبه نشین کرانه تمکین ایله بر سینهٔ ابد اولان جبه هشیندن
تیر قضا کبی گذار و سرزمین مملکت کفاره وضع قدم عالم
شکار بیوروب سایهٔ چتر والای اسمان آسا و بالای تخت معلای
فرقد فرسای برمقدار رحل عقدهٔ زانوی آسایشدن حلّ و ایام
پیشینهده استیلای هیبت عالمگیرانه لری ایله مانند سینهٔ موّمن
ودسنخ وجود کفار رسا اولان ازدواجه قلعهٔ توکت دیمیه
بطریق السیر ممغا یذیر نعل سمند کشور گیر بیورب حکام
عو دتندن اول آنه گلنجه خدمت مهمّهٔ داوری بیر ودر
وامداد ذخیره عسکر ظفر اثره بغدان ویوده سی دوقه نک
تهاونی و تقصیری وسیلهٔ غضب شهریاری اولمغین فرمان
فلک مطاع او زره صحیفهٔ غضبیهٔ رقم چکیلوب. جاوش ۶ز
باشی سلیمان اغا جلسنده هم اغوش حلقهٔ زنجیر ایلدیلر اول
گونک فرداسنده خلف دودمان چنگیز خان خان شرق سلسلهٔ سلاطین
رفیع العنوان فرمانروای قلم وقریم سلیم گرای خانک لشکر

اخذ

اختر شماری تاتار ایله رکاب همایونه وصولی مصمم اولمغین فرمان
عالم مطاع وزیر دلیر قپلان پاشا . و وزیر خلیل پاشا
دانا طوسلی و روم ایلی بکلربکیسی استقباله شتابان . و
حین ملاقاتده طرفیندن جمعیان اولوب صدر اعظم پاشا ایله جمله نازل
اولدقلری یرده شایسته شان عالیلری اولدیغی تعظیم استقبالی
ادا و لازمهٔ ضیافت مهمان نوازانه‌یی اجرادن صکره خارج
سراپردهٔ آصفیده واقع ساحهٔ وسیعه‌ده تهیئه و ترتیب
اولنان خوانهای بیدریغ اوزره تاتاران کرسنه چشم
غارت پیشه بربریه یغما ایدرکن ع چنان بردند صبر از
دل که ترکان خوان یغما را نثر مدعاسنی اثباتدن صکره مرافقت
صدر اعظم ایله بیلا موقف شوکت و اجلال ایلدکده
پادشاه ممالکگیر پرواز بنده نواز مراعات لازمهٔ تعظیم
و اکرام . و بالای سریر شوکت مصیرده قامت سکندر
شکوهلرینه رسیدهٔ حد قیام بیوروب قصد التفات و اعزاز
ایله منبع زلال جود و کرم اولان ید مؤیدلرینه دراز بیور
دقلرنده خان والانسب بوسه‌ده حسبکال شرم و ادب فرزه
کوشهٔ دامان رفیع الشانی غنیمت . و مایهٔ دولت و سعادت
بلوب . بیت کدای سر کویت بسلطنت ندهم من . که سلطنت
کند هر که اکدای تو نبود نثر چه مراسم لازمهٔ عبودیت

و قاعدهٔ دعاء عمر و دولت اداسیله پای آداب اوزره کره افکمج
دست ضراعت اولمغین داور بنده پرور یگانه عاطفت حال
خسروانه‌لریندن تکلیف قعود ارزانی بیورلوب خان رفیع
العنوان صورتنمای ابا و امتناع اولدقده تملیح و یاردی
ایمای گوشهٔ چشم صدر اعظم و مصاحب پاشا ضمیمهٔ تکلیف
اولمغین امتثالاً للامر العالی بر مقدار زانو زن زمین
آداب اولدقدنصکره ینه یا برجای قیام اولوب بر مقدار
مکالمهٔ احوال اعدای بد معاش • و مذاکرهٔ طریق پرخاش
سبقت ایلدکده اثر شهریاری ایله بر سراسر تاج تلو
سمور کورک و اوستنه بر خلعت سامانه الباس اولندقدن
غیری میاننه بر شمشیر مرصع بند • و بر مجوهر صورغوج ایله
سربلند بیورلوب برادری نور الدهر سلطان دخی
درت نفر خانزادهلر • و ایکی یوزدن متجاوز میرزا و نام آوران
تاتار بالجمله الباس خلعت زرتار اولنوب خاکبوس
پیشگاه شوکت خانویسی ایله سرافراختهٔ بهجت و مسرت
اولدیلر • خان والا شان درگاه للنعم زمین عبودیته
وضع پیشانی ضراعت • و سراپرده دولتدن تقلیب صورت
رجعت ایلدکده • رخصت زرین زین سیمین ایله اصطبل
ملک ارم سلطانیدن بر رخش مرصع شتاب کوه تمکین پیشکش

اولنمغین

اولنمغین • و عنانهٔ بالی شروت و ثروت اولوب نظام تام اوزره
سوار اولدقده حضرت صدر اعظم همعنانی اولوب اول اختران
آسمان عزت و اقبال کنار خیمه گاهه نمودار صورت فرقدان
اولدیلر • لازمهٔ تشییع تمامنده صدر اعظم جانب بارگاهه
معاودت • و خانان رفیع الشان دخی اوردوی تاتاره تحریک لجام
مراجعت ایلدکده بر اینچه رحمت مقدارینه خلیل پاشا و قپلان
پاشا اوای لازمهٔ متابعت ایلدیلر • اول گیجه نک صحیفهٔ
منکشفهٔ بنجهٔ شعاع خورشید ایله منقلب اولدقده مار الذکر
دوره نسقه خطهٔ دخی رو نمال بارگاه فلک دستگاه استعجال
ایدوب • ابتدا سرابردهٔ صدر اعظمده ناصیه سای اولدقده
بر خلعت اخری ایله یکام • و چاوش باشی • و سپاهی
آغاسی دلالتیله پیشگاه همایونه وضع جبین ایدوب
بر خلعت و بر طونه • و بر رخش اخری ایله محصل المرام اولدیلر
بیمانهٔ اتفاق داور منصور • اول گجهٔ سیاه خیرنمی سرمست
نشاط و سرور ایتمکین اوغوری همایونده صف اعدایه حمله کرانه
تعهد ایله روز مصاف ایچون دندان زن نخ انتظار اولوب
مقر مخصوصنه عودت ایلدیلر • اوکرانه کلنجه وجههٔ عزیمت
شهریاریه مقابل فرقهٔ الضلال ترتیب صف جدال
جدال • و تهیهٔ اسباب حرب و قتال ایتمکه کلمک بلکه بشیم شمشیر

صاحبقرانی الیه پسر چوار اعتقادن قطعا اراءه صورت
جنبش و عزیمت ایلمامکه سرنامهٔ نسخهٔ ولا بیلکی • ونکینهٔ
حلقهٔ مملکتکیری اولان قمنچه نام قلعهٔ دشوارگیر و تخت بنیاد
اوزرینه استیلا • واول شوخ آتشین مزاج صعب الوصالک
خیام زنگار رنگله قول قول درآغوش ایلیوب سرابردهٔ
داور قلعه‌ستانی برپشتهٔ فراز اوزره برپا ایلدیلر • هنگام
اول کیجه الچنده بلیشه زن خاراکن یکتاش شبیع فرهاد منع
صحیفهٔ هموارهٔ خاک اوزره چپ وراست نقش بند
ثنی قفا اولوب اوج طرفدن قترس تعبیر اولنور حفرهٔ
ترسناک ترسانکداز منزل ساز • وحاج بکتاش صفت
چار یوز ریده رفدم قدم جانب قلعه‌یه کرم آغاز ایلدیلر
باخصوص انلردن ایلرو فدای جان • وسرمنزل مقصوده
راهبر جو دیرلک امیدیله شرکت حساب ایدن سردن کچدی
شهباز ان رسیده و صحرایی کربیان عشوق بی باک کیجه جالیجی که
ایدوب تفنکلی رنک کافرانداز ایله رباعی درمعرکه
این تفنک فریادرس است • خط فلکش ز کرم خوی آتش نفس است
موقوفات رتبت درکشتن خصم • سوزش نکهی بکوشهٔ چشم بس است
نثر چو داری سیر ترابده جانب قلعه شتاب ایلدیلر • حقا که قلعهٔ
مزبور متانت وارتفاع وانتظام • وحصانت وامتناع و

استحکامی

استحکامی بر درجه‌ده ایدیکه قلوۀ هفت باروی دوازده قلعهٔ
آسمانده انداخته اولنان طوب صاعقه و تفنک شهاب ایله
حصار استواری رخنه پذیر اولمق عدیم الاحتمال و کاو زمین
روز افروز رستاخیزه دک مانندۀ معدن سیماب مرتعش و پر
اضطراب اولسه تمامی دیوارنده بر قبضه خاک ریزان اولمق مقولهٔ
وهم و خیال ایدی بیت کورمامش چشم فلک دیده رک دنیایه
اویله بر قلوۀ مستحکم و مستثنایه نثر سواد شهر آسا مانندۀ نگین
خاتم ریخته‌ٔ قالب قدرت اولمش دیوارهٔ یکپارچه سنکین میاننده
مستحکم و گنجینهٔ فلک گرداننده پیوند اقدر آتش دم طوب
زهرفشان کله مطلسم خندق عمیق الغوریه نسبت رسن شعاع
خورشید کوتاه و گرداننده بروج حسرتکاه کمند نوز نکاه ظرفی
خندقی تبتهٔ صنع ایله تراشیده رخام هموار رو بازوی باروی
دلجوسی او ریخته گردان چرخ دوار بیت جزوی قالمش لب بازوی بی‌همتاسی
بوس ایدر گردان چرخ فلک افلاکی نثر و بن خندقده حلقهٔ مفرغه
کبی دائره آسا دار بر جویبار کوثر کردار لیل و نهار جریان ایدوب
کویا اول کنج ناپای براژدر پیچیده سهمکین و یا اول عروس
آیینه تابی بر کمر سیمین احاطه ایدوب و یاخود اول معمورۀ زیبا
مانندۀ ماه جهان آرا آغوش هاله ده کمین اولمش ایدی نثر
افراخته صحرای ظهور اولالدن اول آنه کلنجه به قامت بلند

عاشق فریبی هم آغوش تصرف دیگران اولمش و نه دکان
امکانده خلعت پوش وجود اولا لی دامن ضبط و تسخیرینه
دست بیگانه کانه ایرشمش بر دوشیزهٔ صعب المنال بدیع الجمال
ایدی. درون شهرده آیینهٔ غرایب و صنایع عجیب و
بیوت رفیعه و قصور منیعه و طرح بدیعه و مبانی
وسیعه و رسم اماکن و طرح ساکن حد تحریردن خامهٔ فراخ
حوصله اتنک و دهانندن بیرون ایدی کنکرهٔ کنیسه صلیب
اوینرای چرخ چهارمه کشیده بلکه دامن مسیحایه رسیده ایدی

سواد شهر ایله ایچ حصار بیننده واقع وادیٔ هولناک
پرآب اوزره نه قنطره ایله بر جسر سنکین و متین مبنی و سواد
شهرک طریق مدخل و مخرجی مجرد او جسره منحصر اولمغله
طرف اخردن فرسوده اهالی بیگانه اولمق احتماللندن مستغنی
ایدی ایچ حصارک جانب غربیسندن طابیه تعبیر
اولنور شش کوشه بر قلعهٔ شراییه که اول دخی قلعه ایله
همسنک شرازوی ارتفاع و اونی دخی بر خندق عریض
و عمیق احاطه اتمکله رسیدهٔ درجهٔ کمال حصانت و امتناع
اولمش ایدی. و داخلنده شرابدن نیجه ثوبه ممدوده مسکوکه
معدوده و ادوات حرب و قتال ایله مملو نیجه مخازن

مسدوده

مسدود و موجود اولوب بر جسر سنگیندن خی طابیه ایله
ایچ حصار بیننده بازوزن تمکینی اولمش وقتا که خیمهٔ
رنگارنگ لشکر اسلام مقابل قلعه ده آرایش صحرای
سبزفام اولدی قلعه نشین اولان کفرهٔ بی دینک درون
اسادت مشحونلری زحمدار ادتاد واضطراب اولوب
دیام حضور دارا ملری جلوه گریبان انعدام اولدی
تعلیق طنابلری چون دوج مسمار اولنجه صدور ایدن
صدای دلخراش نظم دشمنت را همچو میخ خیمه میخواهم مدام
تن نجاک و سنگ بر سر ریسمان در گردنش نثر معناسی گوشزد
بهوش میخ کفار الفا ایلدکجه سرنا مسعود بمنزد دنمودلر بیز
ضربگاه مدقهٔ حیرت اولوردی . مهر چتر فلک فرسا
بربا اولدوغنی گوردکجه ساغر عمر بر انجام گرلکلری اولموج
صورت هشت هده ایدرلر ایدی . مطبخلرده سر کشیده گنبد مشبک
افلاک اولان ستونهای دود سیاهی گوردکجه اظهار راه جانکاه
اتمده بی اختیار اولورلر ایدی . سقالر تردست کنار حصاره
جاری اولان آب مصفادن بی بهره ابر ساز راویهٔ حرارت
گداز اولدقلرین بیرا ایتدکجه درونلری سوختهٔ آتش حیرت
اولوب جویبار حیاتلرندن آب بورلر ایدی . علف کشان
لشکر سب طرف طرفه مال کافر هست بر مؤمن حلال نثر

چوکت زار سنبلهٔ دار کفاری طعمهٔ داس تاراج ایدوب قطار
قطار رطوبه مطایای خزانه دوکدکلرین معاینه ایندکجه مزرعهٔ
آسمانک ها جلوه کاه شکرکی ایندوب اولوب خرمن صبر و قرارلری
باد حسرته صاور رایدی • نقارهٔ زرین مهر درخشانی جوان
هنکام عصره نمایان اولدوغی زمان بیشکاه سرابرده همایون ده
ضرب خوردهٔ نوبت اولان طبل و کوسک فریادی عکس
انداز سینهٔ حصار اولدقده کفار ماتمکوارک دست ناپاکلری
طرح طبل سینه لری اولور ایدی • بهرشام مسرت انجامده اتمام
صلوة هنکامنده ولولهٔ کلبانک الله الله دن داثرهٔ خیام
نصرت ارتسامه چکلن اوج ثبات حصار استوار بنیاد اولکیجه ....
معتاد اوزره افواه عسکر ظفر بنا هدعنانی بمالی اعلایه پیوسته
اولدوغی واصل کوش مدهوش کفار اولدقده خانهٔ تاریک
درونلری وقف زلزلهٔ بیم و هراس اولوب مانندهٔ اصنام خاک
حیرته سرنکون اولورلر ایدی • مشعل خورشید درخشان دورای
سپهرده جلوه کر دیدهٔ نهان اولدوغی زمان ظلمت شناس
پیشکاه خیام اسلام اولان مشعل شرارهٔ شمائلی کورد کده
اول کونده صکره دربدر جهودلری قرین شام ادبار • وطلیعه
نحوست مدارلری کنبد درون ضیا دشمنلری تیرهٔ و تار اولدیغی
اکلدیلر • دورای سپهره سیه فام شام ده منبر حضر ایدن غوائل

صدار

صدای اندیشه‌سوز علیچ شکافلری اشتدکجه کنده واره تکلیف عناک
آشناکی مزار اولدوغنه قرار ویروب دست غوغاده اولان
تفنک آهنینی ایله اندازهٔ کفچه بهای هلاک اولدوغنی مقرر
بلدیلر ۰ بنه اول گیجه ایچنده کرمهٔ بازار استیلا وزیر اعظم
وصدر محترم احمد پاشا بالجمله ودم الیه عسکر ایله اوکی قولدرج ۰
ومحرم مجلس سلطانی مصاحب مصطفی پاشا بالجمله اناطولی
عسکری ایله یاروی یمیندن ۰ ووزیر دلیر مشتری تدبیر قائممقام
مصطفی پاشا سیواس دفترداری عسکر ایله یاروی یسارده ۰ ودفتردار
ستوده اطوار ووزیر احمد پاشا دخی صدر اعظم تابعیه سنه
قریب برمحلده ویکیچری ضابطی وزیر عبدالرحمن پاشا
دخی مردان بکتاشیه مترسه قریب مترسه کیروب اول دقیقه
شناسان فنون مدرسهٔ مترسده مواد مشکلهٔ حرب وقتالی
درس ایدوب لسان طوب وتفنک ایله حل اشکال قلعه و
دهر قولدنه بدیشه بیسکن آتش زن حلوای مرگ کفار بال
بمز طوب اتشی ازدرکردار ایله سرقلعه وسینهٔ حصاری داغ
داغدار انهدام وانکسار ایلمکه آغاز اولدیلر ۰ سپیده
دم تسخیر حصار افلاک ایچون درای توجه ایلدقده مهر خاور
جهان افروز اولدقده مهر مترسده مشاهدهٔ جمال زیبای
فتح وظفر ایچون یکلمانک دعا ایله طاس سرنگون کردونی

ولولناک وقدوم شاهد رحمنی نصرت الجون پای انداز
خون گلگون گوسفندانی صحیفهٔ خاک ایلدکدن صکره هر
یکیسی طوب قلعه کوبک فتیل سوزان ایله دنبالنه پاره فچه
یورکی پیرنده اوینایوب اغنزنه کلوب بی اختیار جانب
قلعه یه اتلمغه باشلدیلر خصوصا ابدان کفار تهمان
بتشنجه دریکو طبیب اجل بیمارخانهٔ جنک وجدلده مهیا
ایلدکی هاون طوبلرندن یتمش وقیه باروت ایله تعبیه اولنمش
قزان خمپره لرین تا بیه وقلعه ایچنده کفارک نظمنه جمعیتلری
اولان محله بر تاب ایلدکجه اعضاتی اعدای اجزای پریشان
ایدوب شیشهٔ می پرستان کبی اول مخمور میکدهٔ ضلالتک
جمعیتلرنده صد پاره اولوب درونندن آتش پرجوش خروش
هر طرفه پران اولدقده بك پاره پاره تن مجروح پیرنمدن
سرکوبکده کنزن هر سنکه بر پاره قدانش مقالنجه هر پاره بر کافرک
حقه سنه دکوب اول سرمایه رحمی بندرگاه دوزخ اولورلر
ایدی اگرچه کفار دخی مرتبهٔ اقتدارلرین حرب وقتالده صرف ایدوب
ابدان بی روح حصاری دیده بی نور مترلنه اولان مرغل دوکلرندن
دانه دانه سر بی نقرهٔ قلب گبی مرسده اولدقده بازانگه ساکنلرینه
نث راتمده تقصیر ابر مسنده کورنمزلر ایدی لکن ع این
زر قلب بهاکس که دخی باز دهد نشر قولی ادرزد غزات اسلام

کفار دخی

دغلک مرغلکلرینه دانهٔ تفنک ایدوب مار تفنک اعدایه
اول سوراخلردن باش چیقرمزلر ایدی گویا هنگامهٔ [illegible]
هر سور و بر سرور ایدیکه مردان میدان غزا شعبده بازلیه
هر بری بر لعبت • و هر بری بر صنعت گوستروب دانهٔ آهنی
مهرهٔ بازیچه حقهٔ طوب ایچره نهان ایدوب گاه جیب حصاردن
و گاه سینهٔ اشکفتدن بدیدار ایدرلر ایدی • و گاه دائرهٔ سور
شهره طبنجه ضربة الفتح طوب ثقیل الوزنی حواله ایدوب
در استدن دمبدم آهنک حصار ایدرلر ایدی • کفار
دخی بسر بر برجه اجوارده صورت بیجان کبی اول معرکهٔ غلغله آمیزه
نگران اولمغله بنای حصار نمونهٔ ابرجهٔ صورتبازادلش
ایدی • بو اسلوب اوزره اول گون لوای زرین شقهٔ خورشید
بایهٔ سلم عصرده بدیدار اولنجه یه دک طرفیندن جنگ
و پیکار برقرار ایکن ناگاه شعار تسلیم و انقیاد و علامت
المعحت و اتحاد اولان بر رایت سفید گوکه ذروهٔ قلعه‌ده
تابیده جلوه نما • و تشیرکاران کفار و رای اختفادن
سر جمله قلل و حصار اوزره چیقوب دست بستهٔ التجا ایله
گورنمکله غزات جانستان مرجانفروش دخی قفلزندن
ذکان ایتدیلر • و دست کش مدهٔ بازار کارزار اولوب
اوردوی ظفر مقرونده اولان عسکر اول گلدلار انک یعنی

سرقلعه‌ده نمایان اولان لوای اعدانک خرامش کوریجک پیاده
وسوار بربرینه پایمال ایده‌رک پیرامن قلعه‌یه شتاب
ایدوب. باخصوص وزرای ظفر اثر. ودست نثرکار
فرمایان عسکر بوصورت دلفریبک مطالعه‌سی حماسی حقیقه
ایچون بالجمله صدر اعظم مقر بینه مجتمع اولدقده اول
شیرمیشه شجاعت کارشناس خدا امیندن قره قولاق
اغاسی استعلام مرام ایچون درون قلعه‌یه ارسال ایدوب.
سرقلعه‌یه دیکدکلری نهال رایتدن میوه محصوللری نه اولدیغنی
استخبار ایلدکده اولسیه دلالت حیله انکیز برکیجه تعطیل
کارکاه مهمات. وتضییع اوقات غزات ایتمک ملاحظه‌سندن غیری
اول کیجه‌ده کندولر دخی لازم اولان محللرده تهیئه ادوات جنک
وجدال ایتمک تصوریله. یاخود عسکر اختر حسب جوانبی قلعه‌یه
شتابان کوردکلریله اکر یا بسر حصار ردی عقده‌اه اعلای بر طرف
اولوب لشکر ظفرشمول درون شهره دخول وصنقبا. اولورلر ایسه سرجمله
مال ومتاع وزن وفرزند ودختر وخواهرلری طعمه خوار زنجیر
غارت وخسار اولمق خوفنه وجود ویرمک احتمالیله تسلیم مفاتیح
قلعه‌یی کشایش دریچه صبح حواله ایدوب اول صورتله دفریبله
برکیجه استیمان استمهال ایتمه‌لریله کوهر سنجیده جواب احسن اسلوبه
اوزره پیرایه سلک صدور اولدیغه کفار تبهکارک فرح جان

درخ

درج اشیالرینه امال • و حمایت کهف الامان ذیل مکارم سلطانه
التجادن غیری ایله متصور • و صورت رجالرینه تحت لشریاب عفو
واحسانه بی توقف و تأخیر کلید قلعه سرپنجۀ جهانگیر خاقانیه
تسلیمدن غیری ایله متصور دکلدر بحمد الله هنوز لب تشنگان
بزمگاه غزا خوان دشمندن سیراب و دلی مردان جنکجوی بارکران
برخاشدن کلال پذیر اولمدی • یا بو ساعت مفاتیح قلعه نهاده
طبقچۀ تسلیم اولنور • یا خود بینه صمصام بیدریغ کفاره نفوس
قهر دشمن و تیر قهر اولنور جواب قطعیلرینه وساطت قاصد
ایله آویخته ذکوش بیهوش کفار اولدقده اول خدعه کاران بد
اندیش کوردیلر که لشکر توفیق اشتمال اسلام تعدد ایلرک
حیله ساخته لرینه شیفته • و صورت پرداخته لرینه
فریفته اولمدیلر • بالضروره بینه مقام ستیزه قیام ایتمه لریله
طرف طرف غزاة کرسنه چشم دشمن خاردخ بینه اشتغال زبانه
زبانه کش برخاشه درکار اولوب • توپ و تفنک شعله نثار اولوب
اژدرهانک نشر مطابقی اوزره غنوده اکتام آرام اولان
رویینه بدن حصار افلاک طراز لرینه آتش نهفته درونی
ایقاد اولنمبادی • و اعمال ادوات آتشینه ایله اول نبات نار
نمونه رزم معاد ایلدیلر • کویا صدای قیامت انکیز
صور بیدار سوده کانی خوابگاه کنج مزار بیدار اولدقلری کبی

حضیض مترسده دخی رهیب و وقفه سکون اولمیوب غزات صدای
طوب ایله دیگر پاره قریب حرکات اولوب معرکه قیامت
نمونده مقتضای اعماللری اوزره شهدای اسلام رهپیمای
غرفای جنان • وکشتگان کفار نگون رهگذار نیران اولورلر
ایدی گویا که بهارستانده بیلکارم بیر بیرده خانه باروت
تتق تتق سحاب وشعله گیر مجمر طوب نمودار شهاب اولوب گلبانگ
رعدنمون ایله دانه طوب وخمپاره صاعقه وار روئس قلل • دبر
وجه ریزان • ودانه تفنگ سرکقاره قطرات امطار
گبی باران اولوب لاشه مردار اشراری غرقه سیلاب فنا
ایدرلر ایدی • اول حالتده پادشاه بنده نواز کرم گستر
وشهریار عطا دوست چاکرپرور حضرتلری کمال مرحمت
مشفقانه • وغلبه مروت پادشاهانه لرینه بناءً
بارگاه رأفت پناهلری قریننده بر خیمه مخصوصه
ایله جراحان خاصه دن بر نیچه استادان تردست
مرهم زن تعیین بیوروب یاغزار غزا یعنی زخمدار دست
اعدا اولان غزاته مرهم بر اساعه سینه ریشان احتیاج
اولان زخملولک وهمکی بوزر الایش احسان مساعی
بیوردقلرندن غیری رسیده سرحد اتفاق اولنجه دک
زخملرینه مرهم زن اهتمام اولورلر ایدی • اول گوندن

صکره

صکره هنکامه کیر جو آرش کون دخی بو اسلوب اوزره بر
قرار اولوب اطراف ثلثه دن هدم بنای حصاره تحریک
بتر دبان اقدام استعجال ایدن شاهبازان لانهٔ وزارت
اوج جو ردر دفعه تبدیل آشیانه ایدوب کندو وجود
نصرت آلودلرن وقوللرندن اولان طوب اندازلر یمنو دلرینی
تواری ایتدکچه تابیه لرین کنار حصاره تقریب ایلدیکچه
موجهٔ تخمین دریای مترس اولان سیردن کچدیلر • و آنلرک
عقبلرنجه یرلر دخی تغییر سیر و تجدید مقر ایدرک
کنار خندقه تابیه یه واصل اولوب • لکن فاصلهٔ
عمیقه خندق اول سالکان طریق غزایه چاه درراه جو
اولمغله اول محلدن ایلرو تحریک اقدام ایتمک ناممکن
اولوب فرضا برطرفدن تقیله قعر خندقه فرصتیاب
نزول اولدقلری تقدیرده دخی جوانب سرنجه تابیه
اطالهٔ ایادی هجوم ایتمک غیر متصور اولدوغنه
بناءً ممر هجوم اولمغیچون احجار الغم خارا انشکاف
ایله بر رخنهٔ جدار اقتضا ایتمکین نقب زنان هوش
فن • ولغمکنان زمین شکن جرئت دین ایله بربرلرینه
کیروب اول معدن آتش بر خاشه اولان تابیه نک
تحتنی حفر ایدوب خزینه لر بغلمغه شروع ایلدیلر • اوکر

خلالده تابعه ایله ایچ حصار بیننده علاقهٔ اتصال
اولان جسر متین و زیر تابشنه مصاحب مصطفی پاشا
قولندن ثانیهٔ ضربهٔ طوب قلتمغله بنای اعتقاد
مشرکین کبی خراب و تاقلرا ابواب ذهاب اولدیغی
منظور کفار خانه خراب اولدقلرندن غیری پس هر جهتدن
زمینلردن نقب زنانک صدای تیشهٔ خاراخراشلرین
احساس اتمه‌لریله من بعد دردن شرک مشحونلرینی
تیشهٔ وهم ایله خراشیده و صحیفهٔ ثباتلرینی
حرف آرام و قرار کذلک بیم ایله تراشیده ایدیلوب
بدیخی کیجه که اول شام مسرت انجامده رؤیت
غرهٔ جماذی الاولی ثابت اندهٔ قلعهٔ چرخ والا اولوب
اول اوجمونا سزا کشتنیلر مدت مدیدهدن بر و
سراغنی ذو استنادلری اولان تابعه لره وداع ایدوب
٤ رفت منزل بدیکری بر داخت نظم قولنجه اول شب
تارده چراغ اشک خون آمیز و توشهٔ سوز درون
حسرت انکیز ایله ایچ حصاره دکین بی سر راه کریز
اولدیلر علی السحر بره عنبرین شام فوت دشمن
میانه سندن برانداختهٔ طاق عدم اولدقلرندن
غزات جیبه دست دشمن شکست کوردیلر که جانب
دار

دار الضربتابیدن درهم رایج بازار کارزار اولان دانهٔ
اسرب سکه پذیر قالب انعدام • و ندای دلال بیوکاه فنا
اولان طوپ و تفنك افریج انقطاع و اختتام اولوب
طوپ و تفنك آتمز • و متاع حیات نایاب اولوب
صاتمز اولمش • بلدیلرکه کردون تابیه حلقهٔ جمعیت
کفاردن آزاده • و مجموعهٔ نو شیرازه کبی سواد شرار دن
ساده اولمشدر • لکن اصلا جلوه کر کلشن امید دکل
ایکن بو کونه سهولت اوزره کشایش غنچهٔ مقصود
رایحهٔ احتمالدن دخی حیلهدن خالی دکل ایکن بنه سرحانه
نایاب حیاتن بازار غیرت دینده مبلینده فدا ایدن
سربازان غزات اول احتمالاته التفات ایتمیوب
ارالرنده بر پیشرو قافلهٔ جرأت بر لوای نصرت
احتوای زیور دوش غیرت ایدوب فرازندهٔ تابیه
قانندهکی انکشت شهادت رفع ایلدکده عقبنجه
بر بیك جانبازان معرکهٔ شجاعت ترازوی تفنك
ایله منزلگاه • و ذروهٔ تابیه یه خطوه زن همت ایدوب
سرجمله مداخل و مخارجی • و منازل و معارجی
مضبوط پنجهٔ تسخیر ایلدیلر • فلله الحمد اول سروهٔ
برج بر بیه اولان بنیهٔ متینه کفر الکیه بحجه دن الح

بردار امحاء کفرهٔ بی دین • و آشیانهٔ زاغ و زغن نشر کلمی ایلکچی
آثار سلطان کرزین ایله جلوه‌گاه غزات موحدین • و بوسه
گاه اقدام مؤمنین اولدی • گر همت مردان جهان کارگر
گر آید • کاشانهٔ احباب شود خانهٔ دشمن نثر • بو نسیم عطرسای
خبر ظفر تعطیر مشام داور دارگیر ایلدکده لحوم هوافتادگی
ماهی دریای شکرریز دهان اولوب تسخیر قلعه‌یه رخی حواله
تمکین اتمک با بندهٔ غزات ظفر پیوندی بهرمند نوازش
دلپسند بیوردیلر • دلیران خصم انداز دخی تازیانهٔ التفات
پادشاهی ایله سینهٔ معرکهٔ قیامت نمای وغایه کرم • و دل اعدای مشرکینه
آتش جگرگداز هر خشر ایله نرم ایدوب نسخ ارقام باطلهٔ وجود
کفار ایچون تعلیق بنان شکست رسان ایتدکلری خامهٔ جلی
شعشعهٔ تفنک ایله لوح سینهٔ کفاره نقطه دار ایتکلر • و گاه
صحیفهٔ هموارهٔ حصاره تحریر خط غبار ایدرلر ایدی • بو سیاق
اوزره اول روز نشاط افروزک ورق کافور تنی جلوه‌گاه ارقام
سواد شام اولنجه‌یه دک مطالعهٔ نسخهٔ جنگ و پرخاش • و وجود
بی سود کفاره نقطهٔ سهو کبی صحیفهٔ حیاتدن تراشن ایلدیلر ••
و قلعه‌نک غربیسنده واقع بر ایکی قلعهٔ رفیعه‌یی حمله ایله طوب
قلعه‌شکاف اتمه‌لری ایله کلاه چوبینهٔ نخوت وطیکی ربودهٔ دست هدم
ایدوب اجزای بنای پرخنده‌سی خندقه ریزان و غبار سرمهٔ دیدهٔ آسمان

ایلدیلر

ایلدیلر اول کیجه مصاحب شاه قولندن انداخته اولنان قمزان
خمبره‌لردن بری کفارک خمبره‌لری تحصننه اصابت اتمکله بیشمار
خمبره‌لری بردن شراره کیر. و حوالیسنده بولنان کفاره
رهنمای حفرهٔ سعیر اولدوغی طاق و طراق غیر مسبوقندن
استدلال. و بعد الفتح اهالی قلعه‌نک دخی اعترافلری ایله
دفع استشکال اولنمشدر. لکن مردان دشمن شکنان درون قلعه‌یه
دخول ایچون برحالده طریق امکان بولنمیوب جدار استوار قلعه‌نک
مجرد حملهٔ طوب ایله ازالسی عسیر. و اول ستر سدیک وجه
هجوم غزاتدن رفعی موقوف عمل کثیر اولدوغی مرآت مجلای فکر
و تدبیرلرینه اعمال لغم کوه انداز صورت احتیاج شاهدن
اولمغین سینه نقب ناتوان چاه کن زیر زمیننده شعلهٔ
شرارهٔ تیغ ایله قطع راه ایده رک زیر قلعه‌یه معتاد
اولان وجه اوزره خزینه و دفینه‌سنی آگاه ایدوب تابیه
تسخیرندن ایکی کون صکره روز جمعه‌نک هنکام بستنده
القاء شرارهٔ قیامت خیز اولندقده عیاذاً بالله
ریشهٔ زمین بربرندن منفصل. و اول قلعهٔ کوه سیمانک
ناصیهٔ حالندن اثر تمکین
مضمحل اولمغله

حمد اکه که حمد اکا روادر حمد که حقی حمدینه سزادر

حمد اکه که اولمیدی مطلق حمد اولمز ایدی وجود مخلوق

حمد اکه که نامی اولمسه حی اولوردی بو کائنات لاشی

حمد اکه که اولمیدی عالم بولمازدی بو صورتی عوالم

حمد اکه که اولمیدی قادر اولمازدی بو کارخانه ظاهر

حمد اکه که اتمسه اراده چقمازدی شب غیب بامداده

تسبیحله حمدین ایلیه ایراد گلشنده زبانه سرو و شمشاد

رومال جمالی حلقهٔ جیم حمد اتمکده دال حرف جابیم

رحمن و رحیم و حی و قیوم علام و حکیم و فرد و دیوم

فتاح و جواد و بر و تواب غفار ذنوب و کریم و وهاب

سلطان ممالک ارادت شاهنشه تختگاه قدرت

دوران آورنه رواق افلاک ارامگر طبیعت خاک

بالا رو چرخ دامان آتش تکلیف گر سرشت سرکش

بارآور شاخسار هستی بیخ افکن نخل خود پرستی

عطار سحایب بهارستان رسام صحایف گلستان

عصرنده یگانه اولان نابی افندی مرحوم مخدوم

محترمی ابو الخیر محمد چلبی ایچون نصیحت نامه در

بسم الله الرحمن الرحیم

حمد اول الله عظیم الشانه — مبدع دائره امکانه

که ایدوب خامه صنعی تدبیر — نسخه عالمی ایتدی تحریر

رحمت عام خداوند کریم — ایتدی عالملره فیض تعمیم

جنبش نقطه کلوب خامه جود — چکدی لوح عدمه نقش وجود

باز اولوب درجه دشوار عدم — اولدی مفتوح طلسم اعظم

ایتدی میزان بکف بود نبود — عدمی سنک ترازوی وجود

اولیجق روی وجود آینه تاب — اولدی مرآت عدم صورتیاب

رفع اولوب الحجزه تار عدم — بزم دهر چقدی سواد اعظم

دوشنوب عالمه قالیچه خاک — اوستنه دوندی قباب افلاک

اولدی کردونله بو چار فصول — کاسه چار کل بزم قبول

امهاتی ایدوب آبا ایله جمع — اراج یاقدی محبتدن شمع

تا موالید ثلث اولدی عیان — معدنیات و نبات و حیوان

یوریدی قافله لطف و کرم — چقدی عالم عقبنده آدم

ایلدی مرتبهٔ انسانی غایت مرتبهٔ حیوانی
اولدی بو صورت طینیه ظهور اکمل واشرف انواع ظهور
قوریلوب سلم تربیت حکم حقدی تا صدر وجود آدم
آب وگلده ایدیجک علم ظهور سجده یه اولدی ملائک مأمور ملائک
اولوب انده مراتب هر جا اولدی مقصود و تفاصیل پیدا
کیمسی سکز اولوب کیمی پیاز اولدیلر بیری برندن ممتاز
رتبه رتبه اولوب انواع انام درجاتیله ظهور ایتدی نظام
بیم اتب یقلور کون ومکان عالمک بیرینی طوتمز نادان
کورەمز مصلحتک آتش اب ایده بلمز عمل بادی شراب
ایده مز آهنک افعالنی زر ویره مز چاشنیٔ ملحی گهر
کوره مز دشنک امورینی قدم واره مز سیف مقاصدینه قلم
بصری ایلدوکی کوشش ایده مز هوشنک اندیشه سنی هوش ایده مز
بزرگر بیرینی طوتمز زرگر کفشگر کارینی بلمز دولگر
مالکک فعلنی کورمز مملوک بلمز احوال رعایایی ملوک
کرم وسردک ویره مز احکامن نه بلور خشک وتری فرجامن
سایه بلمز اثری خورشیدک جام بلمز طربن جمشیدک
عکسیده بو بلیه جه در مجموعک اکلا اولدیغی قدر مطبوعک

اولدی

اولدی مرآت تقابل پیدا　　ضد ایله منکشف اولور اشیا

حکمت و قدرته غایت یوقدر　　بو تماشایه نهایت یوقدر

بو نظام اوزره در اجزای جهان　　عقلک ایرمز که قدر ادراک ایده

مرتبه آخرت و دنیاده　　جاری اولمش صور و معناده

معنویاتده مراتب دخی چوق　　بحر در موجه سنک غایتی یوق

دیدی سر قافلهٔ سر شهود　　یوقدر الا که مراتبله وجود

جمله دن اهل ولایت اعلا　　انبیا رتبه سی اندن ارقی

انبیا صدر سریر اعزاز　　هر بری بدر منیر اعجاز

لیک سلطان سریر عالم　　حضرت سید ابنای آدم

حکم فرمای نگین لولاک　　خطبه پیرای و ما ارسلناک

گوهر ما حصل لجهٔ جود　　میوهٔ نو طلوع باغ وجود

فاتح درج گنجینهٔ نور　　علت غائیهٔ نقش ظهور

اولین حرف کتاب رحمت　　مقصد معنی لفظ تمت

ابتدای نفس رحمانی　　انتهای اثر ربانی

صورت معنی و معنی صور　　نور بالا کش قندیل قدر

زیور صدر سرای هستی　　خازن گنج بلند و پستی

ختم گنجینهٔ سر کونین　　سر بهم داده قاب قوسین

صاحب مرتبهٔ او ادنی عارف مسئلهٔ ما اوحی
زینت زین براق نمکین رفرف آرای ره علیین
حکم فرمای بلاد ملکوت نور تختای فضای جبروت
نیر مشرق انواع علوم خواجهٔ فن رسالات عموم
مورد وحی جلیل تنزیل مخبر عنه بطون انجیل
صفوة الصفوة روح ارواح نخبة النخبة اشباح ملاح
اشرف اشرف انواع بشر احسن احسن تقویم صور
رحمت عالمیان روح جهان مرکز دائرهٔ کون ومکان
احمد الخلق محمد محمود
یعنی محبوب خداوند ودود
عقل کل مظهر اسم اعظم جمله دن اولدی مراتبده اتم
حالی افاقه سرور سوری اول ما خلق الله نوری
ختم اولوب ذاتی ایله عز وعلا مرکزی بولدی صفات علیا
ویردی دور فلکه دائره نظام بدء وختم اولدی وجودی تمام
خاک غیب ایچره او تخم مستور ایلدی میوه بطوننده ظهور
کوربنوب میوهٔ میم سرمد اولدی موجود احدی احمد
ایلسک اوّل ادکانی سوال اخر اسم محمد الکا دال

قید

اصل

دیمیوب ذاتنه مولی تعظیم   ابتدی بالذات صلوة وتسلیم

ذاتنه اوله صلوتیله سلام   آل واصحابنه تا روز قیام

مطلب مجمل احوال پدر

ای ابوالخیر محمد چلبی   ای ایدن ذاتی مزین حلبی

جگرم پارهسی عمرم وارثی   دوحهٔ دولتمک نوباری

پرتو نور حیاتم سن سن   محض خیر وبرکاتم سن سن

سنی ایتدی کرمندن اعطا   پدرک یوسف نابی یه خدا

سنده ظاهر درایا طفل نبیه   معنیٔ الولد سر ابیه در

اولدی ذاتک سنک ای نور بصر   زینت گلشن جمعیت پدر

صالەلی بانیمه ذاتک سایه   بن سنکله بقرم دنیایه

سنی ویردی بکا ای فیض مآب   موسم سن کبرده وهاب

طوغیجق عالمه حسنک ماهی   کندران اتمش ایدم پنجاهی

چار پنجاهده ویردی سنی حق   هفت سالنده یازلدی بو ورق

وطنم شهر دلارای رها   وقت تحریر مقرم شهبا

نه رها نسخهٔ گلزار جنان   مسقط رأس خلیل الرحمن

نه رها غبطهٔ خطهٔ شام   مظهر معجزهٔ برد وسلام

بر زمان ادرنه واستانبول   اولدی سی سال بکا جای نزول

الله الحمد نجه منصب وجاه اولدی بو بنده یه احسان اله
قالمیوب صنکره دماغ دولت اولدم افتاده کنج عزلت
جذبهٔ اب وهوا اولدی سبب اولدی ارامکهم شهر حلب

سبب نظم نصیحت نامه

ای چراغ طرب افروز امل هبهٔ حضرت حق عز وجل
حمد لله سنک عالیدر علمه جد واهتمامک عالیدر
کرچه بالاسی بلنز اما سن بلنن مرتبه در معرفت علی
لیک بو قدر اب وجدکدن سنکا کندک ایت مرتبهٔ فضله صعود
اصل حمد وحسن ای صنع خدا اصل اولان ایلمز البته خطا
هر نه وار جوهر ذاتک بنده جمله مجموع ومهیا سنده
سنده اخلاق فرایح جوقدر لله الحمد زمانم یوقدر
بوی خلق حسنک عطر بیدر سنده اثار ادب فطریدر
فیض حقدن ابر نشو امداد کسبه حاجت قومز استعداد
اتسون البته تنی برخوردار طوته سن تخم طبیعیده قرار
لیک او معنایه که انفاس پدر ایدر اولادنه تاثیر دگر
ایتمک ایچون انی او بیزه گوشر اولمغیچون نکا سرمایهٔ هنر
کاوشی تیشهٔ اندیشه ایله کاو کاو قلم تیشه ایله

اکثر در

جهره وب

چقرب مودن دلدن یکسر		رشتهٔ نظمه چکوب تازه کهر
ایلدم نظم نصیحت تحریر		که ایده دیدهٔ ادراکی قریر
کسوهٔ نظمه قودقده خامه		ایلدم نامنی خیری نامه
جوز جان ایلکیف عزت ایله		باغله بازوی دله رغبت ایله
هر زمان استرم ای جان پدر		اوله اوینهٔ کونکلک بو کهر
بونی نازکده طوته سن جانکدن		هردم ابرمیه سن یانکدن
تا بمحشر اوله فیضی جاری		هم سکا هم اوله غیره ساری
تا کچه اوله بو خوان نوال		اوله نعمتده طفیلک اطفال
سنده تا که بو نعمتدن یه سن		یادکار پدر ردر دیه سن
روحمی لطفک ایله شاد ایده سن		هر دعا ایله بنی یاد ایده سن

مجمل نظم شروط الاسلام

ای سهی سرو خیابان شهود		نو خرامندهٔ بستان وجود
عالمک مشغله سندن اقدم		بودر انسانه اهم والزم
ایده و با نجام اموری تدبیر		ایلیه خانهٔ دینی تعمیر
ایله اندازهٔ حکمتله قیام		بیش ارکان بنای اسلام
بو بنا ایچره اولان راحتدر		طشره سی بازهٔ آفتدر
بو بنا داخلیدر باغ نعیم		خارجی ناحیهٔ نار جحیم

که ایده دیدهٔ ادراکی قریر
ن

داخلی اهل هدا ایتدر رعب خارجی اهل غوا ایتدر رعب

فرضندر اتمه صقین فوت صلوة اقتدارک وار ایسه حج وزکات

قل اداسنده درونی تنک وباز هربرینک فوتنه کوسترمه مجاز

اوله کر دیکتر فرمان غنی هرنه امر ایتدی آنی ایشله انی

مومنه خلوت دیندر رقت واجبات و سنن و مندوبات

سری وار هر برینک حکمتی وار حصره کلمز نجه خاصیتی وار

حق غنیدر سنک اعمالکدن بیله سن کسب ایده جک مالکدن

سکا راجع اولور ای حر عمل نیک و بد هر نه ایدرسک اعمال

صاحب خمس اول ای پاک منش بله سن خمس مبارک نه ایمش

اولا لازمهٔ دین مبین

ای نهال چمن اقرار ادب ای فرحبخش دل و دیدهٔ اب

ایت شهادت اوله سن اهل شهود تا که مشهودک اوله بود و نبود

ایله بر شهد شهادت دهنک اولسون اقرار ایله حال سخنک

قلبک ایت خلوت سر تحقیق شمع بر نور یقین و تصدیق

بو شهادتدر امان ملت زیور جبههٔ باب جنت

بو شهادتدر بو نور فرق عیان ظلمت کفر و شعاع ایمان

بو شهادتدر اساس تمکین یا بلور اوستنه مقصوره دین

بو نشانه‌لردر امام اسلام　　اولدی موج محیط احکام

بو نشانه‌لردر او مفتاح هدا　　که بونکله آچیلور باب رضا

بو نشانه‌لر اولور هر کس زبانه　　ماهی لجّهٔ دین و ایمان

بو نشانه‌لردر او ترکیب شفا　　که ایدر مرده‌جهلی احیا

مطلب ما حصل فضل صلوة

ای گل باغچهٔ بی کم و کاست　　بدر بیرک ایدن قدرینی راست

وقتی گلدکده همان ایله وضو　　ماسوادن دخی ود ستنگی یو

گیدر اندامکه بیر آهن نور　　اوله سن لایق دیوان حضور

مؤمنک اولدی چو معراجی نماز　　دیده کی ایله بو معراجله باز

سن قیاس ایتمه نمازی تکلیف　　جانب حقدندر او در بو تشریف

دین عمادینی اقامت ایله　　قصر اسلامی عمارت ایله

دشنک ایت شخمتی اذنه روان　　حلقه در گوش ایدو گل ایله عیان

سجده‌ده خم چه اداب اول　　نقطهٔ دائرهٔ محراب اول

بلیش حقده بوزکی یره سور　　بندهٔ درگهی اول حدیتی کور

بی توجه یره مرکاره نماز　　ایله کل سجده‌ده بیک سوز وگداز

محو و مستغرق دیوان حق اول　　مست لایعقل و حیران حق اول

اولمه حسرتزدهٔ جنت و نار　　اول انک صاحبنه عاشق زار

یا نه هنگام سحر بیدار اول / قفق سجاده استغفار اول
نه سعادت طوروب ال باغلیه‌سن / حق حضورنده طوروب اغلیه‌سن
ایده‌سن سجده ایچون وضع جبین / کوره‌سن سلطنت روی زمین
هله قوللری کورکور ای فرزانه / هر کیسه بینکه سلطانه
اکلیچ سجده‌یه باش قالدرمز / دولت عالمه چشم الدرمز
تعلمده قالمازایدی ارامک / اکله‌سن قدرینی اکر اسلامک
سکا بر ستر ایده‌ین چهره نما / کرچه اطفاله دکل کشفی سزا
جد وجهد ایتسه اوله‌سن نائل فهم / رفته رفته اوله‌سن واصل فهم
سن نمازه ایده‌سن چونکه قیام / الف اولورسن ایا ماه تمام
راکع اولسک کورینور صورت دال / انبیا سر بدیر اکله بو مقال
ساجد اولسک کورینور حلقهٔ میم / آدم اولورسن ایا روح جسیم
اکله چونکم سکا کشف اوله بو راز / آدم اولورمی ایدن ترک نماز

در بیان شرف فضل صیام

ای بهین میوهٔ باغ پدری / صدف بحر حیالک کهری
بی مرض یا اوله جسمکده توان / ایلمه فوت صیام رمضان
صودر قوللرینه لطف خدا / صومه بالذات ایدر الله جزا
صوم بر مائدهٔ رحمتدر / یوردن صائمه بر خلعتدر

صودر

صومدر قابل کتم و اخفا — دخله فرصت بولمز صومه ریا

سر پاک صمدیتدر صوم — اتصاف ملکیندر صوم

نفر صائم ایچون دیدی رسول — منکدن بیلشر خدایه مقبول

رهنمای نعیم جنت اولور — ترک نعمت سبب خشیت اولور

تا سیاهی شب اولنجه بدید — مهر اولور اغزکه فص خورشید

تا درخت گه اوله نوردن آتک — ظلمت لیله قاله ظلماتک

نه سعادت اولمسن لب بسته — اولمسن دغدغه دن وارسته

بند اولور رهگذار دهنک — اوله آئینه دیار بدنک

سلمسن زنگی قندیل دلک — اچمسن آئینه سن اب و گلک

اوله ذاتکده کثافت نایاب — بوله انوار لطافت تف و تاب

خانهٔ دل اوله ظلمتدن دور — ماه روزه وشر اولمسن مشهور

مقصد حج وطواف عرفات

ای گل تازه رس گلشن جان — بوی پیرای دماغ عرفان

کعبه در غیره سیره انمه سفر — سفر ببهوده در نار سقر

کعبه بیت الشرف اعظمدر — نقطهٔ دائرهٔ عالمدر

کعبه در قبلهٔ ملک ملکوت — پایه پیرای سریر ناسوت

کعبه درسن وح درخت رحمت — کعبه در سدهٔ دین دولت

کعبه در شمع سراپردهٔ راز / اولدی پروانه‌سی ارباب نیاز
کعبه در ستر سماوات علا / خانهٔ جامه سیاه لیلا
کعبه در سجده‌که انس و ملک / کعبه در خمزدهٔ طاق فلک
کعبه در ساحهٔ گلزار نعیم / نعم نورله هر صحن عظیم
کعبه در مخزن اسرار خدا / زادها الله تعالی شرفا
کرسئ مملکت ربانی / سدهٔ بارگه رحمانی
مرکز دائرهٔ عالم خاک / باشنه دور ایدر انک افلاک
کعبه ابدال سر آمد قدر / بالهنکی حجر الاسود در
حجر الاسود ایدر سنگ شفا / بوسه‌گاه لب محبوب خدا
اولیسی نقطهٔ دستر تکوین / خال عنبر شکن روی زمین
اولیسی صورت آیینهٔ آب / گرد بالاکش میدان تراب
محرم ستر سرای لاهوت / خطه پیرای فضای ناسوت
سرمه در دیده‌یه خاک مسعی / ساحهٔ هروله طربگاه صفا
اولمش آماجی تطهیر عصات / چاه زمزمده‌کی اقی آب حیات
رو ییدیریر یوزنک خاک حرم / عالمک یوزی صوییدر زمزم
شستشوی گنه بیمدت / دوکیلور انشو اولوقدن رحمت
آب زمزمدر اودارو صفا / که ویر رخته معصیانه شفا

اولیجه

117

بو لیجی و اصل حد میقات — ایکی اوج ایدر تاج ایلکی قنات
بخشش ایدر عمره شرفی عمره — حصه رحمت آلور هر زمره
عزم ایدر کوکلره مانند هیک — نفس غلغله ایکن لبیک
بونه دولتدر نه سعادت بو نه جاه — که اوله کس طائر درگاه اله
ایله میدان حطاف و زرحرام — جهک ایت فرشته رکن مقام
دل پروانه شمع حرم ایت — طوف درگاه ولی النعم ایت
عرفه صورت میدان نشور — روز حیوان خداوند غفور
یازمده عفو معاصیه برات — سطر بر سطر صفوف عرفات
شسته درانده اولان نامه سیاه — اولور ازاد اسیران کناه
مجرمان دائره بند سیمیح — حبل رحمت الکا فصل تکبیح
هب بیاضه چقر ارقام سیاه — بیقنور نامه اعمال کناه
جرمله رحمت ایدر بیع و شرا — بار بوح دفتری سوق منا
کعبة الله دل انسان کبیر — حجر اول قلبه سویدای ضمیر
عارف اول مرتبه ایچره کلا اول — دار طولان دائره سن دل بیدار اول
تا سکا ظاهر اوله نقطه کار — اوله کور دائره سنده پرکار

مطلب فضل زکات و صدقات

ای در سامعه پیرای صدف — دو دمان شرفه خیر خلف

عارف و مرتبه ...

ذمنکده قومه بر حبه زکات ویرکاوله مایهٔ خیر وبرکات
حقیدر حضرت حقک اول مال سنده حق ایتمه ادادن اهمال
چونکه ایتمز سنی حق اهل نصاب سنده ایت تزکیهٔ مال شتاب
فقرا حقیدر امساک ایتمه پاک ایکن مالکی ناپاک ایتمه
امر حق اوزره سن ایتدکجه ادا یرینه اون ویرر انک مولی
ویرمز ایسک برکاتی قالماز نعمتک سنده ثباتی قالماز
بی زکات اولمده در مال تلف نائبانه اولور البته هدف
تخم در مال زکات فروع که اولور خاکی قبوله مزروع
تخم ناپاشیده نک اضعافی بتر انکی عالمده سکا بیجی بتر
ایلیوب فقر و غنایی تکوین ایتمش آنی فقرایه تعیین
سنی اغنا ایدن الله قدیر ایلمش آنیده حکمتله فقیر
ایلمه کتم حقوق فقرا سنه سن کلدکجه دم ایله ادا
صدقه قیل قیل اتمام زکات فرعیدر اصل زکاتک صدقات
فضلنه یوق صدقاتک غایت چوق بو معنایه موئید آیت
اغنیا ایله سیدر فقرا ضد ایله منکشف اولور اشیا
دفعه قادر ایدی اولوردی تقدیر سنی انک یرینه اتمه فقیر
فقر سز حسن غنادر ضایع بویله وضع ایلمش انی صانع

فقردر

فقر در باعث شکر نعمت　　فقر در زیور حسن دولت

اوله کوی فقاهه فقرا　　سن زکاتی کیمه ایلر ذکر اوله

اغنیا ایلر ایسه محرزدن اول　　سن قبولندن ممنون اوله

دولت و نعمته اله دور　　سکا حقدن اوله بر نعمتدر

مؤمنه اولدی هدیه سائل　　سکا در نفع تصدق ای دل

فقرایه نظر رحمت ایت　　غفلت ایتمه سخن ملکرمت ایت

بو ذلل حالنکی محتاجلره　　نعمت حقی ییدر آجلره

یا بکا مقصد درویشانه ایت　　ممکن اولدیغی قدر احسان ایت

طوتمدن بافلهر روز صیام　　خیر در جابجا ایتمک اطعام

اتمدن یک یکه جامع تعمیر　　که الکدن اوله بر کرسنه سیر

اتمدن کعبه یه هر سال شتاب　　خیر در دیر بکا اکر تشنه یه آب

نه سعادت بو نه عز دولت　　که یوزکدن کله اهل حاجت

باش هولتلو دراول برکت نوا　　که ایده دفع ضرورت فقرا

نه سعادتلو دراول صاحب مال　　کا یده بیکسلره ایصال نوال

دنه لا یوم الا خیر جاری　　خیری انک اوله غیره ساری

باقمه اکر اهل درویشانه　　امتنان ایتمه صقین احسانه

ویر عطایا ایله اطفاله سرور　　ایت نوازشله قلوبین معمور

[illegible]

دولت اول ماله که الله ویره — خیر ایله صرف اولنه بویله یره

باخصوص اولمیشیم وبیکس — دل مجروحنه اول مرهم رس

دست احساننه اسرا ایتک شربه — لطفلا که او نتدر یره

الحرادلدکه نظیم الاحوال — شکا ویر دیه خدا نعمت و مال

باصمه کفرانه نعم سمتنه یا — قولله فعلله قیل شکرین ادا

شکر بلفظ ایله معلوم اما — اوچ اولسون دل [illegible] بیدا

هم نهانی شکر فراوان ایله — اهل حاجاته هم احسان ایله

کوریجک قوللرینی حقک آج — جامه و نان و طعامه محتاج

باب احسانی صقین سد ایتمه — عرض حاجات ایدیجک رد ایتمه

خانه که هر کیم اولورسه مهمان — ایله ممکن اولانی زیور خوان

لایق قدری قدر تعظیم ایت — شانی شایسته سنه تکریم ایت

ثقلاوننه بله صبر ایله — خاطرینی بر سوز ایله جبر ایله

ایلمه حسرتله چشمنی میغ — حاجتنی ممکن ایسه ایتمه دریغ

خاطرینی دغدغه دن صاف ایله — بذل مقصودنه اضعاف ایله

وسع حالنده دکلسه کامی — حسن دفعه چالش اول ناکامی

سوز ایله خاطرینی تعمیر ایت — لطفی زنجیری ایله تسخیر ایت

شلبشله کوزینی ایله روشن — منکسر کتمیه تا که سندن

اولنم

اولمش اولسک نه کلور دن الدن | اکه شکر ایت که انک یرینه کر

دخی اسباب نشاطه جو قدر | شکره نعمت که غایت یوقدر

بیلمز عقل بشر حکمتنه | ایلمز شکر وفا نعمتنه

هر تشکر بودر اتمه ریا | فقرایه ایدیجک لطف و عطا

ایله مخفی ایدیجک احسانی | حضرت حق بیله الحق آنی

امتنانیله صقین اتمه عتاب | سن اوتان تا اوله دفع حجاب

یوخسه ایذا ایله اولان احسان | یکدر اندن غضبان سکران

ستمه مکدر نیجه شرم ایلر | مستحق اره بولسن کوندر

نیجه استغناده دولت واردر | نیجه با مال فلاکت واردر

کوشهٔ فقرده قالمش با مال | اوله ایلیه عز جود سؤال

اویله درویشه اول چاره رسان | خوبدر بایمه دن التونلی طوان

ایله تحقیق بو معنایی عیان | بکه در هر کیمه اتسک احسان

اول لطفکده اذا ایله ریا | ضایع اولورنه سکا وارنه اکا

خوبدر بیکه بذل نعمت | اتمدن اهل غنایه دعوت

هم یبوب هضم سنی ذم ایلرلر | وارسه نقصانک انی سویلرلر

او ضیافتکه کلور آکه کبار | نوع اسرافدن ایتان شمار

انکه عالمده یوقدر فائده سی | دوزخه راجع اولور عائده سی

اقتضا ایده مکر کم ناچار — مندفع اوله انکله اشرار

اوهله نوع مدارادندر — خلقله حسن معاشادندر

سفره واریسه اکر وسع طعام — قویسونلر فقرا و ایتام

مطلب دانش انواع علوم

ای نهال چمن آرای ادب — نور بخشای دل و دیدهٔ اب

سعی قیل علم شریفه شب و روز — قالمه حیوان صفت اول علم آموز

علمه سعی ایله مکدر حذر ایت — علم و سعی ایکیسی بردر نظر ایت

مدعامه بو سخن شاهد در — علم و سعیک عددی واحد در

بولمز علم بلا سعی وجود — بری کتسه بری اولور نابود

صفت حضرت مولادر علم — جمله اوصافدن اعلادر علم

طلب علمه چالش اول اعلم — فرض در دیدی رسول اکرم

دخی امر ایلدی اول صاحب علم — مهددن لحده دک اول طالب علم

علم ایچون اولدی شه خط نور — رب زدنی طلبیله مأمور

بوله کور ایله مدینه یه وصول — که قپوسی اوله داماد رسول

علمدر ماشطهٔ روی وجود — علمدر واسطهٔ بود نبود

علمدر مائدهٔ ربانی — علمدر موهبهٔ یزدانی

علمدر رابطهٔ عز و علا — علمدر باعث تمکین و صفا

علمدر

علمدر ضابطۀ جاه جلال　　علمدر رابطۀ بر و نوال

علم بر لجۀ بی ساحلدر　　انده عالم کچن جاهلدر

جهل چون موت دیدی علمه حیات　　اوله هیچ اکر او اموات

اوله مجر دم حیات ابدی　　علمه فوق ایده کور نیک و بدی

علمک انواعی بمه اوّلا عاملی　　بلکه لازم کله استعمالی

بلک البته و کلمی احسن　　صورسه لر بن انی بلمم دیمه دن

حضرتک نامه بودر تلقینی　　اطلبوا العلم ولو بالصین

اتمه عار اوکرنه اوقوماهلندن　　هر شیک علمی کوزل جاهلندن

جهلا عالمه نسبت خر در　　بلکه خر دنده بله بهتر در

تنده در بیخبر و قنده خبیر　　مثلی در کل اعمی و بصیر

نقدر بولسه فر و شوکت　　جاهله جاه ایله کلمز رفعت

جهلدر مایۀ شرم و خجلت　　جهلدر مورث ذل و نکبت

جهلدر ادمه زندان بلا　　که دوشنلر کوره مز یوزی رها

جهلدر محض عدم علم وجود　　هیچ برابر می اولور بود نبود

مطلبک ایله معانی ذامور　　وادی فلسفه دن ایله عبور

اولمیه علم قدر امر بلند　　علمدن کوره مدی هیچ کمسه کزند

کرده باوکرک صاحب تاج　　لابد اولور علما یه محتاج

شرف علمه نهایة یوقدر   صفت باریه غایة یوقدر
اولمینجه متناهی علوم   ممکن اولورمی تناهیٔ علوم
قالمه قشرنده علومک امّا   اوله کور واصل لب معنا
ظاهرک باطننه ایله عبور   یکه بله اوجه بلسونمز ظهور
خانه‌نک ظاهری در جای گذار   خلوت باطنیدر جای قرار
ساحل بحردر اولسون ممنی لال   گوهری استرایسک قعرنه طال
صرف ونحو وعربیت لازم   عربی بلمکه آلة لازم
لیک الننده کچوره اوقات   بی تعمّق ننه یارار آلات
علمک ایت جمله سنی استحصال   جمله‌سن ائمه ولی استعمال
ساکه کافیدر اوله نقش ضمیر   علمدن فقه وحدیث وتفسیر
غیرسین اوقی ولی ائمه عمل   اولمه پامال دعاوی وجدل
فقه‌دن ایله عباداته نظر   ایلمه سمت دعاویه گذر
نقص وبرمز ایکی عالمده بکا   بلممک مسئلهٔ بیع وشرا
علم حالک طلب ایت صبح ومسا   بر یده مسئلهٔ بیع وشرا

مطلب معرفت ربانیه

ای بهین نسخهٔ مجموعهٔ ذات   نقش زیبندهٔ مرآت صفات
ایله بو بندمی آویزهٔ گوش   کمه یه اولمه صقین فضل فروش

نقص وبرمز ایکی عالمده بکا

ائمه خلقه صنه جو علمه جهوسر — ایلمه بیهوده تضییع نفر
رویله بر علم جاشر کم مطلوح — ایله برسن بله سن بر دخی حوح
حکمت فلسفه‌دن ایله حذر — اولیا نسخه سنده ایله نظر
نفس پاک عزیزان طریق — ایدر انلری قریب تحقیق
مرشد کامل اولنجه نایاب — سکا مرشد ییتشور شمدی کتاب
عارف اول زاهد خشک اولمه صقین — همت ایت تا اوله سن اهل یقین
سعی قل عارف بالله اوله کور — نائل معرفة الله اوله کور
اولمه شک مزلقه سنده گمراه — علما در علماء بالله
اولمز واقف سر مکنون — قاری مسئله کان یکون
چون انا اعرف دیدی خلاق وجود — معرفتدر روح جهانده مقصود
معرفت زینتیدر انسانک — بعد مرتبه‌سی نادانک
معرفت دولت روحانیدر — معرفت خلعت ربانیدر
جاهلک معرفته رغبتی سبب — دسترس بولمدیغندن در عجب
یوخسه جان ویرر ایدی کرساله — نظر ایت حالنه بر کره جهله
معرفت صحبتکه دشمنه بری — اولور اتشکده مجلسنده یری
اولمازالوده گرک خذلان — جامه علم لباس عرفان
حق کتور مشر سنی کندن بکه — تا الها جانله قوللوق قله سن

خانه نك لازم اولان صاحبيدر — بلمين خانه سنك طالبيدر

تا سنك اولمیه صاحب خانه — کیجه کوندز جالش اول پروانه

ذکر و فکرك همه الله اولسون — مشهدك اول اولو درکاه اولسون

دوزخ و جنتنه اتمه نظر — صاحبینی استه بول ای نور بصر

او سنك اولیجق ای روح روان — هب سنك اولور امش ایکی جهان

اره بول کندکی بل کیم سن — تا سکا اوله دو عالم روشن

ایت نکا بوی بلا د اطوار — تا بونی بیلمیجك اتمه قرار

بلمینلر بونی نابینا در — که او خر دنده بلا ادنی در

بابه جان و دل اگاه بودر — غایة معرفة الله بودر

اولمیان واصل نور عرفان — اولمیه تا سکا محشر زندان

(اوله کور واصل نور عرفان)

[illegible]

اکا سك بولدیغك ای در عدن — اوغرمز دائره که خوف و حزن

اکله کیم معنئ توحید بودر — واصل دولت جاوید بودر

نور دیدم حل مشکل معنا — ایکی عالمده اولمیه اعمی

جلا کور چشمنه کحل عرفان — اولمیه تا سکا مظلم دوران

اودر اعمی که دکل [illegible] شهود — اوله ابواب حقایق مسدود

حضرت فخر رسل ایتدی دعا

که حقایق اوله مکشوف اکا

تکمله

جملهٔ نسخهٔ مردان خدا ‌ ‌ ‌ ویر آیینهٔ اوراکه جلا
همت ایت الکلمه کفتاریچ ‌ ‌ ‌ حرز جان ایلیی کوراسراریچ
طالب حقه اولور راهنما ‌ ‌ ‌ نسخهٔ مثنوی مولانا
دیدهٔ روحه جلکر کحل خصوص ‌ ‌ ‌ نور اسرار فتوحات وفصوص
دخی جوقدر شیخ اهل الله ‌ ‌ ‌ عبدی الله دن ایلر اکاه
رمزوایمالری روحانیدر ‌ ‌ ‌ جمله سر باطن قرانیدر
ظاهر احکام شریعتدر بعب ‌ ‌ ‌ باطن اسرار حقیقتدر عجب
وقتکی صرف ایده کور تحصیله ‌ ‌ ‌ ایکسز داخی جانک تکمیله

در بیان شرف استانبول

ای مه نوره جرخ امید ‌ ‌ ‌ هر بهرک ایدن روزن عید
اولدن مهر زمن کنج کهر ‌ ‌ ‌ یکدر اولموق کهر افروز هنر
علم معرفته جای قبول ‌ ‌ ‌ اولمز الا که مکر استانبول
اولمغه میوه خور باغ قدر ‌ ‌ ‌ اولمیه شهر ستانبول قدر
انسون استانبولی الله معمور ‌ ‌ ‌ انده در جمله معالی امور
مولد ومشهد اصحاب همم ‌ ‌ ‌ شربتخانهٔ اصناف امم
نه قدر وار ایسه اصحاب کمال ‌ ‌ ‌ هب ستانبولده بولور استقلال
هر کمال انده بولور معیارن ‌ ‌ ‌ هر هنر انده بولور مقدارن

انده در مرتبه هیچ عز و شرف | غیری بیرلمز اولور عمر تلف

هپ رواجینی بولوربی تتویش | ضایع اولماز هنر انده کم دیش

بولنور جاه و مناصب انده | طرق قطع مراتب انده

نه قدر عالمی دوراته سپهر | بولنماز استانبوله بکزر بر شهر

جمله کورمکله مستثنا | اینی اغوشنه چکمش دریا

نه قدر وار ایسه اقسام هنر | هپ استانبولده بولور رونق و فر

نقش تصویر و خطوط و تذهیب | هپ استانبولده بولور زینت و زیب

ماحصل جمله صناعات و حرف | هپ استانبولده بولور عز و شرف

دخی وار در نیجه انواع هنر | کثرهسی نامینی بیلمزلر

نه بلورخانه که کس خارج دار | نه بلورجه که کرر اهل کنار

بیقصور انده مرتبدر هب | نغمه و موسیقی و اهل طرب

انده در شوق عده رمی سهام | انده در سنگ نشانی بنام

1 غیری طورسون نیدر اول ذوق و صفا | کاوله سن طائر روی دریا

2 اتکا ایلیه سن بالینه | بقه سن آینه سیمینه

اوله سن پاره باد یله وزان | ایده سن بر نیجه شهری سیران

اولوب آسوده کهی شهر و هوا | کزه سن عالمی بی منت پا

بر یره کلمش اولوب رود و یم | جلوه کاه سواد اعظم

بری

بری بیربنه اولوب ایندار | ایلمش جمله یی نجم زیب کنار

بنه سن تخته سلیمان پرسا | اوله حکمنده هوا و دریا ۲

اولمش التنده قیوق وقف شتاب | بادبانی قنات اجنحۀ مرغاب

حسن صورتینه غایت یوقدر | اینی مدح اتمکه حاجت یوقدر

ایاصوفیه خود اعجوبۀ دهر | قبه سی نامی اجرام سپهر

کورمدک مثلنی بر ملکتده | اوله بونشئۀ عکس جنتده

پایۀ تخت سلاطین جهان | خاندانگاه ملوک دوران

سدۀ سلطنت عثمانی

سترۀ مملکت خاقانی

اولور اوراده حاجتی نج | نه مراد ایلر ایسک آماج

هر نه شی خاطره ایلر خطور | انده اعلاسنک اعلاسی اولور

بک و پاشا و افندی چلبی | انده درجمله سنک منتخبی

عسکری و علما و سپهی | انده درجمله سنک پادشهی

عالمک انده اولور مشکلی حل | ایرشور هر شیئه سوی ایلک الا

کشی تندن بولمز خاطره راه | انده امان اولان خاطرخواه

اولمیدی مرض کوناکون | آه الا اونبارک طاعون

کیم چقردی او بهشت آسادن | اوبله معمورۀ غم فرسادن

اعتدال اولسه هواسینده اگر | غیری بلده‌یه کیدرلردی نظر
سوکیمک کیم اوزره بنیادی قوی | یا بیلمسون غیری ولایتده ادی
انکا مانند اوله‌مز شهر و دیار | اولماز انک کبی بر جای قرار
انده دریا حاصل قدر هنر | طشره‌لرده کیم اوقور کیم دکلر
اقچه‌در طشره‌نک انجق هنری | حک اولنمش هنرین صنکه سری
طشره‌ده ایلمکه کسب غنا | یا تجارت یا زراعت یا ربا
قالمامش شمدی بهله ذره قدر | طشره یرلرده معارفدن اثر
اولدی ارباب معارف نایاب | دوشدی بیغوله نسیانه کتاب
شعر و انشا یه صنوردر تفریح | فارسی لفظ ایله جرب شیرین
عربی وار اوده مانند برف | بی اساس اولدی نه نحو و نه صرف
نیه یارر واری ایکی پایه و مال | دانش و معرفت علم و کمال
نخوت و عجب ایله مست اولمشلر | جمله پایه‌پرست اولمشلر
نه فضایل نه معارف نه علوم | اولدیلر زینت زنان بسب رسوم
ویمه‌مز اعد عمر عز و جلال | بر نفس رخصت تحصیل کمال
نجه سجده ایدر اول الله‌ه | بلکه نقصان کله عز و جاهه
ایلمش علمی خداوند کریم | طشره‌لردن نه صده حکمتله عدیم
یوخسه اتمزلر ایدی خلقه نظر | علم و عرفانلری اولسیدی اگر

کر

کیمسه ضبط ایلیه مزدی مطلق جهل زنجیرینه بند اتمش حق
تحت دولتده اولورکرچه کبار طشره‌دن خلقک ایشی استکبار
استمز کبری برجاه دولت اول فخر وعایه ایلر نخوت
هم صنارلر بر کروه مکروه دولته نسبتلریت نه شکوه
بیله معیارلرین بلمزلر حد ومقدارلرین بلمزلر
تولدغی خلق کتابک الحق کورن استانبولی اکلی انجق
اوبورا ایردکده کیمسه حصر لکن طشره‌ده علامهٔ عصر
متفطن لکن سرسم اولور متکلم لکن ابکم اولور
بولنمز ادنالرینک بزمنده آه طشره‌ده بیرلره صاتق منصب وجاه.
کوسترر طشره‌ده جلیس ابرو بوراده دربانلره ایلر تک وپو
اوله مز نایل بوس دامان لکن طشره‌ده صاحب عنوان
طشره‌ده جای اهالی صدر اجلال کرمز اندره الله صف نعال
اکابر شهر اولنمز تنظیر تبع اولمز متبوعه نظیر
لیک اندن کچیجک شهر حلب یوق قدر آنک اشبه اندن انسب
چوق بودر اب رخ بلد اندر خیلی معمورهٔ عالیشاندر
مقصد هند وفرنک وماچین بند معتبرهٔ روی زمین :.
بولنور امتعهٔ کوناکون نعمت ومال ومنال افزون

باخصوص اوزره هوای دیگر | ساحهٔ بهجت و بنای دیگر

مطلب لازمهٔ حسن و جمال

ای نظرباز تماشای نگار | نکته انداز مرآت جمال
خانهٔ دلده قومش کرد جهان | لذت نازکی وجه حسن
حسن آرایشی یزدانیدر | اثر خامهٔ ربانیدر
شرطدر اوله قبل صنعنه نگاه | اولمه شهوت نظریله گمراه
ایلمش صنعی ازل آماج | شهوت ایچوندر طریق علاج
دختران سیمبر اندام تمیز | شرعله شهوته اماج رهین
قدرتک نشئه دکش الله ایلمه ظلما | اولسون اولاد ذکر انسابه بقا
لیک کلزار رخ خوبانه | نظر پاک ایله اول پروانه
ایلمه تخم حیاتی اسراف | اولمه گمگشتهٔ وادی خلاف
اولمه بر عکس طریق دهقان | ارضنا منبت تخم افشان
ایلمه نطفه‌یی بیهوده تلف | رحم نسواندر او لؤلؤیه صدف
نطفه درّ کلیه نه آب حیات | صاحبا بادر او دانهٔ ظلمات
قطرهٔ نطفه که بیجا صلدر | تلف نفس قدر نسلدر
اولمه آلوده بچرک عصیان | اول نظرباز جمال خوبان
دلبرک نقشنه اولمه مائل | اول فرایسنه نقشنده واصل

اول

اولمه دل بستهٔ صورت زنهار / ایده کور جانب معنی یه کذار
ندر او جاذبهٔ روحانی / ندر اول نازکی جسمانی
ندر او حسن لطافت او خرام / او قد و چشم ربا اول اندام
او کرشمه او نگاه بر فن / برک کلدن تر اول بدن
ندر اول بیر لو بیر غنچه / چشم و ابرو لب و دندان کفتار
قبهٔ عالم جان ندر او دماغ / کاولدی عقل آکه فروزنده چراغ
هویدا ره دو چراغ حکمت / سرهر رکاه سرای صنعت
کس جبهه سپیدر موجهٔ مو / بسته در جبهه دو طاق ابرو
موجی موج کسر بیت سی / سطر سطر رقم سیز داری
دیده‌لر منظرهٔ نور شعور / مژه‌لر بال و پر طائر نور
دردمک رشتهٔ کش بند نگاه / نقطهٔ دائره‌لر نور سیاه
بره‌لر هفت حصار کرده / دردمک نقطه نماینده نون
رسم بینیکه الف ان ابد / نقش ابرو الف اوستنده مد
دفتر حسنده حرف ممدود / مرجعی رایحهٔ عنبر عود
کوشلر در در بحر دری شی / مدخل قافلهٔ باد سحر
بلکه سر دهننده صورت / وصف حرف نیو بر کوشه کبر دره
سبب وجه فداد دندانلر / که انلکه طو لو در جوانلر

دردریای دهندر اینلار　　که انگله اولسور حل لوآل

لب نمکدان سرخوان کمال　　نمیدر خالق بستانی جمال

زیور شاخ صفا سیب ذقن　　معدن سیم ستون اوکردن

سینه مرآت بلورین کردار　　ممه لر عکس حباب چشم نظار

دستلر مصدر انواع هنر　　پایلر قائمه سیر و سفر

جمله نقش قلم قدرتدر　　صنعت ماشطه حکمتدر

سر معنادن اولور سنک آگاه　　هپ اوقور سوزلرینی ان شاء الله

نهی الوجکی حرص وطمع

ای نوین نسخه مجموعه راز　　غنچه باغچه نازونیاز

ایلمکه یه تحریر حاجت　　اولمه خجلکشته بار منت

دهنک خواهش ایچون ایلمه باز　　اولمه الوده لب حرف نیاز

صاحب حرص وطمع رسوادر　　کیمیای شرف استغنادر

رزق مقسوم اولور البت واصل　　آب رودر که درانجی حاصل

اولکه مقسوم دکل کرمزاله　　اولکه مقسوم کلور الکینه اله

ابرود رلعله ابرحیات　　تشنه در شنجه سید رنیل وفرات

عالی ابت همتکی خوار اولمه　　کوردکک شیئه طلبکار اولمه

عبد دستنده نه وار که اشتهیه　　اینی یا بری نکاه دیر دیه سه

126

اوله محتاج عطای حقدر بسته موهبهٔ لطف قدر
عاجزه لطف ایده جک حالیجی وار سکا بخشش ایده جک عالمی وار
لطف حقه حوکه بی منتدر دست عبده آره مه بر آلتدر
ترک اسباب دکل کرچه صواب بی مسبب نیه یارر اسباب
بی مسبب سببه اتمه طلب جکمه بیهوده یره رنج و تعب
اول عطا یسنه حقک واثق اوکدر زنکه سکا سنده عاشق
کنج کاشانه ده راحت خوشدر دامن حقله قناعت خوشدر
بی اجازت اله اوزاتمه ماله بس دکلمی سکا اوده علم حاله
دامن خانقه خاطر بند اول هر نه ویررسه الکا خرسند اول
بلور احواله رزاق حکیم رزقنی وقتنده ایلر تسلیم
ماله موقوف دکل ارزاقک یغری یوزدن بیتورر رزاقک
اقچه ماکول دکل ایشدر بینه احزینه جک نعمتدر
اولماز ایسک زر وسیمی خوبز بدل انا و بریخی و روغن
جکمه هیچ کرسنه لکدن خشیت قدر اج قوری ورر النعمت
یه منتله اولورسه نعمت قو قلمه کل کاور یوی منت
سکا بر شی ویریسه ویررلر اکر المه مستغنی اول ای جان پدر
جشمکه خاطر کراید غنی کرم ایت اولمه کدا چشم دنی

یا مکر یا رصد ایچوندر او | بی تکلف اولمیجق ایده قبول
سنده حق ایکا مکافات ایله | بر عطا ایله مجازات ایله
وعد که دست وفاسی بازدست | نیجه وعد ایله ایک انجازیت
ذمت همتده بر وعده دیه | خلف وعد اتمکی بیلدانکه شنیع
بی وفا وعده ایله ایمه لاف | هیچ اولورمی فخر معاداته خلاف

در بیان حضور ظرافت و مزاح

ای طلبکار حضور دو جهان | راه جوی طرف راحت جان
ایمه هزل و مزاحی پیشه | دوشه ور ترشروی اندیشه
دوسته اتمه لطیفه‌یله فدا | حقه تاب و نمکی اتمه هبا
اصدقایه سبب نفرت اولور | عاقبت واسطه وحشت اولور
آبدار اولسه لطیفه خوشدر | لیک بر تهمتی یانار آتشدر
هیچ لطیفه دیه اول سوزاوقنه | که اوجی خاطر دوسته دوقنه
غرض آلوده نکات سرتیز | ایده احبابکی بیزار ستیز
دیه‌لر آکه لطیفه ظرفا | که محلنده اوله جلوه نما
لفظی اندک اوله معناسی کثیر | اتمیه کمسه‌یی اصلا دلگیر
باغ دلدن بیکی قوپمش کل اوله | کوش ایدن وصفنی ایلیه بلبل اوله
بوی گل گبی اچه سینه‌لری | سینه‌لردن گیده رنگ کینه‌لری

مژدهٔ وصلک ایسه گوشه گله / ایشیدنه رغبت ایله جوشه گله
اینه نقل ایلیه بر شهر بشهر / قاله عالمده مثل دهر بدهر
بو بیله اولور لطیفه نه گوزل / اولمه شر کبی بلا غیری عمل
ایلمه کمسه‌یه ذم و غیبت / عیبدر عاقل اولانه بو صفت
قومیه یوقسه عالمی تولدیره یوق / کیمسه غیری معاصیدن چوق
دوستلر اولمازه اولور سندن امیح / ناملی اتکله ایدرلر تفریح
ذم و غیبت ایدر اهلی بدنام / بهره‌مند اولدیغی یوقدر بر گام
حق سنی حفظ ایده اول عادتدن / اوله‌سن ساده‌دل آسوده بدن

در بیان شرف لطف و کرم

ای نکه جوزمرهٔ پای اصول / ناظر منظرهٔ رد و قبول
کچ نگاه ایلمه همسایه‌یره / التفات ایله تهی پایه‌یره
امتزاج ایله گوزت حق جوار / چکمسون کمسه یوزیکدن آزار
یالکز لقمه‌یه باز اتمه دهن / حصه‌دار ایت یدوگک نعمتدن
ایله حاجتلری حشندگده روا / سایه‌یک ایله ملاذ ضعفا
کمسه‌یه بغض و عداوت اتمه / ترک اسایشی عادت اتمه
غضب و حدت جلیس گوسترمه / کمسه‌یه چین جبینی گوسترمه
حسن حال ایله کچوب گیتسه / خوشدل اوله هر کس دهر تا گیده

زیر دستانکی آزار ایتمه | سر تکلیفیله بیزار ایتمه
اولمسون کمسه یوزکدن درهم | خلقنینک بنده سی اولسون عالم
جور ایله کمسه نی آزار ایتمه | سنکا جور ایتسه بیزار ایتمه
یار اولور دوستلر بیله یار اولمه | سوز خلقیله دل آزار اولمه
کمسه نینک جور ایله جانین صیقمه | خاطرین یاپمغه سعی ایت یقمه
کمسه یه مدعی اولمه زنهار | مدعیدن سنی صاقلر ستار
غیر ایچون اولمه دو عالمده بیلا دلیر | نه وصی اول نه وکیل اول نه کفیل
ایلمین ناس ایله غوغا و نزاع | اولور آزار کیشی رنج صداع
اوغرمه دائره دعوایه | باشنکی صالمه قوری غوغایه
ایلمه کمسه ایله لج و عناد | که ایدر نائره عداوت اتقاد
شر ایشه ایلمه تحریک قدم | هر الک خیره اولسون مقدم
وارمه شکوا ایله باب شاهه | سنکا جور ایدسه هب صاحب اشتهه
سنده ظاهر اولیجق عجز و فتور | انتقام ایلمک قودرایته غیور
دست بر سینه درود بر لب اول | یوری وار بی غم و بی تشویش اول
در بیان شرف خلق حسن
ای سراهدکه ای بحر حیات | نسخه منتخب حسن صفات
مسکنت خصلتنی ایله اعدا | اول ملایم دل و درویش نهاد
اول

اول غنی حکیم طبیعه و تواضع ایلدی / صاحب گلستان فلاحه رشید
سکا حسن ادب و حسن سلوک / ایدر احرارکی ضروری مملوک
حسن اخلاق ویکل ارزانی / جلب ایدر و کره هیئاتنی
ویرر آیینهٔ قلبه اشراق / وسعت مشرب طیب اخلاق
خنده رولق اثر رحمتدر / ترشرولق سبب نفرتدر

خوی بد عادت بد مشرب بد / ایدر اربابنی مردود ابد
هضم اولنمز روش و اطواری / هر کیمک کاوله تکبر کاری
عزه اوله صفت شیطاندر / رانده بارگه رحماندر
اته ارباب تکبر له سخن / اولکه بزان متکبردر
همنشین اولمق اولکورنا جار / سن اکا ایله تواضع اظهار
عقلا گرچه شکرلر دیدیلر / سکا کبر ایدنه کبر ایت دیدیلر
لیک غوغایه جقر بر یانی / سن تواضعده صاقن شیدانی
طبعی ادمه اولور کبر و غرور / مرض مزمن و زخم ناسور ۞
درشن اول وادیه فلاح اولماز / مرض نکبتی اصلاح اولماز
اولمه مستانهٔ جاه و پایه / قرشو در رمه غضب مولایه
کبر و عجب و عظمت حقه یارر / قوله اما بو صفتلر نه یارر
بنده لک طورینه اولتو عملک / خلق ارسینه در ازاله الله

سنده ظاهر اولمیحق کبر وغرور خصم ایده ظلم ینه ایله غیور

طوتمه لم جرحه ایر شمر جاهد ینه ادنی قولی سک ایتمک

عقلله خلق قبول کدن سوزم کمسه یه دامن دوست اویدرم

نه قدر جاهل اولورسه عالی دامنک بوسه سن اولسون حالی

کندوکه عجب وتصور اتمه فادر اولدیغی تصدر اتمه

قنی دعوا جوسر جوقدر صدرک قورقرم ضایع ایدرلر قدرک

کمسه یه صنعه صقن جاه وجلال اتمسون تمکنی استقلال

سکا لازم سیره یوزلر سورمک قوله جو شمرلی انک اویدرمک

خاقه وبیر قوج وتواضعله سلام زورله ایمه تکلیف قیام

سکا تعظیم اولنورسه کوزل اتملیم جاهلیله اتمه جدل

سنده آماجلر ایشرم واد اولور البته مراعاته سبب

شرمدر غازه روی ایمان بیحیالق ایله عالمده یمان

حسن خلقیله کورسه ادابه کور حیا ایله اولان شادکام

ادب ار ایشیدرسن انک بی ادب تا بعیدر شیطانک

بی ادب اولمقله اولدی حسود درکه رحمت حقدن مردود

حشره واقعه عقبادر ساحه محکمه کبریادر

رفع ارسه بولیم بس قدرت چشم تقلیبنه یوق قدر فرصت

ینه

129

بنده‌یه چون خدا حاضردر حق تعالی هر ایشه ناظردر

قدرتنده نظر مولانک فرقی یوق آخرت و دنیانک

نقصدن پاک و مصوندر باری اولماز آنده تغیر طاری

حاضر و ناظر ایکن حضرت رب ایمه ترک مراعات ادب

سفها ایله مدارا ایله انبیا قولنی اجرا ایله

انبیا مسلکنی ایله قبول اولدی مأمور مدارایه رسول

بیمدارا اوله مز سنک راحت فخر عالم دیدی رأس حکمت

بی سبب خلق ایله غوغا اتمه ترک یاردی مدارا اتمه

اولمغه محنت عالمدن امین صحبت مدارا ایله یوقدر حصن حصین

یار و دشمن ایله هر بزمه شتاب مهر و شر ایلمه در ابواب

خانه‌دن چقمه که اولدر جنت کوشه خانه‌ده کنج خلوت

کشف راز ایلمه بیگانه‌یه ویرمه یول مجلسه هر اره

هر کسه محرم اسرار اتمه سرکی زیور بازار اتمه

هر کسک قولنه صادق صانمه مجلسده لیک منافق صانمه

کمسنک مدحنه مغرور اولمه کسر نفس ایلمه‌دن دور اولمه

اولور آلوده جو کابریا بوزرکه قرشو ولا مدح و ثنا

چکه‌ری فرق ایده‌مم اول سنجی کم سفیه‌ایچ ایدهر مدح سنی

سندن ایتسه اگر قطع امید / اوغرامز داشره که اوله بعید

وارمه غیرك اوینه بی دعوت / اوله اما اوره اهل حریت

وارمه کمسه‌نك مجلسی اوله اهل فساد / اولمیه انجمنی فسق و فساد

دعوته گرچه اجابت لازم / اولمیه فسق وله مستلزم

اویله مجلس اوله مرتکب محل / که ایده عرضنی ایجاب خلل

اولمه مجلسده نه برگونه غیور / وقتنکه زبانك اوله گوشکر

سخنی غیرك در و گهر ایت / ممکن اولدیغی قدر مختصر ایت

سوز ایکن ده سکا دستور عمل / معنی نکته دقایقله دل

اولور انده زبان بر ایکی گوش / سنده سویله بر او ایکی گوش

گرچه هر گونك ایلده حفت ایدر / نیله خاموش دخی نقلت ایدر

ایت کلامك نه قصیر نه طویل / سوزله وقتك نه خفیف اوله نه ثقیل

نقد عمرك فانی جیک میزانه / دیکر چو سوز بر اشو ار قرانه

سویلدکده سوزی ایتمه تکرار / ایلکی ذکر اوله یا استغفار

ذکره اولمه غلطان جنبان / ذکر و تسبیح گرکدر پنهان

هم ریا هم مخل نعمت اولور / اجری غایتده تنزل افت اولور

کمسه یه دیرمه خشونتله جواب / لطفله عرض ایله ایت خطاب

کمسه نك عیبنی اوزره یوزینه / گوستر کی یا تقبول ایت سوزینه

اولمه

ایلمکسه قطعا تجسس بیلر — اثم مخلوق خدایه تحمیل
بلکه بکلر حالنه طعن ایتمه عدد — که اولور حاصلی اندوه ابد
جوهر قلمی ایدرسا که عطا — علمی گوروش اکا جهلی سزا
جانیک رابطه حکمتیدر — قسمت عادله قدرتیدر
اولسون آرایش دهرک بو وقار — انکسار ایله بماند اولور حال
ترک ایلیوب جفا و شتم ایت — بد سخن و رشکی اولمه کرم ایت
هله نیرسک ایا روح روان — اولمه خاطر شکن و تیز زبان
کسر خاطر کنه هک اکبر بیدر — جمله معصیتک بد تریدر
ایله خاطرلری تعمیره شتاب — ایلمه عرش الهی یی خراب
قائل اولدی خداوند غیور — که خراب اولمه بیت معمور
اول کوزم نوری بو معنایی خبیر — اولمازا صلا بوکنه عفو پذیر

نهی اطوار نفاق و تذویر

ای ورق خوان مزایای مقال — سبق آموز دبستان کمال
اثم تذویر و نفاقی معتاد — که ایدر قصر وفاقی بر باد
حیله یه ویرمه درونکده سبیل — ابدادکل اول اولمه مخیل
مکر و حیله تبه مردار الشرور — اهلنک ما حصلی تشویشیدر
رهنمای عمل شیطاندر — فعلنک عاقبتی زنداندر

خیر الجوندن اجمیه بر ذره دخی　　ایلیه مکر ایله ایقاظ فتن

کندی اقرانی ارسنده مذموم　　کاری خیر و برکتدن محروم

کسب و تحصیلی اولور بدنامی　　غم و محنتله یچر آشامی

شهره در خلق ارسنده بو مثل　　جان ویرر محنتله اهل حیل

غدر و بد عهدی و تزویر و نفاق　　خبث اندیشه و سوء اخلاق

صفت اهل جهنمدر حسب　　اهل ایمانه اولنه نکدر عجب

دیدی مسلم اودر اول سرور دین　　خلقی اوله دست و دهانندن امین

حسب و دیعتدر ایا طالب کام　　عرض و مال و دم اهل اسلام

نهی اولوند نجوم و اسطرلاب

ای حسین خوان نظام احوال　　خواستکار سبب لطف و مآل

اولمه قرعه فکری رمل و نجوم　　که ایدر اهلینی منحوس و شوم

انکا هر کم که شروع ایلر اولور　　ایشی التوندن اوله خفلکی مسر اولور

چونکه تقدیر ایدر جمله امور　　آتیه فکر یچ اولوت ایله حضور

فکر مستقبلی بیلیچ حکمه　　یوره بیرد وسوسه تخمنی ایکه

رملک احوالنی کر حل صانمه　　غیبی انده بیلور الدانمه

فنی وار ایسه استادی عدیم　　علمی ناقص سوزی کج فهمی سقیم

کورمش جمله سنک احوالنی　　چوق منجم ایدر رمالی

اولدیغی

اولدیغی یوق هر بیسی برخوردار / بسته در رمل و نجومده ادبار

فوغم تشنه یی نقد ایلرسن / دوشوب اول دغدغه یه نیلرسن

دوشمه اول قیدلره دکل بیهده / صقلن حضرت اتمه سیخ

نهی الایش جام و عشرت

ای گزیده کنار حقه جان / سکه ناصیه نقد روان

اولمه دلبسته جام گلفام / که ایدر آدمی رسوای انام

خلق ایچنده سبب نوش اولور / قتی بی حرمت و بی عزت اولور

ایمه ام حبائثله صفا / که قولدا ایدر انواع بلا

شایلی اولوب ایل ایچنده سکری / سکا سرخوش دیه لر یا یکری

الحذر اولمه صقلن باده پرست / که ایدر رنج خمار اوری مست

چونکه نهی ایلدی خلاق حکیم / سنده اول نهی خدایه تسلیم

اولمه آلوده جرم و عصیان / اولمه شرمنده پیش یزدان

دوشمه دن دام گناهه عار ایت / اولسه هم در عقب استغفار ایت

اویله جوق بعض مجالسده دو چار / اثمه توبیخ ایله تعنیف اظهار

اعتراض ایلمه مستانه لره / اولمه طاش اتجی حیوانه لره

وضع بر حاله که قلدر بالیوح / سکا اولور وهنیه لاحق

نیه وضع ایلر ایسک برگون اولنجار / سکا بی شبهه ایدر استقبار

نکته سی چوق بو شفیعیه ایتمه | چوق بدنی نقصلکی تنزیه ایتمه
کیمه مذنب دیسک ای جان پدر | اوده سن ذنبلر الکلری بیک کز
غیر بیکی چون منه طعن ایلرسک | کندو احوالکی کورمزلرسک
کنهک صوکره پشیمان نلقدر | چوق ملک الجامی سیرت نلقدر
مجلس حضرت مولاناده | دیدی فخر ایله بیری دعواده
کورمدم روی شرابی اصلا | دهنم اولمدی صهبا پیما
حضرت قطب مدار ارشاد | داور محمیه فیض آباد
عجب و پندار ینه ایتدکده نظر | کاش دیدی وکندنسنی دیرلر
عارضی کیفه صقین اولمه زبون | اولمه دلداده بنک وافیون
بنک واسرار دخی بدتردر | بیله انده دکل آینه حذر
ایلمه چوق چوق جانکه شیره | اولمسون دیده عقلک خیره
رمضانده صرو افیونه کفچ | معده کسکی صره یه ایتمه مدفن
آدمی مسخره ناس ایلر | صورتی ناسزه نسناس ایلر
ایدر انسانی عقوره بدخو | بر روش بردا ابر کیجه دکو
کیف ظلمتکده اولور کوش خوار | کیف کتدکجه اولور وقف تلنکر
صورتی زنده ایکن ایلر مرده | رنکی رخسارکی ایدر پژمرده
طوتامم بر دخی اشرارکی | نه ییلادر لقب بنک بارکی

نهل

نهی الابس زیب صورت

ای سرافراز ده دلهام صورت | خاطر آزاده‌ی قید شهرت
اوله دلبسته‌ی زیب و زیور | اوله دلداده‌ی در و گوهر
گرچه تفریحی مقرر اما | اوله مزدور و کهی حرج سزا
مرده سرمایه‌ی احساندر زر | زنه پیرایه‌ی ابدا ندر زر
شرک ارشر نسوان ایله‌یه | زرک افزونی ایله احسان ایله
جامه وزرله اولور جلوه نما | بایله بالذاتی کورده انسا
جامه‌ی شهرته تا پوینده اول | بولنان جامه ایله خرسند اول
بلکه کرچه کوزلدر اما | هیچ کرمن باکر اوله جوشکده قبا
کونه کونه آرایوب کالالر | ایله جامه ایچون غوغالر
کیمکه کالا ایله جسمی جونه در | بار کیم اولور کورنز دیر بوبه در
نکیرسه ایسه کی اقرانک | اویوز اقرانکه طرز نشانک
کندی امثالنه اولیش حالک | نه قدر وار ایسه اقبالک
بلکه سوز خلقه بسط و اهنک | احتذار اوزره کرکدر آهنک
اولسه موزه به مقدورک | بیرینه نافه طوتر سموزک
مرده حیوانه دریسیدر سمور | عقل اولمز انکله مسرور
کورده کنک اطلس و دیبا دیه | بویله بر کفنی کرم حقیر

اولمه دلداده نشان و شهرت | شهره دردلده کی شهر آفت

کورک معدوم و مکر رجا مه | کوشررادی قت قت دامه

احتشام ادمی مدیون ایدر | دردی افزون جکر پرخون ایدر

حالکی ایلمه بی وجه اتلاف | الذی مغضوب الهی اسراف

شرع حکمتده بو تمثیل | عزه و مال دراقوالی دلیل

اهل حکمت دیدی جمع اموال | کسب سرمایهٔ اسباب نوال

برکران سنکی قوبر موج کبیدر | قلهٔ کوهه چقر موج کبیدر

خرج و صرفی اکا کردان ایتمک | کوه دامانه غلطان ایتمک

قنغیسی صعب ایدوکن اوی عاقل ایت | اعتدالی اشکه میزان ایت

کورشکه بو سوزی ایله کهر | دکیندن یکی صقرن ای جانپدر

ادمی دیرع دیکر کوران لیلر | کرفلاطونه ایسه مجنون ایلر

دیرع داناری ایلر کودن | شیر مردانه ایسه ایلر زن

جسمی صحتده درونی خسته | داینه بندهٔ کردن بسته

وعده بی وعدهٔ تسلیم حیات | حبسه تکلیفی فرار اموات

باخصوص اوله غریمی شریر | ایده هر روز دماغی تکدر

اصلنه ضم اولنه فرعی ربا | قامتی بار ربا ایده دوتا

امر سرعتک هیچ فرمایه کلمه | زور شاهدارک امداده کلمه

ایرد

ایده هدچونکه با جال جفا　　　دردمندی ایدر خلقه رسوا
بیلمیه دینی ادایه قدرت　　　اوچه چشمنده زمانه حلت
دیندن بو یده کوزم نور سنی　　　عقلمی حضرت استدسنی
خوشند راسباب وبا طلی تموح　　　دیری سنز آچی وبر هضه یا تموح
دینه نسبتله بو بر نعمتدر　　　هله دعوا جسی بو ده راحتدر
دیر مه قرضیله صقی یکه یار　　　کاه دلو صکره مودی جدال
خلقه دهشت حوخ نادر　　　گتم وانکار بهمان حاضر در
بگچنور دیر مده حقی مثلی　　　کاه دیر ایلمک انکار ویکیچ
کیدرک صکره اوزار صکنی　　　بکاو دیر مز بیدر در حکامه
منتسبدر بر نیه اغیارک　　　حقکی اسنه وار یه جانک
١ جان اتر خانه سنه اولسه عنت　　　دیر اولر ظالمه رشوه غیرت
٣ بز اول ظالم اودم نقصیر آتنه　　　عزم ایدر قاضی وقفتی قانتنه
٢ دیرسنک بجه افندم وار یکی　　　حقکی المو نه دیملدر بندن
ان عکا حیله تخویف ایدر　　　اقچه دن کچ حیو تکلیف ایدر
اگر اتمرسه فسونی تأثیر　　　جوش ایدر موجه بحر تیز دیر
دولت هدرا ایله دعوا　　　یا بمه محضر ایله فتوا لر
هر نه ایلرسه ایدر اول مغرور　　　ایدر ابطالنه بذل مقدور

بویله در شهدی زمانک حالی　　دشمن اولمش همه خلقک مالی

شهر اعیانی ظلم فقرا

جمله احوالده عزمی واری　　اول طلبکار رضای باری

ائمه اعیانلغه زنهار یتورمز　　اوسطالنی اولور او دولت اکابر

اولمه مرجع ارباب امور　　ابتدا لازم اولور ترک حضور

هم ولایتلی ایدر رشک وحسد　　هم اوشه قصد ایده حکام بلد

نقدر ایلکه سعی ایتسک سن　　ظلم حکامی بلورلر سندن

ایو ناحیله اوشرسن دامه　　ایو آدم بیرامز حکامه

اقچه در مطلب همه حکامک　　نیلسون مرحمتک اکرامک

پاره یی انلره رشوتله یاراک　　علم وعرفان وصلاح کیم ارار

ایلجی قوشر کبی حکام زمان　　الموب ایشرنه ایودرنه یمان

ایلمشر چشمی نکار الموباز　　بیله ایودی الکا بیک بر غماز

حشمه وصنده اوجار اهل فساد　　که اولور موجب اخذ ایراد

شرعله کورسه اموری حکام　　بیرمز قنده بولور شهر نظام

سبب شهرته حب اعیانک　　کوره در مصلحتی سلطانک

مصلحت کورمیه اعیان اولماز　　خلق الکا بنده فرمان اولماز

اقچه بز مصلحت ایله بتمز　　بلکه صاحبنه خیر ایتمز

بودر

بو دور اعیانی دیگر کاری — روز وشب منتخب اقوالی
طرهٔ طبل ستم چالدرمق — حاکم شهره تکارالدرمق
خلقی غمزاتمه شهرت بولمز — نافذ اولمز اموزن رغبت بولمز
انلرانمز اراده خوف ورجا — رتق وفتق امور عجیبکه اکا
غم دیگر یم دیکل کاری — هرقده رونق بوله بازاری
اوله اعیان تلفه هر کم عار — بسکه حیا ادب اولمق لازم
کسب شانی ایچون ایدر چوق علی — خلق باشا ایده قاضی یه فدا
پایه سندن نجه کور رشوه ایه — اندن اتمیجک مبتلا یه
خلقی قور قیتمغه چوق علام — او کدر قورقنوری حکام
مال واشیاسن الوب ویرمکیم — ایتدرر اهل قراسن نجیم
هم ویره حاکمه هم کندی الور — حاکمه نصف یا خود ربعی قالور
دیدکلریم کیبی نجه تازه ظهور — جانه ویره او ملغیلی اهل امور
جمع ایدوب هر قاچ اتو حد منکار — ایدر آبا علم تقلید کبار
اشتبار اتمکلیچون کندونه نار — کوستررجلی حبیبی شیرهٔ نار
بوراجه خرجه جان اتر رغبت ایچون — صوقتولور هر دولوکه شهرت ایچون
صکره احوالی بولنجه تمکین — الکار حقنی دایم مسکین
شهر ویرر جابه وجلالیه نظام — تنگ جهانه ادینه بیلو حکام

طالعی یاور اینجه رسوخ / رسم تقلیدنی ایلر تحقیق

اضطراب ایلیه‌کر مبدئنده / یر بولور حکمی هیچ انده

رتبه‌سن طی ایده‌کن اقرانک / اولور اوج بهرینی اعیانک

قائل اولمز نیجه‌سن اول کامه / قد [illegible] حال شورا عدامه

انتقام المق ایچون اعدادن / باکه یوق فتنه ایله غوغادن

کندی قوللغنی ایچون التینه / اهل غرضک کیدرر راحتنه

وردی اول اوله ولایتده فرید / یوزیلرین اوله اوتیلی مزید

نافذ القول اوله دمر جمله / خار اوله غیر یلری کندیسیله

دوشمسه بر مصلحت ادای ایشن / دخی اوله انکا نقرا

جمله تصویب ایده رتبه بیرر / نکره رد ایلمیه تقریرینی

ضرر ایلرسه انکله قطعا / دیمیه کمسه خطاسینه خطا

قول و فعلی اوله دستور عمل / ایده دستورلرینی ضرب مثل

بیلک دهر اکه ویرمز فرصت / که سوره باشلو یاشنیه دولت

بو دستوراکه دخی نیجه رقیب / ملعنتده بری بیرینه قریب

قومز ایشلرلر یکه هیچ لذتیله / اتمنه طوتمغه کرمیشله

بجره نعمتی ویرر غوغاسز / هیچ فرقی اولور [illegible]

اولمره تشنه حقونی بربرینه / اولمیه تاکه زبونی بربرینه

ایله

ایلیه خصم تصدی ناگاه حالنی صورمه عیاذا بالله
اولدر خصمنی یاکندی اولور حکم ایتسه البته بر اوجینی بولور
کیمی حکامه تغلیبلر ایدر سوزینی اجرای تصلب ایدر
التجا اتمیجک حاکم اکا حکم فرمانی اولور روبقفا
خواه و ناخواه اولور رایینه رام حاکمی کندی ایدر استخدام
اوله بر یرده که حاکم محکوم اورانک حال و مآلی معلوم
حاکم شهر اوله ایدنجه غلبه صیغهٔ شهرتی شان و جلبه
او زمان کورانک استقلالنی نخوت و کوکبهٔ اجلالنی
سوزلری زهر ترش چهره سی نار سوزنی رده کیمک جره سی وار
طوعا و کرها ایدر خلق زبون اتباع اتمیه نک حالی نکون
اکابر کرده طانشمزسه اکر ایدر اول مصلحتی زیر و زبر
باغ و بستان و دکان و حمام حصه ویرمزسه اکر کاری تمام
امر و فرمان و شهود حجت ایدر آنی اولمه یولمز صورت
بر لسه اولمه سهوا انکی قالماز اخشمه او کونی تیر
زور ایله خلقی الور املاکی زینت ایدر دائره ناپاکی
فرون و قهوه و دکانی وار احتکار او غرضه جانی وار
صاحبی تمز ایچنه حیله قتار نه بها استرایسه اکا عیار

شهر تکلیفنه اتمز تصرف		ایدر اثبات عجزی البته موقف

عالمی انلر ایدر کی کاریه		چکدرلر فقرا ایله باریه

نعمت اولدولته کیم اوله غدا		اشک چشم فقرا صبح و مسا

غوچ اولور دولت و جاه عالیه		کلمه‌لم عاقبت احوالیه

کورجز گرچه کیم شیشهٔ ضرورت جنبیر		ایک چوقلق شیشهٔ عمر چوق سورجر

گوررلر الا ایشی طول املی		بولور البته جزای عملی

اولور اولکمزه اگر موته قریب		کیمی منفر کیمسه قلور نصیب

طولاشور ایغنه اعمالی		هب کیدر عرض و وجود مالی

سیل اولور اشک ستم مظلومین		دولت و عمرینی ایلر ویران

معتقد لجه عرض اهل الله‌ده دار		که دینور اکا اعیان و یار

کند و حالنده قرشمز برایشه		قوم ازاد سرین تشویشه

منعمی الکا وجه ایراد		یا یدر وقف یا وقف اجداد

یا اجارات و یا محصول عقار		وجه راحتدن ایدرلر کار

آیده یا یلده کورر حکامی		خوف و راحتله کچر ایامی

اوله اصحاب تغلب هجار		ایدر انکله مدارا ناچار

حفظ ایدر رفقله عرض و مالی		کچر رفقله ماه و سالی

بعضیلر وارالکی دخل ایدر		هیچ ایشه کوجه یرامز دیرلر

بکم

کیمی عاجز کیمی دیر همتسز　　کیمی قودرقوق کیمی دیر غیرتسز

اولسون اشرله بلا صحبت　　بجره عمرینی باری راحت

عالمک فوقنه اشته اول ایدر　　علمیه آنی بیانه سویلر

سن چالش کیم اوله سن ایدرون　　حکمه اعیاننه اولم هر چی

علمی اولمه حذر ایت اعیانه　　وار مه هیچ محکمه دیوانه

چقمه ایلرچه درخانلردن　　طشره میل ایلمه کاشانکدن

اکتابی الکسد ایله درک　　اولمسون خارج دردن خبرک

اوقی تاریخ وحکایات و قصص　　ویرر انسانه فضایل خصص

شغلک اولورسه حدیث وتفسیر　　نعم الایام ونعم التدبیر

اچمه سوز قاضی ایله پاشادن　　سکا لازم دکل اول کونه سخن

مجلسنده ایکی الورسه دله　　ای اسحاقته چالش صنعتله

ایتمسون عمر کذر لقلقله　　خلقه تمسخر کی اوغراصقله

قانع اول دغدغه یه اولمه اسیر　　نانه خشک ایلیجی تک اوله

ادمه لازم اوله نه احقدر　　قودیمونلر سکا بی همتدر

نهی الورم کی کذب وخلاف

ای بهیه نقش سرا پرده وجود　　ادب آموز دبستان وجود

ارتکاب ایتمه صدق کذب ودروغ　　کسم اولور صحیح مقالنده فروغ

مرد اولان کذبه تنزل ایتمز ذلته وکذبه تحمل ایتمز

حتی بی عار وحیادر او خبیث که ایده کذب ایله اغزینی تلویث

کذب معد وحد اصلح یوقدر باب اسلامده فصلی یوقدر

کذب ایدر اصلاف ذات امور ارتکاب ایتمز آنی اهل شعور

اوله مقصودی اگر اصلاح خصوم اولمیه کذب ایله کلدر مذموم

یوخسه هو لفظ اوله محض خلاف اوده بیهوده ایدر لاف وگزاف

اویله شخصیله صفق الفتدن تا رخ کلور او صحبتدن

دیدی سلطان رسل فخر دهور بر دقیقه که ایده کذب ظهور

سوی بر ایلر او اطرافه حلول که ملک ایلمز او رحمه نزول

تا اوتوز میل قدر دائره ده او غرض اولاجه او منهیه ده

اولمیه منکر انکاری شدید سوزکی ایتمکه قلمه تمهید

نیجه روا که مباحات ایدر کذب ایدر نقل محالات ایدر

ایدر اثبات حکم کذبنی تصدیق قسم شر نطاق تحقیق

علم بالتعهد اولان افعل قدم جانه ویرر ایلمز الله قسم

بیمیه جاهل و نادان و عنید سوزنی ایلر قسم ایله تمهید

گورمشز چوقه نیجه بی فکر و دکر هر سوزنده ایدر اوچ دفعه یمی

بو بنده اشتغلی نیجه دخی دیده لکار ایدر اطلاف و لایش اظهار

بج؛
دیهعلیه

چونکه ایتدی اهل دل اعلام مهم   کذبنک شاهدیدر قطمیری
ویرمک شاه کراماته فروغ   بسط ایدر ینجه سر زوبای دروغ
کورمز اول کس ایکی عالمده فلاح   که صفته ساخته تقوی و صلاح
اولکه آلات معاش دنیا   خرقه و تسبیح و ردا
فیض بولدر دیر انسانه صدا   صوت و نغم و الهی و سماع
اکر ایتدی ایسه سلف اهل طریق   شمدی تقلید ایدر کی بی تحقیق
اکر ایتدیلر دی ایسه دوران   سلف جاذبه‌لر تابی
بیله اول جذبه کلورسه کوزلر   کیم ایدر جذبهٔ حق ایله جدل
سوزمز زمرهٔ تقلیده در   بحثمز رقده دروشده در
سکر و وجد اولسه اوجذبه جلار   کاه مستغرق انوار جمال
بو خسته تقلید ایله هر ابله   ایده دعوای ولایت مطلق
بخدن اول بیهوده کو بدتردر   انی تصدیق ایدن اندن بتردر
باخصوص ایده مدار دعوی   قصد تحصیل معاش دنیا
خالق اشیایه صفته قرب خدا   خلقه اسر صفته اول خیر دعا
ویرمکه زهد و صلاحینه رواج   حلق نعمت بیجک اوقالور اچ
ویرر اول غله فروش طماع   جنته نقد فزور قیمت
تاج تقلید و رداسی تقلید   سوزی تقلید و اداسی تقلید

یوق سپاه و تکیه ایده انی پناه　　صارینور باشنه دستار سیاه

جره جر نفسی تنزل اتمز　　کاره جر طبعی تحمل اتمز

علمی یوق معرفت و صنعتی یوق　　کسبه سرمایه‌سی یوق وسعتی یوق

ایده تحصیل معاش انله ؛؛؛　　زهد و تقوایه اوزدی صورت

برایکی حرف تصوف قاپمش　　کندویی پیر طریقت یاپمش

مسلکی شعبده کاری دغل　　جذبه‌سی ساخته سکری حیله

نه کوزل بولمش او عیار عتیق　　خلقی الداتمغه اسانجه طریق

نچه بی عقل و تمیز و حابز　　صنه کرچک اویه دست و بایز

الدنور آکه عوام بی عقل　　افتی ریله ایده غیره نقل

رفته رفته اوله رو شهرت یاب　　تکیه‌سی اوله ملاذ احباب

صدمه عزل یمین بی کسل　　لانه ظلمه صونش کرکسلر

سوره لر پینه روی بیداد　　نفسندن ایده لر استمداد

باخصوص اوله او شخص طرار　　نازکی رند و ظریف و عیار

کوره اصحابنه رنگ یار　　کوستره مقصدنه ایمالر

اغزنی بورنینی ازوب بوزه رک　　سوزه کره تا قراری کوز سوزرک

سوز خلالنده بش رتلر ایده　　سوزی مقصودی اشارتلر ایده

جقه بر حکم قضا بی کم و کاست　　اتفاقی سوزینک بر ییلی راست

کدر

کورمجوس اولماز اعیانک عزت ونخوتینی دربانک

ملک الموتی ذکر دائمنه اوغرادرلر همی پیرامنه

تکیه‌سی قبلهٔ اهل حاجات یوررامواج نذور وصدقات

اللر اوپرکی اکا خاص انام نشئلنورلریه سیه‌لکوش عوام

کورلرحسابنی ولوح وتاجک بولمه بر بو عید ر استدراجک

سنده اولیه صفلیه لکبراهه صفی اولطائفه دن اللهه

اولیاهیچ صفی الدنمه ساخته وضعنی کرجک صانمه

اولیا حالنه شنزلمی ایدر ثقلت ناسه تحمل می ایدر

اولیامه نه ایشی وار دلقک ستر ایدر حقی نظرندن خلقک

خلقه باقمز که ولایت حقه اول سوزارسینه کرامت قته اول

اولمشر اول محو فضای اطلاق نفس الدرمز اکا استغراق

اولیا مرده‌یی احیا ایدر پیر صدساله‌یی برنا ایدر

اولیا داشه بقرسه زر ایدر حس وحاشاکی دروکوهر ایدر

اولیا درنده‌کی حضرت جابجا زیر قباب عزت

اولیا دراماتی اسرار اولیا درادبای ستار

سوم وش کندی زمینده بر پا پر تونلوری حصار عرشه ضیا

اولور ارایش چشم افلاک اولیانک قدمی بصدیق خاک

اولیادر سبب حفظ جهان اولیا ایله طورر کون ومکان

روحدر قطب جهان کون بدن روحسز قائم اولوری صحیح تن

دیه بر طائفه یه فخر جهان آه شوقاه لقای اخوان

لوطا اخوانه وزن حال ایت اندکر رتبه سن استدلال ایت

نه گدا اندری نه شاه بیلور اندکر رتبه سن الله بیلور

اولیا بویله ایکن هپ احمق [illegible] ولایت صاتمق

نه روا رهزن حق هوا رغاد کندن اوز زمره‌دن اتمک تعداد

دزنی ایدرمی بولنه میزان شهود دعوی سلطنت ایده محمود مسعود

اب تازی بکینه هر بر خر سنک خارا صدفه کندن گوهر

اوره‌می مجمره افروز وجود شاخ بید ایلر ایسه دعوی عود

کیم طوترا شه میاه عالم دعوی عزت کشاح زمزم

هله چوقه جره نه چوق نسر اد ایلمک دعوی نزدیکی رب

اولور اول طائفه نا مقبول هدف بغض خداوند رسول

دیدیکم طرز ریاکاراندر — طور بازیچهٔ قلاشندر

یوخسه هر سالک درویش دکل — عاشق صادق دلریش دکل

یوخسه چوق کمسه وار بی تشویش — اولمش اول جان ویکوکلدن درویش

صدقی وار اولمیه اهل وصول — سن بینه انلره ایچ چشم قبول

اولمغه بارکه حضرت یار — قانلر اغلر چالشور لیل ونهار

ایله اولشکله قویان جذبه احتیاج — ایدر اقتیدینه برکون ملحوح

باب جوع طشره دن اولماز مفتوح — انکا باطندن ایرر فیض فتوح

اویله صادق فقرا چوقدر — بویله درویش اولنه سوز یوقدر

بو سوزی دیلو فنا ایجه کسر — هیچ چشممنده دکل بر مکس

دست اورمش نمهٔ عرفانه — نظر اتمز کهر شاهانه

هله بردن دکل انلکی ردسزا — خرقه پوشانه ره فقر وفنا

ایله سن حسن نظر مجتهد اول — فقرا نزدینه معتقد اول

حسن ظن ایلمز ایجاب کدر — سوء ظندن اولور ادکو ضرر

علم وعرفانکه جلمه تنک — نفعی وار معتقد اولسک سنک

ایر بو معنیه دلیل استرسکر — صحة امته الحجر الاسود بس

در بیان فرح فصل بهار

ای تماشاکر صنع باری — ناظر کارکر هشیاری

سیر چوق فصل بهار اولدقجه | موسم گشت وگذار اولدقجه
چمن اطرافنه گاهی گذر ایت | اثر رحمت حقه نظر ایت
صانعک صنعتنه اول دیده گشا | کایلمش مرده زمینی احیا
گوسترر صنعنی چمن بر وردن | سبزه سرخ وسفید وزردن
دال انده قومز دردکهی | جلوهٔ تازه نهالان چمن
نیر طالع شوقه بر وبار | طرف کاشنده اقر آب زلال
غنچه نک خواجه سی وار باننده | ال کاغد طولوجه دانده
لب جوارده چمنلر خوبشقدر | جلوهٔ سرو سمنلر خوشدر
دیررلر انده حیات تازه | نغمهٔ بلبل خوش آوازه
گوشش قیل نغمه سنه مرغانک | اقتضا ایدر ایسه انسانک
قومز آیینهٔ خاطرده غبار | نغمهٔ چنگ ونی وموسیقار
نغمهٔ شوخ خوش آهنگ بشر | خواه وناخواه ایدر انسه اثر
نغمه بر منطق روحانیدر | نغمه نک لذتی وجدانیدر
جانفزادر نغمه انسانک سسی | دلربادر نغمه روحانیسی
خانهٔ جانه ویرر نور سرور | نشئهٔ نغمهٔ نای وطنبور
نسخهٔ جانه دکر شیرازه | تار دن صادر اولان آوازه
حظی وار گرچه که آوازه لرک | دکلنور نغمه لر سازلرک

لبا

لیک احضیر نشر اسباب صفا　　ایدرانی لکه خوار هوا

گرچه کیم نشوۀ ذوقیله لذت حیوان　　التزام ایلمک عالمی یوق

ذوقی ایت غیریده اولدقجه دوچار　　خانه که لیک کتورده زینهار

انده هر عبرتله گوش ایله　　لذت نفسی فراموش ایله

گر حقیقتده اولورسک سامع　　اولمازا اوقات شریفک ضایع

موسیقی حکمته دائر فندر　　بلنه بلمینه روشندر

نجه اسرار وار ادراکی ایده جک　　پیر کلور سینه لری چاک ایده جک

اعتبارات تقاسیم فصول　　امتیازات مقامات اصول

پرده وبیش وصوت عمل　　کار نقش وشعب وقول وغزل

هر بری حکمتله مملودر　　جابجا ریاضیه صوار بر صودر

نغمۀ یابس وحار وبارد　　چشمۀ محض حکمده نفوذ وارد

هر بری بر مرحله نافعدر　　ضدینه دو بر سیه دافعدر

زیر وبالاسی موادر اما　　دائر اولورمی هواسز دنیا

بسته در دائرۀ اوقاته　　استطالاتله اخشیجاته

حاکم کون ومکان مضمردر　　الکلم حکمتی اولکم گردر

سره دائر دخی وار نیجه کلام　　که دکل اکه محل گوش عوام

بو بیله جه ذوقی ایدر اهل رشاد　　ایلسون ذوقنی الله زیاد

در طلب حسن کلام موزون

ای صفایاب کلام موزون　　آشنای سخن گوناگون

طبعک ایلرسه اکر شعره هوس　　سکۀ معناسنی فهم ایتمک بس

سخندان شعرای اسلاف　　ایدر آیینۀ قلبی شفاف

ترک ایده نفعی ایله باقیه یوح　　غیری چوق نادره در بیت ملیح

اکثر شعری متیندر اما　　غیر سینده داخی وار چوق معنا

شعرای عجمک چواسنه　　حسن معنی و معارف کافی

طالب و صائب و عرفی و کلیم　　فیضی هندی کا نظیری و سلیم

تازه گویان زماندر شوکت　　معنیٔ تازه یه ویردی صورت

صاحب خمسه نظامی خسرو　　هر بری جلوه ده بر معنیٔ نو

جامی و انوری و خاقانی　　هر بری ملک سخن سلطانی

بلبل شاخ طراز شیراز　　سعدی و حافظ معنی پرداز

سخندان قدمای شعرا　　هپ بودر بیری بریندن اعلا

یوق نهایت شعرای عجمه　　صعب اسامیلری کلمز قلمه

بزده وار اکثرینک دیوانی　　آدمی فهم ایلیه کور وجدانی

شعری چوقدر شعرای عربک　　که اودر مایۀ شان و حسبک

دیمه ابیاتنه ناموزوندر　　انک اوزانی چو دیگرگوندر

نحو

نچه معنالری وار رقص آور / شغل اسما و کرا سماعه نثر
وار ایچنده نچه اشعار کبار / که قومز آیینه‌ٔ جانده غبار
نچه بیک نعت شریف نبوی / مدحت معجزهٔ مصطفوی
نیجه قطعهٔ الماس ثمین / هر بری در کرانقدر ثمین
انتسابه جالنز اول اشعاره / آره معناسنه فهمه چاره
عربی بلمیجک ایشر بثمز / فارسی عارفه تنها یتمز
عربیله بلنور جمله علوم / علم اولور بی عربی نامفهوم
لغة السنه سلطان عربی / عربی قبله و قرآن و نبی
بو ایکی بال ایله ایلر پرواز / طائر شعر معانی پرداز
حکمت آمیز کرکدر اشعار / که حکمالر اوله اشعاره مدار
آب حکمتله بولور نشو و نما / کلشن شعر و ریاض انشا
اولمیه شعر مجاز مطلق / ویره معنایه حقیقت رونق :.
یوخسه هر نظم تهی و ساده / لفظ معنادن اوله آزاده
تا ره مضموندن اوله خالی / اولمیه شور ایله حالی
باخصوص اولمیه تشبیه تمام / استعارات و جناس و ایهام
دیمه دن شعری سکوت اولادر / شعردن مقصد اولان معنادر
باقسک اکثر سخن شاعر خام / سنبل زلف و می بلبل و جام

چشم مژدا ابرنا دلبر دلاح | قد و خد و لب و چشم ابرو دن
که بهاره طولاشور که چمنه | ایلشور سرو گل و یاسمنه
ره نا رفته م جولان ایده مز | صابه واد یدی سیرم ایده مز
ایده مز صید معانی بلند | اته مز غیب شکارینه کمند
نیچه مز معنی خاییده ایله | لفظ مشهور جهاندیده ایله
ایکی مصراع دراول بیت دوتا | کاولمیه تازه قماش معنا
سو یلمه شوی تهی معنا دل | اغلمه کلمه بالقش حادل
نظم ایتم اولمیه معنایه قریر | کندیه خاتم بی نقش نکیر
شو بی معنی بی ابهام | بکزر اول جامه کم اوزره جامه
قوقوسز لاله یه بکزر او سخن | که اوله لفظی تهی معنادن
بکزر اول مطلع خالی جامه | مغز دن عقلسز اولان بادامه
آیی یوق دلبره بکزر او کلام | کاولمیه اندن جناس وایهام
اولیه پاکیزه کرکدر اشعار | که ایی بر شیدن اوله حوار
اوله معناسی کوزل لفظی متین | خامه خاکه قویه تحسین
هجودن الحذر ای صاحب بدر | که و بیرمشرب عرفانه کدر
حسنه صرف ایله سوزی شاید | خلقی تسخیره چالش قادر
شیز فراموش اولنور شر سخنی | نظم اما که ایدر دور دهمی

الحذر

الحذر شوکه اوله هجوله شوم — خلق بیننده حقیر و مذموم

هجوه مائل سفها در الحق — عاقل اتمز انی ایلر احمق

هجو در قاعدهٔ خودکامی — هجو در واسطهٔ بدنامی

کسوهٔ نظمده عیبدر هجو — سبب ذنب بنا اعتقدر هجو

هجو قت قت سبب روسیهی — کیم او قورسه سکا عاید کنهی

سنی اتمشسه بری غرضا دلگیر — قو الله فعلنه قلبک تکدیر

انی لازمی حمان هجو اتمک — سفها کتدوکی راهه کتمک

انک ایتمکسه یتشور قادر ایسه — انتقامه چالشور قادر ایسه

انی سن لطف ایله بنده — عفو و اکرام ایله ایت شرمنده

لطفدر مهر دهان اسرار — اوله مز لطف و شر افزونکی عار

سکا بیوجه ایله ایتدوکه جفا — سبب شرم و حجاب اوله اوکا

وجهی وارسه سببی ایله سؤال — اوله اثر زن کا اوله جدال

بلکه نادم اوله اطوارنده — اعتذار ایلیه گفتارنده

سن قبول ایله بو بیندی بنده — دوستلق وار ایکن اولمه دشمن

[illegible]

دربیان فرح صبر و شکیب

ای شتابندهٔ عز جا دیده — رو بر وسای عروس امید

صبر قیل ایته امورنده شتاب — صبر مفتاح فرجدر هر باب

صبر ایله دوست اولور دشمنلر   صبر ایله زهر اولور شکرلر
صبر در عقده گشای هر کار   ایر ایشور صبر ایله صبحه شب تار
صبر اسماء الهیه‌دندر   حکمی نامتناهیه‌دندر
اولکه حکمتده شکر ایلر   صبر مفتاح فرجدر دیدیلر
٣ قلبکی دغدغه‌دن پاک ایله   هر ایشنک حکمتنی ادراک ایله
٤ سکا کشف اولمیه باب حکمت   اوله مزسن هوس جاننده لا
١ اولمیه تا که شرر جنت و نار   اولور انک صاحبنه عاشق زار
٢ تا ته معنی‌لام سحر بیدار اول   واقف سجاده استغفار اول
ازدواجلده تحری ایله   صقین اولنمه تسری ایله
حسن خلقی عملی چوقره نه گوزل   ایو چوقمز اولور ایش بدل
نه بلا برزنه محصور اولمق   تازه ذوق ایلمدن دور اولمق
بلکه بر جهتده چیقه بد خو   فوقه دیر سکه ایشه اولمه یاهو
معضی کوچ ردی دخی مشکل اتر   بر مصیبتدر اوکم عمره سورر
یوق کنیزکده هله بو محذور   تازه‌دن تازه‌سن الور ایله حضور
نازک و نرم ایسه المه اوترک   اک ایوسی اولور انک منحوسی
خاین اولور او ریسکه دوزنی   قیوار دنده قور رلر یوزنی
گرچه چرکس ایا زه اویله دکل   اولمه انلاره هیچ قلبی مائل

اعتقادینده

اعتقادنده دکل اهل فلاح　　اولمیش پست زن اسب سلاح

اتمدن رفع بنات ایمانه　　اولور آمیختهٔ اشیر و کمانه

کولسی شیر و تفنک استرلر　　اورمنوز عرصهٔ جنک استرلر

چوکسک جاریه سی افت اولور　　ابازه قزلری بی عفت اولور

مسقو و نمچه و افرنج و مجار　　جمله سی خاین و بی برخوردار

بونلرک بیری مسلمان اولماز　　نائل دولت ایمان اولماز

عربکده چوغی اولور بدخو　　کرچه کم خدمته ایلر تک و پو

حسن الوجه دکلدر اکثر　　خام سودا ارکنده کی صالح

اولمق استرسک اکر کیم راحت　　کرجیدن غیریه اتمه رغبت

کرچه کم اعرا اولور تنبل اولور　　جاریه سی کرلی اولور مهمل اولور

باغنک زور درسرا اولور چمنی　　کبهله متتاسی اولور بیر چمنی

لیک افندیلر بنه صاحب اولور　　جمله سندن نظر دللایچی اولور

مستقیم نه در اطوارکری　　صدقه نزدیکدر اقرارکری

مطلب مزرع و کشت خرمن

ای نویسنده مزرع راز　　خرمن افراز چراگاه نیاز

عمردن اولمغیلچه برخوردار　　اولمیه هیچ زراعت کیجه کار :.

زرع ایله تحصیل نعم　　اوله کار جناب آدم

که او دهقان ایده ارضی تمیز / اکا رشک ایشه سز اکاو زمین

چاک ایدر خاککی بنی آدم الحق / تخم اکر تربیهٔ عالم ایچون

اده بندهٔ کردن بسته / اولمه قچه اولمز وارسته

سن حضور کده کذرکن اقا / او سنکیچون چالشور صبح ومسا

گاو چاک ایلمه میدانی / عجبا قنده بولوردک نانی

تخم قنده اکیلوردی اولمه خاک / اولمه تخم اولور خلق هلاک

تخمه خاکی کیم ایدردی سیراب / اولمه بحر ایله دولاب سحاب

کرمی سردی ودوار فصول / اولمه خرمنه کلمز محصول

دونمه دائرهٔ لیل ونهار / مهر وماه ایتمه بسط انوار

کوکده اولماز ایدی رنک کمال / عالم اولوردی هم آغوش زوال

مستند بر بر ینه آب وهوا / مرتبط بر بر ینه ارض وسما

سر بسر نقشده رسام ازل / روبرو ماضی ایله مستقبل

اول واخر آثار حکم :. / بسته در بر بر ینه مستحکم

اولمغه دقتنه دک جلوه نما / اولور انواع هاکلده بقا

دست حکمتله طولو کوکسی حکمت شر / دامن شام کریبان سحر

دیدهٔ عبرتله اول نکران / هر کیهر دامن کان امکان

صانعک قدرتیدر ایله نکاه / واقف اول سرینه سبحان الله

امدی

امدی سیر ایت حکم مولایی   مزرع آخرت و دنیایی

هر کشی جام جزا ایچه کرک   خیر و شر اکدیکنی بیچه کرک

بو محلدن قوییه لم فردایه   حکملم ارپه ایله بغدایه

اتمه زرع علف عمرک تلف   بولنور قسمت اولان نان و علف

زارعک ایشی یاپانده کرک   کوزی بیرده ایله صمانده کرک

کندی دستیله اکن خیر کورر   غیره اکدررسه انی غیر کورر

استقامتلی مزارع یوقدر   خاص اشرسک اکرییک جو قدر

املکه دیر قوکلی صعب یرلر   بتمدی دیرمدی مولا دیرلر

بو سنه بلکه اولور صو اکر   تخم ویرسک انی داخی یرلر

ربی کرم ایلیکه ویردکنک   غمنی یرسک امک چکدیکنک

قرض نامیله چیرز عالک   غمه خرمنک ایدر رهالک

حبس ایدرسک بوله مزکن اراجح   سکا تقسیط اکدرردر قله حبح

کندک اکدرمک اوکور کارک   طوکر قرض ایلمیه لم انبارک

اوجزا اولور کورمز خیری   فقرانک نظر ندره غیری

قیمتی وقتنه اتسک کوزی بانه   محتکرلکدر اولیوا که جواز

احتکارک صوکی افلاسه چیقر   بیارا اول براوی صکره ییقر

فقرا دیده سی ایلر غارت   محتکرک کوردکی یوقدر برکت

فرضی فائده یاخود ضرر ایت　　سن جمله اهلك دکلسن جبر ایت
اکر ربحك او قدر اوله هما　　خانه‌ڭ اتمکنه ایلمز وفا
کلی محصول قیرادن راحت　　سکا اکر رعکه یوقدر حاجت
چفتلکك داخی مالی یوقدر　　مصرفی فائده‌سندن چوقدر
اولور ایچنده ایدرکن مسکن　　عیش و محنت قریشق بر خرمن
چفتلکی معظم اولور ثانی　　شکرانه‌سنی ایدر دهقانی

مطلب دغدغهٔ پاشایی

ای طرازندهٔ اقبال ابد　　وی نوازندهٔ قانون خرد
معتدل اولملیدر جمله امور　　لازم اعمال ترازوی شعور
بو درآسوده‌کی جوی مراد　　جریانیله ایده تعبیر ایراد
ورنه چون مصرفك ایراده کله　　راحت اول اهل و اولاد کله
حق ویروب واسع اولور حالکز　　ادخار ایله بر از اموالك
دفعةً اتمه تهی همیانك　　بچه بازیچه بیر وار دنیانك
فضله مال اولملیدر اتمه بنا　　ایلکه ایلیه حالکی بیهوده هبا
اولمسون مصرفك اولدقلو فزون　　که ضرردر اولورسن زار و زبون
مصرفك اتمه کوزم نوری زیاده　　نه قدر واسع اولورسه ایراد
ویره‌سن دائرهٔ جاهه وسعت　　نیمی خفته‌ده دراینجه راحت

باغچه

باغچه سیری اولور مطلب / یتشور نیمک ایچون بر مرکب

مصرف اخوره اولدیغی زیرا / یوربلور اتلو پیادندن افزون

نسخ ایدر قید صمانی سافانک / قشقی آلوده ایدر دامانک

جان سرشارده اولمه ممنون / درد کسا اولور بیهوده کچه افزون

دولت آهسته کرکدر جاری / فتح محدوده دکل سرشاری

ایکی ماسوره صواشه جریان / خانه‌ی جمله‌سی ایلر تاراج

طولدرر باغی اکرچه سیلاب / لیک ایلر در و دیوارین خراب

منصب و جاهه صوسغی اولمه / طلب عزت ایچون خوار اولمه

اهل منصبده بولنمز راحت / حال بیعزلده در ~~راحت~~ امنیت

ذلت عزلته دکمز نصبی / صرفنه سربسر اولمز غضبی

اولمه پاشالق ایچون آواره / طبل و سورنا ایله کرمه نارە

بغلمه طنطنه‌ی طبله کوکل / دوردن خوش کلور آوازده‌هل

پاشالق عمره سورر محنتدر / حاصلی درد و غم و قسوتدر

نامی بر کوکبه جاهی عالی / لیکن زخده کچر احوالی

خاطری منصبی کبی ویران / صورمه هیچ آخرت احوالی

ظلم ایدرسه یقلور خانه‌ی دین / اتمه بولمز اعوز تمکینی

حکمده که محنت اولنمه تعداد / دکمز او محنته مصر و بغداد

همای وهوا ایله ایدر عمرین کذر | حاصلی انڭ شر و خون جکر
پادشه قورقوسی خود رحمت سوز | عزل ناکاه قیامت اندوز
نوبنو وسوسهٔ کونا کون | قوت واهمه ملکار جنون
نه بلادر نه مصیبتدر بو | نجه دولت نجه منفعتدر بو
غالبا کوردوکمز پاشالر | باخصوص آصف صاحب رای
کیمی نفسنده نکوکاران صعب | حسن الخلق بیرانیان صعب
ملکی النفس ونیک خصال | صاف اعتقاد و پاکیزه مقال
اکثریده علما و فضلا | دین و دنیاده خبیر و دانا
مرحمت قاعده سینه ملتزم | متواضع متأدب مکرم
عاقل و دینده قوی و کامل | سوزی صادق نیتی خیر و عادل
معتقد زمرهٔ درویشانه | متوجه کرم و احسانه
واقف حال دعای فقرا | مائل زهد و صلاح و تقوی
نجه سردارکه تحریکی نجه میل | باشلو صربادلنمش تکویلر
نجه بی صاحب پرهیز و عفیف | میلی یوق حاله اولان تکلیف
نجه سر راضی اکل حاضر هندله | اغلر اکل جوعی اکرامنده
کیمی اندیشهٔ فردا ایلر | خوفدن موتی تمنا ایلر
لیک صرکرلرینک احکامی | ظلمه پیوسته ایدر انجامی

اکه

اتمه دابره سی بسلنمز | سوزی حکم الیده اسلنمز

ایلمز مرتبه‌ٔ صرفنه صعود | خاصلر نامنه خرج معدود

قالمش خاصه‌ده حاجی عبور | که ایده صرف ایده جک اقچه ظهور

انی اسلاف خراب اتمشلر | هر بری بیر یره الوب کتمشلر

بولمه دائره سی نشو و نما | انکا لازم قتیجه حوج باد هوا

منصبی اقچه ایله المشلر | بجز دینک دبنه طالمشلر

دینک اما نجه قت رنجیده وار | انی محتاج اوادر ناچار

یرلو یرنده ربط واشی | ناقص اولماز یاشلوه الالتی

بو قدر آکه هر کیتمش مالی | دکل اولداخی ربابدن خالی

منصبک مصرفی خرج نامعدود | هیچ اولنماز اکا تعلیم حدود

مطبخ و آخور و تعیین خدم | داخل و خارجی اتباع و حشم

قره قوللقجی ایله مهترلر | جوابه و شتروانلر

بیراو اسمینی کتورمه یاچ | نفقه‌ٔ عقلاکی ویرمه باج

انلرک حصه‌سی دکل هیچ قابل | اولمیجه او قیودن زائل

سرکارنده اولنلر جایز | اشلری جمله او یولده آیین

لابد ایلر او حرامی زاج | حیله صعم مصرف و هم ایراج

باخصوص اولنه تکلیف سفر | اک یقینی کوزه درست مفر

سفره کتمکه عسکر لازم — عسکره مصرف ایچون زر لازم

ظلمسز اقچه‌یه دستی ایرمز — خلق ایسه کوز کوره مالی ویرمز

کتمکده ایدیسه عمری کذر — بو کاو التمی دینور خاک بسر

بسلنورمی هله کورلیلر نهار — بونجه حیوان بو قدر خدمتکار

قره قوللقچیلر اولور عفریت — شیر درنده اولور مصر برایت

بیک نیاز ایله قبول اتمزلر — بخشش و شرخله بز کتمزلر

اشیجنک قورادیی اوغلم جانم — کتخدا دیر سیه سلطانم

صوره امدشه ایدن اغالر — زعمله هر بری بر عنقالر

یا سراخور و یا خو سر بوابچی — هر بری معتمد دولت ودیج

جمله‌سی کورکز کران قیمت اودمار — هپ عطکلرات اودمار حرمت اودمار

بشر کیسه ویرسه ایدر استحقاق — او نه راضی اولورلر نه حاک

باشنکه دینه ایسه غایتی یوق — درفش بکر وزره سنه طاقتی یوق

خاطری نقد کدرله ماله — کیسه‌سی کنج عدمدن خالی

اکلمزار مباشر ایسه — جور ایدرلر بنه قادرلر اسه

اوده غش ویرمکه خود قوتی یوق — ویرمک سمتنه قدرتی یوق

ویرمه جنبک شکایت حاضر — در دولتده مذمت حاضر

نشلو بو ارالقده باش — بو کاو التمی دیرم بن حاشا

طوته‌لم

خواه ظالم خواه صالح ایمسون عاقل اگر منصفی عادل ور دریادل اگر

ظلمک آیینه قویوب باد هوا منصبی ایلمسون یغما

دیر ایکن صلحی ابرار ارتکاب ایلیه ظلمی ناچار

ظلمه عالملری روا وار دردائم صورتا مؤمن و معنا کافر

مؤمنک تشنه در احوالی جانی منعدم مرحمت و ایمانی

قتلک نفسیله مباهات ایدر کفری شمشیر ایله اثبات ایدر

نامی فرمانده نظام عالم عالمک نظمی ایدر کندی عدم

انلرک ظلمنه وار ایده قیاس واردغی ملکده قورلرمی اساس

اغا ظالم و آج و عریان ویرمده هر بری حال المغه جان

ظلم تحصیلنه حکمت غربت ذکر ایدر ایچه و فکری خدمت

قنده بیورسک ایدر اثبات واردغی قریه نک احوالی

فکرتا راج وهب ایلیه رک یولده تخریب قرا ایلیه رک

نه تفحص نه خطاب ونه سؤال کلور اندن شده منت و کوپال

قریه خلقینی قومز تقریره بند ایدر بولدغنی زنجیره

دردمندانی دیز ودب صحرایه دست بسته کتورر پاشایه

اصلی یوغیدی حادثدر انک جرم قدیم | دکله فرزکه ایدر انجبر یکم
بولکا بکزر روحی چوق جور و ستم | چاک اولور باره کر بیاغ قلم
هیچ بر ملک دکلدر مخصوص | بر قدر بونجه بوتا راج نقصوص
اوزبک و هند و نصاری و عجم | بری حلقنده قومز کرد ستم
هپ بزم ملکده در ظلم و شرور | ایمشود فع خداوند غیور
بر بیله بر بیله ایده رک ظلم و ستم | طوتدی یوز سمت خرابه عالم
هپ عمارات جهان اولدی خراب | قوندی دهقان یرینه بوم و غراب
ملک معمور دکل بیوه ایرام | ایتدی ایرام ید اخل بیداد
شرعه او لمغله ضبط امور | اختلالات اموره ایتدی ظهور
زرعه طوله زمین خالی | قره یه چوج یر بوله فرکر مالی
مصرف ارتوب ازالنجه ایراد | نظم عالم بوزلور البته فساد
سلطنت شرعه اولنه تطبیق | نه اولور خصم و نه قطاع طریق
شرعله کمسه یوقشم طغیان | ایده مز ملکه مفاسد جریان
شرعده یوق ستم غدر و عقاب | شرعله ایده ملک کم ایجاب
شرعه امر صغیر طمع و بغض و غرض | ملکده زائل اولور جمله مرض

مار

جاه و جاهندن اولورسه کر امیر | خصم یوق شرعده کا اوله غمکین
شرعده کمسه یه صویلمز غربا | ظلم یوق کایده رعایا عصیان
شرعله ملک اولیجق آباد | ملکک معموره چیقمز ویران
شرعله اولسه عدالت جاری | بونلرک بیر بیله اولمز طاری
بولدیلر فتح عجمده اصحاب | کنج نشط صاندنه تحفه کتاب
هر بنیه نصح بازوی کنجه و | دیمش ای طورملوک بیرو
ملک طورمز اکر اولمز رجال | لازم آنا که رجاله اموال
مال تحصیلی رعیتدن اولور | باغ و بستان و زراعتدن اولور
اولمه عدل اولور رعایا طورمز | عدلسز چون اقامت بولنمز
عدلدر اصل نظام عالم | عدلسز سلطنت اولمز محکم
کوش ایده و حضرت فاروقی کز | حسن تفهیمنه تحسین
دیمش او حضرت امور [illegible] | حکمت شرعه موافق بو کلام تمام
ملکده ظلملر غفلتدندر | ترک احکام شریعتدندر
باغبانا ایچلک چشمه نی باز | باغنه هر کس ایدر دست دراز
صاحب باغ اولا بیدار ونیوچ | چشمه اولمزدی باشندن بولانوق

مطلب نهی قضا و قسمت

ای طرازنده ایوان خصار | وی فروزنده ایوان کبار

آنده زقوم جحیمه اقدام / الحذر الحذر اوله قیام

اوله اندان زنج اموال یتیم / ایتدی نهی ای خداوند کریم

اوله اللهی سورسان قدام / طلب راه قضا و فتوی

جاهلک قطع طریق ایهوه / رهزن شرع شریف اولمقده

بیله فتوایه قیر شمی تزویر / مجتهد قولنی ایلر تحریر

معجزت قول فتوای ایلو [illegible] نه قدر / چوقدر تحریف شریعت یوقدر

کاه اولور انده ده واقع تحریف / صد اقوال یه تحریر قول ضعیف

عصرده ایلیك قضا مشکلدر / حکم حق اولمیجوق باطلدر

سیما اکثر ارباب قضا / ایتمز احکام خدایی اجرا

حکمدن اول ایده حکمی افراد / اول الور قنغیسی ایلرسه زیاد

اوتهای دست که رشوت ویرمز / قاضی دعواجیه نوبت ویرمز

منشی اندیشه دین و دنیا / بر طرف واهمه روز جزا ۹۱ [illegible]

علمی یوقدر اکثری بی حد عجب ودرز / چشم محصولده رشوتده همی

الده اندازه وکیل میراث / ایلمش محکمه و شرعی دکان

پادشاه قورقوسی حق قورقیسی یوق / رشوته صحق قدر دینی چوق

استمه وایینه هدیه لو چوقدر / اسلمه مفلسی قارون چیقر

نیجه سی صورت حقده تکورینور / منع ایچون ظلمی جبار سوز بشور

قصد ا

قصدا اغلر کشور چشمنه دمی　　هپ ایدر زهر کلک اشراکنه جمعی

دانه باکنور اولکو ایدر اول زیر　　حلقهٔ چشمنی دام تزویر

ایتمکه حق طریقی عی طلب　　کوره بنور صورت حقده باطل

بلمیه بر دلی فطنت　　هانوز اول فتنه بیه حقانیت

سد ابوابه دکاکین ایلر　　نارسه شرث یولی تلقینی ایدر

نه نظر تقییده اولور نه تحلیل　　بو بوز اجرای فساد دینه سبیل

شرع نامیله تصلیبی ایدر　　بکد باشیه تغلیبی ایدر

حاکم عرفک اولور ظلمنه بسر　　کنندونک ظلمی ولی اندن اشد

کندوا قندوشر اولور باشاده　　الشته مقصودی بودر غوغایه

عسکرینک هله حالی معلوم　　یافتور اندره اولور مظلوم

اندره ظلم مدار اولمشدر　　جمع اموال اشعار اولمشدر

خادم شرع الهی اولان قضاة　　ایتمز ایشدکلری ظلم حسنات

جلبنه اله ایدر تقوایی　　هم ایدر ماله بزلتمایی

روزه لبس حلقه ایدر زمانه　　طعنه دن ظالم عتب جرحی امان

کیره کیره الن مال یتیم　　تو تون ایچمکه دکل جرم عظیم

جمعی ایدر کیره یه مال ایتبوه　　تو تونک کیره یه اندن فکروه

دخل ایدرکه کیره یه تو تونه　　باقرادو غلنکر اماکه تو تونه

رشوتڭ و آتنه سوزم اما | انجه سن الور اولسه دعوا
دخل ایدر کورآ اکر خاتم زر | زر بیع اما که کران ورنه ارزر
کیجه اطلسله قوجار محبوبی | طوتمز اطلسی کیمسه مکتوبی
رشوتڭ ادینی قومیش محظور | کیم اوله اتمیه حصولی قبول
عرض و محبت نه کوزل نامی اولور | جزوی سیر ذقنی حق خرمی اولور
حیف و احیف که شرع شاد آب | نیجه رشوتله اولدی خراب
ظلم دستنده دوشدی حیفا | شمدی سررشتهٔ شرع غرا
لعنت اول حاله که شرعی حاکم ترک | حکم مولایی قویوب شر ایدرک
حق ابطال ایده‌یکه رشوت ایچون | دینی حاله ویره سن دولت ایچون
بونی فکر ایتمیه سن ای کمراه | که شر قله بودر اول شرع الله
ای تعظیم ایله جبریل امیجا | ایتدی ارباب شرع حسارت بیجا
که حقک قوللرینه خیر انام | ایدرک ابلاغ امور احکام
سن نه زجر ایله بوزارسن ظالم | هیچ دیمزمسن نیجه اولور حاکم
ارتکاب ایده‌من بو خسرانی | حفظ ایت حقه اولانه ایمانی

مذمت بازیچهٔ نرد و شطرنج

ای کرامی هنر یکمال | اولسون اوبیره کوکلکر بولار
اتمه بازیچه‌یه قطعا رغبت | اولمه بازیچهٔ دست غفلت

اولمه

اولمه دلداده نرد و شطرنج — كه اولور آدمه سرمايه رنج
علم جهلندن اگرچه خوشدر — شغلى بيهوده ماللى بوشدر
بارى اول اعلم علم جانش مروا — نيرايه يتشكه ييز دانه
وار ايكن مصحف و ذكر و صلوات — اتمه بازيچه يه صرف اوقات
محض لطف حق اولان نقد نفس — حيفدر كيم اوله مصروف هوس
بودر اكله واراية عرفانك — دم غنيمت ديدوكى بازارك
حيف كم مايه اوقات تقصير — اوله غارتزده مشغل جيس
مكر ابليس در اولندو ناس — اولمه بسته عمل وسواس
لعب و لهوك صوكى واويلا در — واريه فائده سى غوغادر
گرچه آسايشه برآلتدر — دقت اولنسه عجب غفلتدر
خنده يا قلقله لهو اندر لهو — لك بابى بده سهو اندر سهو
طفل نوساله سزادر بازى — ايلمه كودك ايله انبازى
عادت مردم سزاوار رجال — علم و عرفان و عبادات كمال
اولماز ارباب دله حالت خير — استهزا انبار ودخنله باجير
مردم حيوان كمو كى ذوق و مدار — ايلمز عقل انديشه زار
بر زمان اولده اولوب مائل جاه — كز او دنياده سنك كبى هماه
سكا حرث ويره جل بيره فنا — سن ابدريك انى الاث هوا

لعبه مستغرق اولانلر کوردن اولور | کسب دنیایه بیله رغبتلی اولور
لعب غمدن دلکی صاف ایله | کوره لایقمیدر انصاف ایله
عملک اوله تعصبله ستیز | کیش و مات ایله کچه عمر عزیز
دوکن داتمکه ویرز فرصت | ششدر دهره یوقدر راحت
ورشش امیده ایدر زار اولمه | یلوارب بر کوکه خوار اولمه
کرچه عبرتله بقوب اهل نظر | ایکی زاره دیدیلر شمس و قمر
ششدره شش جهت کون و مکان | بولدی لیل و نهار دوران
بولدر تا بعی خود جنبش زار | بر برینه تکلم لیل و نهار
ذهنی تشخیص ایچون بعض کبار | ویردی شطرنجه انا جمله قرار
بو العجب نقشدر الحق شطرنج | سر ایله طولو بطولو کنج اندر کنج
جمله بازیچه لرک احسنیدر | خانه فکر اونک وزنیدر
هیچ منصوبه دوشنز شوق انکیز | هیچ بازیچه کلور حیرت خیز
شبهه سز خروج اولور سیرندن | کلمز اول حرف وصفا غیرندن
سنز اولمسه صفحه نقش عالم | صورت مهره که اهنده حجم
بر برینه متغایر الات | بر برینه مخالف حرکات
هیچ مهره بر بسی حدندن | جیقه مز بر بر سر بندن
اصلی بر ایلک مخالف صورت | صورتا ایلدی شرشیب حرکت

ات قو یاره غم زمانک کردخیال فرزخود کامه اولورتنک مجال
ایدر اولورسه بو بازیچه نکون هر بیاده شه دورانی زبون
ایلدی عکسنه بعض الات شاهچه ینه ایدرسه دخی مات
عقلنک صدر رشیدر استادک اوستاد تابعی استعدادک
ایتنک بوقدر اوبوغلره خبر ظاهر اوستادینک ایده اثری
بوکه دائر دخی چوقدرنجه راز کشفه باشلنسه اولور قصه دراز
لعب ولهوا ولدیغنه دنیانک نصی شاهد یتشور قرآنک
جمله بازیچه لر وار غریب فتح اولور هر کیمه اولور آنصیب
لیک اصحاب نظر نادر در اهل لعبک نظری قاصر در
اوینایانک ذوقی ایچون اوینانیر بیلمیون ذائقه یی فانیر
بوشهوه چو شرن رغبتنه بورده مزلر اوبونک لذتنه
لعبه محتاج دکلدر عارف سرن بازیچه سز اولوردا وقف
ابتلام تبه سنده نجه لر اویمز جهجه دکی اوینارکچه لر
دوشر ارایه تعصیله عناد حدت نفسیده ایلر امداد
قوبار خصم ایله دعوالر اوبودر اخرت ودنیالر
کندی دعواکی حمد رطلالر خانه اهل ویه قالورلر
بیلمیورسه اولور احوالی خراب خلقه دشنام ایله دونر جواب

نیجه‌سی کینه و دیه دشنام ایلر   کینه و بس مسخرهٔ عالم ایلر
ذوقلکدنده چوق محنت اولور   سیر ایدنلر اوصانور ثقلت اولور
ظن ایدر ذوق بونی چوق الحق   مبتلا ایلمیوب کیمسه حق
علم تحصیلنه کلدیکچه ملال   ذهنی تشخیص ایچون اولدقده حلال
اوله‌مایه‌لیک شوغله دائم   کاه بر چیده اوله که قائم
مجتهدده بر قدر در رخصت   اثمه اوقاتکی وقف غفلت
بو قدر در حقنده شطرنجه جواز   ششدره لیک آکه ایمه دراز
بزمک اول لعبدن اولسون خالی   چونکه جائز دکل استعمالی

مطلب خواجگی جوازی

ای قلمدان کتاب امار   نظر انداختهٔ حسن مآر
کر استنبوله قوشتر سفرک   منصبه اتمه تعلق نظرک
اوله رهبر تدریس قضا   قاضی عسکر اولورسک فی قضا
صانمه زنهار که راحت طریق   امر و سایلشی بو قدر تحقیق
او طریقک خطری حد در   انتظاری اوله ممتد در
سلسلهٔ قید اولور سودا   پایه‌لر موصلهٔ غوغادر
اول خیالی ضرورتدر که   کرچه کیم اخرج غلبه کچ
اول و آخرینک راحتی یوق   غزلهٔ منصبنک محنتی چوق

ایله

اللیدر صکره او کون اهل عز / چو متعلق حلب‌دن شاده گیدر
عزم ایدر اتمکه منصبده صفا / اکا هر ایلر ایسه عزم وفا
نه قدر تحمل نیاز ایلرک / تا ملک روینجه نلر چکه‌جک
ضعف تن نقص قوی هنگامی / طی ایدر جاهده مصر و شامی
اوینجه قوت ذاتی راسخ / اولور اسباب هوایه مائل
ایدر اقصای بلاده سفری / صورده یوللرده کی خوف و خطر
وارسه منصبه راحتمی گورر / باشنه غوغاده سلامتمی گورر
اهل بلدیله مواسا ایلر / که مدارا کیمی غوغا ایلر
دینوی دینینه ایلر همت / اخروی دینی قالور در ذمت
دکلور غزلره فانده نکات / اکا چاره ویره‌رک اتمک اسکات
بر نجه منصبه ایلر سفر / حدی هفتاده ایدر سنی گذر
صکره استانبوله اولور صدرده کلور / طی اولور روز شبی قبرده کلور
راحت و محنتی صدرک معلوم / طول و اسیشی امر موهوم
انده چ یوقمی ملک بیم و خطر / ایندرر راه کامهی سفر
هر کون الدن جفر صدری فقر / اولور اخر وجع صدره اسیر
قرقله کرچه ملازم سکس / او قیوب یازمغه عازم کس کز
بودر احوال طریق ایله شکیب / ایده حق خیر ایلسن سالکه نصیب

بابورم اهل دكلسن اقا اولمه جوبای طریق امنا
مال میریه قارشمه زنهار ایمه علتنكه میریه مدار
بی خیانت ایدەمز کسیه حرکت کورمز ارباب خیانت برکت
مال ایچنده بله کسیه ایش بتمز بر ایلیك هیكره بیانه کیتمز
قوصدرر رانی هنگام حساب باحصول اوله حصولك نتاب
بن امینم دیو هیچ اولمه امین کیم صبار زیر ایله شکرده بلیع
تولیت جانبنه میل اتمه خانه کی بازه سیل اتمه
ایمه مالینه وقفك اتلاف کر مسون جیبکه مال اوقاف
شرط واقفله قناعت مشکل اتمه وقفه خیانت مشکل
متولیلرك احوالی تباه حق حضورنده اولور روسیاه
طوته لم کوردی حسابی کتاب نه ویره واقفه محشرده جواب
انجذاب او وزره ایر منصبه جان حق ویره اوله کسه اهل جوان
کوره دم بر ده هله لوجه الله خواجه لقلر قدری راحت ده
جمله نك معتبر و اس بنی منصب خواجه کی لیکن حرجی
خواجه لقدن بری اولدور نصیب سوز ربی بوزکه اتمه شکیب
عزت اولمز او قدر یا نمره چوق شر قدر هله وجر المده
هب کمال او وزره اسباب دولت عزت و رفعت شان و شهرت

چونکه مقتضی مقتضا چونکه مقتضی صح

عبرلر

غیرتلری کلوب جوشه توقع | سینه اول طائفه دن راحتی یوق
باخصوص اولسه پسندیده صفات | انکا منضم اوله معموره ذات
عقل و عرفان اوله علم اوله | ادب و مسکنت و حلم اوله
استقامتله اوله معرفتی | پاکی و تحسین اوله هر جهتی
اولمیه طعنه یه اطواری هدف | منصبه ذاتی ویره عز و شرف
اعتماد ایده ملوک و وزرا | اعتبار ایده صدور و وکلا
اوله خیرلکش دین و دولت | خیرخواهنده ملک و ملت
بوندن اعلادر هر نیتی اولور | مرکز امن و سلامتی اولور
حق ویره او کس اهل قلم | خواجه لقلره دیانتله علم

نظم امیرشم قصیدهٔ اکسیر

ای زر ناب عزیز عز الخلقت | معدن آرای جهان حکمت
کیمیا سازلر ایتمه شغف | ایلمه مالکی بیهوده تلف
اولمه زنهار بو سودایه اسیر | اوره جق حالده دیکلر اکسیر
بوقدر سیره ایتمه نهان حبابنک | بوته یه قویوب ارتمه جانک
کیمیاکاره صنعت صاحبه | مبتلانک سوزنه الدنمه
اسم وار جسمی ولی ناپیدا | کیمیا ایله جهانده عنقا
مال الحجوده مالکی سوزان ایتمه | حاضرکی غائبه قربان ایتمه

[illegible]

حاجه کیم شعبه لری ایتمه قیاس | که مس انده ایده تبدیل لباس
کیمیا صنعته که صنعتدن اولور | معجزه یا کرامتله اولور
بوکوکرد و کومرائلر اولماز | کار حق نار ایله صورت بولماز
ذهب و زر ایچون کوکرد و زیبق | مس اولسون مدار رونق
اکا نه قرعه نه انبیق کرک | او نقدر اکا توفیق کرک
چو علم حلی ایچون اتمش | کیم کوردی ایشی التون اتمش
قالور ارابه حقه صره سی | انیلک کیمیا بونک قره سی
صورتی اشبه فرضا تغییر | صنعت اولور اکا دیمز اکسیر
رنکنه صنعتده ویرسه تاب | قزل ایسر چوقر تیزاب
نه قدر چلبه تغییر ایلک | قالسر ایدرسر زمانینی محک
بوله رنک ذهبیت تملیکی | هیچ تحقیق اولورمی محکی
قلب اعیانه اولورسه امکان | کیمیا فعلیده اولور اسان
قلب اعیانه حقایق چو محال | کیمیایی دخی بیل محض خیال
بنقه کوکبلری واسم ورزک | اورنع اسرار خدادن خبرک
بولان اول کوکبه تسخیر نوال | اول ایدر ایسه قلب اعیان
اولیا نکده بودر اطوار | بونه صنعتله دکلدر کاری
ادره من نوع فرسبه سر اینز | قالی بقمه بو چلمه نسوتس

هیچ تحقیق اولورمی محکی

[illegible]

اثمر الا کوزه در اذن خدا | انلرک مشهد بدر علی رضا
بو زمانلرده اولور اکسیر | اولماز الا نظر شاه و وزیر
اهل دنیایه دزیر اولمکون | اهل عرفانه امیران و ملوک
مبتلادر فتنه چون لمعه بوکا | هر بیه اولمدی الا که رسا
کیمیا ایتدی چو غیبی سر کردان | قلب ماهیته خود لوا ملکان
خانمانن بولسا دون نیجه امیر | خام سودایه دوشوب اولدی فقیر
دوشوب نیجه لر بنده دامه | کیردیلر مالدن اوزک دامه
بکزر اول کیف خوار مغبونه | دوشر غیر بیده افیونه
ایبوب زیر زمینلرده مکان | بیم بصقندن اولورلر پنهان
قبا توب شبپره دشن گوندزلر | جیفه مرجعیجده ملوزلر
یربیرر زیر زمینلرده مکان | بر هوا اولدی کور بر سندان ∴
ایلی یوق اوکرنه عار و فاکر | صرف ایدر تجربه یه اموالی
چوریدر بر عمله خلیجه مال | بوله مز انده ینه جار و مکار
عمری بر طبخه ده تنبر ناچار | بلکه اخراج ایده بیته لکار
بو عجب چوغی دکل طالب مار | کورمکه استر نجه اولور صورت حال
کاه تحلیل و کهی استقطار | ازمایشده کچر لیل و نهار
حل و عقده جانشور شام و سحر | که بوله دست رس شمس و قمر

برجی نار ریده اولکور بر تاب　　اوچه مزاوجی حقیقتده عقاب

نار ره چقدیکی اولور عقدن عجب　　دستنه نیشتر آکور عقرب

طلبی حکمتده بایلمز بو بنا　　ایدر اجزاسنی تصعید صبا

کیمیایه ایلر ایرمز ناچار　　تکلیس ایلمکده ایدر کار قرار

کیمیا و قوه سی هپ قدر اما　　بری مشهور درر اید اصفا

بر زمان ایچره مکر بر عیار　　ایلمش بر بچه التونی غبار

ایدوب آمیخته چند اجزا　　قومش اوینی طراموری خطا

صانمش اجزاجی عطاره　　المش اول وجهله بر قاچ پاره

عرضحال ایدوب او شهه شهنه　　ایلمش وضع جنیه درکهنه

دیمش ای پادشه عالمگیر　　بنم اله ستم و فنوی والیر

بیوره و کوره قولوکه حسن نظر　　ایده یم کنجکلی بر کوهر و زر

شبهه ایلر سک اگر انمده ساز　　بته الحمد در تجربه باز

بر نمونه ایده یم سکه عیان　　کنده وحشمکله کوره جکلره اینان

بو سوزی ایشیدنجک شاه کرم　　میل ایدوب خاطری اولدی درم

دیدی کوستر کوره یم صنعتکی　　بله یم مرتبه قدرتکی

یازدی بر دفتره بر قاچ اجزا　　بر نیک آدی طراموری خطا

دیدی اما ایدکه بزلر عجب　　حضرم کوستره یم سکه بو شب

[illegible]

ادلمرب

اولمدی لیک چاره اوزون پیدا　　دیدی اکسیر آرای جملک ارا
طرح ایدوب بوکا چون ذات اعظم　　کیمیا اولمز اوله اولمزسه اتم
شاه تاکید ایله ایتدی فرمان　　که بو نموذج گرک البت بولنه
هر بری بینه کیروب عطف رکاب　　ارادیلر انی هر کان و دکان
عاقبت بیری دیدی بر اجزا　　بنده وار نامنی بلمم اما
کوتوردک بلکه بودر مقصود　　دخی یوق شهریمزک موجودی
کیمیاکر کوریجک دیدی بلی　　بودر اکسیرک اتم عملی
کردی تنهاشه ایله بر جایه　　اوردی حیله کوردکی اجزایه
ایدوب اجزایه حیله اتلاف　　قدره‌نک قعر بینه چوکدی زر صاف
صورته بیقوب ایدوب استجلا　　بر سبیکه زر ایتدی پیدا
عقلی الدردی کوروب شاه　　دیدی تحسین ایدوب ای رند جهان　　زمانا
افرین لیکن هم صنعتکه　　فرع اکسیره اهلیتکه
لیک واری بوزی تکمیله سبیل　　طرق اولنجه انک تحصیل
دیدی اول رند اکسیرنا　　اتمک ایستر سی ملک خطا
دیدی شه بینه ملکیمس کیده سن　　غیری بلمز بو ایشی سن ایده سن
دیدی فرمانک اشه جهانا　　ایده یم بو که جانم قربانه
ویردی اول شاه اکا چوق مال و منال　　ایلدی شهری خطه ارسال

[illegible]

نیجه نائل اولان اکثر نیدر | اوکیدر شدر که کیدر دواعی کیدر
بو خبر له طولوب افواه جهان | اولدی حیران عقلای دوران
دارا ایدی انده مکر بر درویش | عالمک بی خرد متنه ویریش
قنده کورش ایلر ایسه بر احمق | دغره عادتی ایدی یازمق
کوروب اولدوغنی شاهک کاهی | دفتری یا نسنه یازدی شاهی
ایشیدوب شاه انی ایتدی احضار | دیدی ای ناحلق تباه هنجار
سویله واقعی بو نجه بر انکر | جمله وارمی سنک اثباتک
دیدی بر دزدی مجهول الحال | الله کورش اوله مبلغ مال
بر دخی سمتکه عزم انشوغل | عقل و دانش بونی جزم انشوغل
بو قدر مال ایله اوزرانه | کلمز اول اوله مکر جوانه
کینه دن خاطری صاف ایله | یازمیمی سنه انصاف ایله
دیدی انه یا کلیجک نیدر سوز | اول زمانده نه جواب ایلر سوز
دیدی شاه هم وار انک اسانی | منی بوزوب یازارم بو اینی
هله بر بلدکم ای جان پدر | علم اکسیکی انجق بو قدر
دخی اعلم دارایه بر بلیم | اوله اعلم دخی دکل ابند اعلم
بدرک بندنی کوش کمهر ایت | دانه جک ورده کلدر جنده ایش

در بیان ضرر نقل کلام

[illegible]

اله

155

اتمه زنهار صقین نقل کلام — اوله با زنک کلام ونمام
ها ئله بر فائده دلالی — کیده کوش کیرن اقوالی
اوله رافع علم وسواسی — بری بیر بیره دوشوره نلسی
دهنک اتمه اقوال — دیمسونلر سکا نقال مقال
بزمدن بزمه گوتوره سخنی — ایلمه صندوق امانت دهنی
دهنی کوش امانتکار ایت — که صورر شرف انکار ایت
حسن دیندر دیدیکی معنی — ترکی لا یازم مالا یعنی
نقل مجلس ایدر ایه افساد — ویرر اسباب مصافاته کساد
قوپر رفتنه آشوب وجدال — گاه اولور بلکه مودی قتال
کیمه داول شیمکی نوحصفت — اولور اواره کوی محنت
اولور امثال ارسنده مذموم — مقدمی خلوت شماره ایلر شوم
داردغی بیر ده سکوت ایلر — صاقنک کلدی منافق دیرلر
سارق معنی وجاسوس پیام — دزد جابکر وکلای کلام
نقل مجلس ادیه چیبر وشکیب — انمسون لکمه ایسه نصیب
خواجه مسلکه آموز ادب — دیدی مجلسلر امانتدر عجب
عیب وصد عیب که اهل اسلام — ایده تحریف شرازوی کلام
بو غرضی بوش نه سبکله اراوده — که سخن نقلنه سرعتله صولور

[illegible]

نقشنه ایکن نفس جبر ایدرز — صدد اچلمغه جسبر ایدرز
بوش مدهر نه ایچمایک — باشنی اشاغی ایدر انبانک
نه اشتمش سه انی نقل ایلر — بر زنده کبی سندن سویلر
سر که طولو معنه نکبزر تمام — چاتلر اغزینه اکر نقل کلام
حب الوجه غمدر غماز — که اولور کوچوکی غملر انبار
محنت غیر بدن ایلر او حضور — کیمده کم غم کوره او بولور سرور
دل الی قرشو تا دهن سردن تغنک — بر نفسده قوپر شعله جنک
انی دور کارا ایدیجک ایقاج — دونر اول بیر ینده افساج
دوره من نقلینی ایدیجه تمام — بر عشیله ایدر اندنده قیام
ینه بر مجلسه جانب اتر — انده هم هر نه اشتدیسه دیر
بو یله بو یله ایدر نقل کلام — طولاشور اخشه دک شهری تمام
طبعی بو عادتی بو کاری بودر — روز و شب نخبه افکاری بودر
بر خصومت بر اغور اول بدا صل — نسل و اولاده سورر اولمز فصل
ایکی فرقه هدف محنت اولور — صلح اولور کتر ایسه لذت اولور
که دونه ایتدیکی اف دلده — ارا لقده صاتکور کتدی بیله
اخرتده هود انشیه واویلا — قتلدن فتنه اشد دیدی خدا
بیلک اخبار رجوادث نجه حز — انمش اغزنی قولاغی وقف خبر

اوده

اوله قونوق میردن اولادی اگر ایدر — اولورلر بعضیسی حال ایله خبر

کندی شهرینه کلن اخبار کی — اولورا چلبیلر اول بازار

صاحب انمدن امر بنه قیام — اول بابده اشره شهر نظام

فروع قوتن عزلی نفسی خبیر — نائل اولدی ایدی اول دربدری

کندی عقلنده اولان کم خرد اولا — اشتماعیندن اولورلر داغ

هچنوز علمی نحیه عقلا — بری بیر بندن ایدرلر اخفا

دردی النده خود اولان بی خبر — شایعی دانش او بنودمش اکثر

ایکی اقتصار ایر بیر که کذر — بوبنده بوبلر ایله قیمتلو گهر

نو بنوا تمده دو النده ظهور — کو بنده صد کونه ایکی کیسه امور

مجلس حضرده اهل تدبیر — قائل اولماز بیری ایتمه تقریر

طرفه دریچه دان عالم — نادر الجمع بوینه اکثر آدم

حمد لله هلال حج تا پدر — سنده بیر قدر بو صفتلر تا انبر

بنه امیدم اودر کیم الله — سنی بو عائلهدن ایده آگاه

شتربله اولمیه سن آلوده — تو جهانده اوله سن آسوده

مطلب لازمهٔ حکمت و طب

موهنه فرضدر ای روح روان — علم ابدان علم ادیان

طب را قوای مهمانشامور — ایکی منکر دکل الا مجنون

یعنی معموره جسم ایلمیه طلب   تلف نفسه اولور مستوجب

اتمسه اجزاء و عقاقیری جدا   مرض علته اسباب شفا

دینور آنا او طبیبه حاذق   که اوله اسم حکیمه لایق

چو فنون کوره که محتاج اوله طبیب   هر بریندن اوله بر نبذه نصیب

اول حکمت و هیئت لازم   نحو و صرف و عربیت لازم

هم مجرب اوله هم اهل کتاب   اوله دانای خواص اعشاب

محسوس نبضدن ایلیه تشخیص مرض   اوله سبابه سی جاسوس عرض

طبع اجزاء و عقاقیری بیله   کشور جسمده تدبیری بله

ایده قانون ایله تدبیر دوا   اتمیه تجربه یه خلق فدا

اوره مرضایه دلیل صحت   اولمیه تقویه داء علت

ایده تدبیر تحیرله علاج   اتمیه جهله افساد مزاج

ط اتمیه نشتر جهل خونریز   اولمیه راهزن عمر عزیز

شربت ایلیه تسکین مواد   ایده تعدیل طبایع اضداد

دینمز او شخصه هر کاره حکیم   کاده سی تجربه ویره تعلیم

بریه خود بخود طبه اوکرنسه لکدر   نه طبیب اول مرض مهلکدر

متطبب قتی چوق شخص غریب   بلمز کندی خیالنده طبیب

بر نیچه حرف طبابت قاپمش   کندویی نقد فلاطون یاپمش

[illegible]

الم

153

المز اصلا نظره بقراطی — کندوشن کردن بلور تقراطی

اندکده چوغی اما که غلط — کرچه کن دیرسه اکر زعم فقط

اصطلاحات سوزن معناسنی — شربت و حقنه بیار اجزاسنی

رطل و یا بر سنجنی بیتر یا — بر نیک اصلنی بلمز اما

سوز ار اسنده صانر یا ارد — صانوز اما کراسن دیار

ظن ایدر دار اشتبه کلمات — دیر مرکبت بیله زعمی ذات

دردی یا قچه یا خود شهر تیدر — فن حکمت اراده التدر

زعم دار او کمر دنه من اجهلند — اولدی آرسته ارجح بند — اهلسن

قنده کم خسته کوره بیشتر — یا انسوز نبضنه اما بیچ

قبضی فرح ایلیه مبتلا — صفوره یک اهلیه جحر تره

ایلر فرق سفوف و معجون — صنوز افیونه دیور افیمون

ایدرانی [illegible] مکلیت — پیشور زعم در خسته یه شفت

کورسه قاروره صنور جانکم — شاف حجلی صنور کافه

دیمز اسباب ملینکه شاد — قبضه اما مکلا ایله اعداد

ایچ سودایه دیر ایادی — فانی الور قنده کورسه مالی

ییدر ر خسته یه باقلالی — قوفود ردی تسل حقی

ایچ و یردان تعاله تدبیر — ییدر خارمزاجیه انجیر

[illegible]

بو ییله ورشتهٔ طبیبان زمانه   اکثری جاهل احوال بدانه

اقتضا ایتمیجک بو زمانه تنک   تحفهٔ تجربه ایتمه بدنک

اقتضا ایتدیکده مر با خیر   رای حذاق ایله تدبیر

رشبه   ایت مداوا ایله بولنجق اوسته دل   ورزش قیل ایسکه استعداد ال

لحیه حلقیدر او طب نبوی   طب شاه حکیم مصطفوی

معده یه چونکه دیدی بیت الدا   حمیه حقنده دیدی راس الدوا

ایله بر قاعده یه بنیش نهاد   ایتمه زنهار بو مقداری زیاد

ایله بر سهری محافظ بدنه   کر مسوا خصمی مرض قهر تنه

فصل نیسانده کرک فصد و نبیث   اولدی مستوجب حفظ صحت

چارشنبه کرک ایشر بو دوا   عملی معتقد اولسون اما

فصد سه شنبه ایار ودی روانی   ایله مدهم قدر انسون جریانی

حقنهٔ لینه نک نفعی کثیر   علل معده یه در فواکسیر

بو نلری ایتمه ورابینه کذر   چارشنبه [illegible] ایله حذر

حق سنی ایتمیه محتاج حکیم   طول عمر ایله ویره طبع سلیم

مطلب لازمهٔ خیر دعا

حمد لله که تمام اولدی سخن   اچه لم ادعیهٔ خیره دهن

حضرت حق سنی مسرور ایلسون   غصه دن خاطرکی دور ایلسون

[illegible]

دیلم

خیر ایده حضرت حق الی بک | اعتدال اوزره کچه ایامک
ویره سوز ایته سکا عمر دراز | اوله سن علم و عملده ممتاز
اوله سن قائم محراب صلاح | بوله سن مرتبهٔ فوز و فلاح
اولمیوب خلق و حقه مبغوض | سنی ایته ایده محبوب قلوب
مسلکک اوله رسوم آداب | خلق سندن ایده آزرم و حجاب
آستانک اوله ماوای سرور | خانداننک اوله مشتاق حضور
جمع ایدوب خانه‌که خیر و برکت | کرمیه کیره که مال رشوت
لقمهٔ زهر ربا بیمیه سن | نه کوزل بادهٔ هوا دیمیه سن
لشکر عون مددکارک اوله | صانعک کون نکهدارک اوله
اوله سن دغدغه‌دن آزاده | اوله هر استدکک آماده
رزق ایچون چکمیه سن رنج و تعب | نعمتک اولمیه محتاج طلب
ایریشه نعمت حق بی زحمت | حاسدک کوره ده دون احمت
بوله سن نعمتی بی سعی و عمل | کوره سن راحتی بی جنک و جدل
احتیاج ایلمیوب کیمسنه‌یه پشت | فخر ایده‌ویره سن اوله سن بالادست
دهنک خواهش بار اتمیه سن | نکره ید غیره نیاز اتمیه سن
کشف حال اتمیه سن بی درج | التجا اتمیه سن نامرده
هر نه نیه اتسه تعلق نظرک | اوله آسان تعلقه ماحضرک

غیری اوله قدر آشناسی بولنه سنده انک اعداسی
یاشله چشمی پر اشک اتمیه سن کمسه نک حالنه رشک اتمیه سن
قلبکه بولمیه مدخل اوهام گوزلرک گورمیه گرد الام
دوشمه اول محنته کم آه ایده سن گوزمه اول غائله کم راه ایده سن
کمسه نه جلب ایده سن خشیت و بیم وسلکه کی اوله ستار کریم
خاطرک اولمیه یا مال ملال ایرمیه دولتکه دست زوال
هیچ حمیازه غم چکمیه سن عمرک اولدقجه بشر چکمیه سن
سنکه میل ایله ایکی گوهر اوله طبراغه ال اورادرسک زر اوله
فتح اوله مخزن گنج غیبک نقدی اولمیه خالی جیبک
اولمیه مقصد رخواهش دهنک گوستره بازماق سخنک
حالدن اولمیه خالی بو حنک تازه دن اولمیه خالی اوجنک
لطفدن بحر یه دست اچمیه سن خلقه لطف ایلدن قاچمیه سن
لبک اولسون سخن ارا کرم دهنک ماشطه لفظ نعم
چوق اوله مالک ایله اولاد اره اولاد ایله ایراد
مظهر موهبه حق اوله سن ایو اولادله موفق اوله سن
گوره درد و سر چشم و دندان اولمه محتاج حکیم دوران
خلوت عزت اولوب شکده رث مقدی قیت اغو شکده

زیر

159

زیرا انکه اوله توسن کام — اوده سن تاثیر کلکشت رام

دارهء سن سیر گلزار باغچه — باغدن باغه چمندن باغچه

ملک گلزاره اوله باد نسیم — دقت اوقاتک اوله نازو نعیم

اولمیه باغ دلک بی برگ و بر — کمسه دن اولمیه سن آزرده

خاطر خصمک ویرا ایده حق — جمله مشکللرک آسان ایده حق

دشمنک واری پامالک اوله — خلق پروانهء اقبالک اوله

کمسه دن کورمیه سن چین جبین — تولدغنجه بلمیه سن آه و انین

دشمنک خنده سی حسرتک اوله — سینه سی پارهء آتش اوله

اوره سین مهر تمسک دینه — بلکه هیچ کیمسه یه سن ما بینه

کمسنک اولمیه سنده حقی — کورمیه تحته کا بانک حقی — دقی

خصمک محکمه یه کتمیه سن — امر شرعک سوزینی اشتمیه سن

مال و ملککده ضرر چکمیه سن — صحتی عالمده کدر چکمیه سن

داعی صنع جمیل اشلیه سن — خلقه سن حقلی باغی بلیه سن

دعوته — کمسه یه کتمیه سن بر دعوت — خانه دن چقمیه سن بی رغبت

دائما خرم و خندان اوله سن — جانه یوش سر دمساز اوله

ماه شعبانکه بقیه شعر — کرمیه مجلسکه هر دکلر

دست بسته دوره احکامک — عیش و عشرتله کچه ایامک

یا بیدر بب بتازه جام — کتمه لکید ریعیس خدامه

یا بحال نقلا اولمیه سن — طعنه کار عقل اولمیه سن

بولمیه طعنه محل کمسه سکا — دیمیه کمسه برو شمر دی اکا

ایلمیوب کوکلکی کار دوق خراب — کوکلک اولسون سبب خنده لبه

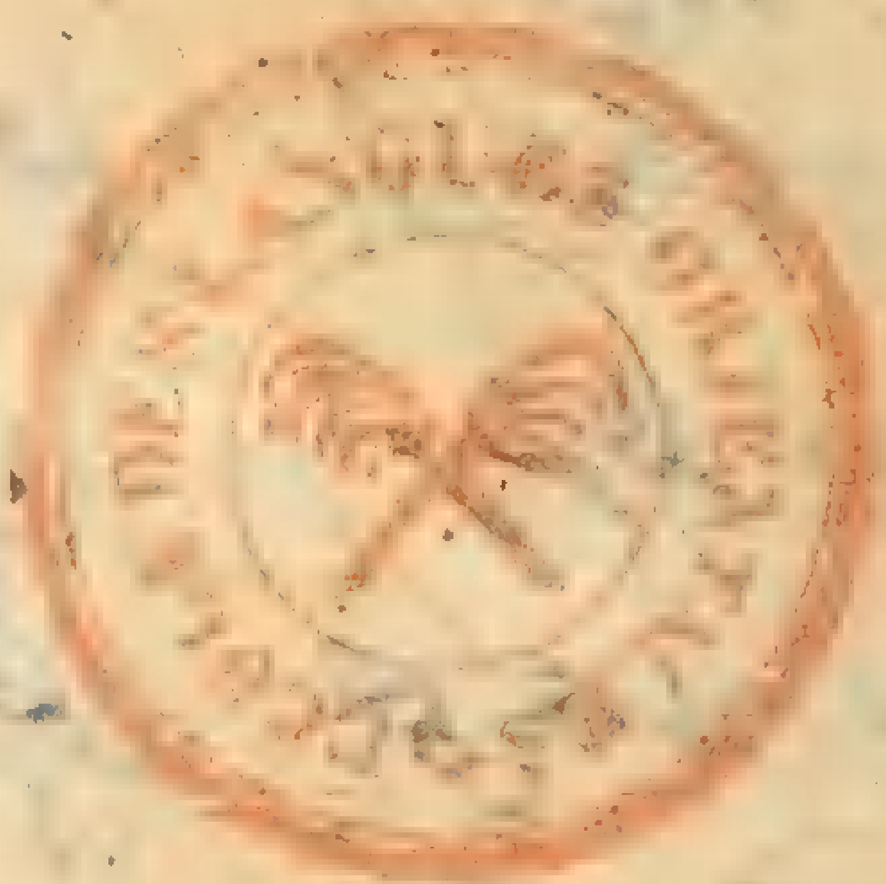
هر شبک قدر اوله هر روزک عید — کوره سن بولتده عمر مزید

چون ابو الطیر قونلدی نامک

خیر ایده حضرت حق انجامک

تمت تحریرا فی ۹۹۲ ن فی قلبه

٢٣
١٧
١٦١
٢٣
٤٩١
٢١
٤١٢



167



162

